



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# فرہنگ اخلاقی

معصومین علیہ السلام

سرفراز

احمد رفیقو انفر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام (حرف ر)

نویسنده:

احمد رضوان فر

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۶	فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام (حرف ر)
۲۶	مشخصات کتاب
۲۷	اشاره
۴۷	دبیاچه
۵۱	مقدمه
۵۱	اشاره
۵۳	راز و رازداری
۵۳	اشاره
۵۴	مفهوم راز
۵۶	۱. انواع راز
۵۶	اشاره
۵۶	الف) رازهای شخصی
۵۶	اشاره
۵۷	نکته ها و پیام های آیه
۵۹	ب) رازهای غیر شخصی
۶۱	۲. آثار رازداری
۶۱	اشاره
۶۲	الف) تکمیل کننده ایمان
۶۲	ب) قدرت اختیار و امنیت روانی
۶۲	ج) خیر دنیا و آخرت
۶۳	د) عزت و سربلندی
۶۳	۳. افشای راز

۶۵	شرایط رازداری
۶۷	آثار افشای راز
۶۷	کلبانگ حدیث
۶۷	اشاره
۶۷	رازداری
۶۹	معیار افشای راز
۷۰	تأکید بر رازداری
۷۰	فاش کردن اسرار امامت
۷۱	ستودن بنده رازدار
۷۲	نمونه های رفتاری
۷۲	اشاره
۷۲	۱. بهترین رازدار
۷۲	۲. رازداری از نظر امام رضا علیه السلام
۷۴	۳. به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله خیانت نکنید
۷۵	آموزه ها
۷۷	منابع
۷۹	راستی و راستگویی
۷۹	اشاره
۸۲	۱. معنای صدق و راستگویی
۸۴	۲. کارکردهای راستگویی
۸۴	اشاره
۸۵	الف) راستی مایه نجات آدمی
۸۵	ب) راستی مایه صلاح و درستی
۸۶	ج) همراهی خداوند متعال

۸۶	..... (د) راستی سبب کرامت
۸۷	..... ۳. نشانه های راستگویی
۸۷	..... اشاره
۸۸	..... (الف) راستگویان اهل دلیل و برهانند
۸۸	..... (ب) راستگویان حقیقی
۸۹	..... ۴. راستگویی نابجا
۸۹	..... اشاره
۹۲	..... دروغ مصلحتی
۹۲	..... اشاره
۹۳	..... استثناهای دروغ
۹۳	..... اشاره
۹۳	..... یک در مقام ضرورت
۹۳	..... دو در مقام اصلاح بین مسلمانان
۹۴	..... گلبانگ حدیث
۹۴	..... اشاره
۹۴	..... معنای راستی
۹۴	..... تشویق به راستی
۹۶	..... اهمیت راستگویی
۹۶	..... ویژگی راستگو
۹۷	..... صداقت با خدا
۹۸	..... راستی نشانه ایمان
۹۸	..... راست ترین سخنان
۹۹	..... راستگویی های نابجا
۹۹	..... نمونه های رفتاری

۹۹	..... اشاره
۹۹	..... ۱. راستی، کلید نجات از گناهان
۱۰۱	..... ۲. لقمان و راستگویی
۱۰۲	..... آموزه ها
۱۰۲	..... منابع دیگر
۱۰۵	..... راه خدا
۱۰۵	..... اشاره
۱۰۸	..... ۱. مقصود از سبیل الله
۱۱۲	..... ۲. مصداق های راه خدا
۱۱۲	..... اشاره
۱۱۲	..... الف) اهل بیت علیهم السلام
۱۱۲	..... ب) جنگ در راه دین اسلام
۱۱۴	..... ج) قرآن کریم
۱۱۴	..... د) عبادت
۱۱۵	..... ه) مصالح اسلام و مسلمانان
۱۱۵	..... ۳. برخورد مردم با راه خدا
۱۱۷	..... ۴. عوامل دوری انسان از راه خدا
۱۱۹	..... ۵. وظیفه انسان در برابر راه خدا
۱۲۱	..... گلبنگ حدیث
۱۲۱	..... اشاره
۱۲۱	..... راه خدا
۱۲۲	..... راه حق
۱۲۳	..... جهاد خانواده
۱۲۳	..... دیدن برای خدا



۱۲۳	نمونه های رفتاری
۱۲۳	اشاره
۱۲۳	۱. چابکی در راه خدا
۱۲۵	۲. تیغ از پی حق می زخم
۱۲۶	۳. راه امیر المؤمنین علیه السلام راه خداست
۱۲۷	۴. یاوران راه خدا
۱۲۸	آموزه ها
۱۲۹	منابع دیگر
۱۳۱	راه رفتن
۱۳۱	اشاره
۱۳۱	مفهوم ادب
۱۳۳	مقصود از راه رفتن
۱۳۴	آداب راه رفتن
۱۳۴	اشاره
۱۳۴	۱. اعتدال و میانه روی
۱۳۵	۲. تواضع و وقار
۱۳۶	۳. حیا
۱۳۶	۴. پرهیز از تکبر و سرمستی
۱۳۸	مثال های قرآنی
۱۳۸	اشاره
۱۳۸	مثال اول
۱۳۹	مثال دوم
۱۳۹	مثال سوم
۱۴۰	مثال چهارم

- ۱۴۰ ..... گلبانگ حدیث
- ۱۴۰ ..... اشاره
- ۱۴۰ ..... آداب راه رفتن
- ۱۴۳ ..... نهی از راه رفتن با ناز
- ۱۴۳ ..... نمونه های رفتاری
- ۱۴۳ ..... اشاره
- ۱۴۳ ..... ۱. زمان راهپیمایی
- ۱۴۳ ..... ۲. راه رفتن با تکبر نشانه دیوانگی
- ۱۴۵ ..... ۳. دعای امام صادق علیه السلام
- ۱۴۵ ..... ۴. راه رفتن با جنازه
- ۱۴۵ ..... آموزه ها
- ۱۴۷ ..... منابع دیگر
- ۱۴۸ ..... رحمت
- ۱۴۸ ..... اشاره
- ۱۴۹ ..... ۱. حقیقت رحمت
- ۱۵۳ ..... ۲. جلوه های رحمت خدا
- ۱۵۳ ..... اشاره
- ۱۵۴ ..... آسانی دستورات و احکام دینی
- ۱۵۶ ..... اتحاد در دین و راه و روش درست زندگی
- ۱۵۶ ..... دعا و اجابت آن
- ۱۵۷ ..... احیای زمین
- ۱۵۷ ..... هدایت از ظلمات کفر و نفاق به سوی ایمان
- ۱۵۸ ..... آفرینش چهارپایان و حیوانات
- ۱۵۸ ..... پرواز پرندگان

۳. اسباب رحمت الهی ..... ۱۵۹
- اشاره ..... ۱۵۹
- الف) استغفار ..... ۱۶۰
- ب) گوش دادن به قرآن و پیروی از آن ..... ۱۶۱
- ج) آشتی دادن اهل ایمان ..... ۱۶۱
- د) پیروی از خدا و پیامبرش ..... ۱۶۱
- ه) ایمان به خدا و شکیبایی و صبر در راه خدا ..... ۱۶۲
- و) زنده کردن امر به معروف در جامعه ..... ۱۶۲
- ز) انفاق در راه خدا ..... ۱۶۳
- ح) رعایت تقوا (عمل به واجبات و ترک محرمات) ..... ۱۶۳
- ط) توبه ..... ۱۶۳
- ی) هجرت و جهاد در راه خدا ..... ۱۶۴
- ک) دعای خالصانه و مستمر ..... ۱۶۴
۴. موانع رحمت خدا ..... ۱۶۵
- اشاره ..... ۱۶۵
- الف) گسترش گناه و فحشا ..... ۱۶۶
- ب) روی گردانی از آیات الهی ..... ۱۶۶
- ج) پیروی از شیطان ..... ۱۶۶
- د) تکبر ..... ۱۶۷
- ه) بی عفتی ..... ۱۶۷
۵. نکاتی درباره رحمت ..... ۱۶۸
- اشاره ..... ۱۶۸
- نکته اول: امید به رحمت الهی در همه حال و ناامید نشدن از رحمت خدا ..... ۱۶۸
- نکته دوم: دعا برای رحمت ..... ۱۷۰

- نکته سوم: محرومان از رحمت الهی ..... ۱۷۱
- اشاره ..... ۱۷۱
۱. دوستداران گسترش گناه و فحشا ..... ۱۷۱
۲. تکذیب کنندگان آیات الهی ..... ۱۷۳
۳. ستمکاران ..... ۱۷۳
۴. علمای یهود ..... ۱۷۵
۵. کافران، مشرکان و منافقان ..... ۱۷۵
- گلبانگ حدیث ..... ۱۷۶
- اشاره ..... ۱۷۶
- رحمت خدا ..... ۱۷۶
- اسباب رحمت ..... ۱۷۸
- موانع رحمت ..... ۱۷۹
- قرار گرفتن در معرض رحمت خداوند ..... ۱۷۹
- شایستگان رحمت ..... ۱۸۰
- نمونه های رفتاری ..... ۱۸۱
- اشاره ..... ۱۸۱
۱. ناامید نشدن از رحمت خدا ..... ۱۸۱
۲. مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يَرْحَمُ ۱ ..... ۱۸۳
- آموزه ها ..... ۱۸۴
- اشاره ..... ۱۸۴
۱. سبقت رحمت الهی بر غضبش ..... ۱۸۵
۲. دو رکن اساسی نجات و رستگاری ..... ۱۸۶
۳. نامحدود بودن رحمت الهی ..... ۱۸۷
۴. امیدواری به رحمت خدا ..... ۱۸۷

۵. نزدیک بودن رحمت خدا به نیکوکاران ..... ۱۸۸
۶. نگرستن به آثار رحمت خدا ..... ۱۸۸
۷. این گونه دعا کردن ..... ۱۸۸
۸. شب و روز، از جلوه های رحمت الهی ..... ۱۸۹
۹. بادهای بشارت آور، از جلوه های رحمت الهی ..... ۱۸۹
۱۰. شایسته رحمت ..... ۱۸۹
۱۱. رحمت خداوند مایه پاکی ..... ۱۹۰
- منابع دیگر ..... ۱۹۰
- رستگاری ..... ۱۹۲
- اشاره ..... ۱۹۲
۱. عوامل رستگاری ..... ۱۹۵
- اشاره ..... ۱۹۵
- عوامل رستگاری از نگاه روایات ..... ۱۹۶
- اشاره ..... ۱۹۶
- الف) ایمان ..... ۱۹۶
- ب) تقوا ..... ۱۹۶
- ج) معاش به اندازه کفاف ..... ۱۹۷
- د) عقل و به کارگیری آن ..... ۱۹۸
- عوامل رستگاری از منظر قرآن ..... ۱۹۸
- اشاره ..... ۱۹۸
- الف) ایمان ..... ۱۹۹
- ب) اطاعت از خدا و رسول صلی الله علیه و آله ..... ۱۹۹
- ج) اقامه نماز، پاک دامنی، رعایت امانت و پیمان، ترک کارهای بیهوده ..... ۲۰۰
- د) تقوا و رعایت حقوق مالی ..... ۲۰۱

- ۲۰۱ ..... (ه) انفاق
- ۲۰۲ ..... (و) پرهیز از بت پرستی، شرب خمر و...
- ۲۰۲ ..... (ز) دوری از پلیدی ها
- ۲۰۳ ..... (ح) پرهیز از بخل
- ۲۰۳ ..... (ط) پرهیز از رباخواری
- ۲۰۴ ..... (ی) پرهیز از رسوم جاهلی و غیرعقلانه
- ۲۰۵ ..... (ک) عوامل دیگر
- ۲۰۵ ..... ۲. موانع رستگاری انسان
- ۲۰۵ ..... اشاره
- ۲۰۶ ..... الف) انکار معاد و نشانه های خدا و کفر و نفاق
- ۲۰۷ ..... ب) ستم
- ۲۰۸ ..... ج) بی حجابی و بی عفتی
- ۲۱۰ ..... ۳. آثار و نتایج رستگاری
- ۲۱۰ ..... اشاره
- ۲۱۱ ..... الف) عزت در دنیا
- ۲۱۱ ..... ب) دور شدن از حزن و اندوه
- ۲۱۲ ..... ج) آمرزش و پوشش گناه
- ۲۱۳ ..... د) جایگاه امن
- ۲۱۳ ..... گلبنگ حدیث
- ۲۱۳ ..... اشاره
- ۲۱۳ ..... رستگاری فرزندان در گرو ارتباط با همسر
- ۲۱۵ ..... رستگاری و زکات
- ۲۱۵ ..... رستگاری در آخرت
- ۲۱۶ ..... عوامل رستگاری

- ۲۲۰ ..... موانع رستگاری
- ۲۲۱ ..... نمونه های رفتاری
- ۲۲۱ ..... اشاره
- ۲۲۱ ..... ۱. روی رستگاری را نخواهد دید
- ۲۲۳ ..... ۲. مطلع دعوت پیغمبر اسلام
- ۲۲۴ ..... ۳. شب مردان خدا
- ۲۲۶ ..... ۴. بخیل رستگار نمی شود
- ۲۲۷ ..... آموزه ها
- ۲۲۸ ..... منابع دیگر
- ۲۲۹ ..... رشوه
- ۲۲۹ ..... اشاره
- ۲۳۲ ..... ۱. چیستی رشوه
- ۲۳۳ ..... ۲. رشوه در قرآن و سنت
- ۲۳۳ ..... اشاره
- ۲۳۳ ..... الف) قرآن
- ۲۴۰ ..... ب) سنت
- ۲۴۰ ..... ۳. آثار رشوه
- ۲۴۰ ..... اشاره
- ۲۴۱ ..... الف) آثار دنیایی
- ۲۴۱ ..... اشاره
- ۲۴۱ ..... یک آسیب های فردی
- ۲۴۱ ..... دو آسیب های اجتماعی
- ۲۴۲ ..... ب) آثار اخروی
- ۲۴۳ ..... ۴. علت های رواج رشوه در جامعه

- ۲۴۳ ..... اشاره
- ۲۴۳ ..... الف) در اخلاق فردی
- ۲۴۳ ..... اشاره
- ۲۴۳ ..... یک حرص به دنیا
- ۲۴۵ ..... دو توجیهات بیجا
- ۲۴۵ ..... سه ضعف در ایمان
- ۲۴۶ ..... ب) در روابط اجتماعی
- ۲۴۶ ..... اشاره
- ۲۴۶ ..... یک بی عدالتی
- ۲۴۶ ..... دو اجرا نشدن قوانین تنبیهی
- ۲۴۶ ..... ۵. راه پیشگیری و درمان
- ۲۴۶ ..... اشاره
- ۲۴۷ ..... الف) تقویت ایمان و اخلاق
- ۲۴۷ ..... ب) بالا بردن سطح آگاهی های مردم
- ۲۴۸ ..... ج) تلاش برای رفع بی عدالتی های اجتماعی
- ۲۴۸ ..... د) نظارت بر عملکرد افراد زیرمجموعه
- ۲۴۸ ..... ه) برخورد با افراد خطاکار
- ۲۴۸ ..... و) دقت در عزل و نصب افراد
- ۲۴۹ ..... ز) تذکر و موعظه
- ۲۴۹ ..... گلبانگ حدیث
- ۲۴۹ ..... اشاره
- ۲۴۹ ..... آثار رشوه
- ۲۵۱ ..... رشوه، حرام است
- ۲۵۱ ..... رشوه گرفتن، کفر است



۲۵۱	نمونه های رفتاری
۲۵۱	اشاره
۲۵۱	۱. این رشوه است
۲۵۳	۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله رشوه نمی گیرد
۲۵۵	۳. تباه دین
۲۵۵	آموزه ها
۲۵۶	منابع دیگر
۲۵۸	رمضان
۲۵۸	اشاره
۲۵۹	۱. حقیقت ماه مبارک رمضان
۲۶۲	۲. چگونگی استقبال از ماه مبارک رمضان
۲۶۲	اشاره
۲۶۳	الف) تفکر
۲۶۳	ب) موعظه کردن و موعظه شنیدن
۲۶۴	ج) دعا و استغفار
۲۶۴	د) تلاوت قرآن
۲۶۵	ه) توبه
۲۶۵	و) پرداخت حق الناس
۲۶۶	ز) خالی کردن قلب از کینه
۲۶۶	ح) تقوا و توکل
۲۶۶	ط) روزه
۲۶۷	ی) اصلاح امور مالی
۲۶۷	۳. برنامه های مهم ماه مبارک رمضان چیست؟
۲۶۷	اشاره

- ۲۶۷ ..... الف) ورع از محارم خدا (دوری از حرام)
- ۲۶۹ ..... ب) انجام دادن کارهای خیر
- ۲۷۰ ..... گلبانگ حدیث
- ۲۷۰ ..... اشاره
- ۲۷۰ ..... ماه رمضان
- ۲۷۳ ..... حبس شیطان ها در ماه رمضان
- ۲۷۴ ..... آموزش الهی در ماه رمضان
- ۲۷۶ ..... قرآن در ماه رمضان
- ۲۷۶ ..... متفرقه
- ۲۸۱ ..... نمونه های رفتاری
- ۲۸۱ ..... اشاره
- ۲۸۱ ..... ۱. عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۸۲ ..... ۲. روزه و حرام خواری
- ۲۸۳ ..... آموزه ها
- ۲۸۳ ..... اشاره
- ۲۸۳ ..... ۱. فلسفه روزه
- ۲۸۵ ..... ۲. علامت قبولی روزه
- ۲۸۵ ..... ۳. فلسفه روزه از دیدگاه شهید مطهری
- ۲۸۶ ..... ۴. انسان سازی
- ۲۸۷ ..... منابع دیگر
- ۲۹۰ ..... رهایی
- ۲۹۰ ..... اشاره
- ۲۹۱ ..... ۱. مفهوم رهایی
- ۲۹۲ ..... ۲. عوامل رهایی از دیدگاه روایات

- ۲۹۲ ..... اشاره
- ۲۹۳ ..... الف) عوامل زیربنایی نجات و رهایی
- ۲۹۳ ..... اشاره
- ۲۹۳ ..... یک دین
- ۲۹۳ ..... دو علم و دانش
- ۲۹۵ ..... سه ایمان
- ۲۹۵ ..... چهار پیروی از حق
- ۲۹۶ ..... پنج طاعت
- ۲۹۷ ..... شش پناه بردن به پروردگار
- ۲۹۷ ..... هفت تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام
- ۲۹۷ ..... ب) عوامل فردی
- ۲۹۷ ..... اشاره
- ۲۹۸ ..... یک سه خصلت رهایی بخش
- ۲۹۸ ..... دو سکوت
- ۲۹۹ ..... سه صبر و تقوا
- ۳۰۰ ..... چهار نماز شب
- ۳۰۰ ..... ج) عوامل اجتماعی
- ۳۰۱ ..... ۳. رهایی در قرآن کریم
- ۳۰۱ ..... اشاره
- ۳۰۱ ..... الف) مصداق های رهایی در قرآن کریم
- ۳۰۱ ..... اشاره
- ۳۰۱ ..... یک رهایی از ستم
- ۳۰۳ ..... دو رهایی از حوادث طبیعی
- ۳۰۴ ..... سه رهایی از غم و اندوه

- چهار رهایی از جهنم ..... ۳۰۴
- (ب) مهم ترین عوامل رهایی از دیدگاه قرآن کریم ..... ۳۰۴
- اشاره ..... ۳۰۴
- یک ایمان به خدا و رسول صلی الله علیه و آله ..... ۳۰۵
- دو جهاد در راه خدا ..... ۳۰۶
- سه تقوا ..... ۳۰۶
- چهار دعا ..... ۳۰۶
۴. عوامل رهایی بخش در کتاب های اخلاق ..... ۳۰۷
- اشاره ..... ۳۰۷
- الف) توبه ..... ۳۰۷
- (ب) صبر و شکر ..... ۳۰۸
- (ج) خوف و رجا ..... ۳۰۹
- (د) فقر و زهد ..... ۳۰۹
- (ه) نیت و صدق و اخلاص ..... ۳۰۹
- (و) محاسبه و مراقبت ..... ۳۱۰
- (ز) تفکر ..... ۳۱۰
- (ح) توحید و توکل ..... ۳۱۱
- (ط) محبت و شوق و رضا ..... ۳۱۱
- (ی) یاد کردن مرگ ..... ۳۱۲
- گلبانگ حدیث ..... ۳۱۲
- نمونه های رفتاری ..... ۳۱۴
- اشاره ..... ۳۱۴
۱. دو رکن اساسی رهایی ..... ۳۱۴
۲. محبت به کافر ..... ۳۱۶

- ۳۱۷ ..... ۳. رهایی از فقر
- ۳۱۹ ..... ۴. رهایی در گرو عمل صالح و اطاعت از خداوند
- ۳۲۲ ..... ۵. ترحم به حیوانات
- ۳۲۲ ..... آموزه ها
- ۳۲۲ ..... اشاره
- ۳۲۳ ..... ۱. نجات و رهایی، تابع سنت های الهی
- ۳۲۴ ..... ۲. سنت الهی
- ۳۲۴ ..... ۳. نمونه هایی از سنت های الهی
- ۳۲۵ ..... ۴. سرمایه الهی و رهایی
- ۳۲۶ ..... منابع دیگر
- ۳۲۸ ..... روزی
- ۳۲۸ ..... اشاره
- ۳۳۰ ..... ۱. مفهوم روزی
- ۳۳۳ ..... ۲. عوامل جذب و افزایش روزی
- ۳۳۳ ..... اشاره
- ۳۳۴ ..... الف) ویژگی های اخلاقی و رفتار فردی
- ۳۳۴ ..... اشاره
- ۳۳۴ ..... یک نیت
- ۳۳۶ ..... دو اهل کار بودن
- ۳۳۷ ..... سه تدبیر
- ۳۳۷ ..... چهار تقوا و توکل
- ۳۳۸ ..... پنج صداقت و راستگویی
- ۳۳۸ ..... شش نماز شب
- ۳۳۸ ..... هفت دعا

- ۳۴۰ ..... (ب) ویژگی های اجتماعی
- ۳۴۰ ..... اشاره
- ۳۴۰ ..... یک خوش اخلاقی
- ۳۴۱ ..... دو انفاق و صدقه
- ۳۴۲ ..... سه ازدواج
- ۳۴۳ ..... چهار امانت داری
- ۳۴۳ ..... ۳. عوامل کاهش روزی
- ۳۴۳ ..... اشاره
- ۳۴۴ ..... الف) دروغ گفتن
- ۳۴۴ ..... (ب) حیا و شرم
- ۳۴۴ ..... (ج) رعایت نکردن میانه روی
- ۳۴۵ ..... (د) حرام خواری
- ۳۴۵ ..... (ه) گناه
- ۳۴۶ ..... ۴. عوامل تهی دستی و افزایش روزی در کلام علی علیه السلام
- ۳۴۷ ..... گلبانگ حدیث
- ۳۴۷ ..... اشاره
- ۳۴۷ ..... روزی رسان
- ۳۴۸ ..... گشایش و تنگی در روزی
- ۳۴۹ ..... حکمت تنگی و گشایش روزی
- ۳۵۰ ..... تضمین روزی برای جوینده آن
- ۳۵۱ ..... تشویق به اعتدال در طلب روزی
- ۳۵۲ ..... توکل به خدا در طلب روزی
- ۳۵۲ ..... عوامل فزاینده روزی
- ۳۵۴ ..... عوامل از بین برنده روزی بر

۳۵۵	..... طلب حلال
۳۵۵	..... ثمره کسب روزی حلال
۳۵۶	..... نمونه های رفتاری
۳۵۶	..... اشاره
۳۵۶	..... ۱. روزی حلال
۳۵۸	..... ۲. رحمتت را از بندگان مؤمنت دریغ مدار
۳۵۹	..... ۳. بروید دنبال کار
۳۵۹	..... ۴. آدمم تو را موعظه کنم
۳۶۰	..... ۵. نماز شب و افزایش روزی
۳۶۱	..... ۶. خداوند، شما را روزی خواهد داد
۳۶۲	..... آموزه ها ۱
۳۶۲	..... اشاره
۳۶۲	..... ۱. استغفار روزی آور است ۲. اثر دعا در طلب روزی
۳۶۳	..... ۳. میانه روی و تثبیت روزی
۳۶۳	..... ۴. زیارت امام حسین علیه السلام و افزایش روزی
۳۶۴	..... ۵. ناسپاسی و از دست دادن روزی
۳۶۵	..... ۶. ضرورت رعایت تقوا، در بهره گیری از رزق الهی
۳۶۵	..... ۷. شکر خدا هنگام استفاده از رزق
۳۶۵	..... ۸. انفاق از روزی
۳۶۵	..... ۹. روزی رسان خداست
۳۶۵	..... ۱۰. وسعت رزق و ناسپاسی انسان
۳۶۶	..... ۱۱. پایداری رزق و نعمت های آخرتی
۳۶۶	..... منابع دیگر
۳۶۸	..... ریاست طلبی

۳۶۸	.....	اشاره
۳۷۰	.....	۱. اقسام ریاست
۳۷۵	.....	۲. آثار ریاست طلبی
۳۷۵	.....	اشاره
۳۷۵	.....	الف) نفاق و ریا
۳۷۶	.....	ب) نابودی دین و دیانت
۳۷۸	.....	ج) دوری از رحمت خدا
۳۷۸	.....	د) کذب و دروغ
۳۸۰	.....	۳. راه درمان ریاست طلبی
۳۸۰	.....	اشاره
۳۸۰	.....	راه اول: راه علمی
۳۸۱	.....	راه دوم: راه عملی
۳۸۴	.....	۴. آفات ریاست
۳۸۵	.....	گلبانگ حدیث
۳۸۵	.....	اشاره
۳۸۵	.....	نکوهش ریاست
۳۸۷	.....	خطر ریاست طلبی
۳۸۹	.....	ریاست طلبی نکوهیده
۳۹۰	.....	آفت ریاست
۳۹۰	.....	ابزار ریاست
۳۹۱	.....	نمونه های رفتاری
۳۹۱	.....	اشاره
۳۹۱	.....	۱. حب ریاست ابن داود و شهادت امام باقر علیه السلام
۳۹۲	.....	آموزه ها



۳۹۳ ----- منابع دیگر

۳۹۵ ----- کتاب نامه

۴۰۰ ----- درباره مرکز

## فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام (حرف ر)

## مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانفر، احمد، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام / احمد رضوانفر؛ تهیه کننده مرکز

پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۴

مشخصات ظاهری: ۳۴۳ ص.

شابک: ۱۴۰۰ ریال: ج. ۲. ق. ۱: ۹۶۴-۸۶۰۶-۹۹-۴-۱؛ ۱۵۰۰۰ ریال: ج. ۲. ق. ۲: ۹۶۴-۸۶۰۶-۵۳-۶-۲؛

۲۵۰۰۰ ریال: ج. ۴: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۰۳-۰؛ ۵۵۰۰۰ ریال: ج. ۵: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۱۸-۰؛

۵۰۰۰۰ ریال: ج. ۶: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۲۳۲-۰؛ ۸: ج. ۸: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۲۸۳-۲؛

یادداشت: ج. ۱؟ (چاپ اول: ۱۳۸۸).

یادداشت: ج. ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۷).

یادداشت: ج. ۶ (چاپ اول: ۱۳۹۰).

یادداشت: ج. ۸ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیبا).

یادداشت: ناشر جلد چهارم دفتر عقل است.

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. حرف آ؛ ج. ۲. ق. ۱. حرف الف؛ ج. ۲. ق. ۲. حرف الف؛ ج. ۳. حرف ب؛ ج. ۴.

حرف پ؛ ج. ۵. حرف ت؛ ج. ۶. حرف ث؛ ج. ۷. سیده معصومه اسماعیل پور؛ ج. ۷. (حروف د-ذ).

ج. ۸ (حرف ر)؛ ج. ۹. حرف س / محمدهادی فلاح.

موضوع: اخلاق اسلامی.

موضوع: احادیث اسلامی.

موضوع: چهارده معصوم -- اخلاق.

شناسه افزوده: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ، مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۴ ر ۶۶ ف ۴ / ۸ / ۲۴۷ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۵۳۲۶۴

ص: ۱

**اشاره**











































ص: ۲۱

**دیباچه**

دیباچه

آفریدگار جهان، آفریده خود را بر اساس عقل و فطرت آفریده و سراپای وجود او را با محبت سرشته و شریف ترین مظهر خود را نماینده خویش در زمین قرار داده است.

دو یادگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ؛ یعنی قرآن و سنت، با آموزه های شیرین خود، دریچه رستگاری را به روی همگان می گشایند و آنان را به کمال مطلوب می رسانند.

در سراسر این متون ارزشمند دینی، برای تربیت این آفریده، برنامه هایی عرضه شده و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز غایت بعثت خود را به کمال رساندن انسان معرفی کرده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

پس سپاس خدایی را سزاست که فراخنای گیتی را چشم انداز انسان ساخت و وی را به زیور خرد آراست و هر آنچه را در زمین و آسمان است، رام او کرد تا وی به کاوش در این حقایق پردازد و با دو بال عقل و دین، بر فراز جهان، به جان جهان بنگرد و از بزرگ آموزگاران دین، عالی ترین سطوح دانش و بینش را فراگیرد.

این مجموعه، برگ سبزی است پیشکش به بوستان دانش و ادب تا دانش پژوهان با صرفه جویی در زمان، به دانستنی های دین دست یازند و

از دریای بی کران قرآن و حدیث و کردار بزرگان دین، گوهرها بیابند. نگارنده محترم، جناب حجت الاسلام و المسلمین احمد رضوانفر با قلم شیوای خود، این مجموعه الفبایی فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام را با نظارت و ارزیابی جناب حجت الاسلام و المسلمین محمدحسین درافشان تحفه همگان ساخته است. این مجموعه در پنج قالب ارائه شده است. ابتدا مفهوم شناسی درباره هریک از موضوع ها و اهمیت و ضرورت آن، سپس زیر عنوان «گلبانگ حدیث» احادیثی کوتاه برای استفاده برنامه سازان و زیرنویس ها آمده است و از آنجا که مسائل اخلاقی در قالب عرضه نمونه های رفتاری بسیار زیبا، تأثیر به سزایی بر مخاطب خواهد داشت، در قالب سوم، نمونه های رفتاری نیز آورده شده است. افزون بر آن، در قالب چهارم، شیرازه هر موضوع با اشاره ای به پی آمدها و آموزه های مورد نظر تکمیل شده است تا خواننده به نتیجه مطلوب برسد و در پایان علاوه بر منابع استفاده شده درباره هر موضوع، منابع دیگر که برای برنامه سازان مورد استفاده است معرفی شده است. ضمناً، یادآوری می شود هر مدخلی که قبلاً در مرکز پژوهش ها کار شده است و یا در عناوین دیگری مطرح می شود، ارجاع داده شده است.

اکنون خرسندیم که حرف «ر» از مجموعه فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم السلام را به حضور اهل اندیشه و ایمان، پیشکش می کنیم. امید است رهاورد این اثر، گشایش افق های تازه ای در چشم انداز زندگی همه باشد. آری، اگر می خواهیم زندگی مان معنادار و هدفمند و حرکتان جهت دار باشد، باید از فرهنگ اخلاقی و تربیتی پیشوایان معصوم خویش الگو بگیریم و تنها از آنان پیروی کنیم.

در پایان، از ویراستار ارجمند اثر، مرضیه علاقه بند و همکارانمان در



ص: ۲۳

بخش نمونه خوانی و رایانه سپاس گزاریم. همچنین، از همه خوانندگان محترم خواهانیم که هرگونه کاستی در این مجموعه را به آگاهی برسانند تا در جلد‌های پسین، از کاستی‌های احتمالی پیشگیری، و در پرتو به کار بستن نظرهای ارزشمند اهل قلم، بر غنای مجموعه افزوده شود.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما



ص: ۲۵

مقدمه

اشاره

مقدمه

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي... فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا... (۱).

به درستی که من دو چیز گران مایه میان شما می گذارم که هر گاه به آن دو تمسک جویند، پس از من، گمراه نمی شوید. [آن دو عبارتند از:] کتاب خدا (قرآن کریم) و عترتم، اهل بیتم... پس بنگرید پس از من در مورد این دو چگونه رفتار می کنید.

حمد و سپاس بی پایان، خداوندی را سزد که همه چیز از اوست.

بار دیگر با عنایت حضرت حق، با تلاش مرکز پژوهش های اسلامی صداوسیما، مجلد دیگری از مجموعه فرهنگی اخلاقی معصومین علیهم السلام به زیور چاپ آراسته شد.

مجموعه حاضر، برگزیده ای از سخنان اهل بیت علیهم السلام است که چراغ هدایت بشرند. بر هر مسلمانی فرض است در حد توان، این سخنان نورانی را به مردم برساند. استخراج این سخنان از متون حدیثی و عرضه آن در این قالب، کوششی است در این راستا، امید است همه کسانی که در این راه تلاش می کنند، مشمول دعای امام رضا علیه السلام قرار گیرند که

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، باب ۱۴، «من يجوز اخذ العلم منه»، ص ۹۹.

ص: ۲۶

فرموده اند: «خداوند، بنده ای که امر ما را زنده می کند، رحمت کند.» از حضرت پرسیدند: امر شما را چگونه زنده می کند؟ ایشان فرمود: «دانش های ما را می آموزد و به مردم یاد می دهد. به یقین، مردم اگر خوبی های سخنان ما را بدانند، از ما پیروی می کنند.»<sup>(۱)</sup>

سلام و صلوات خدا بر روح ملکوتی بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله که همه برکت های مادی و معنوی این مرز و بوم، مرهون فداکاری و پایداری آن بزرگ مرد تاریخ ایران اسلامی است. به امید آنکه، نسل های حال و آینده، پاسدار این نعمت الهی باشند و فرهنگ علوی را در این کشور و جهان نهادینه سازند.

---

۱- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ح ۳۳۲۹۷.

ص: ۲۷

## راز و رازداری

## اشاره

راز و رازداری

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ؛ هر کس راز خود را بپوشاند، قدرت انتخاب در دست اوست».(۱)

مکتب اهل بیت علیهم السلام که بر اساس آموزه های قرآن و سنت صحیح رسول خدا صلی الله علیه و آله استوار است، به اندیشه و نیت، رفتار و کردار مسلمانان توجه ویژه ای دارد؛ زیرا مسلمان حقیقی، کسی است که نیت و رفتارش براساس قرآن و سنت باشد. رفتار فردی و اجتماعی هر کس، نمایانگر فکر و اندیشه اوست. از جمله رفتارهای اجتماعی که ائمه اطهار علیهم السلام دوست داشتند مسلمانان، به ویژه شیعیان به آن پایبند باشند و به عنوان یک رفتار پسندیده، مورد توجه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام است رازداری است. رازداری، در سخنان امامان معصوم علیهم السلام از ویژگی های مؤمن معرفی می شود و برگرفته از صفت «ستار العیوبی» حضرت حق است. در حدیثی از امام رضا علیه السلام می خوانیم: «مؤمن، مؤمن نمی شود مگر اینکه سه ویژگی در او باشد: ویژگی و روشی از پروردگارش، ویژگی و

ص: ۲۸

روشی از پیامبرش، ویژگی و روشی از امامش. اما ویژگی که باید از پروردگارش بیاموزد، رازداری است» (۱).

میسر می گوید: حضرت باقر علیه السلام فرمود: ای میسر آیا از شیعیانمان باخبرت نسازم؟ عرض کردم چرا، قربانت گردم! فرمودند: همانا شیعیان ما، دژهای محکم و سینه های رازدار و بردباران متینند. از فاش کنندگان اسرار و سخن چینان و جفاکاران خودنما نیستند. راهبان شب و شیران روزند. (۲)

برای درک اهمیت رازداری از دیدگاه مکتب اهل بیت علیهم السلام به این روایت توجه کنید که امام هشتم علیه السلام فرموده اند: «رازداری برای ما جهاد در راه خداست» (۳).

البته رازها انواع مختلفی دارند و درجه اهمیت آنها متفاوت است؛ مهم ترین آنها رازهای مربوط به دین و مذهب، رازهای حکومتی و امنیتی است که نباید نزد نااهلان فاش شود. در مجموع، اصل این صفت و ویژگی، یعنی رازداری، صفتی پسندیده و مورد تأکید مکتب اهل البیت علیهم السلام است.

## مفهوم راز

مفهوم راز

واژه «راز» برگردان کلمه «سرّ» در زبان عربی است و معنای روشنی دارد؛ یعنی: نهان، امر پوشیده، (۴) آنچه پوشیده و نهان و مکتوم است، آنچه در دل نهان است.

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۴.

۲- محمدباقر مجلسی، شیعه در پیشگاه قرآن و اهل بیت:، (ترجمه جلد ۶۵ بحارالانوار)، ص ۲۴۴.

۳- محمدباقر مجلسی، ترجمه: محمدباقر کمره ای، آداب معاشرت، (ترجمه جلد ۷۱ و ۷۲، بحارالانوار)، مصحح: محمد بهشتی، ج ۲، ص ۴۸.

۴- علی اکبر قریشی بنایی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۵۲.

ص: ۲۹

ملاک اصلی راز بودن هر مطلبی، همان پوشیده بودن و نهان بودن آن است؛ در غیر این صورت، راز بودن آن معنا ندارد. امیرمؤمنان، علی علیه السلام درباره معنای راز می فرماید: «مِلاکُ السِّرِّ سِتْرُهُ؛ معیار و شاخص راز، پنهان بودن و پوشیده بودن آن است.»<sup>(۱)</sup> راز تا زمانی که در دل آدمی نهان باشد، همانند تیری در کمان است که اختیارش با انسان است، اما هرگاه آن راز افشا گردید و به دیگری گفته شد، همانند تیری است که رها شده و اختیارش از دست آدمی رفته است و انسان تسلطی بر آن ندارد. راز هر کس تا زمانی که فاش نشده، اسیر اوست؛ اما هرگاه از دل برون آمد، انسان اسیرش می شود؛ زیرا همیشه در اضطراب است که راز او به دست نااهلان بیفتد؛ چنان که از حضرت امیر علیه السلام نقل شده که فرمود: «راز تو در بند توست؛ اگر آن را فاش کنی، تو در بندش خواهی شد.»<sup>(۲)</sup> سعدی شیرازی نیز در این باره می گوید:

خامشی به که ضمیر دل خویش

به کسی گویی و گویی که مگوی

ای سلیم! آب ز سرچشمه بند

که چو پر شد، نتوان بستن جوی<sup>(۳)</sup>

در بحث راز و رازداری، این مباحث طرح می شود:

۱. انواع راز؛

۲. آثار رازداری؛

۳. رازداری در چه اموری لازم نیست؟

۴. چگونه رازدار باشیم؟

۵. افشای راز؛ آثار و انگیزه ها.

۱- غررالحکم، ح ۷۴۲.

۲- غررالحکم، ح ۵۶۳۰.

۳- گلستان سعدی، باب هشتم، آداب صحبت.

ص: ۳۰

## ۱. انواع راز

## اشاره

۱. انواع راز

رازها را می‌توان با معیارهای مختلف تقسیم کرد. برای مثال، نامه‌های اداری با توجه به درجه اهمیت محتوای آنها، به نامه‌های عادی، محرمانه، سری و فوق‌سری طبقه‌بندی می‌شود. رازها را با توجه به حیثه آنها نیز می‌توان تقسیم‌بندی کرد، مانند: رازهای اجتماعی، امنیتی و ...

در بحث اخلاق و تربیت، رازها را به دو نوع شخصی یعنی آنچه مربوط به شخص انسان است و غیر شخصی یعنی آنچه مربوط به دیگران است، اعم از زن، فرزند، همسایه، افراد جامعه و ... می‌توان تقسیم کرد.

## الف) رازهای شخصی

## اشاره

الف) رازهای شخصی

واژه «راز» و «سری» از حقیقتشان سخن می‌گویند؛ یعنی آنچه باید پنهان بماند. از همین روست که می‌گویند انسان حق ندارد گناهی که مرتکب شده، بازگو کند؛ زیرا آنها رازهای شخصی است و انسان فقط به درگاه حضرت حق باید طلب آمرزش کند.

حفظ اسرار، نشانه عاقل بودن انسان است. از امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام روایت شده است که فرموده اند: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صَنْدُوقُ سِرِّهِ؛ سینه شخص عاقل، صندوق اسرار اوست.»<sup>(۱)</sup> حفظ اسرار، خیر دنیا و آخرت را در پی دارد. امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرمایند: «تمام خیر دنیا و آخرت در دو چیز نهفته شده است: کتمان اسرار و دوستی با خوبان؛ و تمام شر در دو چیز نهفته شده است: افشای اسرار و دوستی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۶.



ص: ۳۱

با اشرار» (۱) در واقع، از دیدگاه روایات لزومی ندارد که انسان راز خود را به دیگران بگوید.

در قرآن کریم، نمونه هایی از اسرار شخصی پیامبران مطرح شده است. برای مثال، درباره حضرت یوسف علیه السلام و خوابی که دیده بود، آمده است:

[یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت: ای پدر، من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم؛ دیدم [آنها] برای من سجده می کنند.

[یعقوب] گفت: ای پسرک من! خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می اندیشند؛ زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است. (یوسف: ۴ و ۵)

### نکته ها و پیام های آیه

نکته ها و پیام های آیه

۱. رازداری، یکی از اصول زندگی است. اگر مسلمانان به مفاد این آیه عمل می کردند، کتاب های خطی، آثار علمی و هنری و آثار باستانی ما در موزه های کشورهای خارجی جای نمی گرفت و بیگانگان به اسم کارشناس، دیپلمات و جهانگرد، از منابع و امکانات و منافع ما آگاه نمی شدند، ولی بر اثر سادگی یا خیانت، اسرارمان در اختیار کسانی قرار گرفت که پیوسته در حال کید و مکر علیه ما هستند.

۲. حضرت یوسف، خواب خود را دور از چشم برادران به پدر گفت، که نشانه تیزهوشی اوست. بنابراین، سخن را نباید به هرکسی

۱- سفینه البحار، ج ۲، ماده «کتم».

ص: ۳۲

گفت؛ بلکه باید آن را در مکان و زمان مناسب و برای شخص مطمئن بازگو کرد.

۳. از کودکی و در خانواده، باید رازداری را به فرزندان بیاموزیم. (یا بُنَّیْ لَا تَقْصُصْ)

۴. دانسته ها و اطلاعات، باید طبقه بندی شود و محرمانه و غیرمحرمانه از هم جدا گردد. (لا تَقْصُصْ)

۵. پنهان کردن فضایل به منظور جلوگیری از حسادت ها، اقدامی بایسته است؛ چنان که حضرت یعقوب با پی بردن به فضایل یک فرزند، آن را با دیگر فرزندان مطرح نکرد. (لا تَقْصُصْ)

۶. در معرفی افراد تیزهوش و نابغه، باید احتیاط کرد. (لا تَقْصُصْ)

۷. اگر طبق این آیه، یک رؤیا قابل گفتن نیست، بنابراین بسیاری از مطالب دیگر را نیز نباید بازگو کرد. (لا تَقْصُصْ)

۸. افشای اسرار و برخی اخبار، ممکن است بسیار گران تمام شود؛ زیرا برخی اسرار به قدری مهم هستند که افشای آنها زندگی فرد یا افرادی را به خطر می اندازد. «فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا» (۱)

در ابتدای سوره تحریم به رازی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده است که آن حضرت، آن را با بعضی از همسران خود در میان گذاشته بود، ولی آنها آن را فاش کردند و آیاتی در این باره نازل شد. (۲)

در مجموع، اصل آن است که نباید رازهای شخصی را فاش ساخت، اما گفتن بعضی رازها به برخی افراد شایسته و دارای صلاحیت، پسندیده است. به دیگر سخن، مهم آن است که چه رازی را به چه کسی می توان

۱- محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۶، صص ۲۹ ۳۱.

۲- نک: تحریم: ۵۱.

ص: ۳۳

گفت. برای مثال، بیماری که نزد پزشک می رود، با بیان نکته های رازگونه از بیماری اش، به تشخیص بیماری و درمان آن کمک می کند. بنابراین، لازم است در این مقام به پزشک خود اعتماد کند و راز خود را با او در میان بگذارد. البته رازداری پزشک هم وظیفه ای است که بحث دیگری می طلبد.

در مقابل، یک نمونه از راز شخصی (خصوصی) که به هیچ عنوان نباید آن را با دیگران در میان گذاشت، گناهی است که جز گناهکار و خداوند، کسی از آن اطلاع ندارد. افشای این راز شخصی حرام است؛ به ویژه اگر موجب هتک حرمت دیگران شود و آبروی دیگران هم در خطر باشد.

### (ب) رازهای غیر شخصی

(ب) رازهای غیر شخصی

در بسیاری از روایات، مقصود از رازداری، دقت در حفظ و نگهداری از رازهای غیر شخصی است. انسان مؤمن و شیعه اهل بیت علیهم السلام تلاش می کند همانند حضرت حق، ستار و پوشاننده رازها باشد. رازهای غیر شخصی، شامل اسرار اعضای خانواده نیز می شود. زن و شوهر و دیگر افراد خانواده، به دلیل ارتباط نزدیک، ممکن است از بسیاری از اسرار یکدیگر آگاه شوند که بر دیگران پوشیده است. حفظ این اسرار، عامل مهم ثبات و پایداری روابط خانوادگی است. افشای بعضی خبرها و رازهای افراد خانواده، می تواند برای خانواده گران تمام شود و زمینه دشمنی، دعوا و جدایی را فراهم سازد. بنابراین حفظ اسرار خانواده، وظیفه مهم خانوادگی و اجتماعی است. در قرآن کریم به نمونه ای از این گونه افشاگری راز که در خانواده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق افتاده، اشاره شده است:

وَ إِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَ

ص: ۳۴

أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ. (تحریم: ۳)

[به خاطر بیاورید] هنگامی را که پیامبر یکی از رازهای خود را به بعضی از همسرانش گفت، ولی وی آن را افشا کرد و خداوند پیامبرش را از آن آگاه ساخت. پیامبر قسمتی از آن را برای او بازگو کرد و از افشای قسمت دیگر خودداری کرد. هنگامی که پیامبر، همسرش را از آن خبر داد، همسرش گفت: «چه کسی تو را از این راز آگاه ساخت؟» فرمود: «خداوند عالم و آگاه مرا باخبر ساخت!»

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه «سَرَّ» به معنای مطلبی است که در دل خود پنهان کرده باشی و نخواهی دیگران از آن خبردار شوند، و کلمه «اسرار» که باب «افعال» همان «سَرَّ» است، به معنای این است که همان مطلب را برای کسی فاش سازی و سفارش کنی که آن را پنهان بدارد و به کسی اطلاع ندهد.

حاصل معنای آیه این است: و زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله سَرَّ از اسرار خود را نزد بعضی از همسرانش یعنی حفصه، دختر عمر بن خطاب افشا کرد و به وی سفارش فرمود که این مطلب را به کسی نگوید، همین که حفصه آن سَرَّ را برخلاف دستور آن جناب به دیگری گفت، و قسمتی از سَرَّ آن جناب را فاش نموده، از فاش کردن بقیه آن سَرَّ خودداری نمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله جریان را به عنوان اعتراض به خود او خبر داد، یعنی خبر داد که تو سَرَّ مرا فاش کردی، آن زن پرسید چه کسی به

ص: ۳۵

تو خیر داد که من این کار را کرده ام و سرّ تو را فاش ساخته ام؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود خدای علیم و خبیر به من خبر داد و او خدایی است که عالم به سرّ و علانیه، و باخبر از سرائر و اسرار است... . تمامی روایات اتفاق دارند بر اینکه منظور از آن دو زن، حفصه و عایشه، دو همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند. (۱)

اسرار افراد جامعه از اسرار غیر شخصی به شمار می رود. از این رو، انسان مؤمن، همانند خداوند ستار و رازپوش می کوشد اسرار بندگان خدا را پنهان دارد. حفظ رازهای مردم، در حقیقت حفظ آبروی آنهاست. آبروی شخص، در حکم خون و مایه حیات و زندگی اوست. اگر این آبرو ریخته شود، در حقیقت مایه حیات اجتماعی اش از بین رفته و گویی دچار مرگ شده است. در مواردی، حفظ حرمت انسان ها حتی از حفظ حرمت خانه خدا هم مهم تر است.

یکی دیگر از عرصه های رازداری، رازهای حکومتی است که از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در صدر اسلام نمونه هایی مشاهده شده است که بعضی با افشای اسرار، مسلمانان را دچار مشکل ساختند؛ مانند شأن نزولی که برای آیات ۲۷ و ۲۸ سوره انفاق نقل شده است و در نمونه های رفتاری به آن اشاره خواهد شد.

## ۲. آثار رازداری

### اشاره

#### ۲. آثار رازداری

رازداری، از صفات پسندیده ای است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام به آن سفارش کرده اند. این صفت، آثار مثبتی برای انسان دارد که با توجه به روایات به برخی از آنها اشاره می شود.

۱- ترجمه المیزان، ترجمه: سید محمدباقر، موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۵۵۵.

ص: ۳۶

**الف) تکمیل کننده ایمان**

الف) تکمیل کننده ایمان

امام هشتم علیه السلام، رازداری را از صفات الهی معرفی می کند که انسان برای رسیدن به ایمان حقیقی، باید آن را در خود ایجاد کند. (۱)

**ب) قدرت اختیار و امنیت روانی**

ب) قدرت اختیار و امنیت روانی

انسان رازدار، برای خود و دیگران امنیت روانی ایجاد می کند و اختیارش در دست خود اوست؛ مانند شخصی که تا وقتی تیرهای خود را با کمان رها نکرده، اختیار تیرها در دست اوست.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هرکس راز خود را بپوشاند، اختیارش به دست خودش است». (۲)

انسان وقتی رازی را افشا کرد، دیگر اختیار آن راز از دست او بیرون رفته است. در واقع، تا پیش از افشای راز، آن راز اسیر انسان بوده است و با افشا شدن آن، انسان اسیر اوست و همواره نگران است که نکند آن راز به گوش ناهلان برسد و از آن سوء استفاده کنند.

بنابراین، یکی از آثار دنیوی حفظ اسرار، راحتی و امنیت روانی است.

**ج) خیر دنیا و آخرت**

ج) خیر دنیا و آخرت

حفظ راز، نوعی خیر دنیایی به شمار می رود. در روایتی از حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می خوانیم: «خیر دنیا و آخرت، در نهان داشتن راز و یار شدن با نیکان است». (۳)

۱- نک: بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۴.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۶۲.

۳- آداب معاشرت، ترجمه: محمد باقر کمره ای، (جلد ۷۱ و ۷۲ بحارالانوار)، ج ۲، ص ۴۹.

ص: ۳۷

**(د) عزت و سربلندی**

(د) عزت و سربلندی

در روایات، عزت و سربلندی از آثار نگهداری راز معرفی شده است. امام موسی کاظم علیه السلام فرموده است: «اگر در این دست چیزی باشد و بتوانی [کاری کنی که] دست دیگری آن را نداند، همان کن... و زبانت را نگهدار تا عزیز باشی...» (۱).

**۳. افشای راز**

۳. افشای راز

رازداری، نوعی عمل و در اصطلاح فقه، فعلی از افعال مکلفین است. بنابراین، احکام متفاوتی دارد. رازداری در مواردی واجب و لازم است و افشای راز، عمل حرام به شمار می رود. برای مثال، اگر انسان از خطای مسلمانی آگاه شد، لازم است آن را پوشیده نگه دارد؛ زیرا افشای آن حرام است.

همچنین حفظ رازهایی که فاش شدن آنها ممکن است به نظام مسلمانان ضربه بزند، لازم و واجب است. حتی حفظ رازهای شخصی، مانند گناهایی که انسان مرتکب شده، لازم بوده و وی حق افشای آن را ندارد، بلکه فقط باید نزد خدای مهربان توبه و گناش را جبران کند.

مواردی نیز هست که نه تنها رازداری لازم نیست، بلکه وظیفه انسان افشای راز است؛ مانند شخص بیماری که بیان اطلاعاتش نزد پزشک، می تواند در مداوای بیماری اش به پزشک کمک کند. در اینجا او وظیفه دارد راز خود را فقط نزد همان پزشک مورد اعتماد باز گو کند.

همچنین برای رفع اتهام از خود یا دیگران، گاه افشای راز لازم است؛

۱- آداب معاشرت، ترجمه: محمد باقر کمره ای، ج ۳۱.

ص: ۳۸

نمونه آن را در داستان حضرت یوسف علیه السلام می بینیم که ایشان برای رفع اتهام از خود، راز زلیخا را بیان می کند:

قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ؛ [یوسف] گفت: «او مرا با اصرار به سوی خود دعوت کرد!» و در این هنگام، شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد که اگر پیراهن یوسف از پیش رو پاره شده، آن زن راست می گوید، و او (یوسف) از دروغگویان است. (یوسف: ۲۶)

قرآن کریم در مورد دیگری نیز رازداری را لازم نمی داند؛ آنجا که به انسان ستم شود، مظلوم حق دارد، ستم ستمکاران را افشا کند. (۱)

همچنین شهادت دادن به نفع مظلوم، جایز، بلکه واجب است و رازداری در این موارد معنا ندارد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَ إِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَيْفٍ وَ لَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانًا مَقْبُوضَةً فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. (بقره: ۲۸۳)

و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید، گروگان بگیرید! (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد.) و اگر به یکدیگر اطمینان [کامل] داشته باشید، [گروگان لازم نیست، و] باید کسی که امین شمرده شده [و بدون گروگان، چیزی از دیگری گرفته]، امانت [و بدهی خود را به موقع] بردازد؛ و از خدایی که



ص: ۳۹

پروردگار اوست، پرهیزد! و شهادت را کتمان نکنید! و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است و خداوند، به آنچه انجام می دهید، داناست.

#### ۴. شرایط رازداری

##### ۴. شرایط رازداری

شاید ابتدا پاسخ این سؤال مشکل به نظر برسد، اما اگر به ریشه و علت افشای رازها توجه کنیم، پاسخ ساده ای برای آن می یابیم. گاهی علت افشای راز، ضعف نفس و سستی عقل است؛ همان گونه که مرحوم نراقی نیز به آن اشاره دارد. (۱) بنابراین، برای اینکه انسان رازدار باشد، باید ضعف نفس، سستی عقل و ضعف ایمان خود را جبران کند.

همچنین در روایات، به عضوی از بدن که رازها را فاش می کند، یعنی زبان، توجه شده است.

بنابراین، راه ساده تر و عملی برای رازدار بودن، کنترل زبان است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم که سبب نابودی و نجات انسان ها، [در] سخن گفتن و سکوت است. (۲) برای این اساس، سخن گفتن می تواند مایه هلاکت، و سکوت مایه نجات آدمی باشد.

آن حضرت در کلامی دیگر می فرماید:

در هر مکان و به هر حالی که هستی، سلامتی را برای دین و دل و انجام امور خود از پیشگاه پروردگار متعال بخواه و راه پیدا کردن سلامت دل و دین آن است که:

۱- نک: ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۳۹۲.

۲- منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعه، باب ۴۶، ص ۱۰۲.

ص: ۴۰

آزار و اذیت مردم تحمل شود؛

با آنان به جنگ و جدال و خلاف و عداوت نپردازد؛

هنگام ابتلا و مصیبت صبر کند و شکوه و ناراحتی اظهار نکند؛

با اندک بودن مئونه بسازد و زندگی را به سادگی و آسانی بگذراند؛

از اموری که در میان مردم، عادت و متعارف و مرسوم شده است پرهیزد و ... .

[سپس حضرت به نکته جالب و کلیدی اشاره می کند و می فرماید:]

پس اگر نتوانی به این خصال عمل کنی، می باید عزلت و گوشه گیری اختیار کنی و از اجتماعات مردم که مفید نیست، برکنار شوی و اگر از گوشه نشینی هم عاجز باشی، تا می توانی سکوت اختیار کن و از حرف زدنی که صددرصد مفید نیست، پرهیز...  
(۱).

به هر حال، نجات آدمی در سکوت است که آسان ترین راه برای تقویت صفتِ رازداری می باشد. البته سکوت در باطل روا نیست و در غیر این مورد، سکوت گنجی است بی پایان. امام صادق علیه السلام می فرماید: «بنده مؤمن مادامی که ساکت باشد، پیوسته به عنوان انسان نیکوکار ثبت می شود، و هرگاه سخن گفت، (می تواند) نیکوکار یا گناهکار ثبت شود».(۲)

۱- منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم علیه السلام، مصباح الشریعه، باب ۴۶، ص ۱۰۲ (با اندکی تغییر).

۲- محمد بن علی بن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۶۴.

ص: ۴۱

**۵. آثار افشای راز**

۵. آثار افشای راز

با توجه به قاعده «تعرف الاشياء باضدادها» می توان گفت تمام آثار مثبتی که برای رازداری بیان شد، در افشای راز که ضد آن است، به آثار منفی تبدیل می شود. برای مثال، اگر رازداری سبب تکمیل ایمان است، افشای راز، انسان را از رسیدن به کمال ایمان باز می دارد. اگر رازداری برای انسان امنیت به ارمغان می آورد، افشای آن مایه سلب آرامش خود و دیگران می شود.

افشای راز، عزت و سربلندی انسان را خدشه دار می سازد و در مواردی حتی گناه به شمار می رود و می تواند زمینه ساز گسترش فحشا، گناه و فساد باشد و... .

اما معمولاً انسان ها به چه انگیزه هایی رازهای دیگران را برملا می کنند؟

به نظر می رسد انگیزه ها متفاوت است؛ گاهی برای ضربه زدن به دیگری و کوچک کردن او، گاهی در قالب سخن چینی یا غیبت؛ گاه برای مسخره کردن شخصی، و گاه انسان برای اینکه خود را فردی باخبر و آگاه نشان دهد، راز دیگران را فاش می کند.

به هر حال، انگیزه هرچه باشد، انگیزه های الهی نیست؛ بلکه یا برای خودنمایی و بزرگ جلوه دادن خود است، و یا ضربه زدن به طرف مقابل. در هر صورت، نشانه ضعف ایمان و عقل آدمی است.

**گلبانگ حدیث****اشاره**

گلبانگ حدیث

زیر فصل ها

رازداری

معیار افشای راز

تأکید بر رازداری

فاش کردن اسرار امامت

ستودن بنده رازدار

**رازداری**

## رازداری

۱. امام علی علیه السلام: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ؛ هر کس راز خود را بپوشاند، قدرت انتخاب در دست اوست». (۱)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۶۲.

ص: ۴۲

۲. امام علی علیه السلام: «الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَ الْحَزْمُ بِإِجَالِهِ الرَّأْيِ، وَ الرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْإِسْرَارِ؛ پیروزی با احتیاط به دست می آید؛ و احتیاط، با اندیشیدن و سنجیدن؛ و اندیشیدن و سنجیدن، با رازداری».(۱)

۳. امام علی علیه السلام: «سِرُّكَ أَسِيرُكَ فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أُسِيرَهُ؛ راز تو در بند توست. اگر آن را فاش کنی، تو در بندش خواهی شد».(۲)

۴. امام علی علیه السلام: «سِرُّكَ سُورُوكَ إِنْ كَتَمْتَهُ، وَ إِنْ أَدَعَيْتَهُ كَانَ تُبُورَكَ؛ راز تو مایه شادی توست، اگر پنهانش داری؛ و سبب هلاکت توست، اگر آن را فاش سازی».(۳)

۵. امام علی علیه السلام: «الْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسِرِّهِ؛ آدمی، راز خود را بیشتر نگه می دارد [تا دیگران]».(۴)

۶. امام علی علیه السلام: «إِنْفِرْدُ بِسِرِّكَ وَ لَا تُودِعْهُ حَازِمًا فَيَزِلَّ وَ لَا جَاهِلًا فَيُخُونُ؛ رازت را تنها برای خودت نگه دار و آن را نه به دوراندیش سپار، که می لغزد و نه به نادان، که خیانت می کند».(۵)

۷. امام صادق علیه السلام: «سِرُّكَ مِنْ دَمِكَ فَلَا يَجْرِيَنَّ مِنْ غَيْرِ أَوْ جِجْكَ؛ راز تو جزئی از خون توست، پس نباید در رگ های غیر تو جریان یابد».(۶)

## معیار افشای راز

معیار افشای راز

امام صادق علیه السلام: «لَا تُطْلِعْ صِدِّيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوْ أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ عِدُّوكَ لَمْ يَضُرَّكَ، فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوًّا يَوْمًا مَا؛ دوستت را از راز خود آگاه

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۸.

۲- غررالحکم، ح ۵۶۳۰.

۳- غررالحکم، ح ۵۶۱۶.

۴- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۵- غررالحکم، ح ۲۳۰۶.

۶- بحارالانوار، ج ۷۵، ح ۷۱ و ۱۵.

ص: ۴۳

مکن، مگر بر رازی که اگر دشمن از آن آگاه شود نتواند به تویانی رساند؛ زیرا دوست نیز ممکن است روزی دشمن شود» (۱).

۱. امام علی علیه السلام: «لا تُسِرَّ إِلَى الْجَاهِلِ شَيْئًا لَا يُطِيقُ كِتْمَانَهُ؛ با نادان، رازی که طاقت کتمانش را ندارد، در میان مگذار» (۲).

۲. امام علی علیه السلام: «لا تُودِعَنَّ سِرَّكَ مَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ؛ راز خود را به کسی که امانت دار نیست، مسپار» (۳).

### تأکید بر رازداری

تأکید بر رازداری

۱. امام علی علیه السلام: «الصَّمْتُ حُكْمٌ، وَ السُّكُوتُ سَلَامَةٌ، وَ الْكِتْمَانُ طَرْفٌ مِنَ السَّعَادَةِ؛ خاموشی حکمت است و سکوت [مایه]

سلامت و رازداری گوشه ای از خوشبختی» (۴).

۲. امام باقر علیه السلام: «وَ اللَّهُ إِنَّ أَحَبَّ أَصْحَابِي إِلَيَّ أَوْرَعُهُمْ وَ أَفْقَهُهُمْ وَ أَكْتَمُهُمْ لِحَدِيثِنَا؛ به خدا قسم محبوب ترین یارانم نزد من،

پرهیزکارترین و فقیه ترین آنها و کسی است که درباره سخنان ما رازدارتر باشد» (۵).

### فاش کردن اسرار امامت

فاش کردن اسرار امامت

امام باقر علیه السلام:

يُحَشِّرُ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَا نَدَى دَمَا فَيُدْفَعُ إِلَيْهِ شِبْهَ الْمِحْجَمِ أَوْ فَوْقَ ذَلِكَ، فَيَقَالُ لَهُ: هَذَا سَهْمُكَ مِنْ دَمِ فُلَانٍ، فَيَقُولُ: يَا رَبِّ، إِنَّكَ

۱- مشکاه الأنوار، ح ۵۵۷، ۱۸۸۶.

۲- غررالحکم، ح ۱۰۲۶۵.

۳- غررالحکم، ح ۱۰۱۶۶.

۴- تحف العقول، ص ۲۲۳.

۵- الکافی، ج ۲، ص ۷، ح ۲۲۳.

ص: ۴۴

لَتَعْلَمَنَّ أَنَّكَ قَبِضْتَنِي وَ مَا سَفَكْتُ دَمًا! فَيَقُولُ: بَلَى، سَمِعْتَ مِنْ فُلَانٍ رِوَايَةَ كَذَا وَ كَذَا، فَرَوَيْتَهَا عَلَيَّ، فَنَقَلْتَ حَتَّى صَارَتْ إِلَى فُلَانِ الْجَبَّارِ  
فَقَتَلَهُ عَلَيْهَا، وَ هَذَا سَهْمُكَ مِنْ دَمِهِ! (۱)

روز قیامت، آدمی محشور می شود در حالی که یک قطره خون هم نریخته، به اندازه یک شیشه حجامت یا بیشتر به او خون می دهند و می گویند: این سهم تو از خون فلانی است. عرض می کند: بار پروردگارا! تو می دانی که جانم را ستاندی در حالی که قطره خونی نریخته بودم. می فرماید: درست است، اما از فلانی چنین و چنان روایتی شنیدی و آن را روایت کردی که به زیان او تمام شد؛ زیرا آن روایت دهان به دهان گشت تا به فلان ستمگر رسید و او را به خاطر آن کشت و حالا این سهم تو از خون اوست.

### ستودن بنده رازدار

ستودن بنده رازدار

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

طوبى لِعَبْدٍ نُومِهِ، عَرَفَهُ اللهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ النَّاسُ، أَوْلَتْكَ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَ يَنَابِيعُ الْعِلْمِ، يَنْجَلِي عَنْهُمْ كُلُّ فَتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ، لَيْسُوا بِالْمُذَابِحِ الْبُدْرِ  
وَ لَا بِالْجُفَاهِ الْمُرَائِنِ. (۲)

خوشا بنده گمنامی که او را خدا بشناسد و مردم نشناسند. اینان چراغ های هدایت و چشمه های دانشند که هر فتنه تاریکی به سبب وجود آنها برطرف می شود؛ نه سخن پراکن و پخش کننده اسرارند و نه نافرهیخته و ریاکار.

۱- الکافی، ج ۲، ص ۵، ح ۳۷۰.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۱، ح ۲۲۵.

ص: ۴۵

## نمونه های رفتاری

## اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. بهترین رازدار

۲. رازداری از نظر امام رضا علیه السلام

۳. به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله خیانت نکنید

## ۱. بهترین رازدار

۱. بهترین رازدار

«شخصی به نام أخنف بن قیس می گوید: روزی به عمومیم، صعصه، از دل درد خود شکایت کردم. من را بسیار سرزنش کرد و گفت: پسر برادر! وقتی یک نوع ناراحتی پیدا می کنی، اگر به دیگری مانند خود شکایت کردی از دو حال خارج نیست؛ یا آن شخص دوست توست، [که] البته او هم ناراحت و افسرده می شود و یا دشمن توست، در این صورت شادمان خواهد شد. ناراحتی خویش را به مخلوقی مانند خود که قدرت برطرف کردن آن را ندارد، بازگو مکن، به کسی پناه ببر و بگو که... می تواند آن را برطرف نماید» (۱).

## ۲. رازداری از نظر امام رضا علیه السلام

۲. رازداری از نظر امام رضا علیه السلام

روزی مأمون عباسی به امام هشتم؛ حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام گفت: مهم ترین شعری که درباره رازداری می دانی، برای من بخوان. آن حضرت در پاسخ فرمود:

از یاد برم راز، تا فاش نسازم ج

ای آنکه رازداری را در فراموشی آن دانی

ترسم که روان گردد در خاطر من یادش



وانگاه دل اندازد آن را به زبان خوانی ج

باشد که بسا رازی در دل جولان گیرد ج

وانگاه توان نبود و حبس در آن آنی (۲)

---

۱- مصطفی زمانی وجدانی، داستان‌ها و پندها، ج ۴، ص ۱۴۰.

۲- آداب معاشرت، ج ۲، ص ۴۸.

### ۳. به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله خیانت نکنید

۳. به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله خیانت نکنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ. (انفال: ۲۷ و ۲۸)

ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبر خیانت نکنید و [نیز] در امانات خود خیانت روا مدارید در حالی که متوجه هستید و می دانید؛ و بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است و پاداش عظیم [برای آنها که از عهده امتحان برآیند] نزد خداست.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره شأن نزول این دو آیه روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد مسلمانان، یهود بنی قریظه (طایفه ای از یهود مدینه) را محاصره کنند. این محاصره بیست و یک شب ادامه یافت. یهود بنی قریظه ناچار شدند همانند برادرانشان از طایفه بنی نضیر (گروه دیگری از یهود مدینه)، پیشنهاد صلحی بدهند؛ به این ترتیب که از سرزمین مدینه کوچ کنند و به سوی شام بروند. پیامبر این پیشنهاد را نپذیرفت (شاید به این دلیل که صداقتشان در این پیشنهاد مشکوک بود) و فرمود تنها باید حکمت سعد بن معاذ را بپذیرید. آنها تقاضا کردند که پیامبر، ابولبابه (یکی از یاران پیامبر در مدینه) را نزد آنها بفرستد. ابولبابه با آنها سابقه دوستی داشت و خانواده و اموالش نزد آنها بود. پیامبر صلی الله علیه و آله این پیشنهاد را پذیرفت و ابولبابه را نزد آنها فرستاد. آنها با ابولبابه مشورت کردند که آیا صلاح است حکمت سعد بن معاذ را بپذیرند؟

ابولبابه به گلوی خود اشاره کرد؛ یعنی اگر بپذیرید، کشته خواهید شد، پس تن به این پیشنهاد ندهید. پیک وحی، جبرئیل، این موضوع را به پیامبر خبر داد.

ص: ۴۷

ابولبابه می گوید: هنوز گامی برنداشته بودم که متوجه شدم من به خدا و پیامبر خیانت کردم و این آیه ها درباره من نازل شد.

در این هنگام ابولبابه بسیار پریشان گشت؛ به طوری که خود را با طنابی به یکی از ستون های مسجد پیامبر بست و گفت: به خدا سوگند نه غذا می خورم و نه آب می نوشم تا مرگ من فرا رسد، مگر اینکه خداوند توبه مرا بپذیرد.

هفت شبانه روز گذشت و ابولبابه نه غذا خورد و نه آب نوشید؛ آن چنان که بی هوش بر زمین افتاد. سرانجام خداوند توبه او را پذیرفت. مؤمنان این خبر را به او رساندند، ولی او سوگند یاد کرد که خود را از ستون باز نکند تا پیامبر بیاید و او بگشاید.

پیامبر آمد و بند از او گشود. ابولبابه گفت برای تکمیل توبه خود، خانه ام را که در آن مرتکب گناه شده ام رها خواهم ساخت و از تمام اموالم صرف نظر می کنم. پیامبر فرمود: «کافی است که یک سوم از اموالت را در راه خدا صدقه بدهی» (۱).

## آموزه‌ها

آموزه‌ها

۱. رازداری صفتی پسندیده است و از ویژگی های شیعه حقیقی به شمار می رود.

۲. حفظ اسرار دینی، نظامی و حکومتی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

۳. انسان، هرگاه رازی را به دیگری بگوید، ناچار است از وی

۱- تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۳۴.

ص: ۴۸

خواهش کند که آن راز را نزد خود نگه دارد. عقل حکم می‌کند به جای این خواهش، سکوت برگزیند و راز خود یا دیگران را افشا نسازد.

۴. در مواردی که لازم است راز را با کسی در میان گذاشت، باید بررسی شود که آیا آن شخص برای این کار مناسب هست یا خیر؟ چنان که حضرت یوسف علیه السلام راز خود را فقط برای پدر مهربان خود بازگو کرد.

در برخی روایات سفارش شده است که رازهای خود را به انسان نادان، (۱) شخصی که امانت دار نیست (۲) و به افراد سخن چین مسپارید. (۳) بنابراین، در انتخاب فردی که راز با او در میان گذاشته می‌شود، باید دقت فراوان کرد. چنین شخصی باید فردی عاقل، امانت دار، مؤمن و رازدار باشد.

۵. رازداری، قابل آموزش است. بنابراین، فرزندان باید از همان کودکی رازداری را در خانواده بیاموزند.

۶. بهترین راه برای رازداری، تفکر، مطالعه و کم سخن گفتن است. هر کس سکوت را در زندگی پیشه کند، اهل نجات خواهد بود.

به پیر میکده گفتند چیست راه نجات

بخواست جام می و گفت: راز پوشیدن ج

۷. در انتشار اخبار باید دقت کرد. هر خبر، زمان و مکان خاص خود را می‌طلبد. چه بسا، بیان بی موقع اخبار، موجب وارد آمدن خسارت به جامعه و کشور شود؛ زیرا دشمن با آگاه شدن از آن، شیطنت خود را

۱- نک: غررالحکم، ح ۱۰۲۶۵.

۲- نک: غررالحکم، ح ۱۰۲۶۶.

۳- نک: غررالحکم، ح ۴۶۶۲.

ص: ۴۹

آغاز می کند و از هر راهی می کوشد که آن کار به نتیجه نرسد؛ چنان که نمونه های آن در بخش های مختلف علمی و امنیتی کشور بارها مشاهده شده است؛ از داروسازی تا صنایع نظامی، اتمی و... . امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «آشکار کردن چیزی پیش از آنکه استوار گردد، موجب تباهی و نابودی آن می شود»<sup>(۱)</sup>.

## منابع

### منابع

آذر، احمدرضا، رازداری، تهران، سرو یاسین، ۱۳۸۸.

استنسی، پائول، حقوق حفظ اسرار، ترجمه: محمدحسین و کیلی مقدم، تهران، کتاب همگان، ۱۳۹۱.

معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، حفاظت گفتاری و رازداری و مبانی و نظام حقوقی، تهران، راه نوین، ۱۳۸۹.

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۷۱، ح ۱۳.



ص: ۵۱

## راستی و راستگویی

## اشاره

راستی و راستگویی

حضرت علی علیه السلام: «الصُّدُقُ أمانةُ اللِّسانِ، وِ حِلْيَةُ الْإِيْمَانِ؛ راستی، امانت زبان و زیور ایمان است».(۱)

در قرآن کریم، در ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و راستی که تو را خویی والاست!». (قلم: ۴)

علامه طباطبایی رحمه الله در تبیین این آیه می نویسد:

[معنای آیه] این است که تو ای پیامبر، سجایای اخلاقی عظیمی داری.

این آیه شریفه هرچند فی نفسها و به خودی خود حسن خلق رسول خدا صلی الله علیه و آله را می ستاید و آن را بزرگ می شمارد، لیکن با در نظر گرفتن خصوص سیاق، به خصوص اخلاق پسندیده اجتماعی اش نظر دارد؛ اخلاقی که مربوط به معاشرت است، از قبیل استواری بر حق، صبر در مقابل آزار مردم و خطاکاری های

اراذل و عفو و اغماض از آن، سخاوت، مدارا، تواضع و امثال اینها. (۱)

در آیه دیگری آمده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست؛ برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند». (احزاب: ۲۱)

بنابراین، رسول خدا صلی الله علیه و آله الگویی هر مسلمانی در اخلاق و عمل است. خداوند در قرآن کریم پیامبر را دارای سجایای اخلاقی بزرگ معرفی می کند که راستگویی از مهم ترین آنهاست. به طور کلی، خداوند معجزه را به پیامبران برای اثبات راستگویی آنها در بزرگ ترین خبر که خبر پیامبری باشد عطا فرموده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «خدای عزوجل هیچ پیغمبری را مبعوث نفرمود، جز با راستگویی و ادای امانت به نیکوکار و بدکار». (۲)

اهمیت راستگویی تا آنجاست که امام صادق علیه السلام علت والامقامی و نزدیکی حضرت علی علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در همین ویژگی حضرت علی علیه السلام معرفی می کند. به این معنا که حضرت علی علیه السلام از برکت راستگویی، به آن قرب و منزلت رسیده است.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: عبدالله بن ابی یعفور به شما سلام می رساند. حضرت فرمود: بر تو و بر او سلام باد؛ چون نزد عبدالله رفتی، سلامش برسان و به او بگو جعفر بن محمد (امام صادق) به تو می گوید: در آنچه علی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به مقام رسید بنگر و ملازمش

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۶۱۹.

۲- اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، ج ۳، ص ۱۶۲.



ص: ۵۳

باشد؛ همانا علی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله به سبب راستگویی و ادای امانت به آن مقام رسید. (۱)

راستگویی با ایمان رابطه نزدیکی دارد؛ چنان که در بعضی روایات، راستگویی دومین درجه ایمان و در بعضی روایات، معیار و شاخص تشخیص مؤمن معرفی شده است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «به روزه و نماز مردم فریب نخورید؛ زیرا بسا انسان به نماز و روزه شیفته می شود تا آنجا که اگر ترک کند به هراس افتد، ولی آنها را به راستگویی و ادای امانت بیازماید». (۲)

در واقع، راستی و امانت از یک خانواده و از یک جنسند؛ زیرا راستی، پاکی سخن است و امانت، پاکی عمل و کار.

راستی و راستگویی از نظر حضرت حق، آن چنان اهمیت دارد که به اهل ایمان فرمان می دهد از اهل راستی و راستگویان پیروی کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و با راستان باشید». (توبه:

۱۱۹)

علامه طباطبایی رحمه الله در تبیین «مع الصادقین» به معنای پیروی کردن از راستگویان تأکید دارد و می نویسد: «آیه شریفه، مؤمنین را دستور می دهد به اینکه تقوا پیشه نموده، صادقین را در گفتار و کردارشان پیروی کنند و این غیر از آن است که بفرماید: شما نیز مانند صادقین متصف به وصف صدق باشید؛ زیرا اگر آن بود، می بایستی بفرماید: و از صادقین باشید، نه اینکه بفرماید: و با صادقین باشید». (۳)

۱- اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، ج ۳، ص ۶۳.

۲- اصول کافی، ص ۱۶۲.

۳- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۵۴۸.

ص: ۵۴

البته در روایات آمده است که مقصود از «صادقین»، پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام هستند، (۱) اما باید توجه داشت که پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام مصداق اتم صادقین هستند.

در این مقام چند پرسش مهم مطرح است:

صدق و راستی به چه معناست؟

راستگویی چه آثار و کارکردهایی دارد؟

نشانه های راستگویی چیست؟

آیا راستگویی نابجا هم داریم؟

### ۱. معنای صدق و راستگویی

۱. معنای صدق و راستگویی

معنای واژه صدق و راستی در ابتدای امر، ساده به نظر می رسد؛ صدق و راستی ضد دروغ و نادرستی است، اما این واژه در حیطه های مختلف ممکن است از معنای دقیق تری برخوردار باشد. برای مثال در فلسفه، درباره آن بحث های دقیقی مطرح است. (۲) این واژه در کاربردهای قرآنی و روایی دارای توسعه معنایی است.

علامه طباطبایی رحمه الله در معنای صدق می نویسد:

کلمه صدق در اصل به معنای این است که گفتار و یا خبری که داده می شود با خارج مطابق باشد و آدمی را که خبرش مطابق با واقع و خارج باشد، صادق می گویند، ولیکن از آنجایی که به طور استعاره و مجاز، اعتقاد و عزم و اراده را هم قول نامیده اند، در نتیجه صدق را در آنها استعمال کرده، انسانی را هم که

۱- نک: عیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲- نک: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۶، ص ۱۵۵.

ص: ۵۵

عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری که می کند با اراده و تصمیمش مطابق باشد و شوخی نباشد، صادق نامیده اند. (۱)

بعضی برای صدق اقسامی بیان می کنند؛ از جمله گفته شده: «صدق در کلام، صدق در کتابت، صدق در نیت، صدق در عزم و جزم بر امور خیر، صدق در عمل که باطنش مطابق ظاهرش باشد، صدق در مقامات دنیویه و اخلاق حمیده، مانند: صبر، شکر، توکل، رجاء، خوف، رضا، تسلیم و غیر اینها». (۲)

مرحوم ملا احمد نراقی، صاحب معراج السعاده، که تسلط خاصی در روایات دارد، درباره صدق و راستگویی می نویسد:

ضد دروغگویی، صدق است که راستگویی است و آن اشرف صفات نفسانیه و رئیس اخلاق ملکیه است... و مخفی نماند که همچنان که صدق و کذب در سخن و گفتار می باشد، همچنین در کردار و اخلاق و مقامات دین نیز یافت می شود... صدق در [کردار و اعمال] این است که باطن و ظاهر یکسان و مطابق باشد، یا باطن از ظاهر بهتر و آراسته تر باشد و این مرتبه از صدق، اشرف و افضل از صدق در گفتار است. (۳)

با توجه به این توضیحات، روشن شد که راستی و راستگویی از دیدگاه مفسران و استادان اخلاق و حتی اهل لغت، از گستره معنایی وسیعی برخوردار است؛ یعنی افزون بر راستگویی در سخن، مطابقت قلب با زبان نیز راستی و صدق به شمار می رود. همچنین مطابقت سخن

۱- ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۵۴۸.

۲- ابوالفضل داورپناه، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۹۰.

۳- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۴۲۰.

ص: ۵۶

با عمل نیز نوعی راستی و صدق است و چنین شخصی را راستگو می‌نامند.

اما باید توجه داشت که برای رسیدن به راستی در رفتار و کردار، باید از کانال راستی در سخن و گفتار گذشت. در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم که «هرکس زبانش راست باشد، کردارش پاک است»<sup>(۱)</sup>.

همچنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «راستگویی به سوی نیکی هدایت می‌کند و نیکی به سوی بهشت دعوت می‌کند»<sup>(۲)</sup>.

## ۲. کارکردهای راستگویی

### اشاره

#### ۲. کارکردهای راستگویی

راستگویی، رفتاری است که از اعتقاد و ایمانی خاص سرچشمه می‌گیرد. کسی که در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام پرورش یابد و به خدا و قیامت و روز حساب معتقد باشد، اهل فریب و دروغ نیست. او می‌داند که خداوند و فرشتگان الهی در همه حال، ناظر اعمال و رفتار او هستند و کوچک‌ترین کار او ثبت و ضبط می‌شود و جزا و پاداش هم دارد: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» پس هرکس هم وزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید و هرکس هم وزن ذره ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید». (زلزال: ۷ و ۸)

انسان مؤمن، حتی یک ناراستی و دروغ را هم بزرگ می‌شمرد؛ زیرا خود را در محضر حضرت حق می‌بیند.

در آیات و روایات، آثار و کارکردهای جالبی برای راستی و راستگویی بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، ترجمه: مهدی هوشمند و عبدالله محمدی، ص ۳۵۰.

۲- علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، ترجمه: مهدی هوشمند و عبدالله محمدی، ص ۳۵۱.

**الف) راستی مایه نجات آدمی**

الف) راستی مایه نجات آدمی

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «راستی، تو را نجات می دهد، هر چند از آن بیمناک باشی؛ و دروغ، تو را نابود می کند، گرچه از آن خطری برای خود حس نکنی». (۱)

در قرآن کریم هم راستی و راستگویی، مایه رستگاری در آخرت معرفی شده است؛ آنجا که در آیه ۱۱۹ سوره مائده می خوانیم:

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ خداوند فرمود: این روزی است که راستگویان را راستی شان سود بخشد؛ برای آنها باغ هایی است که از زیر درختانش، نهرها روان است؛ همیشه در آن جاودانند؛ خدا از آنان خوشنود است و آنان نیز از او خوشنودند؛ این است رستگاری بزرگ.

به راستی که رستگاری بزرگ، بهشت و خوشنودی حضرت حق است که در سایه راستی و راستگویی به دست می آید.

**ب) راستی مایه صلاح و درستی**

ب) راستی مایه صلاح و درستی

از دیدگاه مکتب اهل بیت علیهم السلام، راستی، کارها را به صلاح و درستی می رساند و دروغ، موجب تباهی کارها می شود. حضرت علی علیه السلام فرمود: «راستی مایه درستی هر چیزی است. دروغ مایه تباهی هر چیزی است». (۲)

۱- غررالحکم، ح ۱۱۱۵.

۲- غررالحکم، ح ۱۱۱۶.

ص: ۵۸

از بعضی آیات قرآن کریم هم این معنا استفاده می شود که: راستگویی سبب می شود خداوند اعمال و کردار انسان را اصلاح کند: ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و سخن راست و استوار گوید تا [خداوند] کارهای شما را به صلاح و سامان آورد و گناهان شما را بپامرزد و هر که خدا و پیامبرش را فرمان برد، به راستی به کامیابی و پیروزی بزرگ دست یافته است. (۱)

امام صادق علیه السلام هم فرمود: «هر کس زبانش راست باشد، کردارش پاکیزه است». (۲)

### ج) همراهی خداوند متعال

ج) همراهی خداوند متعال

از آثار بسیار بزرگ راستی و راستگویی، همراهی خداوند سبحان با راستگویان است که برای اهل فکر و معنا بسیار ارزشمند است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «هان! راستگو باشید؛ به درستی که قطعاً خداوند با راستگویان است». (۳)

### د) راستی سبب کرامت

د) راستی سبب کرامت

انسان دروغگو وقتی در جامعه رسوا شود، خوار و ذلیل می گردد. در مقابل، شخص راستگو، نزد افراد جامعه احترام خاصی خواهد داشت و دیگران با دید احترام به او می نگرند؛ چنان که حضرت علی علیه السلام فرمود: «راستگو محترم و ارجمند است و دروغگو خوار و ذلیل». (۴)

۱- نک: احزاب: ۷۰ و ۷۱.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۳.

۳- بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۳۸۶، ح ۵۱.

۴- غررالحکم، ح ۳۴۰۹.

ص: ۵۹

خداوند نیز از افراد راستگو در قرآن کریم به بزرگی یاد می کند و از جمله آنها، حضرت ابراهیم علیه السلام را به سبب راستگویی اش می ستاید: «و در این کتاب به یاد ابراهیم پرداز؛ زیرا او پیامبری بسیار راستگو بود». (مریم: ۴۱)

خداوند مهربان در آیه ۳۵ سوره احزاب، ده گروه از مردان و زنان را با ویژگی هایی خاص معرفی می کند و آنها را شایسته مغفرت، آمرزش و پاداش بزرگ می داند؛ یکی از آنها، مردان و زنان راستگو هستند:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصِدِّقِينَ وَالْمُتَصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.

مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان باایمان، و مردان و زنان عبادت پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه دهنده، و مردان و زنان روزه دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند؛ خدا برای [همه] آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

### ۳. نشانه های راستگویی

#### اشاره

۳. نشانه های راستگویی

از دیدگاه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام راستی و راستگویی، از ستون های ایمان معرفی شده است و پشتوانه ایمان به شمار می آید.

ص: ۶۰

در قرآن کریم برای راستی و راستگویی، نشانه‌هایی بیان شده است.

### الف) راستگویان اهل دلیل و برهانند

الف) راستگویان اهل دلیل و برهانند

خداوند در آیه ۱۱۱ سوره بقره، سخنی از قول یهودیان و مسیحیان نقل می‌کند و در پایان می‌فرماید که اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید. از این بیان، روشن می‌شود که راستگویان اهل دلیل و برهانند. نمونه بارز آن، پیامبران الهی هستند که وقتی ادعای نبوت می‌کنند، برای اثبات راستگویی خود، دلیل و برهانی روشن که همان معجزه الهی است، نشان می‌دهند.

### ب) راستگویان حقیقی

ب) راستگویان حقیقی

خداوند در سوره حشر، موارد مصرف «فی» (اموال و غنایمی که از غیر جنگ به دست آمده است) را بیان می‌فرماید. مهاجران، گروهی از مسلمانان بودند که از مکه و مکان‌های دیگر به مدینه آمده بودند. بنابراین، خانه و اموالی در مدینه نداشتند. خداوند در آیه ۸ سوره حشر درباره آنها می‌فرماید: «[این غنایم، نخست] به بینوایان مهاجری اختصاص دارد که از دیارشان و اموالشان رانده شدند، خواستار فضل خدا و خشنودی [او] می‌باشند، و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند. اینان همان مردم درست‌کردارند.» (حشر: ۸) در این آیه، سه صفت برای مهاجران بیان شده است: هجرت؛ یاری خدا و رسولش در همه حال؛ اهل صدق و راستی بودن. تعبیر پایانی آیه، نتیجه‌گیری آیه است؛ یعنی مهاجرانی که اعمالشان فقط برای خدا بوده و خدا و رسولش را یاری می‌کردند، افرادی صادق و راستگو هستند.



ص: ۶۱

## ۴. راستگویی نابجا

## اشاره

۴. راستگویی نابجا

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «در سه مورد، راستگویی زشت است: سخن چینی، خبر ناخوشایند دادن به مرد درباره خانواده اش، و تکذیب کردن خبر کسی که به تو خبر می دهد»<sup>(۱)</sup>.

همچنین امام صادق علیه السلام از پدراناش نقل می کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: در سه مورد راست گفتن زشت است: در سخن چینی بین مردم؛ خبر ناخوش دادن به مرد درباره خانواده اش؛ تکذیب کردن شخص در خبری که می دهد»<sup>(۲)</sup>.

وجود این دسته از روایات، سبب شده است علما درباره استثنای راستگویی بحث کنند و دلیل آن را توضیح دهند. معمولاً بحث استنهاها در راستگویی، با عنوان دروغ مصلحتی مطرح می شود.

بحث دروغ و مصلحتی بودن آن را از دو نظر می توان بررسی کرد: ۱. فلسفه اخلاق؛ ۲. احادیث و فقه. البته این دو دیدگاه بی ارتباط با یکدیگر نیستند. در فلسفه اخلاق، این مسائل مطرح است که دروغ چگونه است؟ آیا ذاتاً قبیح و زشت است یا اقتضای قبح و زشتی را دارد؟ ممکن است گفته شود که دروغ نه ذاتاً قبیح است و نه اقتضا و زمینه قبح و زشتی در آن وجود دارد، بلکه باید دید با چه انگیزه ای است. مانند کتک زدن بچه یتیم که اگر برای ادب کردن وی باشد، خوب است و اگر برای اذیت و آزار او باشد، بد است. با این حال، برخی معتقدند دروغ مانند ظلم، قبح ذاتی دارد و در نتیجه حرام است و نباید هیچ گاه دروغ گفت. بنابراین، اگر

۱- الخصال، ص ۸۷، ح ۲۰.

۲- محمدعلی فرابی و دیگران، آداب معاشرت از دیدگاه معصومان: (ترجمه وسائل الشیعه)، ج ۱، ص ۳۵۳.

ص: ۶۲

در مواقعی دروغ را جایز می‌شمارند، با قاعده اهم و مهم و از باب تراحم است؛ مانند اینکه ورود بدون اجازه به خانه دیگران، غضب به شمار می‌رود و حرام است، اما اگر در همین خانه مسلمانی در حال هلاکت باشد، در مقام عمل، بین ورود بی‌اجازه به خانه دیگری و نجات یک مسلمان، تراحم رخ می‌دهد و حکم عقل این است که نجات مسلمان مهم‌تر است. بنابراین، باید برای نجات او اقدام کرد. دروغ نیز همین‌گونه است. دروغ، ذاتاً قبیح و در نتیجه حرام است؛ اما اگر این دروغ حرام با امری واجب، مثل نجات جان یک مؤمن تراحم پیدا کند، در این مقام، نجات جان مؤمن مقدم می‌شود. به هر حال، محدوده دروغ مصلحتی مشخص است و نمی‌توان هر دروغی را دروغ مصلحتی دانست.

شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

مسئله دروغ مصلحت‌آمیز است که سعدی ما هم آورده و در فقه ما آمده است. آیا دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز است یا نه؟ سعدی می‌گوید: دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز است و آن داستانی هم که ذکر کرده، نشان می‌دهد که درک سعدی از این مسئله درک خوبی بوده است. می‌گوید شخصی را پیش پادشاهی آورده بودند. پادشاه فرمان داد که بروند گردنش را بزنند. او وقتی مأیوس شد از اینکه زنده بماند، شروع کرد به فحش دادن، ولی پادشاه نمی‌شنید. پرسید: چه می‌گوید؟ وزیر گفت: می‌گوید: الْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ. (۱) یک کسی که آنجا دنبال این بود که نقطه ضعفی در این وزیر پیدا کند و او را

۱- «فروبرندگان خشم و عفوکنندگان مردم». (آیه در مقام توصیف متقین است). (آل عمران: ۱۳۴)

ص: ۶۳

معلق نماید و خودش به جای او وزیر بشود، گفت: در حضرت پادشاهان نشاید امثال ما را دروغ گفتن؛ او دارد به پادشاه فحش می دهد، تو می گویی دارد آیه قرآن می خوانند؟! شاه گفت: دروغ او از راست تو بهتر است. (۱) دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است؛ یعنی او با یک دروغ، جانی را نجات داد و تو با یک راست، جانی را بیشتر به خطر می اندازی.

اساساً آیا این درست است که دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است؟

اینجا ابتدا باید مطلبی را برایتان عرض بکنم که، فرق است میان دروغ مصلحت آمیز و دروغ منفعت خیز! خیلی افراد دروغ منفعت خیز را با دروغ مصلحت آمیز اشتباه می کنند یا می خواهند اشتباه کنند. دروغ مصلحت آمیز، یعنی دروغی که فلسفه خودش را از دست داده و فلسفه راستی را پیدا کرده است؛ یعنی دروغی که با آن، انسان حقیقتی را نجات می دهد. ولی دروغ منفعت خیز، یعنی انسان دروغ می گوید که خودش سودی برده باشد. مسئله مصلحت با مسئله منفعت نباید اشتباه بشود. مصلحت، دایرمدار حقیقت است. مصلحت و حقیقت دو برادر هستند که از یکدیگر جدا نمی شوند. مصلحت یعنی رعایت حقیقت را کردن، نه رعایت سود خود را کردن، که این منفعت است. افرادی دروغ می گویند؛ دروغی به منفعت خودشان. می گویند: چرا دروغ گفتی؟ می گویند: دروغ مصلحتی گفتم. برای اینکه شندرغاز بیشتر سود ببرد، دروغ

---

۱- البته اینها داستان است که او ساخته برای اینکه حقیقتی را گفته باشد.

ص: ۶۴

می گوید و می گوید دروغ به مصلحت گفتم. این مصلحت نیست؛ دروغی است مثل همه دروغ های دیگر. پس این مطلب اشتباه نشود: دروغ مصلحت آمیز غیر از دروغ منفعت خیز است. (۱)

## دروغ مصلحتی

## اشاره

### دروغ مصلحتی

اصطلاح دروغ مصلحتی، اصطلاحی است که بین مردم رواج پیدا کرده، ولی در فقه و روایات بحث به شکل دیگری مطرح است. در کتاب های فقهی، بحث دروغ در چند مرحله مطرح شده است: (۲)

مرحله اول حرمت دروغ: در همه ادیان آسمانی، دروغ حرام است. همچنین عقل هر انسانی هم به قبح دروغ حکم می کند. بنابراین، در زشتی و حرام بودن دروغ تردیدی نیست؛ هم از جهت عقل و هم از جهت شرع.

مرحله دوم کبیره بودن دروغ: اینکه آیا دروغ از گناهان کبیره است یا خیر، محل بحث است. در ظاهر بسیاری از روایات، دروغ از گناهان کبیره است؛ چنان که در روایات موثق آمده است: «خداوند متعال برای بدی ها قفلی قرار داده است، که کلید آن قفل، شراب است و دروغ بدتر از شراب است». (۳)

ظاهر سخنان جماعتی از فقهای شیعه نیز این است که دروغ از گناهان کبیره است. (۴) البته در این مقام، بحث های تخصصی وجود دارد که باید در کتاب های فقهی و استدلالی پیگیری کرد.

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۳۵۳.

۲- نک: مکاسب محرم، شیخ انصاری، بحث کذب.

۳- الوسائل، ج ۸، ص ۵۷۲، باب ۱۳۸، از ابواب احکام عشره، ح ۳.

۴- نک: مکاسب محرم شیخ انصاری، بحث کذب.

ص: ۶۵

مرحله سوم استثنای دروغ: این بحث، شبیه همان اصطلاح «دروغ مصلحتی» است. مسلم است که دروغ حرام است، اما در دو مورد، دروغ استثنا شده است و حرمتی ندارد. به عبارت دیگر، در روایات برای دروغ گفتن در دو مورد مجوز صادر شده است. شاید همین دو مورد سبب شده است که اصطلاح دروغ مصلحتی بین مردم رواج یابد، اما باید توجه داشت که روایات، اصل دروغ رازش و حرام می‌شمرند و مواردی که ائمه اطهار علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله مجوز داده‌اند، محدود و مشخص است. بنابراین، فقط در همان موارد می‌توان اقدام کرد و خروج از آنها درست نیست و نمی‌شود به هر بهانه‌ای به دروغ متمسک شد.

## استثنای دروغ

### اشاره

استثنای دروغ

زیر فصل‌ها

یک در مقام ضرورت

دو در مقام اصلاح بین مسلمانان

### یک در مقام ضرورت

یک در مقام ضرورت

مقام ضرورت در روایات توضیح داده شده است؛ مانند اینکه انسان برای دفع ضرر بدنی یا مالی، ناچار بشود دروغ بگوید. مقام ضرورت فقط به مسئله دروغ اختصاص ندارد و در دیگر موارد فقهی هم کاربرد دارد؛ مانند آنکه خوردن مردار حرام است، اما اگر نجات جان آدمی وابسته به خوردن مردار باشد، گفته شده به اندازه ضرورت، خوردن مردار اشکال ندارد. در دروغ نیز، فقط در مقام ضرورت و به معنایی که گفته شده، می‌توان از آن استفاده کرد.

### دو در مقام اصلاح بین مسلمانان

دو در مقام اصلاح بین مسلمانان

در کتاب‌های روایی، روایات متعددی وارد شده که در مقام اراده اصلاح، استفاده از دروغ جایز است و اگر کسی برای اصلاح بین دو نفر یا دو گروه دروغ بگوید، از دیدگاه روایات دروغگو به شمار نمی‌رود؛ چنان که

ص: ۶۶

در روایت صحیح آمده است: «المصلح لیس بکذاب؛ انسان مصلح، دروغگو به شمار نمی آید.» (۱)

### کلبانگ حدیث

#### اشاره

کلبانگ حدیث

زیر فصل ها

معنای راستی

تشویق به راستی

اهمیت راستگویی

ویژگی راستگو

صداقت با خدا

راستی نشانه ایمان

راست ترین سخنان

راستگویی های نابجا

#### معنای راستی

معنای راستی

امام علی علیه السلام: «الصُّدُقُ مُطَابِقَةُ الْمَنْطِقِ لِلْوَضْعِ الْإِلَهِيِّ، الْكِذْبُ زَوَالُ الْمَنْطِقِ عَنِ الْوَضْعِ الْإِلَهِيِّ؛ راستی، مطابقت گفتار است با نهاده (قانون) الهی، و دروغ دور شدن گفتار است از نهاده (قانون) الهی.» (۲)

#### تشویق به راستی

تشویق به راستی

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ؛ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ، وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ، وَ مَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ

و يَتَحَرَّى الصَّدَقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدْقًا؛ بر شما باد راستی؛ زیرا که راستی به بَرِّ و نیکی رهنمون می شود و بَرِّ و نیکی به بهشت. آدمی چندان راست می گوید و راستی می جوید، تا آنکه نزد خداوند از صدیقان قلمداد می شود». (۳)

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ؛ فَإِنَّهُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ؛ بر شما باد راستی که آن، دری از درهای بهشت است». (۴)

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «الصِّدْقُ مُبَارَكٌ، وَ الْكِذْبُ مَشْوُومٌ؛ راستی، مبارک است و دروغ، شوم». (۵)

۱- الوسائل، ج ۸، ص ۵۷۸، باب ۱۴۱، از ابواب احکام عشره، ح ۳.

۲- غررالحکم، ح ۱۵۵۲، ۱۵۵۳.

۳- کنز العمال، ح ۶۸۶۱.

۴- تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۸۲.

۵- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۶۷، ح ۶.

ص: ۶۷

**اهمیت راستگویی**

اهمیت راستگویی

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ حَجِّهِ وَالْمَعْرُوفِ وَطَنَطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ، وَ لَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ؛ به زیادی نماز و روزه و حج و احسان و ورد و ذکر شبانه [مردم] منگرید، بلکه به راستگویی و امانت داری آنها توجه کنید».(۱)

۲. امام صادق علیه السلام: «لَا تَعْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَا بِصِيَامِهِمْ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ رَبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ، وَ لَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ؛ فریب نماز و روزه مردم را نخورید؛ زیرا آدمی گاه چنان به نماز و روزه خو می کند که اگر آنها را ترک گوید، احساس دلنگی می کند، بلکه آنها را به راستگویی و امانت داری بیازمایید».(۲)

۳. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ؛ خداوند عزوجل هیچ پیامبری را نفرستاد، مگر با راستگویی، و برگرداندن امانت به نیکوکار و بدکردار».(۳)

**ویژگی راستگو**

ویژگی راستگو

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ تَصْدِيقًا لِلنَّاسِ أَصْدَقُهُمْ حَدِيثًا، وَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ تَكْذِيبًا أَكْذَبُهُمْ حَدِيثًا؛ کسی بیش از همه مردم را راستگو می داند که خودش با آنان راستگوتر باشد و کسی بیش از همه مردم را دروغگو می داند که خودش بیش از همه، به آنان دروغ بگوید».(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹، ح ۱۳.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۲.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۱.

۴- کنز العمال، ح ۶۸۵۴.



ص: ۶۸

۲. امام علی علیه السلام: «قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، وَ صِدْقُهُ عَلَى قَدْرِ مُرُوءَتِهِ؛ ارزش مرد به اندازه همت اوست، و راستی او به اندازه مردانگی اش».(۱)

۳. امام علی علیه السلام: «الصَّادِقُ عَلَى شَفَا مَنَاجِيهِ وَ كَرَامِيهِ، وَ الْكَاذِبُ عَلَى شَرَفِ مَهْوَاهِ وَ مَهَانِهِ؛ راستگو، در آستانه نجات و بزرگواری است، و دروغگو بر لبه پرتگاه و خواری».(۲)

۴. امام علی علیه السلام: «إِنَّ الصَّادِقَ لَمُكْرَمٌ جَلِيلٌ، وَ إِنَّ الْكَاذِبَ لَمُهَانٌ ذَلِيلٌ؛ راستگو، محترم و ارجمند است، و دروغگو، بی حرمت و خوار».(۳)

۵. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الصَّادِقَ أَوْلَ مَنْ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَعْلَمُ أَنَّهُ صَادِقٌ، وَ تُصَدِّقُهُ نَفْسُهُ تَعْلَمُ أَنَّهُ صَادِقٌ؛ نخستین کسی که راستگو را تصدیق می کند، خداوند عزوجل است که می داند او راستگوست و نفس او نیز تصدیقش می کند که می داند راستگوست».(۴)

### صداقت با خدا

صداقت با خدا

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ صَدَّقَ اللَّهَ نَجَا؛ هر که با خدا راست باشد، نجات یابد».(۵)

۲. امام باقر علیه السلام: «تَزَيَّنَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالصُّدُقِ فِي الْأَعْمَالِ؛ با راست کرداری، خود را برای خداوند عزوجل بیارای».(۶)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

۳- غررالحکم، ح ۳۴۰۹.

۴- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴، ح ۶.

۵- الکافی، ج ۲، ص ۹۹، ح ۲۹.

۶- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۴، ح ۱.

ص: ۶۹

**راستی نشانه ایمان**

راستی نشانه ایمان

۱. امام علی علیه السلام: «الإيمان أن تؤثر الصدق حيث يضرُّك، على الكذب حيث ينفعُك؛ إيمان أن است که راستی را، اگرچه به زیانت باشد، بر دروغ، گرچه به سودت باشد، ترجیح دهی». (۱)
۲. امام علی علیه السلام: «الصدق أقوى دعائم الإيمان؛ راستی، محکم ترین ستون ایمان است». (۲)
۳. امام علی علیه السلام: «الصدق عماد الإسلام، و دعامة الإيمان؛ راستی، ستون اسلام و پشتوانه ایمان است». (۳)
۴. امام علی علیه السلام: «الصدق رأس الإيمان، و زين الإنسان؛ راستی، سرآمد ایمان و زیور انسان است». (۴)
۵. «الصدق لباس الدين؛ راستی، جامه دین است». (۵)
۶. امام صادق علیه السلام: «كل مؤمن صدیق؛ هر مؤمنی راستگوست». (۶)

**راست ترین سخنان**

راست ترین سخنان

۱. امام علی علیه السلام: «لَمَّا سُئِلَ عَنْ أَصْدَقِ الْأَقْوَالِ: شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ امام علی علیه السلام در پاسخ به این سؤال که راست ترین سخن چیست؟ فرمودند: شهادت دادن به اینکه معبودی جز خدا نیست». (۷)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۸.

۲- غررالحکم، ح ۱۵۷۹.

۳- غررالحکم، ح ۱۷۵۴.

۴- غررالحکم، ح ۱۹۹۳.

۵- غررالحکم، ح ۴۵۸.

۶- الکافی، ج ۸، ص ۳۶۵، ح ۵۵۶.

۷- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۳۷۸، ح ۱.

ص: ۷۰

۲. امام علی علیه السلام: «أَصْدَقُ الْمَقَالِ مَا نَطَقَ بِهِ لِسَانُ الْحَالِ؛ راست ترین سخن، سخن زبان حال است» (۱).

### راستگویی های نابجا

راستگویی های نابجا

۱. امام صادق علیه السلام:

أَيُّمَا مُسْلِمٍ سُئِلَ عَنْ مُسْلِمٍ فَصَدَّقَ وَ أَدْخَلَ عَلَى ذَلِكَ الْمُسْلِمِ مَضْرَّةً مُضِرَّةً كُتِبَ مِنَ الْكَاذِبِينَ، وَ مَنْ سُئِلَ عَنْ مُسْلِمٍ فَكَذَّبَ فَأَدْخَلَ عَلَى ذَلِكَ الْمُسْلِمِ مَنَفَعَةً كُتِبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲).

هر مسلمانی که از او درباره مسلمانی سؤال شود و او راست بگوید و به آن مسلمان زیانی رساند، [نزد خداوند] از دروغگویان قلمداد شود و هر که از او درباره مسلمانی سؤال شود و دروغ بگوید و سودی به آن مسلمان رساند، نزد خداوند از راستگویان به شمار آید.

### نمونه های رفتاری

#### اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. راستی، کلید نجات از گناهان

۲. لقمان و راستگویی

#### ۱. راستی، کلید نجات از گناهان

۱. راستی، کلید نجات از گناهان

اعرابی به محضر پیامبر اعظم اسلام صلی الله علیه و آله مشرف شد و گفت: من تصمیم دارم به تو ایمان بیاورم، ولی تنها مانعی که در کار من است، این است که من خمر، زنا، سرقت و دروغ گفتن را دوست دارم، اما مردم می گویند تو همه اینها را حرام کرده ای و من به ترک همه این امور قادر نیستم. اگر تو به ترک یکی از آنها بر من قناعت کنی، به تو ایمان می آورم.

۱- غررالحکم، ح ۳۳۰۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۱، ح ۱۹.



ص: ۷۱

پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفت و با او شرط کرد که دروغ نگوید. وی پس از قبول کردن این شرط، اسلام آورد. هنگامی که از حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرخص شد و خمر را بر او عرضه کردند، گفت: اگر من خمر بیاشامم و پیامبر از من درباره آشامیدن آن جويا شود و دروغ بگویم، عهد خود با آن حضرت را نقض کرده ام. اگر راست بگویم نیز آن بزرگوار حد خدا را بر من جاری خواهد کرد. سپس شرب خمر را ترک کرد. زنا و سرقت را نیز به همین دلیل ترک کرد. هنگامی که به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برگشت، به آن بزرگوار گفت: یا رسول الله، چقدر نیکو بود این عملی که انجام دادی! زیرا از آن زمان که تو مرا از دروغ نهی کردی، مرا از همه گناهان نجات دادی و من از همه آنها توبه کردم. (۱)

## ۲. لقمان و راستگویی

۲. لقمان و راستگویی

لقمان شخصی بود برده و در ظاهر بدمنظر و همچون سیاهان حبشی و در زمان حضرت داود علیه السلام زندگی می کرد، اما سیرت نیک داشت و به مقام عالی علم و کمال رسید و او را حکیم می خواندند و در قرآن نیز خداوند می فرماید: «ما به لقمان، حکمت عطا کردیم». (۲)

«روزی چوپانی به او گفت: آیا تو با من چوپانی نکرده ای؟

لقمان گفت: آری، قبول دارم.

چوپان گفت: پس چرا تو به این مقام عالی رسیده ای؟

لقمان گفت: به خاطر امانتداری و راستگویی، خداوند چنین تقدیر کرد». (۳)

۱- نك: تفسير آسان، ج ۷، ص ۴۸.

۲- نك: لقمان: ۱۲.

۳- محمد محمدی اشتهاردی، داستان ها و پندها، ج ۷، ص ۱۱۵.

ص: ۷۲

## آموزه‌ها

آموزه‌ها

۱. راستگویی از صفات برجسته پیامبران و اولیای الهی است. بنابراین، پیروان آنان نیز باید همانند آنها راستگو و درستکار باشند.
۲. راستگویی انسان را به مقامات والا می‌رساند؛ چنان که لقمان حکیم در سایه امانتداری و راستگویی صاحب حکمت شد و چنان عزیز گشت که سوره‌ای به نام او در قرآن کریم آمده و سخنان او به عنوان درس‌های بزرگ برای بشر نقل شده است.
۳. راستگویی و ایمان با هم ارتباط نزدیک دارند و راستگویی حقیقی، از ایمان انسان به خداوند و قیامت سرچشمه می‌گیرد.
۴. راستی در گفتار، همانند یک بذر و گیاه رشد می‌کند و انسان را به راستی در کردار هدایت می‌کند.
۵. راستی در کردار، انسان را به سوی بهشت هدایت می‌کند.
۶. یکی از راه‌های ورود به بهشت، راستگویی و پیروی از راستگویان حقیقی است.
۷. راستگویی در چند مورد نهی شده است؛ از جمله آنجا که راستگویی مصداق سخن چینی است و یا آنجا که سبب تکذیب کسی شود و آبرویش برود. در این موارد، باید سکوت کرد و یا سخن راست را نگفت، ولی باید توجه داشت مجوز برای راست نگفتن، فقط در همان محدوده‌ای است که شرع بیان کرده است. بنابراین، به این بهانه نمی‌توان از راست گفتن فرار کرد.

## منابع دیگر

منابع دیگر

رفیعی پور علوی، عباس، چهل حدیث راستگویی و دروغ‌گویی، قم، معروف، ۱۳۷۶.

ص: ۷۳

سپهری، عباس، ارزش حقیقت (جلد ۱ و ۲)، ترجمه: یاسین بابایی، تهران، نجوای دل، ۱۳۹۰.

شریف پور، فریده، اگر می خواهید راستگو باشید باید بدانید، تهران، احسان، ۱۳۸۵.

صبوری فیروزآبادی، محسن، احکام فقهی غیبت و دروغ، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۹.

صدیقی، اسماعیل، آیین راستی، قم، نشر روح، ۱۳۸۱.





ص: ۷۵

## راه خدا

## اشاره

راه خدا

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده اند، آنها امید به رحمت پروردگار دارند و خداوند، آمرزنده و مهربان است.» (بقره: ۲۱۸)

تعبیر «راه خدا» برگردان «سبیل الله» است. در قرآن کریم و روایات، بسیاری از کارها مقید به سبیل الله شده است؛ برای مثال خداوند فرموده است:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست نمی دارد.» (بقره: ۱۹۰)

«وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و در راه خدا انفاق کنید! و [با ترک انفاق] خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می دارد.» (بقره: ۱۹۵)

ص: ۷۶

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَن آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ بگو ای اهل کتاب! چرا افرادی را که ایمان آورده اند از راه خدا بازمی دارید و می خواهید این راه را کج سازید؟! در حالی که شما [به درستی این راه] گواه هستید و خداوند از آنچه انجام می دهید، غافل نیست!». (آل عمران: ۹۹)

«وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ؛ اگر هم در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، [زیان نکرده اید؛ زیرا] آمرزش و رحمت خدا، از تمام آنچه آنها [در طول عمر خود] جمع آوری می کنند، بهتر است!». (آل عمران: ۱۵۷)

البته واژه سبیل در قرآن کریم، به واژگان دیگری نیز اضافه شده است؛ مانند «سبیل المفسدین»، (۱) سبیل الرشد (۲) (راه صواب و هدایت)، سبیل الغی (۳) (راه ناصواب و گمراهی)، سبیل الذین لا یعلمون (۴) (راه کسانی که نمی دانند)، سبیل من اناب (راه کسی که توبه کرده است). تعبیر دیگری که از اهمیت خاصی برخوردار است، «صراط مستقیم» است. ممکن است در ابتدا تصور شود که این موضوع جای بحث و بررسی چندانی ندارد و راه خدا یعنی راهی که خدا برای بندگان معین کرده تا در آن راه حرکت کنند و از دستوراتش اطاعت کنند و یا راه خدا هر چیزی است که به رضای او منتهی شود، اما چنین نیست. با کمی تأمل و دقت در قرآن کریم، اولاً مشخص می شود که در مقابل سبیل الله، سبیل الطاغوت نیز وجود دارد:

۱- نک: اعراف: ۱۴۲.

۲- نک: اعراف: ۱۴۶.

۳- نک: اعراف: ۱۴۶.

۴- نک: یونس: ۸۹.

ص: ۷۷

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا. (نساء: ۷۶)

کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می کنند؛ و آنها که کافرند، در راه طاغوت (بت و افراد طغیانگر). پس شما با یاران شیطان پیکار کنید [و از آنها نهراسید]؛ زیرا که نقشه شیطان، [همانند قدرتش] ضعیف است.

بنابراین، در مقابل انسان دو راه وجود دارد: راه خدا و راه طاغوت. انسان مؤمن باید راه خدا را انتخاب کند، نه راه غیرخدا و طاغوت را.

اهل لغت در معنای طاغوت گفته اند: مراد از آن، خدایان دروغین و مردمان متجاوز و طاغی است. (۱)

علامه طباطبایی رحمه الله می نویسد:

کلمه «طاغوت» به معنای طغیان و تجاوز از حد است، ولی این کلمه تا حدی مبالغه در طغیان را می رساند... و این کلمه در مواردی استعمال می شود که وسیله طغیان باشند، مانند اقسام معبودهای غیرخدا، امثال بت ها، شیاطین، جن ها، پیشوایان ضلالت از بنی آدم و هر متبوعی که خدای متعال، راضی به پیروی از آنها نیست. (۲)

درباره راه خدا با پرسش هایی روبه رو هستیم، از جمله:

۱. مقصود از سبیل الله (راه خدا) چیست؟ چه تفاوتی با صراط مستقیم دارد؟

۱- قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۲۴.

۲- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۵۲۶.

ص: ۷۸

۲. مصداق های راه خدا کدام است؟

۳. برخورد مردم با راه خدا چگونه بوده و هست؟

۴. چه عواملی باعث می شود انسان مقابل راه خدا قرار گیرد و با آن مخالفت کند؟

۵. وظیفه انسان در برابر راه خدا چیست؟

**۱. مقصود از سبیل الله**

۱. مقصود از سبیل الله

خداوند سبحان از سر مهربانی به همه آفریده های خود راه را معرفی کرده است، چنان که قرآن درباره او می فرماید:

«سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى؛ منزله شمار نام پروردگار بلندمرتبه ات را! همان خداوندی که آفرید و منظم کرد؛ و همان که اندازه گیری و هدایت کرد». (اعلی: ۳۱)

همه در راه اویند و به سمت پروردگارشان در حرکتند: «أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ؛ آگاه باشید که همه کارها تنها به سوی خدا بازمی گردد». (شوری: ۵۳)

به انسان نیز می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می روی و او را ملاقات خواهی کرد». (انشقاق: ۶)

و همچنین فرمود:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد(و پذیرا گردد) یا ناسپاس». (انسان: ۳)

در قرآن کریم مفهوم «راه»، با واژگانی چون «سبیل»، «طریق» و «صراط» آمده است که از لحاظ لغت نزدیک به هم هستند، اما به نظر

ص: ۷۹

می‌رسد در اصطلاح قرآن متفاوت اند. در قرآن کریم، واژه «صراط» در همه جا با صفت مستقیم آمده است و خداوند به کسانی که این راه را می‌پیمایند، توجه خاص کرده و به آنها نعمت داده است.

این همان راهی است که بندگان خدا در نمازهای پنجگانه آن را از خداوند مهربان درخواست می‌کنند.

در کنار صراط مستقیم که راه خاص خداست و یکی بیش نیست، راه‌های متفاوت دیگری هم وجود دارد که در اصطلاح، آنها را سبیل الله می‌نامند. بنابراین، میان خدا و انسان‌ها یک صراط مستقیم وجود دارد و هزاران راه دیگر. خداوند می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ؛ و آنها که در راه ما [با خلوص نیت] جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.» (عنکبوت: ۶۹)

علامه طباطبایی رحمه الله در جلد اول تفسیر المیزان که سوره مبارکه حمد را بررسی کرده، درباره صراط مستقیم به تفصیل، سخن گفته است و در یک نتیجه‌گیری می‌فرماید:

... معلوم می‌شود که سبیل، غیر از صراط مستقیم است؛ چون سبیل متعدد است و به اختلاف احوال و رهروان راه عبادت، مختلف می‌شود؛ به خلاف صراط مستقیم که یکی است که در مثل، (مانند) بزرگراهی است که همه راه‌های فرعی به آن منتهی می‌شود. تفاوت دیگر اینکه هر یک از سبیل‌ها مثلاً سبیل مؤمنین، سبیل منسین و سبیل پیروی کنندگان رسول خدا و هر سبیل دیگر، گاه می‌شود که از داخل و یا خارج دچار آفتی گردد. ولی صراط مستقیم همان طور که گفتیم هرگز دچار این دو آفت نمی‌شود....

ص: ۸۰

ایمان که یکی از سبیل هاست، گاهی با شرک جمع می شود، همچنان که گاهی با ضلالت جمع می شود، اما هیچ یک از شرک و ضلالت با صراط مستقیم جمع نمی گردد. پس معلوم شد که برای سبیل مرتبه های بسیاری است. (۱)

اهل لغت در معنای سبیل می نویسند: «هر راهی [است] که رضای خدا در آن باشد. مثل قتل فی سبیل الله، انفاق فی سبیل الله، هجرت فی سبیل الله و... (۲)

در بسیاری از آیات و روایات، جهاد مقید به سبیل الله شده است که از تفسیر مفسران می توان معنای سبیل را فهمید. علامه طباطبایی رحمه الله می نویسد:

و قاتلوا فی سبیل الله؛ این آیه جهاد را واجب می کند و می بینیم که این فریضه را در این آیه و سایر موارد از کلامش، مقید به قید «سبیل الله» کرده و این برای آن است که به گمان کسی درنیاید و کسی خیال نکند که این وظیفه دینی مهم، برای این تشریح شده که امتی بر سایر مردم تسلط پیدا کرده و اراضی آنان را ضمیمه اراضی خود کنند... چنین نیست، قید «فی سبیل الله» می فهماند که منظور از تشریح جهاد در اسلام، برای این است که دین الهی که مایه صلاح دنیا و آخرت مردم است، در عالم سلطه یابد. (۳)

از پرسش یک عرب بیابان نشین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پاسخ آن حضرت نیز می توان دریافت که سبیل الله، راهی است که برای اعتلای کلمه الله باشد. (۴)

۱- ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۵۱.

۲- قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۲۳.

۳- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۴۳۱.

۴- صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۱۳، ح ۱۴۹. (متن حدیث در گلبانگ حدیث ذکر شده است.)

ص: ۸۱

بنابراین، سبیل الله یا همان راه خدا به دو صورت استفاده می شود: گاهی قید فعل و عملی می شود؛ مانند جهاد در راه خدا و انفاق در راه خدا. در این گونه موارد، مقصود از راه خدا آن است که آن کار، با نیت درست و خدایی و برای اعتلای کلمه الله و توحید انجام شود، نه برای کسب دنیا، شهرت، مال و... . جهاد در راه خدا نیز یعنی جهادی که در آن، قصد و نیت فقط خدا و اعتلای کلمه الله و توحید باشد.

گاهی سبیل الله به صورت قید نیست، بلکه به تنهایی به کار می رود. در این گونه موارد، سبیل الله معنای خاصی دارد و مقصود از آن، کار و مفهومی خاص است؛ مانند کارهای عام المنفعه یا دین اسلام یا قرآن کریم و غیره. برای نمونه، آیه ۶۰ سوره توبه، آنجا که موارد مصرف زکات را واجب می شمارد، به هشت مورد اشاره دارد که یکی از آنها سبیل الله است. یعنی زکات واجب را می توان در راه خدا صرف کرد. علامه طباطبایی در معنای سبیل الله (راه خدا) در این آیه می نویسد:

سبیل الله (راه خدا)، مصرفی است عمومی و شامل تمام کارهایی می گردد که نفعش عاید اسلام و مسلمین شده و به وسیله آن مصلحت دین حفظ می شود که روشن ترین آن، جهاد در راه خدا و بعد از آن سایر کارهای عام المنفعه از قبیل راه سازی، پل سازی و امثال آن است... (۱).

بنابراین، سبیل در این گونه موارد به کار خاصی اشاره دارد که باید با توجه به سیاق آیات یا به کمک روایات، مصداق های آن را مشخص کرد.

ص: ۸۲

**۲. مصداق های راه خدا****اشاره**

۲. مصداق های راه خدا

زیر فصل ها

الف) اهل بیت علیهم السلام

ب) جنگ در راه دین اسلام

ج) قرآن کریم

د) عبادت

ه) مصالح اسلام و مسلمانان

**الف) اهل بیت علیهم السلام**

الف) اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام فرمود:

به خدا قسم ما اهل بیت، راه خدا هستیم که خداوند، شما را به تبعیت از آن امر فرموده است. به خدا قسم، ما صراط مستقیم هستیم. به خدا قسم ما کسانی هستیم که خداوند بندگانش را به اطاعت از ما امر فرموده است. پس هر کس خواهد این راه را انتخاب کند و یا انتخاب نکند، به خدا قسم از ما گریزی نیست. (۱)

خداوند در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و استقامت ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا کنید؛ امید است رستگار شوید.» در تفسیر این آیه آمده است: صبر کنید بر گناهان و ایستادگی ورزید بر واجبات و مرزها را نگهبانی کنید در راه خدا، و ما اهل بیت، راه خدا هستیم بین خدا و خلقش. (۲)

**ب) جنگ در راه دین اسلام**

ب) جنگ در راه دین اسلام

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ؛ و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگویید! بلکه



آنان زنده اند، ولی شما نمی فهمید». (بقره: ۱۵۴)

این آیه درباره شهدای جنگ بدر است که بعضی از مردم درباره آنها می گفتند فلانی در جنگ مرده است، ولی خداوند می فرماید: کسی را که در راه خدا کشته شده، مرده نخوانید.

۱- تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۶.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۲.

ص: ۸۳

بر این اساس سبیل الله، یعنی پیکار در راه دین و جهاد؛ (۱) برتری اسلام؛ (۲) و طاعت خدا در پیکار با مشرکان. (۳)

### ج) قرآن کریم

ج) قرآن کریم

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ و بعضی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزا گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است!» (لقمان: ۶)

«مقتضای سیاق این است که مراد از سبیل الله، قرآن کریم و معارف حق و صحیح از اعتقادات و دستورالعمل‌ها و به خصوص داستان‌های انبیا و امم گذشته بوده باشد.» (۴)

### د) عبادت

د) عبادت

گاهی مصداق سبیل الله، عبادت، به ویژه مراسم حج است. علامه طباطبایی در تبیین آیه ۲۱۷ سوره بقره که می‌فرماید: «وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» می‌نویسد: کلمه «صَدَّ» به معنای جلوگیری و یا برگرداندن است و مراد از سبیل الله، عبادت و مخصوصاً مراسم حج است. (۵)

بر اساس همین آیه شریفه، «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»، به معنای جلوگیری از

۱- ملافتح الله کاشانی، خلاصه المنهج، ج ۱، ص ۹۰.

۲- ابوالفضل فیضی دکنی، سواطع الالهام فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۹.

۳- ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد، ج ۱، ص ۲۶۲.

۴- ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۳.

۵- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۲۴۹.

ص: ۸۴

راه خدا و دور نگه داشتن مردم از عبادت خداست که از جنگ و قتال در ماه های حرام (رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم) بدتر و زشت تر است.

### ه) مصالح اسلام و مسلمانان

ه) مصالح اسلام و مسلمانان

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر المیزان، مقصود از سبیل الله در آیه ۶۰ سوره توبه را مصارف عمومی و کارهایی معنا می کند که به سود اسلام و مسلمانان است. (۱)

شهید مطهری هم در این باره می نویسد:

و فی سبیل الله، یکی از راه های مصرف زکات، راه خداست. راه خدا یعنی چه؟ هر راهی که راه مشخص خودمان نبود، راه مصلحت عموم بود، آن را می گویند راه خدا. شما پول خود را به یک فقیر می دهید یا خرج مسجد یا بیمارستان و یا مدرسه می کنید، می گویند در راه خدا یا برای خدا دادم. مگر به نفع خدا کسی پول می دهد؟! بدیهی است معنای این سخن این نیست که خدا مصرف کننده است؛ بلکه هر چیزی را که راه عموم باشد ما می توانیم آن را راه خدا بنامیم. (۲)

### ۳. برخورد مردم با راه خدا

۳. برخورد مردم با راه خدا

«راه خدا» چه به معنای دین خدا باشد و چه به معنای کار کردن برای خدا، در حقیقت بیانگر اعتقاد به خدا و دین اوست. برخورد افراد با این مسئله دو حالت دارد:

۱- ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۴۱۸.

۲- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۶، ص ۲۵۸.

ص: ۸۵

عده ای به راه خدا ایمان دارند و در راه آن جان فشانی می کنند و تلاش و همت آنها برای اعتلا و سربلندی کلمه الله و دین خداست. این افراد، به رحمت الهی امید دارند؛ چرا که خداوند فرمود:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده اند، آنها به رحمت پروردگار امید دارند و خداوند، آمرزنده مهربان است.» (بقره: ۲۱۸)

همچنین در آیه ای دیگر از همین سوره می فرماید: «[آنها باید بدانند] پاداششان نزد پروردگارشان [محفوظ] است و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند.» (بقره: ۲۶۲)

«چنین افرادی چه در راه خدا شهید شوند و چه به مرگ طبیعی از دنیا بروند، از مغفرت و رحمت الهی برخوردارند.» (۱)

عده ای دیگر، راه خدا را به مسخره می گیرند و از آن سرپیچی و دوری می کنند و می کوشند مردم را از راه خدا گمراه کنند؛ چنان که خداوند در آیه ۶ سوره لقمان می فرماید: «و برخی از مردم، کسانی اند که سخن بیهوده را خریدارند تا مردم را بی هیچ دانشی از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را به ریشخند گیرند. برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.»

چنین افرادی باید بدانند که این کار، آثار منفی فراوانی به دنبال دارد. از جمله اینکه روز قیامت را فراموش می کنند؛ (۲) کارهای بد در نظر آنان،

---

۱- آل عمران: ۱۵۷.

۲- نك: ص: ۲۶.

ص: ۸۶

خوب جلوه داده می شود؛ (۱) اعمال شان تباه می گردد؛ (۲) سرزنش الهی را باید به جان بخرند؛ (۳) باید بدانند که سرپیچی از راه خدا نشانه نهایت گمراهی است؛ (۴) چنین افرادی از رحمت خدا به دورند؛ (۵) در دنیا گرفتار عذاب می شوند و در آخرت هم از عذابی بزرگ در رنج هستند. (۶) در بعضی از تعبیر قرآن کریم آمده است که دچار عذاب ذلت بار و خوارکننده می شوند. (۷)

#### ۴. عوامل دوری انسان از راه خدا

۴. عوامل دوری انسان از راه خدا

روشن است که یکی از ویژگی های انسان، قدرت و اختیار اوست. خداوند انسان را آزاد آفرید تا به کمک قدرت عقل و اختیار خود، راه صحیح را برگزیند. خداوند می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ أَمَا شَاكِرًا وَّ أَمَا كَفُورًا؛ ما راه را به انسان نشان دادیم، او سپاس گزار خواهد بود یا ناسپاس». (انسان: ۳)

زیرا، انسان هایی هستند که نه تنها از خدا و راه او روی گردانند، بلکه تلاش می کنند دیگران را هم از راه خدا دور سازند. در قرآن کریم به بعضی از عوامل و ریشه های عملکرد این گونه افراد اشاره شده است؛ (۸) از جمله:

- ۱- نك: غافر: ۳۷.
- ۲- نك: محمد: ۱.
- ۳- نك: توبه: ۹.
- ۴- نك: نساء: ۱۶۷.
- ۵- نك: اعراف: ۴۴ و ۴۵.
- ۶- نك: نحل: ۹۶.
- ۷- نك: لقمان: ۶.
- ۸- نك: فرهنگ قرآن، ج ۱۵، ص ۵۵۱.

ص: ۸۷

## ۱. استکبار

خداوند در قرآن کریم وقتی از منافقان سخن می‌گوید، درباره روی گردانی آنها از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله به دلیل روحیه تکبر و استکبار آنها اشاره دارد: «هنگامی که به آنان گفته شود بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند، سرهای خود را (از روی استهزا و کبر و غرور) تکان می‌دهند و آنها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده، تکبر می‌ورزند» (۱).

## ۲. خودپسندی و زیبا دیدن کارهای خود

خداوند در قرآن کریم وقتی از قوم عاد و ثمود سخن می‌گوید، درباره علت هلاکتشان می‌فرماید:

«ما طایفه عاد و ثمود را هلاک کردیم و مساکن [ویران شده] آنان برای شما آشکار است. شیطان اعمالشان را برایشان آراسته بود. از این رو آنان را از راه خدا بازداشت، درحالی که بینا بودند» (۲).

## ۳. ثروت و امکانات در دست انسان‌های بی‌دین، از عوامل گمراهی مردم از سبیل الله است (۳).

## ۴. کوردلی و ناتوانی از شنیدن سخن حق مانع انتخاب راه خدا می‌شود (۴).

## ۵. سوداگری با آیات خدا، زمینه ساز بازداشتن مردم از راه خداست (۵).

۱- منافقون: ۵.

۲- نك: عنكبوت: ۳۸.

۳- نك: یونس: ۸۸.

۴- نك: هود: ۱۹ و ۲۰.

۵- نك: توبه: ۹.

ص: ۸۸

۶. کفر و ستم. (۱)

۷. نفاق و دورویی. (۲)

گذشته از عوامل درونی، عوامل بیرونی هم در انحراف انسان مؤثر است؛ عواملی مانند دوستان بد و افراد و گروه های منحرف. قرآن کریم، اهل کتاب و دانشمندان مسیحی (راهبان) را مانعان مردم از راه خدا معرفی می کند. (۳) شیاطین جن و انس هم در بازداشتن انسان از راه خدا مؤثرند: «کافران، مشرکان، منافقان و یهودیان افرادی هستند که مردم را از راه خدا دور می سازند». (۴)

### ۵. وظیفه انسان در برابر راه خدا

۵. وظیفه انسان در برابر راه خدا

رهپویان راه خدا باید بدانند که حرکت کردن در راه خدا توفیق الهی و نعمتی بزرگ است. پیمودن این راه، استغفار فرشتگان الهی و آینده ای روشن را برای انسان به دنبال دارد؛ زیرا انتهای این راه به بهشت و رضای الهی ختم می شود. پس باید فرمان خدا را با جان و دل پذیرفت که فرمود:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ این راه مستقیم من است؛ از آن پیروی کنید و از راه های پراکنده [و انحرافی] پیروی نکنید، که شما را از طریق حق، دور می سازد! این سفارش خداوند است؛ شاید پرهیزکاری پیشه کنید!» (انعام: ۵۳)

۱- نک: نساء: ۱۶۷ و ۱۶۸.

۲- نک: منافقون: ۲.

۳- نک: آل عمران: ۹۹؛ توبه: ۳۴.

۴- نک: ابراهیم: ۲ و ۳؛ توبه: ۹؛ مجادله: ۱۶؛ نساء: ۱۶۰.

ص: ۸۹

انسان نه تنها موظف است خودش راه خدا را بپیماید، بلکه باید دیگران را هم به این راه دعوت کند؛ چرا که خداوند به رسول خود فرمود:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَعْوِظَةِ الْحَسَنَةِ وَاجِدْ لَهُم مَّا يَنْتَهِونَ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ. (نحل: ۱۲۵)

با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت کن و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن! پروردگارت، از هر کسی بهتر می داند چه کسی از راه او گمراه شده و او به هدایت یافتگان داناتر است.

البته باید توجه داشت که انسان در پیمودن راه خدا و دعوت به آن، با مشکلات فراوانی روبه رو خواهد شد؛ چرا که مخالفان راه خدا ساکت نمی نشینند. بنابراین، لازمه پیمودن این راه، استقامت و پایداری است؛ چنان که خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله فرمود: «و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه، کارزار کردند و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم [دشمن] نگردیدند و خداوند، شکیبایان را دوست دارد».<sup>(۱)</sup>

رهپویان راه خدا باید همان پاسخی را به دشمنان خدا و راه او بگویند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به کافران فرمود: «بگو ای کافران، من آنچه می پرسید، نمی پرستم. دین شما برای خودتان و دین من برای خودم».<sup>(۲)</sup>

۱- آل عمران: ۱۴۶.

۲- نك: کافرون: ۱، ۲ و ۶.



ص: ۹۰

همچنین مؤمن باید بداند که در پیمودن راه خدا، با ملامت ملامتگران روبه رو خواهد شد، اما او نباید هراسی به خود راه دهد؛ همان گونه که حضرت حق فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (مائده: ۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد، [به خدا زیانی نمی رساند] خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند؛ در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آنها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی هراسند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد [و شایسته بیند] می دهد؛ و [فضل] خدا وسیع، و خداوند داناست.

### کلبانگ حدیث

#### اشاره

کلبانگ حدیث

زیر فصل ها

راه خدا

راه حق

جهاد خانواده

دیدن برای خدا

#### راه خدا

راه خدا

۱. إِنَّ رَجُلًا - أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِلْمَعْنَمِ، وَ الرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِيذْكَرَ، وَ الرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِيُرَى مَكَانَهُ، فَمَنْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ فَقَالَ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ قَاتَلَ لِيَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ أَعْلَى فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۱)

ص: ۹۱

عربی بیابان نشین خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مردی برای غنیمت می جنگد و مردی برای نام آوری و مردی برای خودنمایی؛ کدام یک در راه خدا [جنگیده] است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس برای بالا رفتن کلمه حق بجنگد، اوست که در راه خدا [جنگیده] است.

۲. امام علی علیه السلام:

إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ... وَ ارْتَوَى مِنْ عَذْبِ فُرَاتٍ سَهَّلَتْ لَهُ مَيَّارِدُهُ، فَشَرِبَ نَهْلًا، وَ سَلَكَ سَبِيلًا جَدًّا. (۱)

از محبوب ترین بندگان خدا نزد او، بنده ای است که خداوند، او را در برابر نفسش یاری رساند... و از آب گوارایی که آبشخورهای آن برایش هموار و آسان شد، سیراب گردید و سپس راه راست و هموار را پیمود.

### راه حق

راه حق

۱. امام صادق علیه السلام: «نَحْنُ وَ اللَّهُ سَبِيلَ اللَّهِ الَّذِي أَمَرَ اللَّهُ بِاتِّبَاعِهِ، وَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ، وَ نَحْنُ وَ اللَّهُ الَّذِينَ أَمَرَ اللَّهُ الْعِبَادَ بِطَاعَتِهِمْ؛ بِهِ خُذَا قَسَمَ مَا هَمَانَ رَاهِ خُدَايِمِمْ كَهْ خُدَاوْنِدْ بَهْ يِمُودُنْ أَنْ فَرْمَانَ دَادَهْ اسْتِ. بِهِ خُذَا مَا هَمَانَ رَاهِ رَاسْتِ هَسْتِيمِمْ. بِهِ خُذَا مَا هَمَانَ كَسَانِيْ هَسْتِيمِمْ كَهْ خُدَاوْنِدْ، بِنْدِگَانِ رَا بَهْ اِطَاعْتِ اَزْ أَنْانِ فَرْمَانَ دَادَهْ اسْتِ.» (۲)

۲. امام علی علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَ أَنْارَ طُرُقَهُ فَشَقُوهُ لَازِمَةً»

۱- نهج البلاغه: خطبه ۸۷.

۲- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۶۶.

ص: ۹۲

أَوْ سَعَادَةً دَائِمَةً؛ همانا خداوند، راه حق را برای شما آشکار کرد و راه های آن را روشن ساخت. پس، [از آن به بعد]، یا بدبختی همیشه است و یا سعادت پایدار». (۱)

### جهاد خانواده

جهاد خانواده

امام رضا علیه السلام می فرماید:

الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا يَكْفِيَّ بِهِ عِيَالَهُ أَكْبَرُ أَجْرًا مِنَ الْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۲)

کسی که در طلب روزی می کوشد و فضل خدا را می جوید تا مخارج اهل و عیال خود را کفایت کند، اجر و پاداش او از مجاهد راه خدا بیشتر است.

### دیدن برای خدا

دیدن برای خدا

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مسلمانی از برادر مسلمانش در راه خدا و برای خدا دیدن نکند، جز آنکه خدای عزوجل او را ندا دهد: ای زائر! خوش باش و بهشت برایت خوش باشد! (۳)

### نمونه های رفتاری

#### اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. چابکی در راه خدا

۲. تیغ از پی حق می زنم

۳. راه امیر المؤمنین علیه السلام راه خداست

۴. یاوران راه خدا

#### ۱. چابکی در راه خدا

## ۱. چابکی در راه خدا

در تفسیر الدر المنثور آمده است که عبد الرزاق (در کتاب المصنف) از ایوب روایت کرده است که گفت: مردی از بالای تلی، مشرف به رسول

---

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷.

۲- گزیده کافی، ج ۳.

۳- اصول الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص ۲۵۷.

ص: ۹۳

خدا صلی الله علیه و آله شد، (منظور این است که از جای خطرناکی عبور می کرد). مردم گفتند: عجب مرد چابکی است، ای کاش این چابکی را در راه خدا صرف می کرد! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مگر راه خدا منحصر در جنگیدن و کشته شدن است؟ آنگاه فرمود: راه خدا بسیار است؛ بیرون شدن از خانه و سفر کردن برای طلب رزق حلال و فراهم آوردن هزینه زندگی پدر و مادر، راه خداست. و نیز سفر کردن برای طلب رزق حلال جهت زن و فرزند، راه خداست. و سفر کردن و طلب رزق برای به دست آوردن قوت خویشتن نیز راه خداست. ولی کسی که برای زیادتر کردن مال به سفر می رود، او در راه شیطان است. (۱)

## ۲. تیغ از پی حق می زخم

۲. تیغ از پی حق می زخم

«در جنگ خندق، مسلمین در یک طرف و دشمنان در طرف دیگر خندق بودند؛ به طوری که دشمن نمی توانست از آن خندق عبور کند. چند نفر از کفار که یکی از آنها عمرو بن عبدود بود، خود را به هر طریقی شده، به این طرف خندق می رسانند. عمرو اسب خود را جولان می دهد و فریاد می کشد: «هَلْ مِنْ مُبَارِزٍ؟» مسلمانان که سابقه این مرد را می دانستند، احدی جرئت نمی کند پا به میدان بگذارد؛ چون می دانستند رفتن همان و کشته شدن همان. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی به میدان این مرد می رود؟ احدی از جا تکان نخورد، جز جوانی بیست و چند ساله که علی علیه السلام بود. فرمود: یا رسول الله، من! فرمود: نه، بنشین. بار دیگر این مرد فریاد کشید: «هَلْ مِنْ مُبَارِزٍ؟» احدی جز علی علیه السلام از جا

۱- ترجمه المیزان، ج ۲، ص ۶۱۸؛ به نقل از: تفسیر الدر المنثور، ج ۱، ص ۳۳۷.

ص: ۹۴

تکان نخورد. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی جان فعلاً بنشین. دفعه سوم یا چهارم که مبارز طلبید، علی علیه السلام آمد و او را به خاک افکند، و روی سینه او نشست. می خواست سر او را از بدن جدا کند.

او خدو انداخت بر روی علی

افتخار هر نبی و هر ولی

از شدت عصبانیتی که داشت، آب دهان به صورت مبارک علی علیه السلام انداخت. علی علیه السلام از روی سینه او بلند می شود، مدتی قدم می زند، بعد می آید می نشیند.

عمرو بن عبدود می گوید: چرا رفتی و چرا آمدی؟ می فرماید: تو به صورت من آب انداختی، احساس کردم که ناراحت و عصبانی شدم. ترسیدم درحالی که دارم سر تو را از بدن جدا می کنم، عصبانیت من در کارم دخالت داشته باشد و آن هوای نفس است. «من تیغ از پی حق می زنم»؛ نمی خواهم در کارم، غیر خدا دخالتی داشته باشد» (۱).

### ۳. راه امیر المؤمنین علیه السلام راه خداست

۳. راه امیر المؤمنین علیه السلام راه خداست

سعید اعرج گوید: من همراه سلیمان بن خالد، به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم. آن حضرت با ما سخن آغاز کرد و فرمود: ای سلیمان، هرچه از امیر المؤمنین، علی علیه السلام رسیده، باید بدان عمل شود و از هرچه نهی کرده، باید دوری شود. برای او همان فضلی برآورده شده است که برای رسول خدا صلی الله علیه و آله ؛ و رسول خدا صلی الله علیه و آله از همه خلق خدا برتر است. هر کس حکمی از احکام علی را نکوهش کند، خدا و رسولش را نکوهش کرده است. هر کس، خُرد و درشت سخن او را رد کند و از او

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۵۹۴.

ص: ۹۵

نپذیرد، در حد شرک به خداست. امیر المؤمنین علیه السلام همان باب توجه به خدا بود که جز از سوی وی، به خدا رو نشود و او همان راه خداست که هر کس جز آن پیماید، نابود گردد. امامان هم یکی پس از دیگری بر این روش بودند. خدا آنها را ستون های زمین ساخت تا مبادا به خلق خود بلرزد و اوست حجت رسا بر هر کس در زیر زمین یا زیر توده کره خاک. امیر المؤمنین علیه السلام فرموده است: من از طرف خدا بهشت و دوزخ را تقسیم کنم. من فاروق اکبرم. من صاحب عصا و میسم هستم. همه فرشته ها با روح به ولایت من اعتراف کردند؛ چنانکه به نبوت محمد صلی الله علیه و آله اعتراف کردند. من همان مسئولیت محمد صلی الله علیه و آله را دارم که مسئولیت در برابر پروردگار است. محمد صلی الله علیه و آله را بخوانند و جامه پوشند و باز پرسند و مرا هم بخوانند و جامه پوشند و باز پرسند و چون وی پاسخ گویم. به من فضایلی دادند که به احدی پیش از من ندادند. (۱)

#### ۴. یاوران راه خدا

۴. یاوران راه خدا

ابو یحیی کوبک الدم، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: همانا حواریان عیسی علیه السلام شیعیان او بودند و شیعیان ما نیز حواریان ما هستند؛ و چنان نبود که حواریان عیسی فرمان برداری شان از او بیش از فرمان برداری حواریان ما از ما باشد، و عیسی به حواریان خود فرمود: «یاوران من در راه خدا کیانند؟ آنها گفتند: ما هستیم یاوران خدا» (صف: ۱۴) و به خدا سوگند نه در برابر یهود یاری اش کردند و نه در راه او جنگ کردند، ولی شیعیان ما به خدا پیوسته از روزی که خدای

۱- اصول الکافی، ترجمه: محمدباقر کمره ای، ج ۲، ص ۱۱۳.

ص: ۹۶

عزوجل پیغمبرش را قبض روح فرمود (و آن حضرت از دنیا رفت) تاکنون ما را یاری کرده و در راه ما جنگ کرده و به آتش سوخته و دچار عذاب و شکنجه گشته و در شهرها آواره شده اند. خداوند از جانب ما بدان ها جزای خیر دهد!

و امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: به خدا سوگند! اگر دوستان ما را با شمشیر بزنند، هرگز ما را دشمن نخواهند داشت، و به خدا سوگند اگر به دشمنانمان نزدیک شوم و اموال بسیار بدان ها دهم، آنها [نیز] ما را دوست نخواهند داشت. (۱)

## آموزه ها

### آموزه ها

۱. راه راست و به تعبیر قرآن کریم، صراط مستقیم، یک راه بیش نیست. اما راه خدا، یعنی راهی که به خدا منتهی شود، بی شمار است.

انسان از راه های مختلف می تواند به صراط مستقیم یا قرب الهی برسد. کار و تلاش برای کسب روزی حلال، کار در منزل، انفاق، جهاد، نماز، زکات و... همه می تواند مصداق های راه خدا باشد.

۲. مؤمنان به حرکت در راه خدا تشویق، و از پیروی راه طاغوت، راه مفسدان، راه گمراهی و راه نادانان منع شده اند.

۳. مهم ترین مصداق راه خدا، اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هستند که راه نجات در پیروی از آنهاست. به تعبیر امام صادق علیه السلام، ائمه علیهم السلام، همان صراط مستقیم هستند. (۲)

۴. راه های خدا متعدد و فراوان است، اما همه دارای یک ارزش

۱- الروضه من الکافی، ترجمه: رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۸۶.

۲- نک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۶.



ص: ۹۷

نیستند. قرآن و مکتب اهل بیت، ارزش راه های خدا را مشخص می کنند. برای مثال، امام رضا علیه السلام می فرماید: «کسی که در طلب روزی می کوشد و فضل خدا را می جوید تا مخارج اهل و عیال خود را کفایت کند، اجر و پاداش او از مجاهد راه خدا بیشتر است» (۱).

### منابع دیگر

#### منابع دیگر

آقاجان، شعبان، جوان و راه رستگاری، قم، گاه سحر، ۱۳۸۸.

ابراهیمی، زهرا، صراط مستقیم تنها راه رستگاری، تهران، مولف، ۱۳۸۹.

پور سعید، رحیم، راه سعادت دنیا و رستگاری آخرت، تهران، روزبه، ۱۳۸۵.

دارابی، حسین، راه هدایت، قم، نشر هدی، ۱۳۹۰.

علی آبادی، محمد، به سمت خدا، عبادت و بندگی در سیره چهارده معصوم علیهم السلام، قم، انتشارات نشر عطش، ۱۳۹۱.

کرباسی زاده، علی، راه رستگاری، قم، نشر مولود کعبه، ۱۳۷۵.

مردانی، محمد، راه نجات (تتمه الصراط)، قم، سپهر آذین، ۱۳۸۴.

۴



ص: ۹۹

**راه رفتن****اشاره**

راه رفتن

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا؛ و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند».  
(فرقان: ۶۳)

راه رفتن کاری آسان و ساده به نظر می رسد که انسان از دوران کودکی آن را می آموزد. البته برای آموختن آن، آدابی لازم است، از جمله کمک پدر یا مادر، آهسته قدم برداشتن، تحمل زمین خوردن ها، ناامید نشدن، و تمرین و تمرین:

دستم بگیرت و پا به پا برد

تا شیوه راه رفتن آموخت

حال آیا این راه رفتن آدابی دارد؟ آیا در قرآن و روایات به این مسئله توجه شده و آدابی برای آن ذکر شده است؟ مقصود از آداب چیست؟

**مفهوم ادب**

مفهوم ادب

دو واژه «اخلاق» و «ادب» (آداب) در مباحث اخلاقی و تربیتی بسیار استفاده می شود. اخلاق، جمع واژه «خُلُق» است؛ یعنی ویژگی های خاصی که در روح و جان آدمی نفوذ کرده و گویی جزئی از وجود وی شده است؛ به

ص: ۱۰۰

گونه ای که در سایه آن، انسان می تواند کارهای متناسب با آن ویژگی ها را به آسانی انجام دهد. برای مثال، انسانی که خلق و خوی کمک به دیگران را دارد، به راحتی انفاق و بخشش می کند و یا کسی که روحیه شجاعت را در خود پرورانده، به راحتی در خطرهای مانند جهاد در راه خدا وارد می شود.

بعضی از اهل لغت، ادب را چنین معنا می کنند: «به چیزی که شایسته و سزاوار یک شیء یا یک شخص باشد و رعایت گردد، ادب گویند»<sup>(۱)</sup>.

علامه طباطبایی رحمه الله هم در معنای ادب می نویسد:

ادب بنا بر آنچه از معنای آن استفاده می شود هیئت زیبا و پسندیده ای است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می داند که هر عمل مشروعی، چه دینی باشد مانند دعا و امثال آن، و چه مشروع عقلی باشد مانند دیدار دوستان، بر طبق آن هیئت واقع شود. به عبارت دیگر، ادب عبارت است از ظرافت عمل... نظیر ادبی که اسلام در غذا خوردن [بیان کرده است] و آن گفتن بسم الله است در اول غذا و گفتن الحمدالله در آخر آن، و یا [دوری کردن] از خوردن در حال پری شکم و امثال اینها و... .

شاید بعضی خیال کنند که اخلاق و آداب یکی است و حال آنکه چنین نیست؛ زیرا اخلاق عبارت است از ملکات راسخه در روح، و در حقیقت وصفی است از اوصاف روح، ولی آداب عبارت است از هیئت های زیبای مختلفی که اعمال صادره از آدمی متصف بدان می گردد و اعمال آدمی نحوه صدورش بستگی به صفات مختلف روحی دارد...<sup>(۲)</sup>.

۱- نك: المنجد فی اللغه، ذیل واژه «ادب».

۲- ترجمه المیزان، ج ۶، ص ۳۶۷.

ص: ۱۰۱

این آداب، اقسامی دارد: آداب شرعی، عرفی و یا عقلی. آداب می تواند همه افعال و روابط انسان را در برگیرد. حضور در برابر خدا، حضور در برابر دیگران و تمام حرکات و رفتارهای آدمی می تواند آراسته به ادب گردد. در معارف دین اسلام، آداب، گستره وسیعی دارد: آداب عبادت، آداب تجارت، آداب معاشرت، آداب ازدواج، آداب خواب، آداب سفر، آداب مسجد، آداب قرائت قرآن، آداب دعا، آداب زیارت، آداب نوشتن نامه و... به همین دلیل است که علامه طباطبایی می نویسد: «چون هدف اسلام، سروسامان دادن به جمیع جهات زندگی انسانی است و هیچ یک از شئون انسانیت، نه کم و نه زیاد، نه کوچک و نه بزرگ را از قلم نینداخته، از این جهت، سر تا پای زندگی را دارای ادب نموده و برای هر عملی از اعمال زندگی، هیئت زیبایی ترسیم کرده» (۱).

بنابراین، آداب راه رفتن، در فضایی که علامه طباطبایی رحمه الله ترسیم می کند، می تواند بیانگر حالات روحی و روانی و شخصیت فرد باشد.

### مقصود از راه رفتن

مقصود از راه رفتن

راه رفتن که در زبان عربی به آن «مشی» می گویند، دارای معنای روشنی است و درباره انسان، همان راه رفتن با پا است، اما با توجه به کاربردهای قرآن کریم، مشی و راه رفتن، حرکت و راه رفتن طبیعی انسان و حیوان است که هر کدام متناسب با آفرینش خود حرکت می کنند؛ بعضی از حیوانات مانند مار بر روی شکم خود حرکت می کنند؛ بعضی با دو پا و بعضی با چهار دست و پا راه می روند. قرآن کریم به این معنا اشاره دارد و می فرماید:

۱- ترجمه المیزان، ج ۱۶، ص ۳۶۸.

ص: ۱۰۲

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (نور: ۴۵)

و خداست که هر جنبنده ای را [ابتدا] از آبی آفرید. پس پاره ای از آنها بر روی شکم راه می روند و پاره ای از آنها بر روی دو پا و بعضی از آنها بر روی چهار [پا] راه می روند. خدا هر چه بخواهد می آفریند. در حقیقت، خدا بر هر چیزی تواناست.

از مشی و راه رفتن، یک معنای مجازی هم استفاده می شود که راه و روش است، اما در این گفتار، معنای اصلی مشی (راه رفتن) مراد است که از نظر قرآن و روایات آدابی دارد.

پرسش اصلی آن است که راه رفتن از دیدگاه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام چه آدابی دارد؟

چگونه راه رفتنی از نظر اسلام، پسندیده و چگونه راه رفتنی، ناپسند است؟

در قرآن کریم و روایات، مطالبی آمده است که به آداب راه رفتن اشاره دارد.

## آداب راه رفتن

### اشاره

آداب راه رفتن

زیر فصل ها

۱. اعتدال و میانه روی

۲. تواضع و وقار

۳. حیا

۴. پرهیز از تکبر و سرمستی

### ۱. اعتدال و میانه روی

۱. اعتدال و میانه روی

خداوند در قرآن کریم، از شخصی نام می برد که حرف های او را شایسته نقل قول می داند. بنابراین، بعضی از سخنان او را برای پندآموزی نقل می کنند. آن شخص، لقمان حکیم است که سوره ای به نام او نازل شده است.

ص: ۱۰۳

وی در سفارش‌هایی که به فرزندش دارد، می‌گوید: «وَأَقْصِدْ فِي مَشِيكِ...؛ در راه رفتن خود میانه رو باش». (لقمان: ۱۹)  
در معنای این آیه نوشته‌اند:

«میانه رو در راه رفتن باش» [یعنی در راه رفتن متعادل باش؛ به طوری که راه رفتن میان این دو طریق قرار گیرد، نه مانند خزندگان نرم و آهسته، و نه مانند افراد متوحش تند و با پرش باشد].<sup>(۱)</sup>

بعضی هم گفته‌اند مقصود، تواضع در راه رفتن است.<sup>(۲)</sup>

امام کاظم علیه السلام فرمود: شتاب در راه رفتن، ارزش مؤمن را می‌برد.<sup>(۳)</sup>

## ۲. تواضع و وقار

۲. تواضع و وقار

خداوند مهربان در سوره فرقان، بندگان خوب خود را چنین معرفی می‌کند: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا؛ و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند؛ و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند، به ملایمت پاسخ می‌دهند...». (فرقان: ۶۳)

در این سوره، دوازده صفت و ویژگی، «عبادالرحمن» معرفی شده که اولین آنها، راه رفتن با تواضع است.

«هون» هم به معنای تواضع و مدارا و نرم‌خویی است و هم به معنای سکینه و وقار.<sup>(۴)</sup>

۱- ترجمه تفسیر جوامع الجامع، ج ۵، ص ۶۶.

۲- ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۱۸۴.

۳- بحارالانوار، ج ۷۳، باب آداب المشی، ص ۳۰۱.

۴- تفسیر نور، ج ۸، ص ۲۷۶.

ص: ۱۰۴

روشن است که راه رفتن با تواضع و وقار، به این معناست که نباید با تکبر راه رفت، اما قرآن کریم، آن را جداگانه بیان می کند.

### ۳. حیا

۳. حیا

حیا صفتی است که هر مؤمنی، چه زن و چه مرد، باید داشته باشد. حیا صفتی درونی است، اما خود را در ظاهر انسان نشان می دهد؛ در لباس پوشیدن، در نگاه و در راه رفتن. در قرآن کریم آنجا که از دختر حضرت شعیب سخن به میان می آید، راه رفتن او به طرف حضرت موسی علیه السلام، با حالت حیا و آزرم بیان شده است: «ناگهان یکی از آن دو [زن] به سراغ حضرت موسی آمد در حالی که با نهایت حیا گام برمی داشت» (۱).

### ۴. پرهیز از تکبر و سرمستی

۴. پرهیز از تکبر و سرمستی

قرآن کریم، راه رفتن از سر تکبر، سرمستی و خودپسندی را نمی پسندد و در این باره می فرماید:

«وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا؛ و در [روی] زمین به نخوت گام برمیدار، چرا که هرگز زمین را نمی توانی شکافت، و در بلندی به کوه ها نمی توانی رسید» (اسراء: ۳۷)

همچنین در سفارش لقمان به فرزندش می خوانیم:

«وَلَا تُصَيِّرْ كُفْرًا لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛ و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب، و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند فخر فروش را دوست نمی دارد» (لقمان: ۱۸)

۱- نک: قصص: ۲۵.



ص: ۱۰۵

در این زمینه روایات مهمی وارد شده است که تعدادی از آنها بیان می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که روی زمین با تکبر راه رود، زمین و موجودی که زیر و زبر(روی) آن است، لعنش کند».(۱)

راه رفتن با تکبر و سرمستی، در همین دنیا آثار منفی در پی دارد؛ از جمله: دور شدن از رحمت خدا، اختلاف، جنگ و درگیری. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: «چون اتمم با تکبر راه روند و پارسیان و رومیان خدمتکار آنها شوند، به جان هم افتند و درگیر شوند».(۲)

ممکن است این پرسش به ذهن برسد که چرا راه رفتن از روی تکبر، چنین آثار بدی به دنبال دارد؟ پاسخ آن روشن است؛ چنین راه رفتنی از باطن و درون افراد و جامعه خبر می دهد. فرد یا افرادی که در باطن هم خودبرتربین هستند و دیگران را کوچک می بینند، چنین منشی را در راه رفتن متکبرانه خود آشکار می سازند و به فقرا و ضعیفان جامعه توجه نمی کنند و؛ در نهایت، شکاف طبقاتی پدید می آید که نتیجه ای جز اختلاف و درگیری ندارد.

راه رفتن از سر تکبر و سرمستی، هم در قرآن و هم در روایات نهی شده و فقط در بعضی از موارد، استثنا گردیده است؛ برای مثال، در میدان جنگ، مقابل دشمن. حضرت امیر علیه السلام می فرماید: ابودجانه انصاری عمامه بست و دنباله اش را از میان دو شانه اش به پشتش آویخت و میان دو صف لشکر اسلام و کفر، با حالت تکبر راه می رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ح ۸، ص ۳۰۳.

۲- بحارالانوار، ج ۸.

ص: ۱۰۶

فرمود: این گونه راه رفتن را خداوند ناپسند دارد، مگر هنگام جنگ و نبرد با دشمن. (۱)

## مثال های قرآنی

### اشاره

مثال های قرآنی

در قرآن کریم برای تبیین روحيات افراد جامعه و راه و روش آنها، از مثال هایی که در آنها مفهوم راه رفتن وجود دارد، استفاده شده است.

### مثال اول

مثال اول

خداوند، منافق را به اشخاصی تشبیه می کند که در صحرایی تاریک و هوای بارانی جا مانده اند. در این حالت که آسمان رعدوبرق می زند، نور آن نزدیک است که چشم منافقان را برباید.

شخص منافق تا نوری می جهد، چند قدمی برمی دارد و تلاش می کند در پرتو آن نور، در این صحرای تاریک راه برود. همین که تاریکی دوباره چیره می شود، از راه رفتن باز می مانند. در آیه ۱۹ و ۲۰ سوره بقره میخوانیم:

أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ. يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

یا چون [کسانی که در معرض] رگباری از آسمان، که در آن تاریکی ها و رعد و برقی است، [قرار گرفته اند]؛ از [نهی] آذرخش [و] بیم مرگ، سر انگشتان خود را در گوش هایشان نهند، ولی خدا

ص: ۱۰۷

بر کافران احاطه دارد. نزدیک است که برق، چشمانشان را برباید. هرگاه که بر آنان روشنی بخشد، در آن گام زنند و چون راهشان را تاریک کند، [بر جای خود] بایستند. و اگر خدا می‌خواست، شنوایی و بینایی شان را برمی‌گرفت، که خدا بر همه چیز تواناست.

مقصود از این تشبیه، این است که اگر انسان، مؤمن حقیقی باشد، از نور اسلام و ایمان کاملاً استفاده می‌کند، اما منافقان که از ایمان بهره‌ای نبرده‌اند و فقط فرصت طلب هستند، حالشان مانند همان انسان جامانده در تاریکی است که در پناه نور رعدوبرق چند قدم برمی‌دارد، اما این گونه راه رفتن برای او فایده‌ای ندارد.

### مثال دوم

مثال دوم

تقوا و ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله، سبب می‌شود انسان در پناه نور به سمت کمال حرکت کند. خداوند در آیه ۲۸ سوره حدید می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش، شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما ببخشد، و خدا آمرزنده مهربان است.

### مثال سوم

مثال سوم

حرکت در جامعه، بر اساس افکار و اندیشه‌های روشن و نورانی، مانند راه رفتن در نور و روشنایی است.

ص: ۱۰۸

أَوْ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. (انعام: ۱۲۲)

آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران آنچه انجام می دادند، زینت داده شده است.

### مثال چهارم

مثال چهارم

گمراهی، مانند راه رفتن با حالت نگونساری است و هدایت، مانند راه رفتن طبیعی در راه مستقیم است: «أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید، هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود؟» (ملک: ۲۲)

### گلبانگ حدیث

### اشاره

گلبانگ حدیث

زیر فصل ها

آداب راه رفتن

نهی از راه رفتن با ناز

### آداب راه رفتن

آداب راه رفتن

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «سُرْعَةُ الْمَشْيِ يَذْهَبُ بِهَا الْمُؤْمِنُ؛ تند راه رفتن، هیبت مؤمن را از بین می برد» (۱).

۲. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا مَشَى مَشَى مَشِيًّا يُعْرَفُ أَنَّهُ لَيْسَ بِمَشِيٍّ عَاجِزٍ وَ

ص: ۱۰۹

لا- بِكْسَلَانٍ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله در موقع راه رفتن چنان راه می رفت که معلوم بود راه رفتن شخص ناتوان یا تنبل نیست». (۱)

۳. الامام علی علیه السلام لَمَّا وَرَدَ الْكُوفَةَ قَادِمًا مِنْ صِفِّينَ... أَقْبَلَ حَرْبٌ يَمْشِي مَعَهُ، وَ هُوَ رَاكِبٌ : ارجع؛ فَإِنَّ مَشَى مِثْلَكَ مَعَ مِثْلِي فِتْنَةٌ لِلْوَالِي، وَ مَدْلَةٌ لِلْمُؤْمِنِ؛ امام علی علیه السلام از صفین سواره به کوفه وارد شد... و [فردی به نام] حرب، در کنار حضرت پیاده به راه افتاد، حضرت فرمود: برگرد؛ زیرا پیاده آمدن چون تویی در رکاب چون من، باعث غرور و فریفتگی زمامدار و مایه خواری مؤمن است. (۲)

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر خردمند هستی، پیش از رفتن به هر جا عزم درست و نیت صادق داشته باش و از رفتن به جایی که حذر باید، خود را باز دار. در راه رفتن با اندیشه باش و از عجایب صنع خدای عزوجل در هر جا عبرت گیر. در راه رفتن، بازیگر و کبرفروش مباش و از آنچه به حکم دین نشاید، چشم فرو بند و خدا را بسیار ذکر کن که در خبر است هر جا ذکر خدا کنی، روز قیامت نزد خدا گواه تو باشد و برایت آموزش خواهند تا به بهشت روی. با مردم پرحرفی مکن در راه که بی ادبی است. بیشتر راه ها کمین گاه شیطان و تجارتخانه اوست؛ از کیدش آسوده مباش. رفت و برگشت و راه ورزیت در طاعت خدا باشد؛ زیرا هر حرکت در نامه عملت نوشته می شود.» خدای تعالی فرموده است: «روزی که گواه شود بر آنها زبان هاشان و دست هاشان و پاهاشان بدانچه در کار بودند» (نور: ۲۵) و خدای عزوجل فرمود: «و به هر آدمی بچسبانیم نامه عملش را در گردش». (اسری: ۱۴)

۱- مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۶۰، ح ۵۲.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۲۲.

ص: ۱۱۰

۵. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس در سفر و حضر برای تواضع، با عصا راه رود برایش به هر گامی هزار حسنه نوشته شود، و از او هزار سیئه محو شود و برایش هزار درجه بلند شود».
۶. امام کاظم علیه السلام فرمود: شتاب در راه رفتن ارزش مؤمن را ببرد.
۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زنان را میانه راه نباشد، ولی از دو کناره باشد.
۸. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون اتمم در برابر گدایان، خود را به کری زنند و متکبرانه راه روند، پروردگار عزوجل سوگند خورده به عزت خود، که آنها را به وسیله یکدیگر شکنجه کند.
۹. جابر انصاری نقل می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر یک مرد غش کرده گذر کرد که مردم، او را دوره کرده و نگاهش می کردند. فرمود: اینان بر چه گرد آمدند؟ گفته شد: بر یک غش کرده دیوانه! به او نگاه کرد و فرمود: این مرد دیوانه نیست. به شما بگویم دیوانه واقعی کیست؟ گفتند: بله یا رسول الله! فرمود: دیوانه آن است که متکبرانه راه رود و به گوشه چشم به دو طرفش نگاه کند و شانه هایش را بالا اندازد؛ او دیوانه است و این [مرد غش کرده] بیمار است.
۱۰. بشیر نبال نقل می کند: در مسجد همراه امام باقر علیه السلام بودیم که یک سیاهی گذر کرد و در راه رفتن به سنگینی گام برمی داشت. آن حضرت فرمود: راستی که او جبار است. گفتم: گداست! فرمود: جبار است!
۱۱. امام ششم علیه السلام فرمود: علی بن الحسین علیه السلام چنان راه می رفت که نه سرش تکان می خورد و نه دست راستش از دست چپش جلو بود. (۱)

۱- آداب و سنن (ترجمه ج ۳ بحار الانوار)، صص ۱۹۱ ۱۹۳. (با دخل و تصرف).

ص: ۱۱۱

**نهی از راه رفتن با ناز**

نهی از راه رفتن با ناز

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ مَشَى عَلَى الْأَرْضِ اخْتِيَالًا لَعْنَتُهُ الْأَرْضُ وَمَنْ تَحْتَهَا وَمَنْ فَوْقَهَا؛ کسی که روی زمین با تکبر و افاده راه می رود، زمین و هر موجودی که زیر و روی آن است، او را لعنت می کند».(۱)

**نمونه های رفتاری****اشاره**

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. زمان راهپیمایی

۲. راه رفتن با تکبر نشانه دیوانگی

۳. دعای امام صادق علیه السلام

۴. راه رفتن با جنازه

**۱. زمان راهپیمایی**

۱. زمان راهپیمایی

هشام بن سالم می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در دو هنگام خنکی [بام و شام] راه بروید. عرض کردم: در آن هنگام، ما از حشرات گزنده می ترسیم. امام علیه السلام فرمود: اگر چیزی از آنها هم به شما برسد، باز برای شما بهتر است [از راه رفتن در غیر این دو وقت] با اینکه سلامت شما ضمانت شده است.(۲)

**۲. راه رفتن با تکبر نشانه دیوانگی**

۲. راه رفتن با تکبر نشانه دیوانگی

امام صادق علیه السلام از پدرانیش، از علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر گروهی گذر کرد و فرمود: برای چه اجتماع کرده اید؟ گفتند: یا رسول الله این دیوانه بی هوش شده است و ما به جهت او اینجا جمع شده ایم. فرمود: این

مجنون نیست، بلکه بیمار است. سپس فرمود: آیا به شما خبر بدهم که مجنون واقعی کیست؟ گفتند: آری یا رسول الله. فرمود: مجنون واقعی کسی است که در راه رفتن تکبر کند و آنگاه حضرت نشانه های دیگری نیز برشمرده اند. (۳)

۱- ثواب الأعمال، ص ۳۲۴، ح ۱؛ آداب و سنن (ترجمه جلد ۷۳ بحارالانوار)، ص ۱۹۱.

۲- بهشت کافی، (ترجمه: روضه کافی)، ص ۳۶۴.

۳- الخصال، ترجمه: یعقوب جعفری، ج ۱، ص ۴۸۵.



ص: ۱۱۲

### ۳. دعای امام صادق علیه السلام

۳. دعای امام صادق علیه السلام

برقی در کتاب محاسن گفته است: هر گاه امام صادق علیه السلام می خواست به سفر برود، چنین می فرمود: «اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَ أَحْسِن تَسِيرَنَا (یا: مسیرنا) و أعظم عافیتنا؛ پروردگارا، راه را برایمان آسان و رفتن (یا راه رفتن) ما را نیکو گردان و تندرستی ما را بزرگ دار». (۱)

### ۴. راه رفتن با جنازه

۴. راه رفتن با جنازه

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وارد است که شخصی از انصار، از اصحاب حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله فوت شده بود و آن حضرت پیاده در پی جنازه او می رفتند. بعضی از اصحاب گفتند: یا رسول الله سوار نمی شوید؟ حضرت فرمود: مرا خوش نمی آید که سوار شوم و ملائکه پیاده باشند و حضرت سوار نشد. حضرت سید المرسلین جمعی را دید که سوار شده اند؛ فرمود: شرم ندارند این جماعت که برادر مؤمن ایشان در این حال باشد و ایشان سوار باشند؛ یعنی می باید که پیاده باشند و از تشییع... بهره مند شوند با آنکه در سواری تکبری هست و در پیاده رفتن تواضع... (۲)

### آموزه ها

آموزه ها

۱. اهل ایمان به تمام حرکات و سکونات خود توجه دارند؛ راه رفتن و رعایت آداب آن، از جمله این اعمال است.

۱- علی بن موسی ابن طاووس، آداب سفر در فرهنگ نیایش (ترجمه الأمان)، ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی، ص ۲۵۳.

۲- لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه، ج ۲، ص ۳۱۹.

ص: ۱۱۳

۲. آداب نیاز به آموزش دارد، بهتر است کودکان از همان ابتدا آداب اسلامی را یاد بگیرند. آداب اسلامی، مثل آغاز کارها با «بسم الله الرحمن الرحیم» یا ختم کارها با «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، انسان‌ها را به سمت خدا و توحید هدایت می‌کند.

۳. آداب از یک نگاه، مقدم بر اخلاق است؛ آنگاه که جنبه آموزش دارد و کودک آداب را یاد می‌گیرد. اما از نگاه دیگر بعدی از اخلاق است و از اخلاق سرچشمه می‌گیرد؛ آنجا که معرفت و درک انسان بالا می‌رود و از سر اعتقاد، آداب را رعایت می‌کند.

۴. ادب نوعی هنر است. گفتار و رفتار آدمی در کنار ادب، زیبا و خدایسند و مردم‌پسند می‌شود.

۵. آداب عرفی، مانند آداب عروسی، آداب میهمانی و... وابسته به فرهنگ هر جامعه است. بنابراین، آداب عرفی نسبی است و باید با عقل و شرع سنجیده شود. هرگاه عقل و شرع آداب عرفی را تأیید کرد، پذیرفتنی است.

۶. آداب راه رفتن فقط به امور ظاهری محدود نمی‌شود، بلکه آداب معنوی هم دارد؛ از جمله اینکه راه رفتن نباید به سوی گناه باشد، بلکه باید به سوی خوبی‌ها باشد. رفتن به مسجد، رفتن به سوی محفل علم و دانش و... برخی از آداب راه رفتن است که در روایات با عنوان «حَقُّ پا» بیان شده است.

۷. تفکر در آدابی که قرآن و عترت در زمینه‌های مختلف گفته است، انسان را به حقانیت این مکتب رهنمون می‌سازد.

۸. بهتر است انسان در حال راه رفتن چیزی نخورد. امام صادق علیه السلام فرمود: «در حال راه رفتن چیزی مخور جز آنکه ناچار باشی» (۱).

۱- من لایحضره الفقیه، ترجمه: گروهی بلاغی، ج ۴، ص ۴۸۵.

ص: ۱۱۴

**منابع دیگر**

## منابع دیگر

جویباری، محمد، آداب معاشرت و دوستی، تهران، تزکیه، ۱۳۷۹.

رفعت، محمود، آیین و آداب معاشرت، تهران، نشر حسام، ۱۳۷۱.

شیرازی، عباس، آیین آداب معاشرت، تهران، توسعه فرهنگ و روانشناسی، ۱۳۹۰.

فشارکی، محمدباقر، آداب الشریعه، تحقیق: باقر بیدهندی، قم، سبط النبی، ۱۳۸۸.

محدثی، جواد، اخلاق معاشرت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵.

نعمت‌اللهی، داود، آداب معاشرت برای همه، تهران، معیار علم، ۱۳۸۹.

ص: ۱۱۵

رحمت

اشاره

رحمت

«فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُنْحَى الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (روم: ۵۰)

خداوند حکیم از سر لطف، رحمت و مهربانی را بر خود واجب کرده است: «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ». (انعام: ۵۴)

او از هر مهربانی مهربان تر است: «وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (یوسف: ۶۴)

او کتابش را که کتاب هدایت است، با وصف رحمن و رحیم آغاز کرد؛ یعنی فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ به نام خدای رحمتگر مهربان».

در مکتب اهل بیت علیهم السلام سفارش شده است که هر کاری با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز شود؛ از خوردن و آشامیدن گرفته تا خواب، مسافرت، ذبح حیوان و... و فرموده اند که هر کار مهمی که بی نام خدا آغاز شود، آن کار ابتر، ناقص و بدون نتیجه است.

همچنین سفارش شده است به کودکان «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آموخته شود. (۱)

۱- نک: تفسیر المیزان، نمونه و نور، ذیل تفسیر سوره حمد.

ص: ۱۱۶

شاید دلیل توجه بسیار به این آیه، این باشد که انسان به خدایی معرفت پیدا کند که جهان، انسان و موجودات را از سر رحمت خود آفریده است.

در واقع، رحمت خدا سبب شده است که جهان آفریده شود، انسان هستی یابد، پیامبران مبعوث شوند و کتاب های آسمانی، به ویژه قرآن کریم برای هدایت بشر نازل گردند.

پس جهان، سرشار از رحمت و واسع حضرت حق و جلوه رحمت اوست. درباره رحمت، این پرسش ها در این مقاله مطرح می شود:

۱. حقیقت رحمت چیست؟

۲. جلوه های رحمت خدا کدام است؟

۳. اسباب رحمت کدام است؟

۴. موانع رحمت چیست؟

۵. درباره رحمت خداوند مهربان، چه نکات مهمی در کتاب و سنت وجود دارد؟

## ۱. حقیقت رحمت

۱. حقیقت رحمت

اهل لغت درباره حقیقت رحمت نوشته اند:

«رَحْمَه»، نرمی و نرم خوبی است که نیکی کردن به طرف مقابل را اقتضا می کند و گاهی درباره مهربانی و نرم دلی به طور مجرد و گاهی در معنای احسان و نیکی کردن که مجرد از رقت است، به کار می رود؛ مثل «رَحِمَ اللَّهُ فلاناً؛ خدا او را مورد احسان و رحمت قرار دهد» (که بیشتر به صورت دعاست). هر گاه خدای متعال با این واژه توصیف شود، تنها احسان مجرد و بدون رقت و رحمدلی است و از این معنی روایت شده است: «انَّ الرَّحْمَةَ مِنْ

ص: ۱۱۷

اللَّهِ إِعْنَامٌ وَإِفْضَالٌ وَمِنَ الْإِدْمِيَّيْنِ رِقَّةٌ وَتَعْطُفٌ؛ رحمت از سوی خداوند، نعمت دادن و بخشایش و از آدمیان، شفقت و مهربانی است» (۱).

علامه طباطبایی رحمه الله درباره رحمت می نویسد:

کلمه «رحمت» به معنای تأثر قلب است، اما نه هر تأثری؛ بلکه تأثر خاصی که از مشاهده ضرر و یا نقص در دیگران به آدمی دست می دهد و آدمی را وامی دارد که در مقام جبران ضرر و اتمام نقص او برآید، ولی وقتی این کلمه به خدای تعالی که اجل از داشتن قلب است نسبت داده شود، دیگر به معنای تأثر قلبی نیست، بلکه به معنای نتیجه آن تأثر است. نتیجه تأثر در ما آدمیان این بود که در مقام جبران نقص طرف برآئیم؛ رحمت خدای تعالی نیز به همین معناست. پس اینکه می گوئیم خدا رحیم است، معنایش این است که نقص بنده را جبران نموده، حاجتش را برآورده، و بیماری اش را شفا می دهد، و در یک عبارت جامع: «رحمت خدا منطبق است به اعطای او و افاضه وجود بر خلقش».

البته این نسبت هم تفاوت می کند؛ اگر رحمت او را به مطلق خلقش نسبت دهیم، منظور از این رحمت (رحمت رحمانی او) دادن هستی به خلق است، و نیز دادن بقا و رزقی که بقای خلق را امتداد می دهد، و نیز دادن سایر نعمت هایی که به فرموده خودش قابل شمارش نیست؛ «وَإِنْ تَعِدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» (۲) اما اگر رحمت خدا را به مؤمنین نسبت دهیم، در این صورت، منظور از آن، (رحمت رحیمیه او) رحمتی خواهد

۱- ترجمه مفردات، ج ۲، ص ۵۷.

۲- «و هر قدر نعمت خدا را بشمارید به آخرش نمی رسید.» ابراهیم: ۳۴؛ نحل: ۱۸.

ص: ۱۱۸

بود که مختص به مؤمنین است، و آن عبارت است از سعادت زندگی انسانی انسان، و آن سعادت مظاهر مختلفی دارد که خدای تعالی آنها را تنها به مؤمنین مرحمت می کند، نظیر داشتن معارف حقه الهیه، اخلاق کریمه، اعمال صالحه و حیات طیبه در دنیا و آخرت و جنت و رضوان.

و به همین جهت است که وقتی قرآن را توصیف می کند به اینکه رحمت برای مؤمنین است، معنایش این است که تنها مؤمنین را غرق در انواع خیرات و برکات می کند؛ خیرات و برکاتی که خدای تعالی آنها را در قرآن نهفته و قرآن را خزینه آن خیرات کرده تا هرکس که متحقق به حقایق آن شود، و معانی آن را در خود پیاده کند از آن خیرات بهره مند شود، چنان که می فرماید: «وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (۱).

و در الدر المنثور از احمد و ابوداود از جندب بن عبد الله بجلی روایت کرده است که گفت: مردی عرب از بادیه وارد شد و شتر خود را خوابانید و آن را عقال کرد و سپس پشت سر پیغمبر صلی الله علیه و آله به نماز ایستاد؛ بعد از نماز به صدای بلند چنین دعا کرد: پروردگارا مرا و محمد صلی الله علیه و آله را رحم کن و احدی را در رحمت من و او شریک مساز.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود از رحمت عمومی و واسع خداوند جلوگیری می کنی؟ برای خدا صد رحمت است که از آن همه تنها یک رحمت را بر خلق خود نازل کرده و با آن جن و انس

ص: ۱۱۹

و چارپایان را با یکدیگر مهربان می‌کند. نود و نه رحمت دیگر دارد. (۱)

بنابراین، مفسران برای خدای سبحان دو نوع رحمت ذکر می‌کنند: رحمت عام و خاص خدا.

مشهور در میان مفسران این است که صفت «رحمان» اشاره به رحمت عام خداست که شامل دوست و دشمن، مؤمن و کافر، و نیکوکار و بدکار می‌شود؛ زیرا باران رحمت بی حسابش همه را رسیده، و خوان نعمت بی دریغش همه جا گسترده شده است، ولی «رحیم» به رحمت خاص پروردگار اشاره دارد که ویژه بندگان مطیع و صالح است. گواه این مطلب، آن است که «الرَّحْمَن» در قرآن، همه جا به صورت مطلق آمده که نشانه عمومیت آن است، درحالی که «الرَّحِيم» گاهی به صورت مقید ذکر شده که دلیل بر خصوصیت آن است؛ مانند «وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا؛ خداوند به مؤمنان رحیم است». (احزاب: ۴۳)

در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز می‌خوانیم: «خداوند معبود همه چیز است؛ به تمام مخلوقاتش رحمان، و به خصوص مؤمنان، رحیم است». (۲)

شهید مطهری درباره این دو رحمت می‌نویسد:

قرآن، خداوند را هم با صفت «رحمان» و هم با صفت «رحیم» یاد می‌کند. «بسم الله» که خود، آیه ای از قرآن است، هم مشتمل بر رحمان است، هم مشتمل بر رحیم. رحمان و رحیم، دو مشتق از «رحمت» می‌باشند با این تفاوت که «رحمت رحمانی» عبارت است از رحمت عمومی که شامل همه

۱- ترجمه المیزان، ج ۸، ص ۳۷۶.

۲- برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۸.



ص: ۱۲۰

موجودات است وجود هر موجودی برای آن موجود رحمت است، وسایلی که برای ابقا و ادامه وجود او آفریده شده است، رحمت است اما «رحمت رحیمیه» عبارت است از الطاف و دستگیری های خاصی که یک موجود مکلف بر اثر حسن انجام وظیفه مستحق آن می گردد؛ لطف خاصی است که طبق قانون خاص، نه قانون عام طبیعت، شامل حال می گردد.

پیامبران آمده اند که ما را به این گونه مددهای غیبی مؤمن نمایند. اگر چنین ایمانی در ما پیدا شود، ما عملاً با خداوند وارد معامله و بده وستان می شویم، احساس می کنیم که نیکی کردیم و خداوند به ما پاداش نیک داد، ما را حفظ و نگهداری کرد؛ بر عکس، بدی کردیم و کیفر دیدیم. به هر حال، بشر در زندگی خاص خود، اعم از زندگی فردی یا اجتماعی، احیاناً مشمول لطف ها و رحمت های خاصی می شود که او را دستگیری می کند و از سقوط نجات می دهد. خداوند درباره رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى، وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى، وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى» (۱).

## ۲. جلوه های رحمت خدا

### اشاره

۲. جلوه های رحمت خدا

رحمت خداوند سراسر جهان هستی را فرا گرفته است: «فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ». (انعام: ۱۴۷)

و در جای دیگر خداوند می فرماید: «وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ». (اعراف: ۱۵۶)

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۳۴۵.

ص: ۱۲۱

این رحمت واسعه الهی در زندگی فردی و اجتماعی انسان هم جلوه گر است. اگر رحمت الهی از زندگی انسان حذف شود، وی دچار ناامیدی خواهد شد. در قرآن کریم و در روایات جلوه های فراوانی از رحمت الهی بیان شده است.

از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

خداوند متعال روزی که آسمان ها و زمین را آفرید، صد رحمت بیافرید که هر رحمتی به اندازه فاصله آسمان و زمین است. سپس از آن رحمت ها، یکی به زمین فرود آمد که به سبب آن خلائق به یکدیگر ترحم می کنند و مادر به فرزندش مهر می ورزد و پرندگان و حیوانات آب می نوشند و مردمان زندگی می کنند. (۱)

بر اساس این روایت، رحمت و مهربانی که بین مردم وجود دارد، مهر و محبت مادر به فرزند، زندگی حیوانات، زندگی انسان ها با یکدیگر، همه و همه جلوه هایی از رحمت خداوند به شمار می روند. در قرآن کریم هم به نمونه های فراوانی از رحمت و مهربانی خدا به بندگان اشاره شده است؛ (۲) از جمله:

### آسانی دستورات و احکام دینی

آسانی دستورات و احکام دینی

دین اسلام، دارای احکامی است که با فطرت انسان سازگار است و هرگونه سختی و دشواری از آنها برداشته شده است؛ چنان که پیامبر

۱- کنز العمال، ح ۱۰۴۶۴.

۲- نک: فرهنگ قرآن، ج ۱۴، ص ۴۰.

ص: ۱۲۲

اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من برای آوردن دین آسمانی حنیف برگزیده شده ام.»<sup>(۱)</sup> و همچنین فرمود: «ای مردم، همانا دین خدا آسان است.»<sup>(۲)</sup> در قرآن کریم هم آمده است «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ؛ [خداوند] در دین بر شما سختی قرار نداده است.» (حج: ۷۸) قرآن علاوه بر تبیین این اصل کلی (آسانی دین)، گاهی مصداق‌های عملی آسان‌گیری در احکام و دستورات دینی را نیز نشان می‌دهد؛ برای مثال، در آیه ۶ سوره مائده، خداوند به اهل ایمان می‌فرماید: «هرگاه عزم نماز کردید، وضو بگیرید» سپس می‌فرماید: «هرگاه جنب شدید، غسل کنید.» در ادامه این دستوره‌های نورانی می‌فرماید: «و اگر بیمار و... بودید و آبی برای وضو و یا غسل پیدا نکردید، با خاک پاک تیمم کنید» در پایان آیه نیز می‌فرماید:

«مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ خداوند نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بدارید.»

همچنین در مورد روزه که در ماه مبارک رمضان واجب است؛ اگر کسی احتمال ضرر بدهد، مانند زن باردار یا بعضی از بیماران، وجوب روزه از آنها برداشته می‌شود؛ تا جایی که روزه گرفتن در مواردی حرام است.

نمونه دیگر، جهاد در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله است که واجب است، اما این وجوب از سر رحمت، از بعضی برداشته شده است:

«بر ناتوانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی نمی‌یابند تا در راه خدا خرج کنند در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی کنند هیچ گ»

۱- کنز العمال، ح ۵۴۱۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۴، ح ۶۲۷۵.

ص: ۱۲۳

ناهی نیست و نیز بر نیکوکاران ایرادی نیست و خدا آمرزنده مهربان است»<sup>(۱)</sup>.

### اتحاد در دین و راه و روش درست زندگی

اتحاد در دین و راه و روش درست زندگی

انسان موجودی آزاد است. او می‌تواند راه و روش زندگی خود را برگزیند و این از نشانه‌های خداست. بر این اساس، انسان‌ها به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شوند؛ زیرا هر شخص یا گروهی می‌تواند راهی جدا از راه دیگران برای خود برگزیند که نتیجه عملی آن، اختلاف در دین و راه و روش زندگی خواهد بود.

در این میان، عده‌ای راه و روش درست زندگی را انتخاب می‌کنند و به تعبیر دقیق‌تر، دین حقیقی خدا را برمی‌گزینند. خداوند این انتخاب را ناشی از توجه و رحمت ویژه خود معرفی می‌کند و در آیه ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره هود می‌فرماید: «و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، درحالی‌که پیوسته در اختلافند، مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرد...»<sup>(۲)</sup>.

### دعا و اجابت آن

دعا و اجابت آن

درخواست از خدا که در اصطلاح، آن را دعا می‌نامیم، از نعمت‌های ویژه خداوند است. بندگان در موارد مختلف، از سر نیاز، خدای مهربان خود را می‌خوانند؛ خدایی که بی‌نیاز مطلق است، اما با وجود بی‌نیازی، به دعای بندگان توجه می‌کند و هیچ‌دعایی را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. این

۱- توبه: ۹۱.

۲- نک: ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۸۱؛ تفسیر نور، ج ۵، ص ۳۹۶.

ص: ۱۲۴

اجابت دعا پرتوی از رحمت پروردگار جهان است. او از سر لطف و مهربانی و رحمت، پاسخ دعای بندگانش را می دهد و چه خوب است که انسان در موقع دعا کردن، خداوند را به رحمتش بخواند و سوگند دهد. اصحاب کهف در سایه رحمت الهی، از خدوند درخواست کردند و خداوند از خزانه رحمت خود به آنها عنایت فرمود. ایوب پیامبر، خدا را به ارحم الراحمین بودن ستود و خداوند در سایه رحمت خود، دعای او را اجابت کرد. (۱)

## احیای زمین

### احیای زمین

خدای مهربان، خدایی است که ابرها را به وسیله باد در آسمان می گستراند و باران رحمت خود را بر بندگان نازل می کند. زمین در سایه این باران رحمت زنده می شود، گیاه می روید، و گویی زندگی دوباره پیدا می کند. قرآن کریم همه اینها را از رحمت الهی معرفی می کند و می فرماید: «پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می گرداند...» (۲).

## هدایت از ظلمات کفر و نفاق به سوی ایمان

### هدایت از ظلمات کفر و نفاق به سوی ایمان

بعثت پیامبران، به ویژه خاتم انبیا و اعطای قرآن کریم، همه از سر لطف و مهربانی پروردگار است. او دوست دارد بندگان خود را از تاریکی نادانی و کفر و نفاق به سوی روشنایی اسلام و ایمان هدایت کند؛ چنان که می فرماید: «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَيَّ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ

۱- نک: کهف: ۱۰ و ۱۶؛ انبیا: ۸۳ و ۸۴.

۲- روم: ۵۰.

ص: ۱۲۵

الْظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ؛ او همان کسی است که بر بنده خود آیات روشنی فرو می فرستد، تا شما را از تاریکی ها به سوی نور بیرون کشاند و در حقیقت، خدا به شما بسیار بخشنده و مهربان است». (حدید: ۹)

### آفرینش چهارپایان و حیوانات

#### آفرینش چهارپایان و حیوانات

همان گونه که آفرینش گل و گیاه از الطاف الهی است که انسان از آن بهره مند می شود، آفرینش حیوانات و چهارپایان نیز از جلوه های رحمت الهی است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسِيرُونَ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا لِبَشَرٍ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ. (نحل: ۷۵)

و چارپایان را برای شما آفرید. در آنها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی است، و از آنها می خورید. و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آنها را] از چراگاه برمی گردانید، و هنگامی که [آنها را] به چراگاه می برید. و بارهای شما را به شهری می برند که جز با مشقت بدن ها، بدان نمی توانستید برسید. قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است.

### پرواز پرندگان

#### پرواز پرندگان

پرواز پرندگان در آسمان نیز از جلوه های رحمت خداست. در قرآن کریم آمده است: «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَيَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ؛ آیا در بالای سرشان به پرندگان

ص: ۱۲۶

ننگریسته اند [که گاه] بال می گسترند و [گاه] بال می زنند؟ جز خدای رحمان [کسی] آنها را نگاه نمی دارد، او به هر چیزی بیناست». (ملک: ۱۹)

بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دین اسلام، اقدام پیامبران به انذار و تبشیر بهشت و نعمت های بی انتهای آن، پذیرش توبه و... همه و همه جلوه های رحمت خدای مهربان به بندگانش است.

حلال ها و حرام های الهی هم جلوه ای از رحمت خدا به بندگان است و لازم است مؤمنان با دقت در این جلوه های رحمت الهی بنگرند و به رحمت خدا امیدوار باشند تا در کنار ایمان و عمل صالح، به رستگاری واقعی برسند.

### ۳. اسباب رحمت الهی

#### اشاره

#### ۳. اسباب رحمت الهی

عملکرد و منش انسان در جلب رحمت الهی مؤثر است. آنگاه که انسان ها به یاد خدا باشند، رحمت الهی نازل می شود. همچنین آنگاه که روابط اجتماعی بر اساس مهر و محبت باشد، خداوند هم رحمت خود را نصیب بندگانش می کند، امام صادق علیه السلام یکی از شایستگان رحمت الهی را که خداوند به برکت وی، به ملت و امتی رحم می کند این گونه معرفی می کند چنین شخصی دو ویژگی مهم دارد.

اولاً بنده راستین خداست؛ یعنی از فرمان خداوند اطاعت می کند و سراسر وجودش در اختیار خداست؛ ثانیاً، اهل گریه است و از سر تواضع و خشیت و خوف الهی می گرید. گریه چنین شخصی سبب جلب رحمت برای امتی می شود:

«... فَلَوْ أَنَّ عَبْدًا بَكَى فِي أُمَّهِ لَرَجِمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ تِلْكَ الْأُمَّةَ بِبُكَاءِ ذَلِكَ الْعَبْدِ» (۱)

با مراجعه به قرآن کریم و روایات و دقت در مواردی که خداوند،

ص: ۱۲۷

خود را به وصف رحیم توصیف کرده است، بسیاری از زمینه های جلب رحمت الهی و شایستگی دریافت این لطف آشکار می شود.

برای نمونه آنجا که به اهل ایمان می فرماید از تجسس در عیوب مردم و بدگمانی دوری کنید، خود را به وصف «تَوَّابٌ رَحِيمٌ» می ستاید: «ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان های بد دور باشید؛ زیرا برخی از گمان ها گناه است و در احوال و عیب های پنهان مردم کاوش مکنید و از پس یکدیگر بدگویی و غیبت مکنید... و از خدا پروا کنید که خدا توبه پذیر و رحیم و مهربان است» (۱).

رعایت ادب هنگام ملاقات پیامبر صلی الله علیه و آله نیز مایه خیر و جلب رحمت الهی است (۲).

همچنین صبر و مقاومت هنگام مصیبت و گفتن «انا لله و انا الیه راجعون»، از اسباب جلب رحمت خداست. خداوند در سوره بقره می فرماید: «هر آینه شما را به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهشی در اموال و جان ها و محصولات می آزماییم و مژده صابران را؛ همان کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم؛ برایشان درودها و رحمتی از پروردگارشان باد و راه یافتگان هم خود ایشانند». (بقره: ۱۵۵-۱۵۷)

## الف) استغفار

الف) استغفار

«وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ از خداوند آمرزش بخواهید که خدا آمرزنده مهربان است». (بقره: ۱۹۹)

۱- حجرات: ۱۲.

۲- حجرات: ۴ و ۵.



ص: ۱۲۸

«وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا؛ و هر کس کار بدی کند، یا بر خویشتن ستم ورزد؛ سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت.» (نساء: ۱۱۰)

«لَوْ لَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُزْحَمُونَ؛ چرا از خدا آمرزش نمی‌خواهید؟ باشد که مورد رحمت قرار گیرید.» (نمل: ۴۶)

### ب) گوش دادن به قرآن و پیروی از آن

ب) گوش دادن به قرآن و پیروی از آن

«وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ و چون قرآن خوانده شود، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید، امید است که بر شما رحمت آید.» (اعراف: ۲۰۴)

«وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ و این، خجسته کتابی است که ما آن را نازل کردیم؛ پس، از آن پیروی کنید و پرهیزکاری ورزید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.» (انعام: ۱۵۵)

### ج) آشتی دادن اهل ایمان

ج) آشتی دادن اهل ایمان

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید است که مورد رحمت قرار گیرید.» (حجرات: ۱۰)

### د) پیروی از خدا و پیامبرش

د) پیروی از خدا و پیامبرش

«وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ خدا و رسول را فرمان برید؛ باشد که مشمول رحمت قرار گیرید.» (آل عمران: ۱۳۲)

ص: ۱۲۹

**ه) ایمان به خدا و شکیبایی و صبر در راه خدا**

ه) ایمان به خدا و شکیبایی و صبر در راه خدا

حضرت ابراهیم، حضرت لوط، اسحاق، یعقوب، و داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل و ادريس عليهم السلام از جمله افرادی معرفی شده اند که شایسته رحمت الهی هستند.

این پیامبران بزرگ الهی دو ویژگی مهم داشته اند که شایسته این مقام شده اند: شکیبایی و صبر و پایداری در راه خدا در تمام مراحل زندگی؛ صالح و درستکار بودن. بر همین اساس خداوند حکیم می فرماید:

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ. (انبیاء: ۸۵ و ۸۶)

و اسماعیل و ادريس و ذوالکفل را [یاد کن] که همه از شکیبایان بودند. و آنان را در رحمت خود داخل کردیم؛ چرا که ایشان از شایستگان بودند.

و در جای دیگر می فرماید:

«فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا؛ و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست هدایت کند.» (نساء: ۱۷۵)

**و) زنده کردن امر به معروف در جامعه**

و) زنده کردن امر به معروف در جامعه

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند بازمی دارند و نماز را برپا

ص: ۱۳۰

می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند؛ آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است». (توبه: ۷۱)

در این آیه آمده اهل ایمان به خدا و رسولش و اهل عمل صالح باید به رحمت الهی امیدوار باشند.

### (ز) انفاق در راه خدا

(ز) انفاق در راه خدا

«وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مِمَّا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَالِحَاتِ الرُّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و برخی [دیگر] از بادیه نشینان کسانی اند که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می کنند، مایه تقرب نزد خدا و دعاها پیامبر می دانند. بدانید که این [انفاق] مایه تقرب آنان است. به زودی خدا ایشان را در جوار رحمت خویش در آورد، که خدا آمرزنده مهربان است». (توبه: ۹۹)

گروهی از بادیه نشینان زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله که به خدا و روز قیامت مؤمن بودند و در راه خدا انفاق می کردند شایسته رحمت الهی معرفی شدند.

### (ح) رعایت تقوا (عمل به واجبات و ترک محرمات)

(ح) رعایت تقوا (عمل به واجبات و ترک محرمات)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید است که مورد رحمت قرار گیرید». (حجرات: ۱۰)

### (ط) توبه

(ط) توبه

«فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ سپس آدم از پروردگارش کلماتی دریافت کرد؛ و [خدا] بر او بیخشود؛ آری، او [است که] توبه پذیر مهربان است». (بقره: ۳۷)

ص: ۱۳۱

در این آیه خداوند حضرت آدم را شایسته رحمت خود می‌داند زیرا اهل توبه بوده است.

### ی) هجرت و جهاد در راه خدا

ی) هجرت و جهاد در راه خدا

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند. خداوند آمرزنده مهربان است.» (بقره: ۲۱۸)

«الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند، نزد خدا مقامی هرچه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند پروردگارش آنان را از جانب خود، به رحمت و خشنودی و باغ‌هایی [در بهشت] که در آنها نعمت‌هایی پایدار دارند، مژده می‌دهد.» (توبه: ۲۰ و ۲۱)

### ک) دعای خالصانه و مستمر

ک) دعای خالصانه و مستمر

«وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ؛ و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد: «به من آسیب رسیده است و تویی مهربان‌ترین مهربانان.» پس [دعای] او را اجابت، و آسیب او را برطرف کردیم، و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد]». (انبیاء: ۸۳ و ۸۴)

خداوند در جای دیگر پس از دعوت انسان‌ها به دعا و خواندن

ص: ۱۳۲

پروردگار، یادآور می شود که رحمت الهی به نیکوکاران نزدیک است: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ؛ و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». (اعراف: ۵۶)

#### ۴. موانع رحمت خدا

#### اشاره

#### ۴. موانع رحمت خدا

برای پیدا کردن عوامل محرومیت از رحمت الهی، می توان به عوامل جلب رحمت توجه کرد؛ اعمال و رفتار مخالف آنها موانع جلب رحمت الهی است.

برای مثال، اگر تجسس نکردن در امور خصوصی مردم، عامل جلب رحمت الهی است، پس تجسس در عیب های مردم می تواند مانع رحمت خدا معرفی شود. اگر ادب موجب نزول رحمت است، بی ادبی می تواند مانع نزول رحمت و بلکه بالابترا، موجب برانگیختن غضب خدا گردد. نمونه آشکار بی ادبی، بی ادبی شیطان رجیم در مقابل خدا بود که از رحمت خاص الهی محروم شد. چنان که پیروی از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، عامل جلب رحمت خداست، مخالفت و دشمنی با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، از عوامل محرومیت از رحمت الهی به شمار می آید.

علاوه بر این موارد، با مراجعه به احادیث و قرآن، می توان موانع دیگر نزول رحمت خدا را پیدا کرد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «ترحم به انسان بی رحم، مانع رحمت می شود».<sup>(۱)</sup> همچنین فرمود: «هرکس به مردم رحمت نکند، خداوند رحمت خود را از او بازدارد».<sup>(۲)</sup>

۱- غررالحکم، ح ۵۴۳۰.

۲- غررالحکم، ح ۸۹۶۵.

ص: ۱۳۳

بی عفتی، ستم و تکبر نیز از موانع مهم رحمت به شمار می آید. در روایات آمده است، مردان پیری که رعایت عفت نکنند و حاکمان ستمگر و انسان های متکبر، باید بدانند که این نوع خلق و خوی و رفتار، سبب می شود نظر رحمت الهی از آنان قطع گردد. (۱)

بعضی موانع رحمت الهی در قرآن کریم:

### الف) گسترش گناه و فحشا

الف) گسترش گناه و فحشا

«إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان مؤمنان گسترش یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد بود، و خدا [است که] می داند و شما نمی دانید». (نور: ۱۹)

### ب) روی گردانی از آیات الهی

ب) روی گردانی از آیات الهی

«... وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ؛... و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند، ریشه کن کردیم». (اعراف: ۷۲)

### ج) پیروی از شیطان

ج) پیروی از شیطان

خداوند به مؤمنان دستور می دهد از گام های شیطان پیروی نکنند؛ زیرا شیطان، مؤمنان را گام به گام به سوی زشتی ها و جهنم می کشاند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْ لَا فَضْلُ

۱- نک: تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۶، ذیل آیه ۷۷ سوره آل عمران.

ص: ۱۳۴

اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (نور: ۲۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از پی گام های شیطان قدم منهدید، و هر کس بر جای گام های شیطان قدم نهد، [بداند که] او به زشتکاری و ناپسندی وامی دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می گرداند و خدا [است که] شنوای داناست.

### (د) تکبر

(د) تکبر

«إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَأَنْتَفِخَ لَهُمُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ؛ کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [پذیرفتن] آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت در نمی آیند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود. و بدینسان بزهکاران را کیفر می دهیم». (اعراف: ۴۰)

### (ه) بی عفتی

(ه) بی عفتی

کسانی که مرتکب این عمل بسیار زشت شوند و از آن توبه نکنند، نمی توانند در قیامت رحمت الهی را برای خود جلب کنند. (۱)  
بدگمانی، شایعه پراکنی، ستم، غیبت، دروغ، فساد در زمین، فسق و فجور، کشتار انسان های بی گناه، کفر و نفاق، کینه، گمراهی و در یک کلام گناه، از موانع مهم رحمت خدا در دنیا و آخرت هستند.

۱- نک: فرقان: ۶۸ ۷۰.

ص: ۱۳۵

**۵. نکاتی درباره رحمت****اشاره**

۵. نکاتی درباره رحمت

زیر فصل ها

نکته اول: امید به رحمت الهی در همه حال و ناامید نشدن از رحمت خدا

نکته دوم: دعا برای رحمت

نکته سوم: محرومان از رحمت الهی

**نکته اول: امید به رحمت الهی در همه حال و ناامید نشدن از رحمت خدا**

نکته اول: امید به رحمت الهی در همه حال و ناامید نشدن از رحمت خدا

بر اساس آموزه های قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام مؤمنان وظیفه دارند به رحمت خدای مهربان امیدوار باشند و دیگران را نیز به رحمت الهی امیدوار سازند. «فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ پس بدانید که خدا آمرزنده مهربان است». (مائده: ۳۴)

و در جای دیگر خداوند به پیامبر خود ابلاغ می کند که به مؤمنان بگوید خداوند بر خویش مقرر کرده است رحمت خود را شامل مؤمنان گرداند. «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو درود بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده [درباره] هر کدام از شما که به نادانی کار بدی کند و آنگاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است». (انعام: ۵۴)

ناامیدی از رحمت الهی، به معنای کفر به احاطه و گستره رحمت خداوند، گناه کبیره به شمار می رود. در داستان حضرت یوسف علیه السلام خداوند از زبان حضرت یعقوب علیه السلام می فرماید: «يَا بَنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ ای پسران من، بروید و از یوسف و برادرش جست و جو کنید و از رحمت خدا نومیید مبادید؛ زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومیید نمی شود». (یوسف: ۸۷)

کلمه «روح» به فتح راء و سکون واو به معنای نفس و یا نفس خوش است و کنایه از راحتی و ضد خستگی است. این کنایه به این



ص: ۱۳۶

دلیل است که شدت و بیچارگی و بسته شدن راه نجات در نظر انسان، نوعی اختناق و خفگی تصور می شود؛ همچنان که مقابل آن، یعنی نجات یافتن و پیروزی و عافیت، نوعی تنفس و راحتی به نظر می رسد. از این رو می گویند: «يُفَرِّجُ الْهَمَّ وَيُنْفِثُ الْكَرْبَ؛ یعنی خداوند اندوه را به فرج، و گرفتاری را به نفس راحت مبدل می سازد.» پس روحی که منسوب به خداست، همان فرج بعد از شدتی است که به اذن خدا و مشیت او صورت می گیرد.

بر هر کس که به خدا ایمان دارد، لازم است به این معنا معتقد شود که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد، و به هر چه اراده فرماید حکم می کند، و هیچ قاهری نیست که بر مشیت او فایق آید یا حکم او را به عقب اندازد. بنابراین، هیچ صاحب ایمانی نمی تواند و نباید از روح و رحمت خدا ناامید شود؛ زیرا نومییدی از رحمتش، در حقیقت محدود کردن قدرت او و به معنای کفر به احاطه و سعه رحمت اوست؛ همچنان که یعقوب علیه السلام می فرماید: «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» و ابراهیم علیه السلام می فرماید: «وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ؛ جز مردم نادان و گمراه کسی از رحمت خدا ناامید نیست.» (۱) همچنین در اخبار، ناامیدی از رحمت خدا از گناهان کبیره و مهلکه شمرده شده است.

پس معنای آیه این است که یعقوب به فرزندان خود چنین امر کرد: «يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ؛ ای فرزندان من بروید و از یوسف و برادرش [که در مصر دستگیر شده] جست وجو کنید، شاید ایشان را بیابید»؛

«وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ؛ از فرجی که خداوند بعد از هر شدت ارزانی می دارد نومید نشوید»؛

ص: ۱۳۷

«إِنَّهُ لَا يَيْئَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»؛ به درستی که از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند مگر مردمی که کافرند و به این معنا ایمان ندارند که خداوند تواناست تا هر غمی را زایل و هر بلایی را رفع کند. (۱)

### نکته دوم: دعا برای رحمت

نکته دوم: دعا برای رحمت

انسان علاوه بر امیدواری به رحمت الهی و امیدوار کردن دیگران، وظیفه دارد رحمت را از درگاه الهی درخواست کند. دعا برای رحمت، از آموزه‌های مهم اسلام است.

خداوند مهربان به پیامبرش سفارش می‌کند که برای نزول رحمت الهی دعا کند: «وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» و بگو پروردگارا، ببخشای و رحمت کن [که] تو بهترین بخشاینده‌گانی». (مؤمنون: ۱۱۸)

البته درخواستن رحمت، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص ندارد. حضرت آدم و حوا علیهما السلام نیز از خداوند مهربان، طلب رحمت می‌کنند: «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»؛ گفتند: پروردگارا، ما بر خویش‌ن ستم کردیم و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی، مسلماً از زیانکاران خواهیم بود». (اعراف: ۲۳)

دیگر پیامبران الهی مانند حضرت موسی، ایوب و... نیز از خداوند سبحان، تقاضای رحمت کرده‌اند. (۲)

درخواست رحمت آن چنان مهم است که از وظایف اصلی فرزندان درباره پدر و مادر است، یعنی فرزندان وظیفه دارند که برای پدر و مادر خود از خداوند طلب رحمت کنند:

۱- ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص ۳۲۱ (با دخل و تصرف).

۲- نک: اعراف: ۱۵۰ و ۱۵۱؛ انبیاء: ۸۳؛ مریم: ۲۰.

ص: ۱۳۸

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا أَمَا يُبْلَغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا. (اسراء: ۲۳ و ۲۴)

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را میپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند، به آنها [حتی] «اف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی. و از سر مهربانی، فروتنانه بر آنان بال بگستر و بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن؛ چنان که مرا در خردی پروردند.

### نکته سوم: محرومان از رحمت الهی

#### اشاره

نکته سوم: محرومان از رحمت الهی

زیر فصل ها

۱. دوستداران گسترش گناه و فحشا

۲. تکذیب کنندگان آیات الهی

۳. ستمکاران

۴. علمای یهود

۵. کافران، مشرکان و منافقان

#### ۱. دوستداران گسترش گناه و فحشا

۱. دوستداران گسترش گناه و فحشا

افرادی که اهل گناه و فحشا هستند و هیچ گاه از این روش بد خود باز نمی گردند و به درگاه الهی توبه نمی کنند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی محرومند.

عده ای افزون بر ارتکاب گناه، آن را رواج نیز می دهند: این افراد نیز، از رحمت خدا به دورند و باید منتظر قهر و خشم و عذاب الهی باشد.

گروه سومی که در قرآن از رحمت خدا محروم معرفی شده اند. کسانی هستند که در قلب و باطن خود، زشتکاری و بدی را دوست

دارند و میل دارند که گناه و بدی در جامعه گسترش یابد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

ص: ۱۳۹

«إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيخَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده اند، گسترش یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پردرد خواهد بود، و خدا [است که] می داند و شما نمی دانید». (نور: ۱۹)

## ۲. تکذیب کنندگان آیات الهی

### ۲. تکذیب کنندگان آیات الهی

قرآن کریم، داستان اقوام گذشته را برای عبرت گیری انسان ها در همه زمان ها بیان می کند؛ از جمله زندگی حضرت نوح علیه السلام و قومش را که آن حضرت نزدیک به نهصد سال، شبانه روز قوم خود را به خداپرستی دعوت کرد، اما قوم او از سر لجاجت با او مخالفت کردند و فقط عده کمی به او ایمان آوردند و به وی پیوستند. دیگران، معجزات خداوند و آیات و نشانه های الهی را دروغ شمردند و خداوند هم به سبب این لجاجت و تکذیب، آن قوم را از رحمت خود محروم ساخت و آنها را در همین دنیا دچار عذابی دردناک کرد:

«فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ؛ پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رهانیدیم؛ و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند، ریشه کن کردیم». (اعراف: ۷۲)

## ۳. ستمکاران

### ۳. ستمکاران

خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید که به مردم هشدار دهد و آنها را از روز برانگیخته شدن که در آن تردیدی نیست، بترساند، اما عده ای به این هشدار پیامبر صلی الله علیه و آله توجه نمی کنند و ایمان نمی آورند، بلکه راه ستم به خویش و دیگران را بر می گزینند. این افراد از رحمت خدا دور می مانند

ص: ۱۴۰

و مقصر اصلی هم خودشان هستند. قرآن کریم این حقیقت را چنین نقل می کند:

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ. (شورا: ۷ و ۸)

و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی، و از روزِ گرد آمدن [خلق] که تردیدی در آن نیست بیم دهی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش. و اگر خدا می خواست، قطعاً آنان را امتی یگانه می گردانید، لیکن هرکس را بخواهد، به رحمت خویش درمی آورد و ستمگران، نه یاری دارند و نه یاور.

در آیه ای دیگر هم تصریح دارد که ستمکاران از رحمت خدا به دور هستند و باید منتظر عذابی پردرد باشند:

إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا - وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا - أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. (انسان: ۲۹ - ۳۱)

این [آیات]، پندنامه ای است تا هر که خواهد، راهی به سوی پروردگار خود پیش گیرد. و تا خدا نخواهد، [شما] نخواهید خواست؛ قطعاً خدا دانای حکیم است. هرکس را خواهد، به رحمت خویش درمی آورد، و برای ظالمان عذابی پردرد آماده کرده است.

ص: ۱۴۱

**۴. علمای یهود**

۴. علمای یهود

قوم یهود با همراهی بزرگان و علمای خود، پیش از اسلام در اطراف مدینه مستقر شدند. تحلیل عده ای از تاریخ نگاران این است که علمای یهود با توجه به مدارک تاریخی، یقین داشتند که آخرین پیامبر الهی در شبه جزیره عربستان ظهور خواهد کرد. بنابراین به امید همراهی با او و یافتن قدرت، در این مکان ها مستقر شدند؛ اما بعد از ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راه مخالفت را برگزیدند و حقایق الهی را پنهان کردند و حاضر نشدند اعتراف کنند که آن حضرت، پیامبر خاتم است. خداوند، به دلیل این پنهان کاری علمای یهود، آنها را از رحمت الهی به دور، و مستحق لعن و نفرین الهی می داند و می فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ؛ کسانی که نشانه های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده ایم، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده ایم، کتمان می دارند، آنان را خدا لعنت می کند و لعنت کنندگان لعنتشان می کند. (بقره: ۱۵۹)

**۵. کافران، مشرکان و منافقان**

۵. کافران، مشرکان و منافقان

مردمی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را به توحید و یکتاپرستی فراخواند، به چهار دسته تقسیم شدند:

دسته اول: اهل ایمان بودند؛ کسانی که به روز قیامت و به پیامبر ایمان آوردند و از دستورات خدا و رسولش پیروی کردند. این دسته باید منتظر رحمت خدا باشند.

ص: ۱۴۲

دسته دوم، سوم و چهارم، کافران، منافقان و مشرکان هستند. کافران کسانی هستند که خدا و رسول او را نفی می کنند و می کوشند در مقابل آن حضرت و دین خدا، راه گمراهی را رواج دهند. منافقان، در حقیقت، کافر به خدا و دین خدا هستند، اما به دلیل مصالح دنیایی، کفر باطنی خود را اظهار نمی کنند، بلکه اظهار ایمان می کنند. مشرکان کسانی هستند که برای خدا شریک قائل می شوند. در مجموع، هر سه گروه در خداشناسی و توحید به بیراهه رفته اند و از دیدگاه قرآن کریم اگر توبه نکنند، از رحمت الهی به دورند و مستحق عذاب الهی هستند. (۱)

## کلبانگ حدیث

### اشاره

کلبانگ حدیث

زیر فصل ها

رحمت خدا

اسباب رحمت

موانع رحمت

قرار گرفتن در معرض رحمت خداوند

شایستگان رحمت

### رحمت خدا

رحمت خدا

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ مِائَةَ رَحْمَةٍ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، كُلُّ رَحْمَةٍ مِنْهَا طِبَاقٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، فَأَهْبَطَ رَحْمَةً مِنْهَا إِلَى الْأَرْضِ فِيهَا تَرَاخُمَ الْخَلْقِ، وَبِهَا تَعَطَّفُ الْوَالِدَةُ عَلَى وَلَدِهَا، وَبِهَا تَشْرَبُ الطَّيْرُ وَالْوَحُوشُ مِنَ الْمَاءِ، وَبِهَا تَعِيشُ الْخَلَائِقُ.

خداوند متعال روزی که آسمان ها و زمین را آفرید، صد رحمت بیافرید که هر رحمتی به اندازه فاصله آسمان و زمین است. پس، از آن رحمت ها یکی به زمین فرود آمد که به سبب آن خلائق به یکدیگر ترحم می کنند و مادر به فرزندش مهر می ورزد و پرندگان و حیوانات آب می نوشند و مردمان زندگی می کنند. (۲)



۱- نک: بقره: ۱۶۱؛ احزاب: ۲۴؛ فرقان: ۶۸ و ۷۰.

۲- کنز العمال، ح ۱۰۴۶۴.

ص: ۱۴۳

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ أَحَدٌ إِلَّا بِرَحْمَةِ اللَّهِ. قالوا: و لا أنت؟ قال: و لا أنا إِلَّا أَنْ يَنْعَمَ نَبِيُّ اللَّهِ؛ هیچ کس به بهشت نرود مگر با رحمت خدا. عرض کردند: و نه شما؟ فرمود: و نه من، مگر اینکه خدا مرا مشمول رحمت خود کند.» (۱)

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «لَوْ تَعَلَّمُونَ قَدْرَ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى لَا تَكَلَّمُونَ عَلَيْهَا؛ اگر اندازه رحمت خداوند متعال را می دانستید، حتماً به آن تکیه می کردید.» (۲)

۴. امام زین العابدین علیه السلام: «لَا يَهْلِكُ مُؤْمِنٌ بَيْنَ ثَلَاثِ خِصَالٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ شَفَاعَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، وَ سَيِّعِهِ رَحْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ با وجود سه چیز، مؤمن هلاک نمی شود: گواهی دادن به یگانگی و بی همتایی خداوند، و شفاعت رسول خدا، و گستردگی رحمت خداوند عزوجل.» (۳)

### اسباب رحمت

اسباب رحمت

۱. امام علی علیه السلام: «بِذِكْرِ اللَّهِ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ؛ با یاد خداوند، رحمت [او] فرود می آید.» (۴)

۲. امام علی علیه السلام: «بِالْعَفْوِ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ؛ با عفو است که رحمت [خدا] فرود می آید.» (۵)

۳. امام علی علیه السلام: «بِبَدْلِ الرَّحْمَةِ تُسْتَنْزَلُ الرَّحْمَةُ؛ با مهربانی به دیگران است که رحمت [خدا] فرود می آید.» (۶)

۱- کنز العمال، ح ۱۰۴۰۷.

۲- کنز العمال، ح ۱۰۳۸۷.

۳- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹، ح ۱۰.

۴- غرر الحکم، ح ۴۲۰۹.

۵- غرر الحکم، ح ۴۳۱۷.

۶- غرر الحکم، ح ۴۳۴۳.

ص: ۱۴۴

۴. امام علی علیه السلام: «رَحْمَةُ الضُّعْفَاءِ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ؛ تَرَحُّمُ بِهِ نَاتَوَانَان، رَحْمَتُ حَقِّ رَا فِرُودِ مِی آوَرْد.» (۱)

۵. امام علی علیه السلام: «أَبْلَغُ مَا تَسْتَدِرُّ بِهِ الرَّحْمَةَ أَنْ تُضْمِرَ لِجَمِيعِ النَّاسِ الرَّحْمَةَ؛ بِهَتْرِينِ وَسِيلِهِ رِيزِشِ رَحْمَتِ [خدا]، مَهْرَبَانِ بُوْدِنِ بَا هَمِه مَرْدَمَانِ اسْت.» (۲)

۶. امام باقر علیه السلام: «تَعَرَّضُ لِلرَّحْمَةِ وَ عَفْوِ اللَّهِ بِحُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ، وَ اسْتَعْنُ عَلَي حُسْنِ الْمُرَاجَعَةِ بِخَالِصِ الدُّعَاءِ وَ الْمُنَاجَاةِ فِي الظُّلْمِ؛ بَا بَا زِ گِشْتِ (توبه) رَاسْتِينِ، خُودِ رَا دَر مَعْرُضِ رَحْمَتِ وَ بَخْشِشِ خُودِ قَرَارِ دِهِ وَ بَرَايِ بَا زِ گِشْتِ رَاسْتِينِ، اَز دُعَايِ خَالِصَانِهِ وَ مَنَاجَاتِ دَر دَلِ تَارِيكِي هَا كَمَكِ بَغِيْر.» (۳)

### موانع رحمت

#### موانع رحمت

۱. امام علی علیه السلام: «رَحْمَةُ مَنْ لَا يَرَحِمُ تَمْنَعُ الرَّحْمَةَ، وَ اسْتِيبَاءُ مَنْ لَا يُبْقِي يُهْلِكُ الْأُمَّةَ؛ تَرَحُّمُ بَرِي رَحْمِ، مَانَعِ رَحْمَتِ [حق] مِی شُودِ، وَ بَاقِي گِذَاشْتِنِ كَسِي كِه [جان کسی را] بَاقِي نَمِی گِذَارْدِ، اَمْتِ رَا بِه نَابُودِي مِی اَفْكَنْد.» (۴)

۲. امام علی علیه السلام: «مَنْ لَمْ يَرْحَمْ النَّاسَ مَنَعَهُ اللَّهُ رَحْمَتَهُ؛ هَر كَسِ بِه مَرْدَمِ رَحْمِ نَكَنْدِ، خُودِ رَحْمَتِ خُودِ رَا اَز اَوْ بَا Z اَرْد.» (۵)

### قرار گرفتن در معرض رحمت خداوند

#### قرار گرفتن در معرض رحمت خداوند

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ، فَتَعَرَّضُوا لَهُ لَعَلَّهُ أَنْ يُصِيبَكُمْ نَفْحَةٌ مِنْهَا فَلَا تَشْفَوْنَ بَعْدَهَا أَبَدًا؛ هَمَانَا اَز سُوِي پُرُورْدِ گَارِ شَمَا دَر طُولِ

۱- غررالحکم، ح ۵۴۱۵.

۲- غررالحکم، ح ۳۳۵۳.

۳- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۴، ح ۱.

۴- غررالحکم، ح ۵۴۳۰.

۵- غررالحکم، ح ۸۹۶۵.

ص: ۱۴۵

عمرتان نسیم هایی می وزد، پس خود را در معرض آنها قرار دهید، باشد که نسیمی از آن نفحات به شما بوزد و زان پس هرگز به شقاوت نیفتید». (۱)

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «أَطْبُبُوا الْخَيْرَ دَهْرَكُمْ كُلَّهُ، وَ تَعَرَّضُوا لِنَفْحَاتِ اللَّهِ، فَإِنَّ لِلَّهِ نَفْحَاتٍ مِنْ رَحْمَتِهِ يُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ؛ در سراسر عمر خود، جویای خیر و خوبی باشید و خویشتن را در معرض نسیم های خداوندی قرار دهید؛ زیرا نسیم رحمت خدا گه گاه می وزد و به هر یک از بندگانش که او خواهد، می رسد». (۲)

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «تَعَرَّضُوا لِرَحْمَةِ اللَّهِ بِمَا أَمَرَكُمْ بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ؛ با فرمان بردن از اوامر خداوند، خود را در معرض رحمت او قرار دهید». (۳)

### شایستگان رحمت

شایستگان رحمت

۱. امام علی علیه السلام: «رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا عَرَفَ قَدْرَهُ وَ لَمْ يَتَعَدَّ طَوْرَهُ؛ رحمت خدا بر آن کس که اندازه خویش را بشناسد و از حدّ خود فراتر نرود». (۴)

۲. امام علی علیه السلام: «رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا أَلْجَمَ نَفْسَهُ عَنْ مَعَاصِي اللَّهِ بِلِجَامِهَا، وَ قَادَهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ بِزِمَامِهَا؛ رحمت خدا بر آن کس که نفس خود را از نافرمانی خداوند لگام زند و مهار آن را گرفته، به سوی طاعت خداوند بکشاندش». (۵)

۳. امام علی علیه السلام: «رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا نَزَعَ عَنْ شَهْوَتِهِ، وَ قَمَعَ هَوَى نَفْسِهِ؛ خدا

۱- کنز العمال، ح ۲۱۳۲۴.

۲- کنز العمال، ح ۲۱۳۲۵.

۳- تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۰.

۴- غررالحکم، ح ۵۲۰۴.

۵- غررالحکم، ح ۵۲۱۸.

ص: ۱۴۶

رحمت کند آن را که از شهوت خویش دست شوید و خواهش نفس خود را درهم کوبد». (۱)

۴. امام علی علیه السلام: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً قَمَعَ نَوَازِعَ نَفْسِهِ إِلَى الْهَوَى فَصَانَهَا، وَقَادَهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ بِعِنَانِهَا؛ رَحِمَتْ خُدا بِرِ آن كَسِ كِه اَنگیزه های نفسانی خود را درهم کوبید و نفس خود را نگه دارد و مهار آن را گرفته به سوی طاعت خدا بکشاندش». (۲)

۵. امام علی علیه السلام: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً أَخَذَتْ مِنْ حَيَاةِ لَمَوْتٍ، وَ مِنْ فَنَاءِ لِبِقَاءٍ وَ مِنْ ذَاهِبٍ لِدَائِمٍ؛ خُدا رَحِمَتْ كُنْدِ آن رَا كِه اَز زَندگی برای مرگ توشه برگیرد و از فنا برای بقا و از [دنیای] رونده برای [سرای] پاینده». (۳)

۶. امام علی علیه السلام: «رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَوَرَّعَ عَنِ الْمَحَارِمِ وَ تَحَمَّلَ الْمَغَارِمَ وَ نَافَسَ فِي مُبَادَرَةِ الْجَزِيلِ الْمَغَانِمِ؛ رَحِمَتْ خُدا بِرِ آن كَسِ كِه اَز حرام ها پرهیزد و تاوان ها را به دوش گیرد و در شتافتن به سوی غنیمت های فراوان رقابت ورزد». (۴)

۷. امام صادق علیه السلام: «چهار نفرند که خداوند در روز قیامت به آنان نگاه رحمت آمیز می کند: کسی که مُجْرِم را ببخشد یا به فریاد گرفتاری برسد و یا انسانی را آزاد کند و یا بی زنی را زن دهد». (۵)

## نمونه های رفتاری

### اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. ناامید نشدن از رحمت خدا

۲. مَنْ لَا يُرَحِّمُ لَا يُرَحِّمُ

### ۱. ناامید نشدن از رحمت خدا

۱. ناامید نشدن از رحمت خدا

«ابراهیم علیه السلام به نصّ قرآن در پیری، خداوند به او فرزند داد. وقتی فرشتگان آمدند و به او خبر دادند که خداوند به تو فرزند خواهد داد،

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲- غررالحکم، ح ۵۲۱۹.

۳- غررالحکم، ح ۵۲۲۰.

۴- غررالحکم، ح ۵۲۲۱.

۵- غررالحکم، ح ۵۲۲۱.

ص: ۱۴۷

همسرش گفت: «أَلَيْتُمْ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا» من پیرزن بزايم، با اين شوهر پيرم؟! (يك آقا شيخ مهدی بود مازندرانی، به شوخی می گفت بیشتر روی «هذا بَعْلِي شَيْخًا» تکیه داشت!) أَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؛ فرشتگان به او گفتند نه، رحمت خدا و برکات اوست بر شما اهل بیت. (۱) بنا بر این، خداوند به ابراهیم در پیری فرزند داده است. پس تا جوان بود بچه نداشت. او هنگامی فرزنددار شد که پیغمبر شده بود؛ چون آیات قرآن درباره ابراهیم علیه السلام که خیلی زیاد است نشان می دهد که ابراهیم پس از سال ها که پیغمبر بود، در اواخر عمر و در سنین هفتاد هشتاد سالگی، خداوند به او فرزند می دهد و ده، بیست سال بعد از آن هم زنده بوده است تا وقتی که اسحاق و اسماعیل هردو بزرگ می شوند و اسماعیل آن قدر بزرگ می شود که با کمک ابراهیم علیه السلام خانه کعبه را می سازند. (۲)

## ۲. مَنْ لَا يُزَحِّمُ لَا يُزَحِّمُ ۱

### ۲. مَنْ لَا يُزَحِّمُ لَا يُزَحِّمُ (۳)

«در خانواده مهربان بود. نسبت به همسران خود هیچ گونه خشونت نمی کرد و این برخلاف خلق و خوی مکیان بود. بدزبانی برخی از همسران خویش را تحمل می کرد تا آنجا که دیگران از این همه تحمل رنج می بردند. او به حسن معاشرت با زنان توصیه و تأکید می کرد و می گفت: همه مردم دارای خصلت های نیک و بد هستند؛ مرد نباید تنها جنبه های ناپسند همسر خویش را در نظر بگیرد و همسر خود را ترک

۱- هود: ۷۲ و ۷۳.

۲- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۴، ص ۷۸۳.

۳- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۶۱.

ص: ۱۴۸

کند؛ چه، هر گاه از یک خصلت او ناراحت شود خصلت دیگرش مایه خشنودی اوست و این دو را باید باهم به حساب آورد.

او با فرزندان و با فرزندزادگان خود فوق العاده عطف و مهربان بود، به آنها محبت می کرد، آنها را روی دامن خویش می نشاند، بر دوش خویش سوار می کرد، آنها را می بوسید و اینها همه برخلاف خلق و خوی رایج آن زمان بود. روزی در حضور یکی از اشراف، یکی از فرزندزادگان خویش (حضرت مجتبی علیه السلام) را می بوسید، آن مرد گفت: من دو پسر دارم و هنوز حتی یک بار هیچ کدام از آنها را نبوسیده ام. فرمود: مَنْ لَا يُرْحَمَ لَا يُرْحَمُ. (۱) کسی که مهربانی نکند رحمت خدا شامل حالش نمی شود.

نسبت به فرزندان مسلمین نیز مهربانی می کرد. آنها را روی زانوی خویش نشانده، دست محبت بر سر آنها می کشید. گاه مادران، کودکان خردسال خویش را به او می دادند که برای آنها دعا کند. اتفاق می افتاد که احياناً آن کودکان جامه اش [را نجس] می کردند. مادران ناراحت و شرمند می شدند و می خواستند مانع شوند. او آنها را از این کار به شدت منع می کرد و می گفت: مانع نشوید؛ اینکه جامه من نجس بشود اهمیت ندارد، تطهیر می کنم. (۲)

## آموزه‌ها

### اشاره

آموزه‌ها

زیر فصل‌ها

۱. سبقت رحمت الهی بر غضبش
۲. دو رکن اساسی نجات و رستگاری
۳. نامحدود بودن رحمت الهی
۴. امیدواری به رحمت خدا
۵. نزدیک بودن رحمت خدا به نیکوکاران
۶. نگرستن به آثار رحمت خدا
۷. این گونه دعا کردن
۸. شب و روز، از جلوه های رحمت الهی
۹. بادهای بشارت آور، از جلوه های رحمت الهی



۱۰. شایسته رحمت

۱۱. رحمت خداوند مایه پاکی

### ۱. سبقت رحمت الهی بر غضبش

۱. سبقت رحمت الهی بر غضبش

«برای نیل به سعادت، علاوه بر جریان اعمال و گام هایی که خود انسان برمی دارد، یک جریان دیگری نیز همیشه در جهان است و آن جریان

---

۱- الفقیه، ج ۴، ص ۲۷۲.

۲- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۲۵۵.

ص: ۱۴۹

رحمت سابقه پروردگار است. در متون دینی آمده است: «یا من سبقت رحمته غضبه؛ ای کسی که رحمت او بر غضبش تقدّم دارد». در نظام هستی، اصالت از آن رحمت و سعادت و رستگاری است و کفرها و فسق‌ها و شرور، عارضی و غیر اصیل می‌باشند و همواره آنچه که عارضی است، به سبب جاذبه رحمت تا حدی که ممکن است برطرف می‌گردد. وجود امدادهای غیبی و تأییدات رحمانی، یکی از شواهد غلبه رحمت بر غضب است. مغفرت پروردگار و زایل ساختن عوارض گناه، یکی دیگر از شواهد تسلط رأفت و مهربانی او بر غضب و قهر می‌باشد» (۱).

## ۲. دو رکن اساسی نجات و رستگاری

۲. دو رکن اساسی نجات و رستگاری

«رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه ای که در اواخر عمر شریفشان برای مسلمین ایراد فرمودند، این نکته را گوشزد فرمودند که برای نجات و رستگاری، دو عامل و دو رکن اساسی وجود دارد: عمل و رحمت.

قسمتی از آن خطبه این است:

«ای مردم! بین خدا و هیچ کس رابطه خویشاوندی نیست و هیچ رابطه دیگری هم که موجب جلب منفعت یا دفع ضرر شود، وجود ندارد جز عمل. بنگرید! هیچ کس ادعای گزاف نکند، هیچ کس آرزوی خام در دل نپرورد. قسم به خدایی که مرا به راستی برانگیخت، چیزی جز عمل توأم با رحمت خدا سبب رستگاری نمی‌گردد؛ من خودم هم اگر گناه می‌کردم سقوط کرده بودم». آنگاه فرمود: «خدایا تبلیغ کردم؟» (۲).

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۲۵۵.

۲- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۲۵۸.

ص: ۱۵۰

**۳. نامحدود بودن رحمت الهی**

۳. نامحدود بودن رحمت الهی

رحمت خدا همچون اعتبار بانکی بازرگان نیست که محدود باشد. اعتبار رحمت الهی نامحدود است، ولی قابل‌ها متفاوتند؛ ممکن است کسی به کلی فاقد قابلیت باشد و نتواند از رحمت خدا بهره‌ای بگیرد.

از نظر متون دینی، این اندازه مسلم است که کفر به خدا و شرک، مانع مغفرت است. قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَمَّا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ؛ خدایا شرک را نمی‌آمرزد، و آنچه پایین‌تر از شرک است برای هر کسی که بخواهد می‌بخشد». (نساء: ۴۸)

اگر ایمان از دست برود، رابطه انسان با مغفرت یکباره بریده می‌شود و دیگر بهره‌برداری از این لطف عظیم، امکان نخواهد داشت. زمانی که بر دل آدمی مهر کفر زده شود، مانند ظرف دربسته‌ای می‌گردد که اگر در همه اقیانوس‌های جهان فرو برده شود، قطره‌ای آب به درون آن نخواهد رفت. وجود چنین فردی همچون شوره زاری می‌گردد که آب رحمت حق در آن به جای گُل، بوته‌های خار پدید می‌آورد.

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست ج

در باغ، لاله روید و در شوره زار خس

**۴. امیدواری به رحمت خدا**

۴. امیدواری به رحمت خدا

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ آنان که ایمان آورده، و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، خداوند آمرزنده مهربان است». (بقره: ۲۱۸)

**۵. نزدیک بودن رحمت خدا به نیکوکاران**

۵. نزدیک بودن رحمت خدا به نیکوکاران

«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ؛ و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». (اعراف: ۵۶)

**۶. نگرستن به آثار رحمت خدا**

۶. نگرستن به آثار رحمت خدا

«فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده کننده مردگان است، و اوست که بر هر چیزی تواناست». (روم: ۵۰)

**۷. این گونه دعا کردن**

۷. این گونه دعا کردن

«قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ [موسی] گفت: «پروردگارا، من و برادرم را بیامرز و ما را در [پناه] رحمت خود در آور، و تو مهربان ترین مهربانانی». (اعراف: ۱۵۱)

«رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ پروردگارا، رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد؛ کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار. پروردگارا، آنان را در باغ های جاوید که وعده شان داده ای، با هر که از پدران و همسران و فرزندان شان که به صلاح آمده اند، داخل کن؛ زیرا تو خود ارحم و حکیمی. و آنان را از بدی ها نگاه دار،

ص: ۱۵۲

و هر که را در آن روز از بدی ها حفظ کنی، البته رحمتش کرده ای؛ و این همان کامیابی بزرگ است». (غافر: ۹۷)

### ۸. شب و روز، از جلوه های رحمت الهی

۸. شب و روز، از جلوه های رحمت الهی

«وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این [یک] بیارامید و [در آن یک] از فزون بخشی او [روزی خود] بجوئید، باشد که سپاس بدارید». (قصص: ۷۳)

### ۹. بادهای بشارت آور، از جلوه های رحمت الهی

۹. بادهای بشارت آور، از جلوه های رحمت الهی

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَ لِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِيَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَ لِيَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و از نشانه های او این است که بادهای بشارت آور را می فرستد، تا بخشی از رحمتش را به شما بچشانند و تا کشتی به فرمانش روان گردد، و تا از فضل او [روزی] بجوئید، و امید که سپاس گزایید». (روم: ۴۶)

### ۱۰. شایسته رحمت

۱۰. شایسته رحمت

«فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ؛ و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، پس پروردگارش آنان را در جوار رحمت خویش داخل می گرداند. این همان کامیابی آشکار است». (جاثیه: ۳۰)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ ای کسانی که

ص: ۱۵۳

ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما ببخشاید، و خدا آمرزنده مهربان است». (حدید: ۲۸)

### ۱۱. رحمت خداوند مایه پاک

۱۱. رحمت خداوند مایه پاک

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، پای از پی گام های شیطان منهدید، و هر کس پای بر جای گام های شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و امر ناپسند وامی دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می گرداند و خدا [است که] شنوای داناست». (نور: ۲۱)

### منابع دیگر

#### منابع دیگر

- انصاریان، حسین، جلوه های رحمت الهی، قم، دارالعرفان، ۱۳۸۴.
- حجازی، حمیده، رحمت و غضب الهی در مثنوی معنوی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- سهراب پور، همت، جلوه های رحمت الهی در نظام هستی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
- عبادی، کرم، جلوه های رحمت الهی در عرفان اسلامی، تهران، احسان، ۱۳۸۳.
- علامه فلسفی، احمد، صلح و رحمت از نظر قرآن کریم، تهران، پیام آزادی، ۱۳۸۶.
- فضلی، نادر، چشمه سار مهر، تهران، مهرآوران، ۱۳۸۶.



ص: ۱۵۵

## رستگاری

## اشاره

رستگاری

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ به راستی که مؤمنان رستگار شدند». (مؤمنون: ۱)

فلاح و رستگاری که در حقیقت پیروزی انسان در زندگی است، از آرزوهای هر انسان عاقلی است و همه انسان‌ها به دنبال رستگاری خود و اطرافیان‌شان هستند. دو واژه «فلاح» و «فوز»، واژه‌های قرآنی معادل رستگاری هستند. در معنای فلاح نوشته‌اند: «رستگاری و نجات... «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى؛ رستگار شد آنکه پاک شد و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز خواند. (۱)... (فلاح) شامل رستگاری دنیا و آخرت است». (۲)

در معنای فوز هم نوشته‌اند: «نجات و رستگاری. طبرسی فرموده: فوز، فلاح و نجات نظیر هم هستند. راغب آن را رسیدن به خیر با سلامت، معنا کرده است». (۳)

۱- اعلی: ۱۴ و ۱۵.

۲- قاموس، ج ۵، ص ۳۰۲.

۳- قاموس، ج ۶، ص ۲۱۱.



ص: ۱۵۶

در قرآن کریم بارها از «مفلحون و فائزون» سخن گفته شده است. در ابتدای قرآن کریم، در سوره بقره آمده است: «آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به ایشان روزی دادیم انفاق می کنند و آنان که بدانچه به سوی تو (پیامبر) فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان می آورند و به آخرت یقین دارند، آنها را هدایتی از جانب پروردگارشان برخوردارند و آنها همان رستگارانند» (۱) و در آیه دیگر می فرماید: «کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند، نزد خدا مقامی هرچه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند» (۲).

از همین آیه اهمیت رستگاری را می توان دریافت؛ زیرا خداوند رستگاران را مصداق اعظم درجهٔ عندالله معرفی می کند؛ یعنی نزد خدا مقامی بزرگ و والا دارند.

اهمیت رستگاری بر هر خردمندی روشن است و خداوند نیز در قرآن کریم برای نشان دادن اهمیت این مسئله، تعبیری شگفت دارد؛ از جمله در سوره شمس بعد از سوگند های متعدد، از رستگاری انسان سخن می گوید و آن را در پاک کردن نفس و جان آدمی می داند و چنین فرموده است:

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّاهَا وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا. (شمس: ۹۱)

۱- بقره: ۶۳.

۲- توبه: ۲۰.

ص: ۱۵۷

سوگند به خورشید و تابندگی اش، سوگند به مه چون پی [خورشید] رَوَد، سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، سوگند به شب چون پرده بر آن پوشد، سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت، سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده، سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد.

در آیه ای دیگر تأکید شده است که این مسئله مهم در صحف و کتاب های پیشین الهی، مانند صحف حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام نیز آمده است:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَبْقَى إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صِيحْفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى. (اعلی: ۱۴، ۱۹)

رستگار آن کس [است] که خود را پاک گردانید و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می‌گزینید؛ با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است. قطعاً در صحیفه های گذشته این [معنی] هست، صحیفه های ابراهیم و موسی.

بنابراین، با توجه به اهمیت رستگاری در زندگی انسان، انسان عاقل و مؤمن باید برای دست یابی به آن تلاش کند؛ زیرا رستگاری با تلاش و همت انسان به دست می‌آید؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَ اسْجُدُوا وَ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را بپرستید و کار خوب انجام دهید؛ باشد که رستگار شوید». (حج: ۷۷)

ص: ۱۵۸

در این گفتار، موضوع رستگاری از دیدگاه آیات و روایات بررسی خواهد شد. این موضوع در علم کلام جدید با عنوان نجات بررسی می‌شود و ناظر به دیدگاه مسیحیت است. در جهان مسیحیت، بحث رستگاری و حقانیت دین، سه مرحله را پیموده، که با عنوان‌های انحصار گرایی، شمول گرایی، و پلورالیسم دینی، بیان شده است. چنین بحث کلامی، مورد نظر این نوشتار نیست. بلکه به طور خلاصه اشاره می‌شود که از دیدگاه اسلام رستگاری و حقانیت، دو مسئله است؛ رستگاری گسترده تر از مسئله حقانیت است. دین اسلام چون آخرین دین الهی است، تنها دین حق به شمار می‌رود، اما این گونه نیست که فقط مسلمانان رستگار می‌شوند، بلکه پیروان ادیان دیگر در عصر خود، یعنی پیش از ظهور اسلام، اگر به وظیفه خویش عمل کرده باشند، اهل نجات و رستگاری اند و در این زمان هم اگر حقیقت اسلام به آنها نرسیده باشد یا آن را درک نکرده باشند، ولی اهل ایمان و عمل صالح باشند، جزو رستگاران به شمار می‌روند.

در بحث رستگاری از دیدگاه قرآن و روایات چند پرسش مهم مطرح است:

۱. عوامل رستگاری چیست؟

۲. موانع رستگاری انسان کدام است؟

۳. آثار و نتایج رستگاری چیست؟

## ۱. عوامل رستگاری

### اشاره

۱. عوامل رستگاری

در قرآن کریم و روایات عوامل مختلفی برای رستگاری معرفی شده است؛ نعمت‌های خدادادی، خلق و خوی‌های خاص و نوع رفتار و کردار فردی و اجتماعی، همه با هم سبب رستگاری انسان در دنیا و آخرت می‌شود.

ص: ۱۵۹

**عوامل رستگاری از نگاه روایات****اشاره**

عوامل رستگاری از نگاه روایات

زیر فصل ها

الف) ایمان

ب) تقوا

ج) معاش به اندازه کفاف

د) عقل و به کارگیری آن

**الف) ایمان**

الف) ایمان

ایمان به خدا و قیامت و پیامبران الهی، در دنیا و آخرت آثاری به دنبال دارد. از جمله آثار اخروی ایمان، رستگاری در قیامت است. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که خدای عزوجل به مؤمن سه خصلت عنایت فرموده است: ۱. عزت در دنیا؛ ۲. رستگاری در آخرت؛ ۳. هیبت در دل ستمکاران. (۱)

**ب) تقوا**

ب) تقوا

تقوا، یعنی انجام دادن واجبات و ترک محرمات، در کنار ایمان به خدا و قیامت، از عوامل مهم رستگاری انسان به شمار می رود. خداوند می فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ؛ همانان که ایمان آورده و تقوا ورزیده اند، در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است. وعده های خدا را تبدیلی نیست، این همان کامیابی بزرگ است.» (یونس: ۶۳ و ۶۴)

در روایات هم انسان پرهیزکار و خاموش؛ یعنی کسی که زبانش را کنترل می‌کند، جزو رستگاران معرفی شده است. (۲)

### ج) معاش به اندازه کفاف

ج) معاش به اندازه کفاف

یکی از عوامل رستگاری در دنیا آن است که معاش انسان به اندازه کفاف و نیازش باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

---

۱- الخصال، ترجمه: احمد فهری، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲- نك: عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۳۶۸.

ص: ۱۶۰

«هر کس به اسلام راهبر شده است و لوازم زندگی به قدر رفع حاجت دارد و بدان قناعت کند، رستگار شده است» (۱).

### د عقل و به کارگیری آن

د عقل و به کارگیری آن

قدرت تشخیص حق و باطل و خوبی و بدی، از نعمت های الهی است که خداوند به انسان ارزانی داشته است.

هر گاه انسان به کمک عقل خود بتواند بر هوا و هوسش چیره شود، باید به خود مژده رستگاری دهد؛ زیرا حضرت امیر علیه السلام در روایتی فرموده است:

«هر کس عقلش بر هوا و هوسش غلبه کند، رستگار می شود» (۲).

از دیگر عوامل رستگاری انسان که در روایات به آنها اشاره شده است، تشریف به دین اسلام، پناه بردن به خداوند مهربان در همه حال به ویژه در مشکلات و گرفتاری ها، پیروی از حضرت علی علیه السلام، یاری کردن حق، صدق و راستی، توسل به امامان معصوم علیهم السلام، پرداخت حقوق مالی که خداوند معین فرموده است مانند زکات و... را می توان نام برد. (۳)

### عوامل رستگاری از منظر قرآن

#### اشاره

عوامل رستگاری از منظر قرآن

هنگامی که خداوند در قرآن کریم از عوامل فلاح و رستگاری سخن می گوید، دو دسته عامل معرفی می کند: امور منفی که باید از آنها دوری کرد تا رستگار شد؛ امور مثبت که انسان باید آنها را در قلب و روح خود

۱- نهج الفصاحه، ص ۲۳۴.

۲- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم ودررالحکم، ج ۵، ص ۲۷۹.

۳- نک: قسمت گلبانگ حدیث همین نوشتار.

ص: ۱۶۱

ایجاد کند اجرای این امور مثبت و ترک آن عوامل منفی، انسان را به رستگاری و فلاح می‌رساند.

## الف) ایمان

الف) ایمان

از عوامل اصلی رستگاری انسان، ایمان به غیب؛ یعنی ایمان به خدا، فرشتگان، وحی و کتاب‌های آسمانی و بعثت پیامبران است. خداوند مصداق‌های ایمان را در آیه ۲۸۵ سوره بقره چنین بیان فرموده است:

أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند:] «میان هیچ‌یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم. پروردگارا، آموزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است».

اگر انسانی اهل ایمان باشد و لوازم آن را رعایت کند، به یقین در زمره رستگاران است. خداوند در سوره مؤمنون، اهل ایمان را به صراحت از رستگاران معرفی می‌کند: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون: ۱)

## ب) اطاعت از خدا و رسول صلی الله علیه و آله

ب) اطاعت از خدا و رسول صلی الله علیه و آله

در کنار ایمان، عمل صالح لازم است که مصداق کامل عمل صالح، پیروی از دستورات خدا و رسولش است. انسان مؤمن با اطاعت از خدا و رسول، سعادت و رستگاری خود را تضمین می‌کند: «وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ

ص: ۱۶۲

رَسُولُهُ وَيَخْشَى اللَّهَ وَيَتَّقَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ؛ و کسی که خدا و فرستاده او را فرمان برد، و از خدا بترسد و از او پروا کند، آنانند که خود کامیابند». (نور: ۵۲)

### ج) اقامه نماز، پاک دامنی، رعایت امانت و پیمان، ترک کارهای بیهوده

ج) اقامه نماز، پاک دامنی، رعایت امانت و پیمان، ترک کارهای بیهوده

خداوند هنگامی که از فلاح و رستگاری اهل ایمان سخن می گوید، آنها را با یک سری از امور شایسته می ستاید و معرفی می کند. بنابراین، انسان مؤمن دارای ویژگی های قلبی و رفتاری خاصی است که در کنار آنها به رستگاری می رسد و آن ویژگی ها، عوامل رستگاری اهل ایمان به شمار می رود.

خداوند مجموعه ای از این عوامل و ویژگی ها را در یک سوره بیان فرموده است:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صِلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (مؤمنون: ۱۱۱)

به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند، و آنان که از [امور] بیهوده روی گردانند، و آنان که زکات می پردازند، و کسانی که پاکدامند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. پس هرکس فراتر از این جوید، آنان متجاوزانند. و آنان که امانت ها و پیمان خود را رعایت می کنند، و



ص: ۱۶۳

آنان که بر نمازهایشان مواظبت می کنند، آنانند که خود وارثانند؛ همانان که بهشت را به ارث می برند و در آنجا جاودان می مانند.

### د) تقوا و رعایت حقوق مالی

د) تقوا و رعایت حقوق مالی

انسان های مؤمنی که قوانین و حدود الهی را رعایت می کنند، از گناه می پرهیزند و واجبات مالی را می پردازند و با این کار به افراد جامعه توجه می کنند، از دیدگاه قرآن به رستگاری دست می یابند. بنابراین، تقوا و پرداخت زکات، از عوامل مهم رستگاری به شمار می رود که در آن، هم توجه به خدا هست و هم توجه به خلق خدا.

در سوره اعراف به تفصیل به این مورد اشاره شده است:

وَ اَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ قَالَ عَذَابِيْ اُصِيبُ بِهٖ مَنْ اَشَاءُ وَ رَحْمَتِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۗ فَسَاَ اَكْتُبُهَا لِلَّذِيْنَ يَتَّقُوْنَ وَ يُؤْتُوْنَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِيْنَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُوْنَ. (اعراف: ۱۵۶)

[موسی عرض کرد:] و برای ما در این دنیا و در آخرت [نیز] نیکی مقرر فرما؛ زیرا که ما به سوی تو بازگشته ایم. [خداوند] فرمود: عذاب خود را به هر کس بخواهم می رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که تقوا پیشه می کنند و زکات می دهند و آنان که به آیات ما ایمان می آورند، مقرر می دارم.

### ه) انفاق

ه) انفاق

انفاق در راه خدا، به ویژه درباره خویشاوندان و مساکین و در راه ماندگان، از عوامل رستگاری به شمار می رود: «فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَ الْمَسْكِيْنَ وَ

ص: ۱۶۴

إِنَّ السَّبِيلَ ذِيكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ پس حق خویشاوند و تنگدست و درراه مانده را بده. این [انفاق] برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است، و اینان همان رستگارانند». (روم: ۳۸)

### و) پرهیز از بت پرستی، شرب خمر و...

و) پرهیز از بت پرستی، شرب خمر و...

چنان که اشاره شد در کنار انجام دادن یک سری از اعمال به عنوان عوامل رستگاری، باید از برخی کارها نیز پرهیز کرد. پرهیز از این رفتارهای زشت نیز از عوامل رستگاری انسان معرفی شده است. برای نمونه، خداوند در سوره مائده می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بت ها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند. پس، از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید». (مائده: ۹۰)

بر اساس این آیه شریف، بت و بت پرستی، قماربازی و نوشیدن شراب، از کارهای پلید و شیطانی است که برای رسیدن به رستگاری، حتماً باید از آنها پرهیز کرد.

### ز) دوری از پلیدی ها

ز) دوری از پلیدی ها

«قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ بگو پلید و پاک یکسان نیستند، هرچند کثرت پلید [ها] تو را به شگفت آورد. پس ای خردمندان، از خدا پروا کنید؛ باشد که رستگار شوید». (مائده: ۱۰۰)

به گفته بعضی از تفاسیر، طیب و خبیث که در این آیه اشاره شده

ص: ۱۶۵

است، شامل هر نوع پاکی و پلیدی در انسان ها، اموال، درآمدها، و اشیاء می شود. (۱)

از این آیه شریف چنین استفاده می شود که عقل و خرد در کنار تقوای الهی از عوامل رستگاری به شمار می رود. به تعبیر دیگر، «رستگاری علاوه بر عقل و خرد، به تقوای الهی نیاز دارد». (۲)

### ج) پرهیز از بخل

ح) پرهیز از بخل

پیامبر گرامی اسلام روز پیروزی بر یهود بنی نضیر، به انصار فرمود: اگر مایل هستید اموال و خانه هایتان را با مهاجران تقسیم کنید و در این غنایم با آنها شریک شوید، و اگر می خواهید اموال و خانه هایتان از آن شما باشد و از این غنایم چیزی به شما داده نشود. انصار گفتند: هم اموال و خانه هایمان را با آنها تقسیم می کنیم و هم چشمداشتی به غنایم نداریم و مهاجران را بر خود مقدم می شماریم. (۳) این برخورد ایثارگرانه و به دور از حسادت و بخل، عامل رستگاری معرفی شده است. گفته شده است که خداوند، آیه ۹ سوره حشر را به همین مناسبت نازل کرده که در پایان آیه آمده است: «و آنان که از بخل خویش در امان مانده باشند، رستگاراند».

### ط) پرهیز از رباخواری

ط) پرهیز از رباخواری

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، ربا را [با

۱- تفسیر نور، ج ۳، ص ۱۷۳.

۲- تفسیر نور، ج ۳، ص ۱۷۳.

۳- تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۵۱۹.

ص: ۱۶۶

سود [چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید؛ باشد که رستگار شوید]. (آل عمران: ۱۳۰)

### ی) پرهیز از رسوم جاهلی و غیرعقلانه

ی) پرهیز از رسوم جاهلی و غیرعقلانه

اعمال حج در دوران قبل از اسلام هم انجام می شده است، ولی حج آن زمان با اعمال خرافی آمیخته شده بود؛ از جمله «بسیاری از مفسران گفته اند در زمان جاهلیت، هنگامی که لباس احرام به تن می کردند، از راه معمولی (در خانه) به خانه خود وارد نمی شدند و معتقد بودند این کار برای مُحَرَّم، ممنوع است. به همین دلیل، در پشت خانه نقبی می زدند و هنگام احرام فقط از آن وارد می شدند...» (۱).

خداوند در قرآن کریم، با نفی این نوع رسوم خرافی، پرهیز از چنین اعمالی را همراه با تقوای الهی، عامل رستگاری انسان معرفی می کند.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْبَاهِلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (بقره: ۱۸۹)

درباره [حکمت] هلال ها [ی ماه] از تو می پرسند، بگو آنها [شاخص] گاه شماری برای مردم و [موسم] حج هستند. و نیکی آن نیست که از پشتِ خانه ها درآیید، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه ها از درِ [ورودی] آنها درآیید و از خدا بترسید؛ باشد که رستگار گردید.

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۲.

ص: ۱۶۷

**ک عوامل دیگر****ک) عوامل دیگر**

تزکیه، توبه، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و پایداری در راه حق و... از دیگر عوامل رستگاری انسان به شمار می رود. (۱)

**۲. موانع رستگاری انسان****اشاره****۲. موانع رستگاری انسان**

عواملی که می تواند مانع رستگاری انسان شود، متفاوت و متنوع است. بعضی از این عوامل، مربوط به جامعه و خانواده و بعضی مربوط به افکار و اعمال خود شخص است. انسان عاقل که خواهان سعادت خود و خانواده خویش است، از یک سو می کوشد با شناسایی موانع رستگاری، برای برطرف کردن آنها برنامه ریزی کند و از سوی دیگر، عوامل رستگاری را در زندگی خود وارد کند.

در آیات و روایات به موانع رستگاری اشاره شده است. البته ذکر این موانع به این معنا نیست که صددرصد مانع رستگاری می شوند، بلکه به این معناست که افرادی که با این موانع روبه رو هستند، کارشان مشکل تر است. موانع، شدت و ضعف دارند و بعضی از آنها برای انسان و سعادت و رستگاری او خطرناک ترند. برای شناسایی موانع رستگاری از قرآن و سنت، به دو گونه می توان عمل کرد: راه اول آن است که با مراجعه به آیات و روایات، واژگان فلاح و فوز را بررسی، و با دقت در آنها موانع رستگاری را استخراج کرد؛ راه دوم آن است که با توجه به محتوای آیات و روایات، موانع رستگاری شناسایی شود. در ابتدا با توجه به روش اول، به تعدادی از موانع رستگاری اشاره می شود.

۱- نک: اعلی: ۱۴؛ نور: ۳۱؛ آل عمران: ۱۰۴ و ۲۰۰.

**الف) انکار معاد و نشانه های خدا و کفر و نفاق**

الف) انکار معاد و نشانه های خدا و کفر و نفاق

قرآن کریم و روایات، مؤمنان را اهل فلاح و رستگاری معرفی می کنند. بنابراین، افرادی که راه لجابت، کفر، و نفاق و دورویی را برگزینند و خدا و قیامت را انکار کنند، باید بدانند که رستگار نمی شوند.

برای نمونه در سوره ملک، نقل شده است که نگهبانان جهنم از اهل جهنم می پرسند: مگر برای شما بیم دهنده ای نیامد که به شما هشدار دهد؟ پاسخ اهل جهنم جالب است؛ آنان می گویند: «چرا، هشدار دهنده ای به سوی ما آمد، ولی ما [او را] تکذیب کردیم و گفتیم خدا چیزی نازل نکرده است و شما [پیامبران] در گمراهی بزرگ هستید. [آنها] می گویند: اگر ما [پیام حق و هدایت انبیا را] می شنیدیم یا [حداقل] تعقل کرده بودیم، در میان دوزخیان نبودیم».<sup>(۱)</sup>

از این بیان تأمل برانگیز روشن می شود که گوش ندادن به پیام پیامبران و پیروی نکردن از ایشان و همچنین استفاده نکردن از عقل برای درک حقایق، می تواند مانع مهم، بلکه مانع اصلی رستگاری انسان باشد.

در آیه ای دیگر، خداوند گفت و گویی از اهل بهشت با اهل جهنم را نقل می کند. اهل بهشت از جهنمیان می پرسند: چه چیزی شما را در آتش (سقر) درآورد؟<sup>(۲)</sup> پاسخ جهنمیان، می تواند پاسخ این پرسش ما باشد که چه عواملی مانع رستگاری انسان می شود و او را جهنمی می کند.

جهنمیان چنین توضیح می دهند:

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمَصْلِيِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِيْنَ وَكُنَّا

۱- ملک: ۹ و ۱۰.

۲- مدثر: ۴۲.

ص: ۱۶۹

نُحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ؛ (مدثر: ۴۳-۴۷)

گویند: از نمازگزاران نبودیم، و بینوایان را غذا نمی دادیم، با هرزه درایان هرزه درایی می کردیم، و روز جزا را دروغ می شمردیم، تا مرگ ما در رسید.

### ب) ستم

ب) ستم

ستم از عوامل مهم رستگار نشدن انسان است. انسان با گناه کردن به خود ستم می کند، اما ستم به دیگران خطرناک تر است و انسان را دچار شقاوت می کند. در قرآن کریم، پانزده مرتبه تعبیر «کیست ستمکارتر» آمده که معمولاً درباره افرادی است که به خدا افترا می زنند یا مردم را از مسجد و عبادت بازمی دارند یا حق را کتمان می کنند. این مفهوم نشان می دهد که ستم به جامعه، ستم فرهنگی، و بازداشتن مردم از رشد و هدایت، بدترین نوع ستمکاری است. (۱) خداوند در سوره انعام می فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ؛ و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب کرده؟ بی تردید، ستمکاران رستگار نمی شوند». (انعام: ۲۱)

البته مفسران در تفسیر این آیه نوشته اند: جمله اول این آیه، اشاره به انکار توحید است و جمله دوم اشاره به انکار نبوت. (۲) بنابراین، یکی از مصداق های ستم، آن است که انسان برای خدا شریک قرار دهد یا آیات

۱- نک: تفسیر نور، ج ۳ ص ۲۲۶.

۲- نک: برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱ ص ۵۸۳.

ص: ۱۷۰

او را که مهم ترین آنها قرآن کریم است را، تکذیب کند. این عمل، از موانع اصلی رستگاری انسان به شمار می رود.

### ج) بی حجابی و بی عفتی

ج) بی حجابی و بی عفتی

بعضی از رفتارها و کردارهای انسان زمینه ساز بدبختی خود و دیگران است. برای مثال، زنان جامعه با عفت و ایمان خود، می توانند سبب سعادت خود و جامعه بشوند، درحالی که بی حجابی و بی عفتی آنان می تواند مانع مهمی برای رستگاری آنها و جامعه شان باشد. البته بی عفتی اختصاص به زن ندارد، بی بندوباری مردان جامعه نیز می تواند مانع رستگاری آنها و جامعه شود. در روایات و قرآن کریم به این مباحث توجه شده است. خداوند درباره رعایت حجاب به زنان می فرماید:

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (نور: ۳۱)

و به زنان باایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیدا است. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو]



ص: ۱۷۱

اندازند و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [هم کیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت های زنان وقوف حاصل نکرده اند، آشکار نکنند و پاهای خود را [به گونه ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید؛ امید که رستگار شوید.

در داستان حضرت یوسف و زلیخا نیز حضرت یوسف علیه السلام در برابر خواست زلیخا خود را حفظ می کند و سه جمله می فرماید: ۱. معاذ الله (پناه به خدا)؛ ۲. او پروردگار من است و مقام مرا گرامی داشته است؛ ۳. قطعاً ستمکاران رستگار نمی شوند.

حضرت یوسف علیه السلام بی عفتی را نوعی ستم معرفی می کند و تأکید می کند که ستمکاران رستگار نخواهند شد.

جالب است که قرآن کریم هم به زنان و هم به مردان مؤمن سفارش می کند که نگاه خود را کنترل کنند و از چشم چرانی پرهیزند؛ زیرا این عمل، زمینه ساز بی عفتی بیشتر است و می تواند مانع رستگاری انسان باشد. (۱)

و قرآن کریم در رابطه با منکران معاد می فرماید:

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا □ لِلطَّاعِينَ مَأْبَأٌ □ لَا يَثْبِتَنَ فِيهَا أَحْقَابًا □ لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا □ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا □

۱- نك: نور: ۳۱.

ص: ۱۷۲

جَزَاءً وَفَاقًا ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ۚ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا. (نبا: ۲۱-۲۸)

[آری،] جهنم [از دیرباز] کمین گاهی بوده، [که] محل بازگشت سرکشان است. روزگاری دراز در آن درنگ کنند. در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی، جز آب جوشان و چرک آلود. کیفری مناسب [با جرم آنها]. آنان بودند که به [روز] حساب امید نداشتند؛ و آیات ما را سخت تکذیب می کردند.

بنابراین، بی توجهی به خدا و قیامت، تأمل و تفکر نکردن در حقیقت خود که انسان چگونه موجودی است، از آن کیست و به سوی چه چیزی یا چه کسی در حرکت است، انسان را دچار خسران و بدبختی می کند.

### ۳. آثار و نتایج رستگاری

#### اشاره

۳. آثار و نتایج رستگاری

انسان هایی که در مسیر رستگاری گام برمی دارند، با استفاده از قدرت تفکر خود، درباره مسائل اساسی جهان مانند خدا و انسان، به تفکر عمیق و عاقلانه می پردازند. نتیجه این تفکر، آن است که خدا، وحی و قیامت را حق می یابند و با زبان باطن و ظاهر می گویند: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»؛ این همان وصفی است که قرآن کریم درباره صاحبان خرد بیان فرموده است:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۚ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. (آل عمران: ۱۹۰ و ۱۹۱)

مسلماً در آفرینش آسمان ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه هایی [قانع کننده] است؛ همانان که

ص: ۱۷۳

خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده، یاد می‌کند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند]: پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای. منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.

پس از این دریافت عقلی، انسان خود را در سرزمین ایمان می‌یابد که از آثار حقیقی آن، پایبندی به فرمان‌های الهی خواهد بود؛ یعنی اهل عبادت می‌شود، تقوای الهی را رعایت می‌کند، به مردم توجه می‌کند، اهل انفاق و ایثار می‌شود، از ستم بیزار است و دوری می‌کند و... همه اینها از آثار عقل و ایمان و راه‌های رسیدن انسان به رستگاری حقیقی است. حال پرسش مهم دیگر این است که انسانی که در مسیر رستگاری گام برمی‌دارد، چه آثار و نتایجی در دنیا و آخرت در زندگی خود مشاهده می‌کند؟

### الف) عزت در دنیا

الف) عزت در دنیا

انسان مؤمن که در راه رستگاری گام برمی‌دارد، در میان مردم، عزیز است و هیبت و شخصیت او در دل ستمکاران، ترس ایجاد می‌کند. (۱)

خداوند در آیه ۱۳۹ آل عمران «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید»، به برتری مؤمنان اشاره می‌کند.

### ب) دور شدن از حزن و اندوه

ب) دور شدن از حزن و اندوه

انسان‌های مؤمن و اهل تقوا که اهل نجاتند، از بدی‌ها به دور می‌مانند و دچار حزن و اندوه نمی‌شوند. خداوند در سوره زمر می‌فرماید: «وَيُنَجِّجِي

۱- نك: الخصال، ترجمه: احمد فهری زنجانی، ج ۲۱، ص ۱۷۰.

ص: ۱۷۴

اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ و خدا کسانی را که تقوا پیشه کرده اند، به [پاس] کارهایی که مایه رستگاری شان بوده، نجات می دهد. عذاب به آنان نمی رسد و غمگین نخواهند شد». (زمر: ۶۱)

### ج) آموزش و پوشش گناه

ج) آموزش و پوشش گناه

روز قیامت که برای گناهکاران روز حسرت و پشیمانی است، برای مؤمنان روز کامیابی است. در این روز، انسان نیاز شدید دارد که کمبودها و کاستی های او پوشانده شود. یکی از آثار رستگاری مؤمنان که در کنار عمل صالح و فضل الهی به بهشت رهنمون می شوند، همین آموزش بدی هاست. قرآن کریم به این اثر به صراحت اشاره می کند:

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. (تغابن: ۹)

روزی که شما را برای روز اجتماع گرد می آورد، آن [روز]، روز حسرت [خوردن] است و هر کس به خدا ایمان آورده و کار شایسته ای کرده باشد، بدی هایش را بپوشاند و او را در باغ هایی از بهشت که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است، در آورد، در آنجا تا ابد بماند. این است همان کامیابی بزرگ.

و در سوره فتح هم می فرماید:

لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا. (فتح: ۵)

تا مردان و زنانی را که ایمان آورده اند، در باغ هایی که از زیر

ص: ۱۷۵

[درختان] آن جویبارها روان است، در آوَرَد و در آن جاویدان بدارد، و بدی هایشان را از آنان بزداید و این [فرجام نیک] در پیشگاه خدا، کامیابی بزرگی است.

### د) جایگاه امن

د) جایگاه امن

خداوند به پرهیزکاران بشارت مقام و جایگاه امن و ایمن را می دهد که در سایه فضل الهی به آن می رسند. رسیدن به این جایگاه، از آثار همان راه و روشی است که آنها را به رستگاری رسانده است. (۱)

### کلبانگ حدیث

### اشاره

کلبانگ حدیث

زیر فصل ها

رستگاری فرزندان در گرو ارتباط با همسر

رستگاری و زکات

رستگاری در آخرت

عوامل رستگاری

موانع رستگاری

### رستگاری فرزندان در گرو ارتباط با همسر

رستگاری فرزندان در گرو ارتباط با همسر

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۹ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَشِيَ امْرَأَتَهُ وَفِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَقِطٌ يَرَاهُمَا وَيَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَنَفْسَهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا. (۲)

... امام صادق علیه السلام گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هرگاه مردی با همسرش نزدیکی کند، درحالی که در خانه اش بچه ای بیدار است و آنها را می بیند و سخنان و نفس های آنها را می شنود چنین

بچه ای هرگز رستگار نخواهد شد....

۱- دخان: ۵۷ ۵۱.

۲- الکافی، ج ۵، ص ۵۰۰.

ص: ۱۷۶

**رستگاری و زکات**

## رستگاری و زکات

۱. از امام صادق علیه السلام تفسیر آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى؛ رستگار شد کسی که زکات داد.» را پرسیدند. حضرت فرمود: مراد کسی است که زکات فطره را از مال خود بیرون کرد. (۱)

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا از موجبات کمال روزه، زکات (فطره) است؛ همان طور که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله از موجبات کمال نماز است؛ زیرا کسی که روزه بگیرد و به عمد زکات نپردازد، روزه ای در نامه عملش منظور نمی شود، و در صورتی که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله را ترک کند نمازی برای او حساب نمی شود. و خدای عزوجل زکات را بر نماز مقدم داشته و فرموده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى. وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى؛ یعنی کسی در حقیقت رستگار شد که زکات پرداخت و نام خدای خود را یاد کرد و آنگاه نماز بجا آورد.» (۲)

**رستگاری در آخرت**

## رستگاری در آخرت

۱. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَعْطَى الْمُؤْمِنَ ثَلَاثَ خِصَالٍ: الْعِزَّةَ فِي الدُّنْيَا وَالْفَلَاحَ فِي الْآخِرَةِ وَالْمَهَابَةَ فِي صُدُورِ الظَّالِمِينَ (۳) ثُمَّ قَرَأَ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَقَرَأَ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى قَوْلِهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. (۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به مؤمن سه خصلت عنایت

۱- من لا يحضره الفقيه، ترجمه: علی اکبر غفاری، محمد جواد بلاغی، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲- من لا يحضره الفقيه، ترجمه: علی اکبر غفاری، محمد جواد بلاغی، ج ۲، ص ۵۴۰.

۳- هذا الخبر إلى هنا تقدم في هذا الباب تحت رقم ۱۵۸.

۴- الخصال، ترجمه: احمد فهري، ج ۱، ص ۱۷۰.

ص: ۱۷۷

فرموده است: عزت در دنیا، رستگاری در آخرت، و هیبت در دل ستمکاران. سپس این آیه را قرائت فرمود: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ؛ عزت مخصوص خداست و مخصوص پیغمبر اوست و مخصوص مؤمنان است.» و نیز این آیات را خواند: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ مسلماً مؤمنان رستگار شدند» تا آنجا که می فرماید: «آنان در بهشت همیشگی و جاودان خواهند بود».

### عوامل رستگاری

#### عوامل رستگاری

۱. امام سجاد علیه السلام فرمود: «مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ، وَ مَنْ دَعَاهُ بِغَيْرِنَا هَلَكَ وَ اشْتَهَلَكَ؛ هر کس به وسیله ما خدا را بخواند رستگار شده است و هر کس به وسیله غیر ما خدا را بخواند هلاک شده و طلب هلاکت کرده است».(۱)
۲. امام علی علیه السلام فرمود: «قَدْ أَفْلَحَ التَّقِيُّ الصَّمُوتُ؛ قطعاً پرهیزکار خاموش، رستگار است».(۲)
۳. «مَنْ عَمِلَ بِالصَّدَقِ أَفْلَحَ؛ هر کس با صدق و راستی عمل کند، رستگار است».(۳)
۴. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَخْلَصَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ وَ جَعَلَ قَلْبَهُ سَلِيمًا وَ لِسَانَهُ صَادِقًا وَ نَفْسَهُ مُطْمَئِنَّةً وَ خَلِيقَتَهُ مَسْتَقِيمَةً وَ أُذُنَهُ مُسْتَمِعَةً وَ عَيْنَهُ نَازِرَةً؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس ایمان قلبش را خالص گرداند و قلب خویش را سالم، و زبان خویش را راستگو، و جان خویش را آرام و خوی خویش را مستقیم و گوش خویش را شنوا و چشم خویش را بینا کند رستگار شود».(۴)

۱- الأمالی للطوسی، ص ۱۷۲.

۲- عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۳۶۸.

۳- عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۴۲۴.

۴- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ۹)، ص ۵۹۸.



ص: ۱۷۸

۵. قال رسول الله صلى الله عليه و آله : «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رُزِقَ لُبًّا؛ هر کس را خرد داده اند رستگاری یافته است». (۱)
۶. رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: «أَفْلَحَ مَنْ هُدِيَ إِلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا وَ قَنَعَ بِهِ؛ هر کس به اسلام راهبر شود و لوازم زندگی به قدر رفع حاجت دارد و بدان قناعت کند، رستگار شده است». (۲)
۷. پیامبر صلى الله عليه و آله فرمود: «أَفْلَحَ مَنْ رَزِقَ لُبًّا؛ آن که خرد دارد، رستگار می شود». (۳)
۸. امام علی علیه السلام : «... أَفْلَحَ مَنْ نَهَضَ بِجَنَاحٍ؛ هر کس با پر و بال (ایزار و مددکار) به کار برخیزد، کامیاب می شود». (۴)
۹. امام علی علیه السلام : «مَنْ نَصَرَ الْحَقَّ أَفْلَحَ؛ هر کس حق را یاری کند، رستگار است». (۵)
۱۰. امام علی علیه السلام : «مَنْ غَلَبَ عَقْلَهُ هَوَاهُ أَفْلَحَ؛ هر کس عقلش بر هوا و هوسش چیره شود، رستگار می شود». (۶)
۱۱. حضرت رسول اکرم صلى الله عليه و آله فرمود:

لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا بَلَاءٌ وَ فِتْنَةٌ، وَ مَا نَجَا مَنْ نَجَا إِلَّا بِصِدْقِ الْالتِّجَاءِ. وَ قَالَ نُوحٌ: وَ جَدْتُ الدُّنْيَا كَيْبِتٌ لَهُ بَابَانِ دَخَلْتُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَ خَرَجْتُ مِنَ الْآخَرِ. (۷)

- ۱- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ۹)، ص ۵۹۸.
- ۲- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ۹)، ص ۲۳۴.
- ۳- نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ۹)، ص ۲۳۴.
- ۴- الحياه، ترجمه: احمد آرام، ج ۱، ص ۵۶۰.
- ۵- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۷، ص ۷۵.
- ۶- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۷، ص ۲۶۱.
- ۷- مصباح الشریعه، ترجمه: حسن مصطفوی، متن، ص ۱۱۳.

ص: ۱۷۹

باقی نمانده است از دنیا مگر گرفتاری و ابتلاها، و کسی نجات و خلاصی پیدا نمی کند مگر آنکه از روی صدق و اخلاص، به پروردگار متعال متوسل و پناهنده گردد. و حضرت نوح علیه السلام فرمود: دنیا را چون خانه ای یافتیم که دارای دو در باشد، و من از یکی وارد آن خانه شدم و از دیگری بیرون رفتم.

۱۲. امام صادق علیه السلام: «نَحْنُ وَاللَّهِ نِعْمَةُ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ عِبَادِهِ وَبِنَا فَازَ مَنْ فَازَ؛ به خدا قسم، ما آن نعمت خدایی هستیم که خدا به بندگانش ارزانی داشته است. رستگاران به وسیله ما رستگار می شوند» (۱).

۱۳. محمد بن عمران مرزبانی (به سند خود) از جابر بن یزید، از امام باقر علیه السلام حدیث کرد که آن حضرت علیه السلام فرمود: از ام سلمه، همسر پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره علی بن ابی طالب پرسیدند.

ام سلمه گفت: شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که می فرمود: همانا علی و شیعیانش رستگاران هستند» (۲).

۱۴. امام صادق علیه السلام: «نَجَاةُ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ لِسَانِهِ؛ نجات مؤمن در نگهداری زبانش نهفته است» (۳).

۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

إِنَّ أَعْلَىٰ مَنَازِلِ الْإِيمَانِ دَرَجَةٌ وَاحِدَةٌ مَن بَلَغَ إِلَيْهَا فَقَدْ فَازَ وَظَفِرَ، وَهُوَ أَنْ يَنْتَهِيَ بِسِرِّيرَتِهِ فِي الصَّلَاحِ إِلَىٰ أَنْ لَا يُبَالِيَ لَهَا إِذَا ظَهَرَتْ وَلَا يَخَافُ عِقَابَهَا إِذَا اسْتَرَّتْ. (۴)

۱- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۸۸.

۲- الإرشاد، ترجمه: رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۳۶.

۳- میزان الحکمه ۱۰، ص ۲۶۳.

۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹، ح ۱۹.

ص: ۱۸۰

بالاترین مرتبه ایمان، درجه ای است که هرکس به آن دست یابد، رستگار و پیروز شده است و آن، این است که باطن آدمی به آن حد از پاکی برسد که اگر آشکار شود، پروایی نداشته باشد و اگر پوشیده ماند، از کیفر [خدا بر آن] نترسد.

۱۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعَ خِصَالٍ فِي الدُّنْيَا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَفَازَ بِحِظِّهِ مِنْهُمَا: وَرَعٌ يَعِصَمُهُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَحُسْنُ خُلُقٍ يَعِيشُ بِهِ فِي النَّاسِ، وَحِلْمٌ يَدْفَعُ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ، وَزَوْجَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۱)

به هر کس در دنیا چهار خصلت داده شود، خیر دنیا و آخرت به او داده شده و به دلیل بهره خویش که از دنیا و آخرت بر گرفته، رستگار است: پرهیزکاری که او را از حرام های خدا بازدارد؛ و خوش خویی که با آن در میان مردم زندگی کند؛ و بردباری که با آن جهالت نادان را از خود دور سازد؛ و همسر شایسته که در کار دنیا و آخرت او را یاری رساند.

۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى؛ رستگار شد کسی که تزکیه گشت» فرمود: «مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَلَعَ الْأَنْدَادَ وَشَهِدَ أَنَّي رَسُولُ اللَّهِ؛ منظور، کسی است که به یگانگی خداوند گواهی دهد و به او شرک نورزد و شهادت دهد که من رسول خدا هستم». (۲)

۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «لَا تَقْطَعُوا عَلَى السَّائِلِ مَسْأَلَتَهُ، فَلَوْلَا أَنَّ الْمَسَاكِينَ

۱- الأُمَالِي لِلطُّوسِي، ص ۵۷۷، ح ۱۱۹۰.

۲- الدرّ المنثور، ج ۸، ص ۴۸۵.

ص: ۱۸۱

يَكْذِبُونَ مَا أَفْلَحَ مَنْ رَدَّهُمْ؛ خواهش درخواست کننده را رد نکنید؛ اگر دروغگویی گدایان نبود، کسی که آنان را رد می کرد، هرگز رستگار نمی شد». (۱)

۱۹. امام علی علیه السلام: «لَا يُفْلِحُ مَنْ يَتَّبِعُ بِالرِّذَائِلِ؛ رستگار نشود آنکه به رذایل خود ببالد». (۲)

### موانع رستگاری

#### موانع رستگاری

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِذَا بَلَغَ الرَّجُلُ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَ لَمْ يَغْلِبْ خَيْرُهُ شَرَّهُ قَبِلَ الشَّيْطَانُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ قَالَ: هَذَا وَجْهٌ لَا يُفْلِحُ؛ هرگاه آدمی به چهل سالگی رسد و خوبی او بر بدی اش چیره نگردد، شیطان بر پیشانی او بوسه زند و گوید: این چهره ای است که رستگار نمی شود». (۳)

۲. امام علی علیه السلام: «مَنْ اهْتَمَّ بِرِزْقِ غَدٍ لَمْ يُفْلِحْ أَبَدًا؛ کسی که غم روزی فردا را بخورد، هرگز رستگار نشود». (۴)

۳. امام صادق علیه السلام: «إِذَا أَذْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ، فَإِنْ تَابَ انْمَحَتْ، وَ إِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ، فَلَا يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا؛ هرگاه کسی گناه کند، نقطه ای سیاه در دلش پیدا شود، اگر توبه کرد آن نقطه پاک شود، اما اگر بر گناهش بیفزاید، آن نقطه بزرگ تر شود، تا جایی که تمام دلش را فروپوشد و از آن پس هرگز رستگار نشود». (۵)

۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۵۸، ح ۳۷.

۲- غرر الحکم، ج ۶، ح ۱۰۷۰۵.

۳- مشکاه الأنوار، ص ۲۹۵، ح ۹۰۲.

۴- غرر الحکم، ح ۹۱۱۳.

۵- الکافی، ج ۲، ص ۲۷۱، ح ۱۳.

ص: ۱۸۲

## نمونه های رفتاری

## اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. روی رستگاری را نخواهد دید

۲. مطلع دعوت پیغمبر اسلام

۳. شب مردان خدا

۴. بخیل رستگار نمی شود

## ۱. روی رستگاری را نخواهد دید

۱. روی رستگاری را نخواهد دید

«شریک بن عبدالله نخعی، از فقهای معروف قرن دوم هجری، به علم و تقوا معروف بود. مهدی بن منصور، خلیفه عباسی، علاقه فراوان داشت که منصب «قضا» را به او واگذار کند، ولی شریک بن عبدالله برای آنکه خود را از دستگاه ظلم دور نگاه دارد، زیر این بار نمی رفت. خلیفه نیز علاقه مند بود که شریک را معلم خصوصی فرزندان خود قرار دهد تا به آنها علم حدیث بیاموزد. شریک این کار را نیز قبول نمی کرد و به همان زندگی آزاد و فقیرانه ای که داشت قانع بود.

روزی خلیفه او را طلبید و به او گفت: «باید امروز یکی از این سه کار را قبول کنی: یا عهده دار منصب قضا بشوی، یا کار تعلیم و تربیت فرزندان مرا قبول کنی، یا آنکه همین امروز نهار با ما باشی و بر سر سفره ما بنشینی».

شریک با خود فکری کرد و گفت: حالا که اجبار و اضطرار است، البته از این سه کار، سومی بر من آسان تر است.

خلیفه ضمناً به مدیر مطبخ دستور داد که امروز لذیذترین غذاها را برای شریک تهیه کند. غذاهای رنگارنگ از مغز استخوان آمیخته به نبات و عسل تهیه کردند و سر سفره آوردند.

شریک که تا آن وقت همچون غذایی نخورده و ندیده بود، با اشتهای کامل خورد.

خوان سالار آهسته بیخ گوش خلیفه گفت: «به خدا قسم که دیگر این مرد روی رستگاری نخواهد دید».

طولی نکشید که دیدند شریک، هم عهده دار تعلیم فرزندان خلیفه

ص: ۱۸۳

شده و هم منصب قضا را قبول کرده و برایش از بیت المال مقرری نیز معین شد.

روزی با متصدی پرداخت حقوق حرفش شد. متصدی به او گفت: «تو گندم به ما نفروخته ای که این قدر سماجت می کنی؟».

شریک گفت: «چیزی از گندم بهتر به شما فروخته ام؛ من دین خود را فروخته ام». (۱)

## ۲. مَطَّلَعُ دَعْوَتِ پیغمبر اسلام

### ۲. مَطَّلَعُ دَعْوَتِ پیغمبر اسلام

«ظاهراً امر مسلمی است که اولین آیاتی که بر پیغمبر اکرم وحی شد، همان چند آیه کوتاه اول سوره اَقْرَأُ است: «اَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْاَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ.» این افتتاح وحی است؛ کانه با این آیات، زبان وحی پیغمبر را باز می کنند: اَقْرَأْ؛ بخوان؛ به نام خدا بخوان، خدای چنین؛ خدایی که چنین تعلیم کرده است. این آیات، آیات افتتاحیه وحی است که بعد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از حراء پایین می آید و بعد به خانه خودش می رود و به خدیجه می فرماید که من را بپوشان و حضرت زیر یک گلیم مانندی می رود و او رویش را می پوشاند. در همان حال، دو مرتبه فرشته الهی نازل می شود و سوره یا اِيْهَا الْمُدَّثِّرُ را نازل می کند. اولین آیاتی که پیغمبر را امر به دعوت کرده، اینهاست: (آیات «اَقْرَأْ» امر به دعوت نیست، فقط «بخوان» است.) «یا اِيْهَا الْمُدَّثِّرُ؛ ای خود را به دِثَارِ پیچیده. قُمْ فَانذِرْ؛ برخیز و انذار کن و مردم را بیم ده. وَ رَبِّكَ فَكَبِّرْ». انذار یک معنای کلی است (مردم را انذار کن). اولین حرفی که گفته می شود، این است که «رَبِّكَ فَكَبِّرْ»، اعلام کبریایی پروردگارت را بکن، عظمت

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۸، ص ۲۵۵.

ص: ۱۸۴

پروردگارت را به این مردم بنمایان، پروردگارت را به عظمت و کبریایی یاد کن. این اولین جمله ای است که گفته می شود. اَنْذِرْ؛ انذار کن (که بشارت و انذار یک امر کلی است) وَ رَبَّكَ فَكَبِّرْ. (۱) این بود که پیغمبر اکرم وقتی که به میان مردم آمد چه گفت و دعوتش را از کجا شروع کرد؟

پیغمبر بعدها خیلی مسائل را مطرح کرد، به مردم گفت که نماز بخوانید، زکات بدهید، ربا نخورید، قمار نکنید، فحشا نکنید. خیلی چیزهای دیگر دستور داد؛ چنین نکنید و چنین بکنید، ولی آنکه مطلع دعوت پیغمبر بود، [اولین بار که] در میان مردم ظاهر شد، آن جمله ای که به مردم گفت، چه بود؟ یک امر اعتقادی بود؛ از یک اعتقاد شروع کرد: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». همان رَبَّكَ فَكَبِّرْ است. اَيُّهَا النَّاسُ! بگوئید لا اله الا الله تا رستگار بشوید. (۲)

### ۳. شب مردان خدا

۳. شب مردان خدا

«از دیدگاه نهج البلاغه، دنیای عبادت دنیای دیگری است. دنیای عبادت، آکنده از لذت است؛ لذتی که با لذت دنیای سه بُعدی مادی قابل مقایسه نیست. دنیای عبادت پر از جوشش و جنبش و سیر و سفر است، اما سیر و سفری که به مصر و عراق و شام و یا هر شهر دیگر زمینی منتهی نمی شود؛ به شهری منتهی می شود «کو را نام نیست». دنیای عبادت، شب و روز ندارد؛ زیرا همه روشنائی است، تیرگی و اندوه و کدورت ندارد، یکسره صفا و خلوص است. از نظر نهج البلاغه چه خوشبخت و سعادتمند است کسی که به این دنیا (دنیای عبادت) پا گذارد و نسیم جان بخش این دنیا او

۱- مدثر: ۳۱.

۲- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۵، ص ۸۷۲.



ص: ۱۸۵

را نوازش دهد. آن کس که به این دنیا گام نهد، دیگر اهمیت نمی دهد که در دنیای ماده و جسم، بر دنیا سر نهد یا بر خشت:

طوبی لِنَفْسِ ادَّتْ اِلَى رَبِّهَا فَرَضَها وَ عَزَّكَتْ بِجَنبِها بُؤْسِها وَ هَجَرَتْ فِى اللَّيْلِ غَمَضَها حَتَّى اِذَا غَلَبَ الْكُرَى عَلَيَّها اِفْتَرَشَتْ اَرْضَها وَ تَوَسَّدَتْ كَفَّها فِى مَعْشَرِ اشْهَرِ عِيُونِهمْ خَوْفٌ مَعادِهمْ وَ تَجَافَتْ عَنْ مَضَاجِعِهمْ جُنُوبِهمْ وَ هَمَّهَمَتْ بِذِكْرِ رَبِّهمْ شِفَاهُهمْ وَ تَقَشَّعَتْ بِطُولِ اسْتِغْفَارِهمْ دُنُوبِهمْ. اُولَئِكَ حِزْبُ اللهِ، اِلَّا اِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

چه خوشبخت و سعادتمند است آنکه فرایض پروردگار خویش را انجام می دهد (الله، یار؛ و حمد و قل هو الله کار اوست). رنج ها و ناراحتی ها را (مانند سنگ آسیا دانه را) در زیر پهلوی خود خرد می کند. شب هنگام از خواب دوری می گزیند و شب زنده داری می نماید. آنگاه که سپاه خواب حمله می آورد، زمین را فرش و دست خود را بالش قرار می دهد. در گروهی است که نگرانی روز بازگشت، خواب از چشمانشان ربوده، پهلوهاشان از خوابگاه هاشان جا خالی می کنند، لب هاشان به ذکر پروردگارشان آهسته حرکت می کنند، ابر مظلم گناه هایشان بر اثر استغفارهای مداومشان پس می رود. آنانند حزب خدا، همانا آنانند رستگاران!

شب مردان خدا روز جهان افروز است

روشنان را به حقیقت شب ظلمانی نیست (۱)

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۴۱۹.

**۴. بخیل رستگار نمی شود**

۴. بخیل رستگار نمی شود

«وَمَنْ يوقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَاولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ پس تا می توانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید، و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید، و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند، آنان رستگاراند». (تغابن: ۱۶)

....«شُح» عبارت است از بخل توأم با طمع و حرص. بخل یعنی امساک؛ در مقابل جود که بخشندگی است.

در قرآن، هم کلمه «بخل» و هم کلمه «شُح» آمده است. آن طور که بعضی گفته اند، بخل عبارت است از همان حالت امساک. در فارسی هم می گوئیم فلان کس آدم بخیلی است؛ یعنی آدم ممسکی است؛ جود و بخشش ندارد. شُح، بخل است به علاوه حرص. حال ممکن است کسی بخیل باشد، یعنی نسبت به آنچه دارد خیلی ممسک باشد، اما حرص ندارد که باز بیشتر به دست آورد. این فرد حریص نیست، اما آنچه را که دارد با گزانبر هم نمی توان از دستش بیرون آورد. بعضی دیگر حریص هستند، آزمند هستند و دائماً می خواهند جمع کنند، اما متقابلاً بخشنده هم هستند. ولی «شحیح» به آدمی می گویند که هر دو را با هم جمع کرده باشد، هم آزمند است و دائماً می خواهد جمع کند و هم آنچه را که دارد حاضر نیست به هیچ قیمتی جود کند. این بدترین صفت در مورد مال و ثروت است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حال طواف بودند. مردی را دیدند که در حال طواف چنین دعا می کند: خدایا مرا بیامرز، اگرچه می دانم که مرا نمی آمرزی! فرمودند: چرا خدا تو را نیامرزد؟ عرض کرد: یا رسول الله! گناه من خیلی زیاد است.

از کوه ها و از زمین و از آسمان هم بیشتر است. فرمودند: آیا گناه تو از خدا هم بزرگ تر است؟ گناه تو از خدا که دیگر بزرگ تر نیست؛

ص: ۱۸۷

گناهت چیست؟ گفت: یا رسول الله! من آدمی هستم که اگر کسی سراغ من بیاید و از من یک درهم بخواهد، جان من می خواهد بیرون بیاید؛ اگر بفهمم کسی از من چیزی می خواهد، این چنین ناراحت می شوم. فرمود: دورشو، آیا نمی دانی کسی که این چنین باشد، بوی بهشت را استشمام نمی کند؟ آیا این آیه قرآن را نشنیده ای: «وَمَنْ يوقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَاولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؟ (۱)

## آموزه‌ها

آموزه‌ها

۱. رستگاری، از اهداف آفرینش و حیات انسان است.

۲. قرآن کریم، کتاب هدایت و رستگاری انسان است.

۳. در کنار ایمان و به کارگیری عقل، تزکیه و تربیت، یاد خدا و نماز، از عوامل مهم رستگاری انسان به شمار می رود: «فَدَأْفَلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى». (اعلی: ۱۴ و ۱۱۵)

۴. نوع بینش و رفتار فردی و اجتماعی انسان، در رستگاری او نقش اساسی ایفا می کند. برای نمونه، اعتقاد به خدا و قیامت، دوری از عمل و سخن لغو و بیهوده، حفظ پاکدامنی، رعایت امانت، پیروی از خدا و رسول، توجه به مساکین و فقرا، و دوری از قمار و شراب، از جمله این رفتارهاست.

۵. راه رستگاری، همان راه مستقیم است که پیمودن آن، آثاری در دنیا و آخرت به دنبال دارد. آرامش و عزت در دنیا و آمرزش و رضایت الهی در آخرت، از جمله آن آثار است.

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۷، ص ۳۹۷.

ص: ۱۸۸

**منابع دیگر**

منابع دیگر

بطحائی گلپایگانی، حسن، رستگاری در آینه وحی، ورامین، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۰.

حکیمی، عباس، سلوک رستگاری، قم، عصر جوان، ۱۳۸۸.

کرباسی، علی، راه رستگاری، نشر مولود کعبه، ۱۳۷۹.

کسروی، احمد، راه رستگاری، تهران، تابان، بی تا.

محمدی لائینی، محمدباقر و حسین حسینی کارنامی، خوشبختی و رستگاری از دیدگاه قرآن، ساری، شوق، ۱۳۸۸.

ص: ۱۸۹

رشوه

اشاره

رشوه

یکی از بلاهای بزرگی که از قدیم‌ترین زمان‌ها دامنگیر بشر شده است و امروز با شدت بیشتر ادامه دارد، بلای رشوه خواری است که یکی از بزرگ‌ترین موانع اجرای عدالت اجتماعی بوده و هست و سبب می‌شود قوانین که به طور طبیعی باید حافظ منافع طبقات ضعیف باشد، به سود طبقات نیرومند که قانون باید آنها را محدود کند، به کار بیفتد؛ زیرا زورمندان همواره قادرند که با نیروی خود از منافع خویش دفاع کنند، و ضعفا هستند که باید منافع و حقوق آنها در پناه قانون حفظ شود؛ روشن است که اگر باب رشوه گشوده شود، قوانین درست نتیجه معکوس خواهد داد؛ زیرا قدرتمندان قدرت پرداخت را رشوه دارند و در نتیجه قوانین، بازیچه‌ای در دست آنها برای ادامه ستم و تجاوز به حقوق ضعفا خواهد شد.

به همین دلیل، در هر اجتماعی که رشوه نفوذ کند، شیرازه زندگی مردم از هم می‌پاشد و ستم و فساد و بی‌عدالتی و تبعیض در همه سازمان‌های آنها نفوذ می‌کند و از قانون عدالت جز نامی باقی نخواهد

ص: ۱۹۰

ماند. از این رو، در اسلام رشوه خواری به شدت نکوهش و محکوم شده است و از گناهان کبیره به شمار می رود.

باید توجه داشت که زشتی رشوه سبب می شود این هدف شوم، در لایه لای عبارات و عناوین فریبنده دیگر تحقق یابد و رشوه خوار و رشوه دهنده از نام هایی مانند هدیه، تعارف، حق و حساب، حق الزحمه و انعام استفاده کنند، ولی روشن است که این تغییر نام ها هرگز تغییری در ماهیت آن نمی دهد و در هر صورت پولی که از این راه گرفته می شود، حرام و نامشروع است.

در نهج البلاغه آمده است که اشعث بن قیس برای پیروزی بر طرف دعوای خود در محکمه عدل علی علیه السلام، متوسل به رشوه شد و شبانه ظرفی پر از حلوی لذیذ به در خانه علی علیه السلام آورد و نام آن را هدیه گذاشت. علی علیه السلام بر آشفت و فرمود:

هبلتک الهبول ا عن دین الله اتیتنی لتخدعنی؟... و الله لو اعطیت الاقالیم السبعه بما تحت افلاکها علی ان اعصی الله فی نمله اسلبها جلب شعیره ما فعلته و ان دنیا کم عندی لاهون من ورقه فی فم جراده تقضمها ما لعلی و لنعیم یفنی و لذه لا تبقی.

سوگواران بر عزایت اشک بریزند! آیا با این عنوان آمده ای که مرا فریب دهی و از آیین حق باز داری؟... به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان های آنهاست به من دهند که پوست جوی را از دهان مورچه ای به ظلم بگیرم هرگز نخواهم کرد، دنیای شما از برگ جویده ای در دهان ملخ برای من کم ارزش تر است. علی را با نعمت های فانی و لذت های زودگذر چه کار؟!... (۱)

ص: ۱۹۱

اسلام رشوه را در هر شکل و قیافه ای محکوم کرده است. در تاریخ زندگی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که به او خبر دادند یکی از فرماندارانش رشوه ای در شکل هدیه پذیرفته است. حضرت بر آشفت و به او فرمود:

«کیف تاخذ ما لیس لک بحق؛ چرا آنچه حق تو نیست می گیری؟!» او در پاسخ با معذرت خواهی گفت: «لقد کانت هدیه یا رسول الله؛ آنچه گرفتم هدیه بود ای پیامبر خدا».

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أرأیت لو قعد احدکم فی داره و لم نوله عملاً کان الناس یهدونه شیئاً؛ اگر شما در خانه بنشینید و از طرف من فرماندار محلی نباشید، آیا مردم به شما هدیه ای می دهند؟» سپس دستور داد، هدیه را گرفتند و در بیت المال قرار دادند و وی را از کار برکنار کرد. (۱)

اسلام حتی برای اینکه قاضی گرفتار رشوه های مخفی و ناپیدا نشود، دستور می دهد وی تنها به بازار نرود، مبدا تخفیف قیمت ها ناخود آگاه بر او اثر بگذارد و در قضاوت تخفیف دهنده جانبداری کند. چه خوب است مسلمانان از کتاب آسمانی خود الهام بگیرند و ایمان خود را در پای بت رشوه خواری قربانی نکنند.

امام صادق علیه السلام درباره رشوه می فرماید: «و اما الرشا فی الحکم فهو الکفر باللّٰه العظیم؛ اما رشوه در قضاوت، کفر به خداوند بزرگ است». (۲)

در حدیث معروفی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده، می خوانیم: «لعن الله الراشی و المرتشی و الماشی بینهما؛ خداوند، گیرنده و دهنده رشوه و آن کس را که واسطه میان آن دو است، از رحمت خود دور گرداند». (۳)

۱- الامام علی ۷، ج ۱، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ح ۲ باب ۵ من ابواب ما یکتسب به.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴، ح ۱۱ (باب الرشا فی الحکم).

ص: ۱۹۲

با توجه به آثار مخرب رشوه در زندگی فردی و اجتماعی انسان در دنیا و نیز آثار منفی آن در زندگی آخرت، باید جامعه را از خطرهای آن آگاه کرد. ابتدا باید زمینه های رشوه و ریشه های آن را شناخت و سپس برای از بین بردن آن برنامه ریزی کرد.

درباره رشوه چند پرسش اساسی مطرح است:

۱. رشوه چیست؟ حکم فقهی آن چیست؟

۲. رشوه در قرآن کریم و روایات چگونه مطرح شده است؟

۳. آثار منفی و زیان های رشوه کدام است؟

۴. دلیل و خاستگاه رواج رشوه در جامعه چیست؟

۵. راه پیشگیری و درمان رشوه چیست؟

## ۱. چیستی رشوه

۱. چیستی رشوه

در کتاب مجمع البحرین ذیل ماده «رشا»، چنین آمده است: «فی الحدیث: لعن رسول الله صلی الله علیه و آله الزاشی و المرتشی و الرائش.» یعنی در حدیث آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله، رشوه دهنده، رشوه گیرنده و واسطه گر بین آن دو را لعن فرموده است. رشوه، آن چیزی است که شخص به حاکم و قاضی و به غیر آن می دهد تا به نفع او حکم کند یا این رشوه را به آنها می دهد تا آنها را به سویی بکشاند که خود می خواهد. اصل ماده رشوه که «رشاء» است، به ریسمانی گفته می شود که به وسیله آن به آب می رسند. (۱)

گویی شخص رشوه دهنده به وسیله رشوه، خود را به مطلوب و مقصود خود می رساند؛ مقصود و مطلوبی که دور از دسترس است و از راه عدالت

۱- نک: مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۸۴.



ص: ۱۹۳

و راه درست، به آن دست نمی‌یابد. رشوه دهنده با دادن رشوه که راهی نادرست است، تلاش می‌کند خود را به آنچه دوست دارد برساند.

با این بیان، می‌توان گفت رشوه یک معنای لغوی دارد و یک معنای اصطلاحی که در بعضی از کتاب‌ها به آن اشاره شده است.

معنای لغوی رشوه: رشوه مالی است که شخص به قاضی و غیر آن می‌دهد تا به نفع وی حکم دهد. (۱)

معنای اصطلاحی رشوه: دادن مالی به مأمور رسمی و غیررسمی دولتی یا بلدی است، به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی؛ گرچه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد؛ خواه مستقیم آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخص دیگر. (۲)

شهید مطهری درباره حکم رشوه می‌نویسد:

«در اسلام، رشوه دهنده و رشوه گیرنده، به شدت محکوم و مستحق آتش معرفی شده‌اند و پولی که از این راه تحصیل می‌شود، حرام و نارواست». (۳)

## ۲. رشوه در قرآن و سنت

### اشاره

۲. رشوه در قرآن و سنت

زیر فصل‌ها

الف) قرآن

ب) سنت

### الف) قرآن

الف) قرآن

واژه رشوه در قرآن نیامده است. در قرآن، بحث رشوه را باید ذیل واژگان «السحت» و «الباطل» دنبال کرد. البته این به آن معنا نیست که واژه باطل در همه جا، مصداق رشوه است.

۱- فرهنگ قرآن، ج ۱۴، ص ۵۶۸، به نقل از: المصباح، ج ۱ و ۲، ص ۲۲۸.

۲- فرهنگ قرآن، ج ۱۴، ص ۵۶۸، به نقل از: ترمینولوژی حقوق، ص ۳۳۵.

۳- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۲۴۵.



ص: ۱۹۴

واژه «السُّحْت» به ضمّ «س»، اسم مصدر شیء مستأصل شونده است... این کلمه سه بار در قرآن، در آیات ۴۲، ۶۲ و ۶۳ سوره مائده آمده است... مراد از سحت در این آیات، حرام است... راغب، علت تسمیه را چنین می گوید: «گویی حرام، دین و مروت شخص را از بین می برد...» (۱).

در آیه ۴۲ سوره مائده می خوانیم:

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاؤَكَ فَامْحُكْ مِنْهُمْ أَوْ اعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَامْحُكْ مِنْهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.

پذیرا و شنوای دروغ هستند [و] بسیار مال حرام می خورند. پس اگر نزد تو آمدند، [یا] میان آنان داوری کن، یا از ایشان روی برتاب. و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید؛ و اگر داوری می کنی، پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند، دادگران را دوست می دارد.

علامه طباطبایی ذیل این آیه می نویسد: «... هر مالی که از راه حرام کسب شود، سحت است و سیاق آیه دلالت دارد بر اینکه مراد از «سحت» در آیه شریفه، همان رشوه است» (۲).

«وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تعدی و خوردن مال حرام، شتاب می کنند! چه زشت است کاری که انجام می دهند!». (مائده: ۶۲)

علامه طباطبایی رحمه الله از آیات استفاده می کند که دشمنان اسلام (یهود،

۱- قاموس، ج ۴، ص ۲۳۷.

۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۵۵۸.

ص: ۱۹۵

منافقان و...) دارای سه نوع فسق و فجور بودند: اثم (گناه)؛ ستم کاری؛ و حرام خواری. منظور از حرام خواری، ربا و رشوه و مانند آن است. (۱)

بر همین اساس، خداوند در آیه ۶۳ همین سوره (مائده) می فرماید: چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آنها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام نهی نمی کنند؟ چه زشت است عملی که انجام می دهند.

واژه «باطل» نیز در آیه ۱۸۸ سوره بقره آمده است:

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن اموال مردم به گناه، [قسمتی از] آن را [به عنوان رشوه] به قضات ندهید، درحالی که می دانید [این کار، گناه است]!».

بعضی از مفسران، این آیه را چنین توضیح داده اند:

«این آیه به یک اصل کلی و مهم اسلامی اشاره می کند که در تمام مسائل اقتصادی حاکم است و به یک معنا می شود تمام ابواب فقه اسلامی را در بخش اقتصاد، زیر مجموعه آن قرار داد. به همین دلیل، فقهای بزرگ ما در بخش های زیادی از فقه اسلامی، به این آیه تمسک می جویند: «اموال یکدیگر را در میان خود به باطل و ناحق نخورید». (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ)

در اینکه منظور از «باطل» در اینجا چیست، تفسیرهای مختلفی ذکر کرده اند. بعضی آن را به معنی اموالی دانسته اند که با غضب و از راه ظلم به دست می آید. بعضی آن را اموالی می دانند که از طریق قمار و مانند آن فراهم می شود. و بعضی آن را اشاره به اموالی می دانند که از طریق سوگند دروغ (و انواع پرونده سازی های دروغین) به دست می آید.

۱- نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۳۱.

ص: ۱۹۶

ظاهر این است که مفهوم آیه عمومیت دارد و همه این مسائل و غیر اینها را شامل می‌شود؛ زیرا «باطل» که به معنی زایل و از بین رفته است، همه را دربرمی‌گیرد، و اگر در بعضی از روایات، از امام باقر علیه السلام تفسیر به «سوگند دروغ»، و در روایتی از امام صادق علیه السلام تفسیر به «قمار» شده است، در واقع از قبیل بیان مصداق‌های روشن است.

بنابراین، هر گونه تصرف در اموال دیگران از راه نادرست و به ناحق، مشمول این نهی الهی است.

تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی‌کند و پایه و اساس عقلایی ندارد، مشمول این آیه است.

همین معنا در آیه ۲۹ سوره نساء با توضیح بیشتری، خطاب به مؤمنان آمده است و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را به باطل و از طرق نامشروع نخورید؛ مگر اینکه تجارتي باشد که با رضایت شما انجام شود».

استثنا کردن تجارت همراه با تراضی، در واقع بیان یک مصداق روشن از راه‌های مشروع و حلال است و هبه و میراث و هدیه، وصیت و مانند آن را نفی نمی‌کند؛ زیرا آنها نیز از راه‌های مشروع عقلایی است.

جالب اینکه بعضی از مفسران گفته‌اند قرار گرفتن آیه مورد بحث بعد از آیات روزه (آیات ۱۸۲ تا ۱۸۷)، نشانه یک نوع هم بستگی در میان این دو است؛ در آنجا از خوردن و آشامیدن به منظور انجام یک عبادت الهی نهی می‌کنند، و در اینجا از خوردن اموال مردم به ناحق نهی می‌کند که این هم نوع دیگری از روزه و ریاضت نفوس است و در واقع هر دو

ص: ۱۹۷

شاخه هایی از تقوا محسوب می شود؛ همان تقوایی که هدف نهایی روزه معرفی شده است. (۱)

ذکر این نکته نیز لازم است که تعبیر به «اکل» (خوردن) معنای وسیع و گسترده ای دارد که هر گونه تصرفی را شامل می شود. در واقع این تعبیر، کنایه ای است از انواع تصرفات، که «اکل» یک مصداق روشن آن است.

سپس در ذیل آیه، انگشت روی یک نمونه بارز «اکل مال به باطل» (خوردن اموال مردم به ناحق) گذاشته که بعضی از مردم، آن را حق خود می شمرند؛ به گمان اینکه به حکم قاضی، آن را به چنگ آورده اند؛ می فرماید: «برای خوردن قسمتی از اموال مردم به گناه، بخشی از آن را به قضات ندهید در حالی که می دانید [گناه است]». (و تَدُلُّوْا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِيَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَيْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (۲)

«تدلوا» از ماده «ادلأ»، در اصل به معنی فرستادن دلو در چاه برای بیرون آوردن آب است و این تعبیر زیبایی است که در مواقعی که انسان تسبیب اسبابی می کند که به منظور خاصی نایل گردد، به کار می رود.

در تفسیر این جمله، دو احتمال وجود دارد:

نخست اینکه: منظور آن است که بخشی از مال را به صورت هدیه یا رشوه (و هر دو در اینجا یکی است) به قضات دهند که بقیه را تملک کنند، قرآن می گوید: گرچه ظاهراً در اینجا به حکم قاضی مال را به چنگ آورده اید، ولی این اکل مال به باطل است و گناه.

۱- اقتباس از: تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۵۲.

۲- جمله «تدلوا» عطف بر «تاکلوا» است، بنابراین مفهوم آن، لا تدلوا می شود.

ص: ۱۹۸

دوم اینکه: منظور آن است که مسائل مالی را برای سوءاستفاده به نزد حکام نبرید؛ مثل اینکه امانتی یا اموال یتیم، بدون شاهد نزد انسان باشد و هنگامی که طرف مطالبه می کند، او را به نزد قاضی ببرند، و چون دلیل و شاهدهی ندارد، اموالش را به حکم قاضی تملک کند. این کار نیز گناه است و اکل مال به باطل.

مانعی ندارد که آیه مفهوم گسترده ای داشته باشد که هر دو در جمله لاتدلوا جمع باشد. (۱)

جالب اینکه در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم:

انما انا بشر و انما یاتینی الخصم فلعن بعضکم ان یكون الحن بحجته من بعض فاقضی له فمن قضیت له بحق مسلم، فانما هی قطعه من نار فلیحملها او لیذرها.

من بشری مثل شما هستم (و مأمورم طبق ظاهر میان شما داوری کنم). گاه نزاعی نزد من طرح می شود و شاید بعضی در اقامه دلیل از دیگری نیرومندتر باشد و من به مقتضای ظاهر دلیلش، به سود او قضاوت می کنم، اما بدانید چنان که من حق کسی را (بر حسب ظاهر) برای دیگری قضاوت کنم (و در واقع مال او نباشد فکر نکنید چون پیامبر صلی الله علیه و آله به نفع او حکومت کرده، برای او حلال است) آن قطعه ای از آتش است، اگر آتش را می خواهد، آن را بپذیرد، و گرنه آن را رها سازد. (۲)

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴.

۲- تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۵۲.

ص: ۱۹۹

**(ب) سنت**

(ب) سنت

واژه رشوه و مشتقات آن در روایات نیز دیده می شود. رشوه در روایات مصداق مال نامشروع معرفی شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «رشوه در حکم، مصداق مال نامشروع است»<sup>(۱)</sup>.

رشوه می تواند مصداق شرک و کفر باشد؛ چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «هر حاکمی که خود را در برابر خواسته های مردم پنهان کند، خداوند روز قیامت خود را از او و از خواسته هایش پنهان خواهد ساخت و اگر برای انجام کار کسی هدیه ای بگیرد، خیانت است و چنانچه رشوه بگیرد، مشرک خواهد بود»<sup>(۲)</sup>.

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «از رشوه پرهیزید؛ چرا که کفر محض است و صاحب رشوه، بوی بهشت را استشمام نمی کند»<sup>(۳)</sup>.

رشوه یکی از عوامل نابودی ملت ها نیز به شمار می آید.

امیر مؤمنان، علی علیه السلام می فرماید: «پس از یاد خدا و درود! همانا ملت های پیش از شما به هلاکت رسیدند، بدان جهت که حق مردم را نپرداختند و دنیا را با رشوه دادن به دست آوردند و مردم را به راه باطل بردند و آنان نیز اطاعت کردند»<sup>(۴)</sup>.

**۳. آثار رشوه****اشاره**

۳. آثار رشوه

از مجموع آیات و روایات، می توان دو دسته آثار منفی برای رشوه ذکر کرد: آثار دنیایی و آثار آخرتی.

۱- منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه) ج ۳۰، ص ۱۴۳، ح ۱۱۰-۴۵۳۵۶.

۲- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه: انصاری، ص ۵۱۵.

۳- منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه) ج ۳۰، ص ۱۴۳، ح ۱۱۱-۴۵۳۵۷.

۴- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، ص ۶۲۱.



ص: ۲۰۰

**الف) آثار دنیایی****اشاره**

الف) آثار دنیایی

زیر فصل ها

یک آسیب های فردی

دو آسیب های اجتماعی

**یک آسیب های فردی**

یک آسیب های فردی

اولاً، اعتقاد و ایمان به خدا و قیامت را در انسان کاهش می دهد و او را به مرز شرک و کفر نزدیک می کند.

ثانیاً، اقتصاد فردی و خانوادگی را از پاکی و سلامت خارج می کند؛

ثالثاً، آرامش روحی را از انسان می گیرد؛

رابعاً، چون رشوه، مال حرام است، در وجود انسان و خانواده، اثر منفی بر جای می گذارد.

**دو آسیب های اجتماعی**

دو آسیب های اجتماعی

اولاً، رشوه سبب ترویج کسب مال نامشروع می شود و زشتی تصرف ناروا در اموال مردم را از بین می برد؛

ثانیاً، روابط اقتصادی را بیمار و زشت می کند؛

ثالثاً، بی اعتمادی را در جامعه افزایش می دهد؛

رابعاً، ستم را رواج می دهد و در حاکم شدن ظالم، نقش مهمی ایفا می کند؛

خامساً، جامعه انسانی را به سوی هلاکت و نابودی می کشاند.

## (ب) آثار اخروی

(ب) آثار اخروی

مهم ترین اثر آخرتی رشوه، محروم شدن از رحمت الهی و ورود به جهنم است. رشوه، انسان را از بهشت دور می کند؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ الرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ، وَ لَا يُشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ؛

ص: ۲۰۱

از رشوه گرفتن دوری کنید که آن کفر محض است و رشوه گیر بوی بهشت را استشمام نمی کند» (۱).

همین یک اثر برای رشوه، کافی است که از آن پرهیز شود؛ زیرا تمام بلاها در همین اثر نهفته است. جهنمی شدن؛ یعنی دور ماندن از رستگاری و خسران ابدی؛ و هر انسان عاقل و مؤمنی باید از عوامل بدبختی اخروی گریزان باشد.

#### ۴. علت های رواج رشوه در جامعه

##### اشاره

۴. علت های رواج رشوه در جامعه

پیش از بحث پیشگیری و درمان، لازم است خاستگاه و علت فراگیر شدن رشوه در جامعه بررسی شود تا بتوان درباره پیشگیری و یا درمان آن سخن گفت. بنابراین، ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد که چرا انسان، رشوه می دهد یا رشوه می گیرد؟ عوامل اصلی و فرعی کدام است؟ زمینه های پیدایش چنین اخلاق و منشی در جامعه چیست؟

در پاسخ باید گفت به نظر می رسد علت یا زمینه های این معضل اجتماعی را باید در دو ناحیه جست وجو کرد:

در اخلاق فردی و در روابط اجتماعی حاکم بر جامعه.

#### الف) در اخلاق فردی

##### اشاره

الف) در اخلاق فردی

زیر فصل ها

یک حرص به دنیا

دو توجهات بیجا

سه ضعف در ایمان

#### یک حرص به دنیا

یک حرص به دنیا

شاید بتوان گفت که انسان ها به صورت فطری دوست دارند در همه زمینه ها پیشرفت کنند و از توقف یا پسرفت بیزارند. اصل چنین حالتی

---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۷۴، ح ۱۲.

ص: ۲۰۲

در انسان را می‌توان مثبت ارزیابی کرد، اما بعضی از انسان‌ها برای رسیدن به اهداف خود، ممکن است از هر راهی استفاده کنند. چنین روحیه‌ای، نشانه رشد حرص منفی در این گونه افراد است. آنها برای رسیدن به موقعیت اقتصادی بهتر، به خود اجازه می‌دهند از راه‌های نامشروعی چون رشوه استفاده کنند.

### دو توجیہات بیجا

#### دو توجیہات بیجا

براساس آموزه‌های قرآن کریم، کار اصلی شیطان رجیم، زینت دادن و آراستن کارهاست. (۱) گاهی انسان در این دام شیطان می‌افتد و رشوه را با عنوان هدیه یا حق خودش، می‌دهد یا می‌گیرد این توجیہات نابجا که از دام‌های شیطان است، می‌تواند یکی از عوامل گسترش رشوه در جامعه باشد.

### سه ضعف در ایمان

#### سه ضعف در ایمان

انسان در زندگی فردی و اجتماعی، دو راه پیش رو دارد: پیروی از خدا و فرمان‌های او؛ پیروی از هوای نفس. انسان آنگاه که از خدا پیروی می‌کند، در پناه ایمان و اخلاص حرکت می‌کند، اما آنجا که هوای نفس را معبود خود قرار می‌دهد، از ایمان و اخلاص فاصله می‌گیرد و دچار نوعی شرک می‌شود. ریشه تمام رفتارهای ناروا و زشت به همین نکته برمی‌گردد که ایمان و اخلاق، به صورت ثابت و حقیقی در زندگی انسان وارد نشده است. این ضعف نفس می‌تواند ریشه بسیاری از گناهان باشد. دادن، گرفتن و واسطه‌گری برای رشوه، در این موضوع مهم ریشه دارد.

۱- نک: انعام: ۴۳؛ انفال: ۴۸ و ... .

ص: ۲۰۳

**ب) در روابط اجتماعی****اشاره**

ب) در روابط اجتماعی

دلیل بعضی از رفتارهای اجتماعی را در جامعه می‌توان جست‌وجو کرد. هر چند ریشه بسیاری از رفتارهای ناسالم به فرد برمی‌گردد، تأثیر جامعه و محیط را نباید فراموش کرد. در جامعه، زمینه‌ها و عواملی هست که کمک می‌کنند یا سبب می‌شوند رشوه و رشوه‌خواری در جامعه افزایش یابد.

**یک بی عدالتی**

یک بی عدالتی

از رسالت‌های مهم پیامبران الهی، حاکم کردن قسط و عدل در جامعه بوده است. اگر جامعه‌ای از عدالت فاصله بگیرد، وجود همین ناعدالتی، زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهای نامناسب اجتماعی خواهد شد. ریشه گسترش رشوه می‌تواند در نبود عدالت در جامعه باشد.

**دو اجرا نشدن قوانین تنبیهی**

دو اجرا نشدن قوانین تنبیهی

انسان موجودی است که اختیار دارد در راه درست یا خطا گام بردارد و روشن است که عده‌ای در راه خدا گام بر نمی‌دارند. اسلام برای تثبیت خوبی‌ها، تنبیهاتی برای انسان‌های خطاکار در نظر گرفته است که با عنوان حدود و تعزیرات مطرح شده است. اجرا نشدن حدود و تعزیرات اسلام، سبب می‌شود عده‌ای سوءاستفاده کنند و دچار رفتارهای ناسالم اجتماعی مانند رشوه شوند.

**۵. راه پیشگیری و درمان****اشاره**

۵. راه پیشگیری و درمان

آخرین پرسش آن است که راه پیشگیری یا درمان این اخلاق زشت اجتماعی چیست؟

ص: ۲۰۴

به نظر می‌رسد اگر به زمینه‌ها و علت‌های رشوه‌خواری توجه شود، راه درمان یا راه پیشگیری را به راحتی می‌توان فهمید. وقتی زمینه‌ها و علت‌ها شناخته و راه درمان یا پیشگیری مشخص شد، آن چه مهم خواهد بود، اقدام عملی است؛ باید کمر همت بست و آن ریشه‌ها و زمینه‌ها را خشکاند.

در این مقام به چند نکته اشاره می‌شود.

### الف) تقویت ایمان و اخلاق

الف) تقویت ایمان و اخلاق

برای ریشه کن کردن این پدیده شوم در جامعه، در درجه اول باید به ایمان و اخلاق فردی افراد توجه کرد. اشخاص و نهادهایی که در تربیت انسان نقش دارند، باید افراد جامعه اسلامی را خداپاور و قیامت‌باور تربیت کنند. انسان باایمان و دارای اخلاق اسلامی به خود اجازه نمی‌دهد از هر راهی مال به دست آورد. بنابراین، در مرحله نخست، خانواده‌ها و سپس آموزش و پرورش، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، صداوسیما و رهبران جامعه، در پرورش ایمان و اخلاق اسلامی تک تک افراد جامعه مسئولیت دارند.

### ب) بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم

ب) بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم

در کنار تقویت ایمان و اخلاق افراد جامعه، باید به افزایش آگاهی و معرفت آنها نیز توجه کرد. در بسیاری از موارد، ناآگاهی از حق و حقوق قانونی و راه‌های پیگیری حقوق فردی و اجتماعی، زمینه ساز تخلف می‌شود.

بنابراین، یکی از راه‌های پیشگیری از رفتارهای نامناسب و درمان آنها، افزایش کمی و کیفی معرفت آحاد جامعه است.

ص: ۲۰۵

### (ج) تلاش برای رفع بی عدالتی های اجتماعی

(ج) تلاش برای رفع بی عدالتی های اجتماعی

هر انسانی از ستم و بی عدالتی بیزار است. بی عدالتی، اخلاق فردی و اجتماعی انسان را دچار آسیب می کند. بنابراین، همه، به ویژه حکومت باید تلاش کنند بی عدالتی در جامعه ریشه کن شود؛ چراکه رشوه خواری در پناه عدالت اجتماعی از بین می رود.

### (د) نظارت بر عملکرد افراد زیرمجموعه

(د) نظارت بر عملکرد افراد زیرمجموعه

نبود نظارت می تواند زمینه ساز بسیاری از فسادها شود. بنابراین، حاکم کردن یک نظارت صحیح، محکم و سیستمی، می تواند بسیاری از روابط ناسالم را از بین ببرد که از جمله آنها رشوه خواری است.

### (ه) برخورد با افراد خطاکار

(ه) برخورد با افراد خطاکار

اثر تنبیه و تشویق بر انسان، انکارنشده است. استفاده کردن از این روش تربیتی، اخلاق فردی و اجتماعی انسان ها را تنظیم می کند.

### (و) دقت در عزل و نصب افراد

(و) دقت در عزل و نصب افراد

با مراجعه به نامه حضرت امیرالمؤمنین، علی علیه السلام به مالک اشتر، روشن می شود که یک حکومت تا چه اندازه باید در عزل و نصب افراد، به ویژه در پست های حساس، دقت کند.

حاکم شدن انسان های صالح، زمینه بسیاری از فسادهای اجتماعی را از بین می برد. بنابراین، یکی از بهترین راه های جلوگیری از رشوه خواری، استفاده کردن از انسان های صالح، مؤمن و عالم، در مناصب حکومتی است.



ص: ۲۰۶

**(ز) تذکر و موعظه**

(ز) تذکر و موعظه

وجود تذکر و موعظه، در کاهش بعضی از رفتارهای زشت و افزایش رفتارهای خوب، مؤثر است. انسان در هر مرحله ای از مراحل ایمان و عمل باشد، به تذکر و موعظه نیازمند است. به ویژه افرادی که در مناصب حکومتی قرار دارند، به این مهم بیشتر نیاز دارند؛ زیرا بیشتر در معرض خطر هستند.

خداوند در قرآن کریم، همچنین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام برای تربیت فردی و اجتماعی افراد، از این روش استفاده می کردند.

**گلبانگ حدیث****اشاره**

گلبانگ حدیث

زیر فصل ها

آثار رشوه

رشوه، حرام است

رشوه گرفتن، کفر است

**آثار رشوه**

آثار رشوه

۱. امام علی علیه السلام: «إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَمُ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاشْتَرَوْهُ، وَأَخَذُوهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ؛ پیشینان شما از این رو به هلاکت درافتادند که مردمان را از حق [شان] بازداشتند و آنان [ناچار با رشوه] آن را خریدند و آنان را به ارتکاب باطل و نادرستی واداشتند و مردم هم از آن پیروی کردند» (۱).

۲. امام علی علیه السلام:

وقد علمتم أنه لا يتبغى أن يكون الوالي على الفروج و الدماء و المغانم و الاحكام و إمامه المسلمین البخیل ..... و لا المرثسی فی الحکم فیدهب بالحقوق، و یقف بها دون المقاطع (۲).

و شما می دانید که مسئول ناموس و جان و غنایم (اموال) و احکام و پیشوایی مسلمانان، نباید شخصی بخیل باشد... و نه

۱- نهج البلاغه، نامه ۷۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

ص: ۲۰۷

در داوری رشوه گیر که در این صورت، حقوق را پایمال می کند و حق را به حق دار نمی رساند.

### رشوه، حرام است

رشوه، حرام است

امام صادق علیه السلام: «مِنَ أَكْلِ الشُّحْتِ الرَّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ؛ رشوه گرفتن در قضاوت، از مصداق های مالِ حرام است». (۱)

### رشوه گرفتن، کفر است

رشوه گرفتن، کفر است

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِيَّاكُمْ وَ الرَّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ، وَ لَا يَشْتُمُ صَاحِبُ الرَّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ از رشوه گرفتن دوری کنید که آن کفر محض است و رشوه گیر بوی بهشت را استشمام نمی کند». (۲)

۲. امام صادق علیه السلام: «الرُّشَى فِي الْحُكْمِ هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ؛ رشوه در قضاوت، کفر ورزیدن به خداست». (۳)

### نمونه های رفتاری

#### اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. این رشوه است

۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله رشوه نمی گیرد

۳. تباه دین

### ۱. این رشوه است

۱. این رشوه است

کلبی از ابوصالح، از ابن عباس و نیز عبدالرحمن بن غنم، از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که چون جعفر بن ابی طالب و همراهانش به حبشه رفتند و مستقر شدند و پیغمبر صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کرد و در بدر پیروزی نصیب مسلمین

شد، قریش در دارالندوه انجمن کردند و گفتند ما باید از

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۵۳، ح ۲۰.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۲۷۴، ح ۱۲.

۳- الکافی، ج ۷، ص ۴۰۹، ح ۲.

ص: ۲۰۸

یاران محمد که در حبشه اند انتقام کشتگانمان را بگیریم؛ پس مالی جمع کنیم و به عنوان هدیه نزد نجاشی بفرستیم، شاید پناهندگان را باز پس دهد و باید دو مرد صاحب رأی بدین منظور برگزینیم. عمروعاص و عماره بن ابی معیط را با هدایایی از چرم و ادویه و غیره اعزام کردند. آن دو از راه دریا به حبشه رفتند. وقتی بر نجاشی وارد شدند، از وی خواستند تا هجرت کنندگان به حبشه را تسلیم آنان کند؛ نجاشی با شنیدن سخن جعفر بن ابی طالب که از روزگار جاهلیت برای وی سخن گفت و سپس دستورات اسلام را برای وی خواند و پس از شنیدن آیاتی درباره حضرت مریم هدیه ای را که عمرو و رفیقش آورده بودند پس داد و گفت: این رشوه است؛ باز گیرید که خداوند بی رشوه ما را شاهی داده است. از قول جعفر آورده اند که از آن روز، باز در بهترین مسکن بودیم و خوش ترین رفتار را می دیدیم. (۱)

## ۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله رشوه نمی گیرد

۲. رسول اکرم صلی الله علیه و آله رشوه نمی گیرد

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ  
وَ يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا. (نساء: ۶۰)

آیا ندیده ای کسانی را که می پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده اند، [با این همه] می خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته اند که بدان کفر ورزند، و [لی] شیطان می خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد.

۱- ترجمه اسباب نزول، ص ۵۹. (با اندکی دخل و تصرف)

ص: ۲۰۹

محمد بن عبدالعزیز مروزی، در کتابش، با اسناد از شعبی روایت می کند که بین یکی از منافقین و یک مرد یهودی اختلاف بود، یهودی منافق را به مراجعه به پیغمبر صلی الله علیه و آله دعوت کرد، چه می دانست حضرت رشوه نمی گیرد. لیکن منافق، یهودی را به مراجعه به حاکم و داور یهودی دعوت می کرد؛ چه می دانست آنان رشوه می گیرند و حکم [ناحق] می دهند. بالاخره توافق کردند نزد کاهنی در جهینه بروند و آیات ۶۰ ۶۵ سوره نساء [در سرزنش ایشان] فرود آمد. (۱)

حسن بصری و جبائی گفته اند که این آیه مبارکه درباره قومی از منافقین نازل گشته که بت ها را برای حکومت و داوری انتخاب کرده بودند؛ آن هم با انداختن قداح که نوعی از قرعه بود. اما اکثر مفسران از جمله صاحب مجمع البیان معتقدند که بین دو نفر یهودی و منافق نزاعی رخ داد. یهودی گفت: من داوری محمد صلی الله علیه و آله را قبول دارم؛ زیرا می دانم رشوه نمی گیرد و در قضاوت ظلم و ستم روا نمی دارد. منافق گفت: من داوری کعب بن اشرف را می پذیرم؛ و در عین حال می دانست که کعب اهل رشوه است. سپس این آیه نازل گردید. لکن صاحب برهان از قول علی بن ابراهیم گفته که این آیه درباره زبیر بن عوام نازل گشته است که با مردی یهودی راجع به باغی نزاع کرده بود. زبیر به یهودی می گفت تو به قضاوت ابن شیبیه یهودی خوشنود می شوی؛ یهودی هم می گفت تو به قضاوت محمد راضی می گردی، تا اینکه این آیه نازل شد. (۲)

۱- ترجمه اسباب نزول، ص ۸۶.

۲- أنوار العرفان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۴۲۲.

ص: ۲۱۰

**۳. تباه دین**

۳. تباه دین

عبد بن حمید از معاذ بن جبل نقل می کند که گفته است: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: اگر کسی به شما عطیه و ارمغانی داد، مادامی که عطیه به شمار رفت، یعنی در دادنش جز ثواب طمعی نداشت، گرفتن آن حلال است؛ اما اگر اسمش عطیه باشد، ولیکن در واقع رشوه ای بود که آن را به طمع دین شما به شما داده اند، در آن صورت آن را مگیرید که حرام است، و با اینکه ممکن است این رشوه فقر شما را از بین ببرد و یا شما را از ترس دشمن ایمنی دهد، با این همه با آن فقر و در آن ترس به سر ببرید و راضی نشوید که رشوه، دین شما را تباه سازد.

**آموزه ها**

آموزه ها

۱. رشوه به دست آوردن مال از راه نامشروع است. بنابراین نوعی حرام خواری به شمار می رود و می دانیم که حرام خواری آثار مخربی در روح و روان انسان باقی می گذارد. از جمله آن آثار، قساوت قلب است. در جریان کربلا مشاهده شد تعدادی از افرادی که در مقابل امام حسین علیه السلام قرار گرفتند، به حرام خواری مشهور بودند.
۲. حرام خواری، عبادت های انسان را تحت تأثیر قرار می دهد. در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم: عبادت همراه با خوردن مال حرام، مانند ساختن بنا بر روی شن زار یا روی آب است. (۱)
۳. رشوه و حرام خواری، رزق و روزی حلال را نابود می کند و سبب محرومیت انسان از توجه و لطف ویژه خداوند مهربان می شود.

۱- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۴۴، ح ۴۳۳۵۶.

ص: ۲۱۱

امام صادق علیه السلام می فرماید: «حرام خواری بسیار، روزی را از بین می برد»<sup>(۱)</sup>.

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «هر کس دوست دارد که دعایش مستجاب شود، خوراک و کسبش را پاکیزه کند»<sup>(۲)</sup>.

۴. آثار رشوه به آثار فردی محدود نمی شود، بلکه آثار منفی اجتماعی دارد؛ از جمله بی عدالتی، ستم، و انواع فساد اداری و اقتصادی. بنابراین لازم است با آن برخورد شود.

۵. رشوه نه تنها گناه و حرام است، بلکه نابسامانی های دیگری مانند نابسامانی های اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی نیز در پی دارد.

### منابع دیگر

#### منابع دیگر

باقری بیدهندی، ناصر، رشوه از نظر اسلام، قم، مؤسسه خدمات فرهنگی علوم اسلامی، ۱۳۷۳.

دادویی دریکنده، حمیدرضا، رشوه و احکام آن در فقه اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳.

رضایی، غلامحسین، رشوه (چالش ها و پی آمدهای خطرناک آن از دیدگاه تشیع و تسنن)، قم، رازیان، ۱۳۹۱.

رفیعی راد، محمدرفیع، رشوه یا ریسمان عدالت سوز، تهران، جمیل، ۱۳۸۸.

زارع مهرجردی، ابوالفضل، رشوه از دیدگاه اسلام و روایات اسلامی، اصفهان، بادران، ۱۳۸۹.

۱- تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، ص ۶۷۷.

۲- آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز ترجمه: محمدحسین نائیجی نوری، عده الداعی، ج ۱، ص ۱۲۵.



ص: ۲۱۲

سازمان اوقاف و امور خیریه، رشوه پدیده شوم اجتماعی، سازمان اوقاف و امور خیریه، اسوه، ۱۳۷۵.

عبدالرحمن، حمد، رشوه، بازتاب‌ها و انگیزه‌ها و طرق پیشگیری از آن، ترجمه: محمد صادقی، تهران، نشر مؤسسه مطبع الفجر، پاییز ۱۳۷۰.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفوائد و البرهان، قم، فقه الثقلین، ج ۱۲، ۱۳۸۷.

ص: ۲۱۳

## رمضان

## اشاره

رمضان

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ يَعْلَمُ الْعِبَادُ مَا فِي رَمَضَانَ، لَتَمَّتْ أَنْ يَكُونَ رَمَضَانَ سَنَةً؛ بندگان خدا اگر می دانستند چه برکاتی در ماه رمضان است، قطعاً آرزو می کردند که ماه رمضان، یک سال می بود.» (۱)

یکی از مهم ترین هدیه ها و برنامه های پیامبر صلی الله علیه و آله که نقش مهمی در تربیت انسان دارد، ماه مبارک رمضان است. ماه مبارک رمضان با آن محتوای گران قدرش، در منظومه برنامه های تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایگاه ویژه ای دارد.

ماه مبارک رمضان از ویژگی های برجسته اسلام است؛ زیرا قرآن، معجزه جاودانه پیامبر صلی الله علیه و آله، کتاب هدایت بشریت، موعظه جاویدان و یگانه نوشته ای که شایسته است آن را کتاب آسمانی بنامیم، در این ماه مبارک نازل شده است؛ ماهی که خداوند در آن، شب قدر را قرار داده است؛ ماهی که یک شب آن از هزار ماه، یعنی از یک عمر، برتر است. ماه مبارک رمضان، هدیه خداوند مهربان به انسان است.

---

۱- شیخ صدوق، فضائل الشهر الثلاثة، ص ۱۴۰، ح ۱۵۱.

ص: ۲۱۴

حال پرسش اصلی آن است که برخورد ما با این هدیه الهی، یعنی ماه مبارک رمضان باید چگونه باشد؟

پاسخ

یک باید حقایق ماه مبارک رمضان را شناخت؛

دو باید به استقبال ماه مبارک رمضان رفت؛

سه باید به برنامه های ماه مبارک رمضان عمل کرد؛

با این مقدمه، دست کم با سه پرسش مهم روبه رو هستیم.

الف) حقیقت ماه مبارک رمضان چیست؟

ب) چگونه باید به استقبال ماه مبارک رمضان رفت؟

ج) برنامه های مهم ماه مبارک رمضان که باید به آنها عمل کرد، چیست؟

### ۱. حقیقت ماه مبارک رمضان

۱. حقیقت ماه مبارک رمضان

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآلِهِمْ مَعْرِفَةَ فَضْلِهِ وَاجْلَالَ حُرْمَتِهِ...؛ بارالها، بر محمد و آل او درود فرست و معرفت فضل و برتری این ماه و بزرگداشت حرمت آن را به ما الهام فرما». (۱)

اهل لغت می نویسند: «نام ماه نهم از ماه های عربی و ماه روزه اسلامی است و آن ماه نزول قرآن است». «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...». (بقره: ۱۸۵)

در مجمع آمده است: «رمضان از «رمض» به معنای شدت تابش آفتاب بر خاک است... و گفته شده، رمضان از نام های خداوند است... رمضان در کلام الله مجید فقط یک دفعه آمده است». (۲)

۱- صحیفه سجادیه، ص ۱۸۸، (دعای دخول در ماه رمضان).

۲- قاموس، ج ۴، ص ۱۲۳.

ص: ۲۱۵

از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که این ماه، رمضان نامیده شد؛ زیرا «یرمض الذنوب؛ یعنی گناهان را می سوزاند» (۱).

در ابتدا ممکن است به ذهن برسد که رمضان، سی روز از روزهای سال است و تفاوتی با روزها و ماه های دیگر ندارد. البته عقل در این مقام، تفاوتی بین امروز و فردا، این ماه و آن ماه نمی بیند، اما قرآن کریم و روایات صحیح رسول الله صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بین ماه رمضان و ماه های دیگر، تفاوت گذاشته اند.

این ماه به صورت خاص، منسوب به خداست و هر چه با یک خصوصیت خاص به خدا منسوب شود، ارزش دو چندان می یابد. نمونه بارز آن، کعبه است که به عنوان بیت الله ارزش خاصی یافته است.

خداوند حکیم می فرماید: «وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلِهِ مُبَارَكَةً؛ سوگند به این کتاب روشنگر که ما آن را در شبی پربرکت نازل کردیم.» (دخان: ۲ و ۳) شبی که به تصریح حضرت حق، از هزار ماه بهتر است.

حقیقت رمضان چیست؟ امام باقر علیه السلام از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که ایشان فرمود:

ای مسلمانان، آن هنگام که هلال رمضان سر برآورد، شیطان های رانده شده به زنجیر کشیده می شوند و درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت، گشوده می شود و درهای دوزخ بسته می شود و خواسته ها برآورده می شوند و هنگام هر افطار، خداوند را آزادشدگانی است که آنان را از آتش دوزخ برهاند و هر شب نداگری ندا سر دهد: آیا خواهنده ای هست؟ آیا آمرزش خواهی هست؟ (۲).

۱- قاموس، ج ۴، ص ۲۴۹.

۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: صادق حسن زاده، ص ۱۵۵.

برای درک حقیقت ماه مبارک رمضان، باید پای سخن رسول خدا بنشینیم که در خطبه شعبانیه، این ماه را چنین معرفی می کند:

ای مردم، همانا ماه خدا با برکت و رحمت و مغفرت، روی به شما آورده است؛ ماهی که در پیشگاه خداوند، بهترین ماه هاست و روزها و شب های آن بهترین روزها و شب ها، و ساعات آن، برترین ساعت هاست. در این ماه، شما به میهمانی خدا فراخوانده شده اید و از اهل کرامت قرار داده شده اید. نفس های شما در آن، ستایش و خوابیدن شما، عبادت است. عمل شما در آن ماه پذیرفته، و دعای شما برآورده است. (۱)

از دیدگاه امام سجاد علیه السلام، ماه مبارک رمضان، ماه روزه، ماه اسلام و فرمان بری، ماه پاکیزگی، ماه تصفیه و پاک کردن گناهان، ماه قیام و شب زنده داری و ماهی است که قرآن در آن نازل شده است؛ قرآنی که مایه هدایت همه مردم است؛ قرآنی که دارای نشانه های آشکار هدایت و جداکننده حق و باطل است. (۲)

از این بیان حضرت، استفاده می شود که ماه رمضان، ماه هدایت و ماه فرقان است. امام سجاد علیه السلام، خداوند را به دلیل اینکه مؤمنان را به راه های احسان و نیکی درآورده، حمد و ستایش می کند و ستایش و سپاس خود را ویژه خدایی می داند که ماه رمضان را یکی از راه های ورود به احسان و نیکی حضرت حق قرار داده است: «الحمد لله الذي جعل من تلك السبيل شهر رمضان». (۳)

۱- روضه الواعظین، ترجمه: مهدی دامغانی، ص ۵۵۱.

۲- الصحیفه السجادیه الجامعه، چاپ مؤسسه الامام المهدی، ص ۲۱۰.

۳- الصحیفه السجادیه الجامعه، چاپ مؤسسه الامام المهدی، ص ۲۱۰.

ص: ۲۱۷

رسول خدا صلی الله علیه و آله، ماه شعبان را ماه خود و ماه رمضان را ماه خدا معرفی کرده است. (۱)

ماه رمضان، ماه میهمانی خداست. مؤمنانی که در این ماه روزه می‌گیرند و از گناه دوری می‌کنند، اهل بهشت هستند؛ در تعبیر امام باقر علیه السلام آمده است که آنان بدون حساب وارد بهشت می‌شوند. (۲)

هنر ماه رمضان آن است که خطاها و گناهان گذشته را می‌سوزاند و از بین می‌برد؛ مانند آتش که چوب را می‌سوزاند و خاکستر می‌کند. البته رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قطعاً کسی که در ماه رمضان به شش خصلت چنگ زند، خداوند گناهانش را می‌بخشد: دینش را حفظ کند. نفسش را نگهداری کند. صله رحم انجام دهد، همسایه اش را نیازارد، حق برادرانش را رعایت، و زبانش را حفظ کند. ثواب روزه روزه دار را کسی جز خدا نمی‌داند». (۳)

بله؛ ماه رمضان، ماه میهمانی خدا و ماه نزول قرآن است. ماه رمضان، ماه روزه، ماه عبادت، ماه پاکی، ماه صبر و استقامت و ماه بندگی است. ماه رمضان، ماه توبه، ماه استغفار و ماه دعاست. ماه رمضان، عید اولیای الهی و بهار قرآن است.

## ۲. چگونگی استقبال از ماه مبارک رمضان

### اشاره

۲. چگونگی استقبال از ماه مبارک رمضان

با توجه به جایگاه و اهمیت ماه مبارک رمضان در زندگی مؤمنان، نمی‌توان به این ماه بی‌اعتنا بود.

۱- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶، ح ۲۵.

۲- نک: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۲۳، ح ۱۳۰.

۳- محمد محمدی ری شهری، مراقبات شهر رمضان، ص ۳۳، ح ۲۰؛ به نقل از: مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۷۰، ح ۸۴۴۳.

ص: ۲۱۸

پس از آگاهی از حقیقت و جایگاه این ماه، انسان باید برای ورود به این ماه، خود را آماده سازد و مواظبت کند که بهترین بهره را ببرد؛ زیرا هر رمضان، یک فرصت استثنایی است و از دست دادن هر فرصت استثنایی، پشیمانی به دنبال خواهد داشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، چگونه به پیشواز این ماه می رفتند؟ در سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله می خوانیم، ایشان از ماه رجب و شعبان برای پیشواز ماه مبارک رمضان استفاده می کرد.

با توجه به روایات، به اعمالی که می تواند انسان را برای بهره مندی بیشتر از ماه مبارک رمضان آماده کند، اشاره می شود.

### الف) تفکر

#### الف) تفکر

می دانیم که یکی از بهترین عبادت ها تفکر است. پیش از ماه مبارک رمضان، حداقل از ماه رجب و ماه شعبان، انسان می تواند درباره ماه رمضان و برکات آن بیندیشد و نفس خود را عتاب کند که شاید این آخرین رضائی باشد که تو سعادت درک آن را پیدا می کنی. برای زندگی آخرت فکری کن؛ آخرتی که زندگی حقیقی آنجا است؛ آخرتی که جز با ایمان و عمل صالح، آباد نمی شود. تفکر درباره خود، درباره مرگ و جهان آخرت و تفکر درباره برکات ماه رمضان، کمک خوبی برای استقبال از این ماه مبارک است.

### ب) موعظه کردن و موعظه شنیدن

#### ب) موعظه کردن و موعظه شنیدن

از روش های خوبی که خداوند، پیامبران و اولیای الهی برای هدایت بشر از آن استفاده کرده اند، روش موعظه است. موعظه و اندرز، در دل ها اثر

ص: ۲۱۹

می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشینان آن حضرت، پیش از ماه مبارک رمضان، مردم را موعظه و خوبی‌های ماه مبارک رمضان و مهربانی‌های خدا در این ماه را به مردم گوشزد می‌کردند. با این کار، مردم آماده استقبال از ماه مبارک رمضان می‌شدند.

### ج) دعا و استغفار

ج) دعا و استغفار

شایسته است که انسان مؤمن از ماه رجب، هم گام با دستورها و مراقبات سفارش شده، ذکر، دعا و استغفار را زیاد کند. البته در همه روزها و ماه‌های سال، باید اهل ذکر و دعا و استغفار بود، اما از روایات و دعا‌های وارد شده استفاده می‌شود که با نزدیک شدن به ماه مبارک رمضان بهتر است که دعا و استغفار بیشتر شود. امام هشتم علیه السلام در آخرین جمعه ماه شعبان به اباضت یادآوری می‌کند که ماه شعبان گذشت و این آخرین جمعه شعبان است. پس، از فرصت باقی مانده، استفاده کن و دعا و استغفار را زیاد کن. در ادامه حضرت سفارش می‌کند: در باقی مانده ماه شعبان، این کلام را زیاد بگو: «اللَّهُمَّ إِن لَّمْ تُكُنْ قَدْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ...؛ خدایا اگر ما را تاکنون نیامرزیده‌ای، پس در آنچه از ایام شعبان باقی است. ما را بیامرز». (۱)

### د) تلاوت قرآن

د) تلاوت قرآن

می‌دانیم که قرآن کریم، کتاب موعظه است. خداوند، در حق قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ». (یونس: ۵۷) و همچنین فرمود: «فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ». (مزمّل: ۲۰)

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۱، ح ۱۹۸.



ص: ۲۲۰

یکی از کارهایی که می‌تواند انسان را برای ورود به ماه مبارک رمضان آماده کند، انس با قرآن است. تلاوت قرآن، مقدمه خوبی برای ورود به ماه مبارک رمضان و استفاده بیشتر از برکات این ماه است. امام هشتم علیه السلام به ابصت دستور تلاوت قرآن در ماه شعبان را می‌دهد. (۱) این دستور، می‌تواند چراغ راه مؤمنان باشد.

### ه توبه

ه توبه

گفته شد که یکی از عبادت‌ها که می‌تواند انسان را برای ورود به ماه رمضان آماده کند، تفکر و اندیشه است. از ثمرات این عبادت، توجه به گناهان گذشته است که می‌تواند زمینه ساز توبه باشد. توبه از گناهان کوچک و بزرگ، عامل مهمی برای ورود موفق به ماه مبارک رمضان است.

امام رضا علیه السلام در روایتی که اشاره شد، به ابصت می‌فرماید: «و تَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكَ لِيُقْبَلَ شَهْرُ اللَّهِ إِلَيْكَ؛ از گناهانت به سوی خدا توبه کن تا ماه خدا به سوی تو روی آورد». (۲)

توبه سبب می‌شود که ماه مبارک رمضان، به استقبال انسان مؤمن بیاید.

### و پرداخت حق الناس

و) پرداخت حق الناس

ادای امانت‌ها و قرض‌ها و پرداخت حق الناس قبل از آمدن ماه رمضان می‌تواند از اسباب آمادگی درک بهتر این ماه مبارک باشد.

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۷، ص ۵۱، ح ۱۹۸.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۷، ص ۵۱، ح ۱۹۸.

ص: ۲۲۱

امام هشتم علیه السلام می فرماید: «وَلَا تَدَعَنَّ أَمَانَةَ فِي عُنُقِكَ إِلَّا أَدَيْتَهَا؛ هیچ امانتی بر گردنت نباشد مگر آنکه آن را ادا کرده باشی» (۱).

### (ز) خالی کردن قلب از کینه

(ز) خالی کردن قلب از کینه

امام هشتم علیه السلام در ادامه سفارش های خود به اباضلت می فرماید: «وَلَا فِي قَلْبِكَ حِقْدًا عَلَى مُؤْمِنٍ إِلَّا نَزَعْتَهُ؛ دشمنی و کینه ای در قلب تو نسبت به مؤمن نباشد، مگر آنکه آن را از قلبت کنده باشی» (۲).

### (ح) تقوا و توکل

(ح) تقوا و توکل

رعایت بیشتر تقوا و توکل در ماه های منتهی به ماه مبارک رمضان، عامل مهمی برای ورود شایسته به ماه رمضان است. با رعایت تقوا و توکل به خدا، می توان امید استفاده بهتر از ماه رمضان را داشت.

امام هشتم علیه السلام به اباضلت فرمود: «وَاتَّقِ اللَّهَ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ فِي سِرِّ أَمْرِكَ وَعَلَانِيَتِكَ. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق: ۳) تقوای الهی پیشه کن و در پنهان و آشکار کارهای خود، به او توکل کن [که خداوند می فرماید]: «هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند. خداوند فرمان خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است».

### (ط) روزه

(ط) روزه

یکی از بهترین راه های استقبال از ماه مبارک رمضان، روزه گرفتن در ماه شعبان است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند کدام روزه فضیلتش بیشتر

۱- عیون اخبار الرضا، ج ۷، ص ۲، ص ۵۱، ح ۱۹۸.

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۷، ص ۲، ص ۵۱، ح ۱۹۸.

ص: ۲۲۲

است؟ حضرت فرمود: روزه ماه شعبان که برای بزرگداشت رمضان گرفته می شود.

### ی (اصلاح امور مالی

ی (اصلاح امور مالی

کسب مال حلال، از دیدگاه مکتب اهل بیت علیهم السلام اهمیت بسیار دارد. این مسئله در ماه رمضان و هنگام روزه داری، بیشتر نمایان تر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «عبادت، همراه خوردن مال حرام، مانند ساختن بنا بر روی شن زار یا بر روی آب است.» (۱) همچنین فرمود: «از حلال بخورید تا روزه شما برایتان تمام گردد.» (۲)

### ۳. برنامه های مهم ماه مبارک رمضان چیست؟

#### اشاره

۳. برنامه های مهم ماه مبارک رمضان چیست؟

خداوند حکیم، ماه مبارک رمضان را برای تربیت انسان قرار داد. با مراجعه به کتاب و سنت، می توان دریافت که کم و کیف برنامه های تربیتی اسلام و زمینه های رشد و هدایت، در این ماه افزایش می یابد و در مقابل، زمینه های گمراهی و شیطنت شیاطین و نفس اماره کمتر می شود.

راستی، آداب زندگی مسلمانان در ماه مبارک رمضان چگونه است؟ به چه کارهایی باید توجه کرد؟

شاید بتوان مهم ترین برنامه ها را این گونه بیان کرد:

### الف) ورع از محارم خدا (دوری از حرام)

الف) ورع از محارم خدا (دوری از حرام)

در اواخر ماه شعبان، روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، بر منبر رفت و با مردم از رمضان سخن گفت و فرمود:

۱- کنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۴۴ ح ۴۳۳۵۶.

۲- بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۲.

ص: ۲۲۳

ای مردم! قطعاً ماه خدا، با برکت، رحمت و مغفرت به سوی شما آمده است؛ ماهی که نزد خدا از بهترین ماه‌ها است. در این ماه، به میهمانی خدا دعوت شده‌اید.... ای مردم! درهای بهشت در این ماه، باز می‌شود؛ پس، از خدا بخواهید که آنها را بر شما نبندد و درهای جهنم بسته می‌شود پس، از پروردگارتان بخواهید که آنها بر روی شما باز نشود. شیاطین، دست و پا بسته می‌شوند؛ پس، از پروردگار بخواهید که آنها را بر شما مسلط نگرداند.

در این هنگام، حضرت علی علیه السلام که پای منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بود، برخاست و عرضه داشت: ای رسول خدا! بهترین کارها در این ماه چیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ، الْوَرَعُ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ...؛ بهترین کارها در این ماه، بازداشتن نفس از حرام‌های الهی است.» (۱) ورع و دوری از گناه، به اندازه‌ای مهم است که آن را ملائک دین و دین داری می‌دانند. از کلمات قصار رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: «مَلَائِكَةُ الدِّينِ الْوَرَعُ.» (۲)

ورع، شدت تقواست. تقوا، انجام واجبات و ترک محرمات است؛ اما ورع بالاتر از تقواست. انسان باورع، از شبهات هم دوری می‌گزیند؛ یعنی آنجا که احتمال حرام می‌دهد نیز از آن دوری می‌کند.

بنابراین، باید مصداق‌های محارم الهی را شناخت و در ماه مبارک رمضان به آن توجه بیشتری کرد؛ حرام خدا، همیشه حرام است و انسان

۱- شیخ صدوق، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۷۷، ح ۶۱.

۲- محمد بن سلاقه قضاعی، شرح فارسی شهاب الاخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ۹)، ح ۳۳.

ص: ۲۲۴

مؤمن در همه اوقات باید از آن دوری کند، اما ماه رمضان، حساب جداگانه ای دارد. در این ماه، مواظبت باید شدت گیرد و از حرام های الهی باید فاصله گرفت. امام سجاده علیه السلام با انشای دعایی، این مهم را شرح می دهد:

هیچ اندامی به سمت گناه نرود، بلکه تمام اندام ها در راه رضای خدا به کار گرفته شود. گوش لغو نشنود و پاها به سمت آن گام برندارد. شکم ها حرام نخورند، بلکه فقط از حلال بهره گیرد. زبان فقط حق بگوید. (۱) انسان دچار ریا و خودنمایی نشود، از شرک دوری کند و خواسته خدا را طلب کند. (۲)

### ب) انجام دادن کارهای خیر

ب) انجام دادن کارهای خیر

انسان روزه دار تلاش می کند در این ماه مبارک، اعمال صالح بیشتری انجام دهد. او فقط به دوری از گناه و خطا نمی اندیشد، بلکه درصدد انجام عمل صالح نیز برمی آید؛ زیرا «الدنیا مزرعه الاخره». در مزرعه، همان گونه که باید مراقب آفات بود، باید در فکر کاشت بذر هم بود. راستی، اعمال صالحی که در این ماه باید بیشتر به آنها توجه شود، کدام است؟

به پیشگاه امام سجاده علیه السلام می رویم تا ببینیم ایشان در ماه مبارک رمضان، از خداوند مهربان چه درخواستی دارد.

حضرت در این ماه، اقامه نماز با ویژگی های خاص، صله رحم، رسیدگی به همسایه، خالص کردن اموال، توجه به کسی که از ما دوری

۱- در روایات آمده است که زبان روزه دار از غیبت، دروغ و ناروا، دوری می کند. (نک: محمد محمدی ری شهری، مراقبات شهر رمضان، صص ۱۰۴ و ۱۰۵)

۲- نک: دعای امام سجاده ۷ هنگامی که ماه مبارک رمضان فرا می رسد. صحیفه کامل سجاده، ص ۲۱۱.

ص: ۲۲۵

گزیده است، دوستی با کسانی که به ما ستم کرده اند، صلوات فرستادن بر پیامبر و آل او و... را درخواست می کند. (۱)

در روایات، به کارهای دیگری مانند توبه و استغفار، قرائت قرآن، افطاری دادن و... هم اشاره شده است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «در این ماه، تلاوت قرآن را زیاد انجام دهید». (۲)

امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام نیز می فرماید: «در این ماه بر شما باد استغفار و دعای زیاد؛ زیرا دعا، بلاها را از شما دور می کند اما استغفار، گناهان شما را محو و پاک می کند». (۳)

احوال امام سجاد علیه السلام در این ماه، عجیب است. وقتی ماه مبارک رمضان فرا می رسد، آن حضرت فقط دعا، تسیح، استغفار و تکبیر می گفت. (۴)

## کلبانگ حدیث

### اشاره

کلبانگ حدیث

زیر فصل ها

ماه رمضان

حبس شیطان ها در ماه رمضان

آمزش الهی در ماه رمضان

قرآن در ماه رمضان

متفرقه

### ماه رمضان

ماه رمضان

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّمَا سُمِّيَ الرَّمْضَانُ لِأَنَّهُ يَرْمَضُ الذُّنُوبَ؛ رمضان را نامیده اند؛ چون گناهان را می سوزاند». (۵)

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ فِي أَوَّلِ لَيْلِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ لَا تُغْلَقُ إِلَى آخِرِ لَيْلِهِ مِنْهُ؛ درهای آسمان

در نخستین شب ماه رمضان گشوده می شود و تا آخرین شب آن بسته نمی شود» (۶).

- ۱- نک: صحیفه کامل سجادیه، دعای آن حضرت در اول ماه مبارک رمضان، ص ۲۱۱.
- ۲- مراقبات شهر رمضان، ص ۱۲۰، ح ۱۸۰.
- ۳- مراقبات شهر رمضان، ص ۱۲۰، ح ۱۸۴.
- ۴- مراقبات شهر رمضان، ص ۱۲۰، ح ۱۸۵.
- ۵- کنز العمال، ح ۲۳۶۸۸.
- ۶- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۴، ح ۸.

ص: ۲۲۶

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «لَوْ يَعْلَمُ الْعَبْدُ مَا فِي رَمَضَانَ لَوَدَّ أَنْ يَكُونَ رَمَضَانَ السَّنَةَ؛ اگر بنده ارزش ماه رمضان را بداند، آرزو می کند که سراسر سال، رمضان باشد.» (۱)

۴. رسول الله صلی الله علیه و آله لَمَّا حَضَرَ شَهْرَ رَمَضَانَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَاذَا تَسْتَقْبِلُونَ؟! وَمَاذَا يَسْتَقْبِلُكُمْ؟! قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ وقتی ماه رمضان فرا رسید پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: سبحان الله! به پیشواز عجب ماهی می روید! و عجب ماهی به شما روی می آورد! این را سه بار تکرار کرد.» (۲)

۵. رسول الله صلی الله علیه و آله حِينَ خَطَبَ النَّاسَ آخِرَ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ: أَيُّهَا النَّاسُ، قَدْ أَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيمٌ، شَهْرٌ مُبَارَكٌ، شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ الْعَمَلِ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ... هُوَ شَهْرٌ أَوْلَاهُ رَحْمَةٌ وَأَوْسَطُهُ مَغْفِرَةٌ، وَآخِرُهُ عِتْقٌ مِنَ النَّارِ. (۳)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که در آخرین روز ماه شعبان، برای مردم خطبه ای ایراد کرد فرمود: ای مردم! ماه بزرگی بر شما سایه افکنده است؛ ماهی مبارک. در این ماه، شبی هست که عمل (عبادت) در آن از هزار ماه عمل (عبادت) بهتر است... این ماهی است که آغازش، رحمت است و میانش، آمرزش و پایانش، رهایی از آتش.

۶. امام علی علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَطَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَهِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ، وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ، وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ، هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضَيْافَةِ اللَّهِ وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ

۱- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۶، ح ۱۲.

۲- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۷، ح ۱۳.

۳- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۲، ح ۶.



ص: ۲۲۷

، أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسِيحٌ، وَ نَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ، وَ عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ، وَ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ... .

فَقَمْتُ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ، أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (۱)

امام علی علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای ما خطبه ای ایراد کرد و فرمود: ای مردم! همانا ماه خدا، با برکت و رحمت و آمرزش، به شما روی آورده است. این ماه نزد خدا، بهترین ماه است و روزهایش بهترین روزها و شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعت‌هایش بهترین ساعت‌ها. در این ماه، شما به میهمانی خدا دعوت شده اید و در زمره بهره‌مندان از کرامت خداوند قرار گرفته اید. در این ماه، نفس‌های شما تسیح خداست و خواب شما عبادت است و اعمال شما پذیرفته و دعایتان مستجاب... .

من برخاستم و عرض کردم: ای رسول خدا! بهترین عمل در این ماه چیست؟ پیامبر فرمود: ای ابوالحسن! بهترین عمل در این ماه، خویشتن داری از حرام‌های خداوند عزوجل است.

### حبس شیطان ها در ماه رمضان

حبس شیطان ها در ماه رمضان

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِذَا اسْتَهَلَّ رَمَضَانُ غُلِقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ، وَفُتِحَتْ أَبْوَابُ الْجَنَانِ، وَصُفِّدَتِ الشَّيَاطِينُ؛ چُون هلال ماه رمضان پیدا شود، درهای دوزخ بسته گردد و درهای بهشت گشوده شود و شیاطین به زنجیر کشیده شوند». (۲)

۱- امالی صدوق، ص ۱۵۴، ح ۱۴۹.

۲- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۸، ح ۱۴.

ص: ۲۲۸

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «قَدْ وَكَّلَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ سَبْعَةَ مِائَتَيْ مَلَائِكَةٍ فَلَيْسَ بِمَحْلُولٍ حَتَّى يَنْقَضِيَ شَهْرُكُمْ هَذَا؛ خدایوند بر هر شیطان سرکشی، هفت تن از فرشتگان خود را گمارده، که تا پایان این ماه شما (رمضان)، همچنان در بند هستند» (۱).

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَادَى الْجَلِيلُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى... يَا جِبْرَائِيلُ، أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنَ السَّمَاءِ قُرْآنًا... فِيهَا مَرَدَّةُ الشَّيَاطِينِ حَتَّى لَا يُفْسِدُوا عَلَيَّ عِبَادِي صَوْمَهُمْ؛ چون شب اول ماه رمضان شود، خدایوند جلیل تبارک و تعالی ندا دهد:... ای جبرئیل! به زمین برو و شیطان‌های سرکش را در بند کن؛ تا روزه بندگان مرا تباه نسازند» (۲).

### آمزش الهی در ماه رمضان

آمزش الهی در ماه رمضان

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ؛ هر کس ماه رمضان را دریابد و آمرزیده نشود، خدایوند او را [از رحمت خود] دور گرداند» (۳).

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه اش هنگام فرا رسیدن ماه رمضان فرمود: «فِي خُطْبَتِهِ عِنْدَ إِقْبَالِ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ؛ بدبخت کسی است که در این ماه بزرگ از آمرزش خدایوند محروم ماند» (۴).

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «إِنَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ حَرَجَ عَنْهُ هَذَا الشَّهْرُ وَ لَمْ

۱- ثواب الأعمال، ص ۹۰، ح ۵.

۲- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۸، ح ۱۵.

۳- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۷۴، ح ۶۲.

۴- عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۵۳.

ص: ۲۲۹

يُغْفَرُ ذُنُوبُهُ؛ به راستی بدبخت واقعی کسی است که این ماه را پشت سر گذارد و گناهانش آمرزیده نشود». (۱)

۴. امیر المؤمنین، حضرت علی علیه السلام: «بر شما باد در ماه رمضان به فراوانی استغفار و دعا، که دعا بلا را از شما دفع می کند و استغفار، گناهان شما را محو می گرداند». (۲)

۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَأْتِي شَهْرَ يَغْفَرُ لَهُ؟!»؛ کسی که در ماه رمضان آمرزیده نشود، در کدام ماه آمرزیده می شود؟! (۳)

۶. رسول الله صلی الله علیه و آله لَمَّا صَيَّعَدَ الْمَيْتَرَ وَقَالَ: آمِينَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ جِبْرَائِيلَ اسْتَقْبَلَنِي فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مَنْ أَدْرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِيهِ فَمَاتَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، قُلْ: آمِينَ، فَقُلْتُ: آمِينَ. (۴)

و فی حدیث: أتانی جبرئیل فقال:... رُغِمَ أَنْفُ امْرِئٍ أَدْرَكَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ، فَقُلْتُ: آمِينَ. (۵)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به هنگام منبر رفتن، گفت آمین، [سپس] فرمود: ای مردم! جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای محمد! هر کس ماه رمضان را درک کند و در این ماه آمرزیده نشود و بمیرد، خدا او را [از رحمت خود] دور کند. بگو آمین؛ من گفتم آمین. در حدیثی [دیگر] آمده است: جبرئیل نزد من آمد و گفت: خوار بادا کسی که ماه رمضان را دریابد و آمرزیده نشود. من گفتم: آمین.

۱- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۶۲، ح ۲۹.

۲- به نقل از صفحه ۳۷ امالی صدوق در صفحه ۳۷۹.

۳- امالی صدوق، ص ۱۰۷، ح ۷۹.

۴- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۲، ح ۶.

۵- بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۴۷، ح ۱۳.

ص: ۲۳۰

**قرآن در ماه رمضان**

قرآن در ماه رمضان

۱. امام باقر علیه السلام: «برای هر چیز، بهاری است و بهار قرآن، ماه رمضان است».(۱)

۲. علی بن مغیره می گوید: به امام موسی بن جعفر علیه السلام گفتم پدرم از جد شما درباره اینکه در هر شب یک ختم قرآن بخواند پرسیده بود و ایشان گفته بودند: در هر شب یک ختم قرآن؟ پدرم گفته بود: منظورم شب های ماه رمضان است. باز ایشان گفته بودند: در شب های رمضان؟ پدرم گفته بود: آری و ایشان فرموده بودند: هرچه بتوانی بخوان و معمولاً پدرم در ماه رمضان چهل بار قرآن را ختم می کرد. من هم پس از مرگ پدرم به همین اندازه ها قرآن می خوانم؛ گاه کمتر و گاه بیشتر؛ بستگی به فراغت و آمادگی یا خستگی من دارد و چون روز عید فطر می رسد ثواب یک ختم را به پیامبر و یکی را به علی و یکی را به فاطمه علیهم السلام هدیه می کنم و برای هر یک از ائمه دیگر تا شما چنین می کنم. یعنی برای هر یک، ثواب یک ختم قرآن و تاکنون هم این کار را ادامه می دهم. در مقابل این، چه پاداشی برای من خواهد بود؟ فرمود: پاداش تو این است که روز قیامت با آنان خواهی بود. من تکبیر گفتم و با تعجب پرسیدم: چنین پاداشی برای من است؟ سه بار فرمود: آری.(۲)

**متفرقه**

متفرقه

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در سحرها چیزی بخورید، هرچند جرعه آبی. همانا درودهای خداوند بر کسانی است که سحری می خورند. همانا خدا و

۱- معانی الاخبار، ص ۲۲۸؛ بحار الانوار، ج ۹۶. ص ۳۸۶.

۲- معانی الاخبار، ص ۵۴۶.

ص: ۲۳۱

فرشتگانش بر آنان که سحری می خورند و در سحرها طلب آمرزش می کنند، درود می فرستند. با خوردن سحر برای روزه گرفتن یاری بجوید و با انجام خواب قیلوله (پیش از ظهر) برای شب زنده داری و نماز شب یاری بجوید. (۱)

۲. امام صادق علیه السلام فرموده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله معمولاً با چیزی شیرین افطار می فرمود و اگر فراهم نبود با آب گرم افطار می کرد و می فرمود کبد و معده را پاکیزه، و دهان را خوشبو، و دندان ها را محکم، و روشنی چشم را افزون می کند و گناهان را می شوید و رگ های هیجان زده و صفرای تحریک شده را آرامش می بخشد و حرارت معده و درد سر را تسکین می دهد». (۲)

۳. امام صادق علیه السلام: «پیامبر فرمود: هر کس روزه داری را افطار دهد، برای او مانند پاداش آن روزه دار منظور می شود، بدون اینکه از پاداش روزه دار چیزی کاسته شود و معادل پاداش کارهایی که او با نیروی این طعام انجام می دهد، به افطاردهنده می دهند. همچنین فرموده است: افطار دادن تو به برادر مؤمن و شاد کردن او، پاداش بزرگ تری از روزه تو دارد». (۳)

۴. امام صادق علیه السلام به سدیر فرمود: آیا می دانی این شب ها چه شب هایی است؟ گفت: آری، پدر و مادرم فدایت باد! این شب ها، شب های ماه رمضان است. فرمود: ای سدیر! آیا می توانی در هر شب از این شب ها ده برده از نسل اسماعیل علیه السلام آزاد کنی؟ سدیر گفت: پدر

۱- بحارالانوار، ج ۹۶، صص ۳۱۰-۳۱۳.

۲- در صفحه ۳۱۵ همان جلد بحارالانوار، به نقل از مکارم الاخلاق طبرسی آمده است.

۳- محاسن برقی، ص ۳۹۶.

ص: ۲۳۲

و مادرم فدای تو باد، ثروت من به این کار نمی رسد. امام صادق علیه السلام از شمار بردگان کم می کرد تا آنکه فرمود: آیا فقط می توانی یک برده آزاد کنی؟ سدیر همچنان می گفت نه، بر آن توانا نیستم. امام صادق علیه السلام فرمود: آیا نمی توانی در هر شب ماه رمضان یک مرد مسلمان را افطار دهی؟ سدیر گفت: آری، می توانم ده مرد را هم افطار دهم. فرمود: ای سدیر! مقصود من همین بود. همانا افطار دادن تو به برادر مسلمان، معادل آزاد کردن برده ای از نسل اسماعیل علیه السلام است و همانا افطار دادن تو به برادر مسلمان و شاد کردن او، پاداش بیشتری از روزه ات دارد. (۱)

۵. امام باقر علیه السلام در یکی از موسم های حج چون از عرفات به منی آمد و وارد مسجد خیف شد، مردم به حضورش آمدند و از شب قدر پرسیدند. امام برخاست و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: از من درباره شب قدر پرسیدید؛ از شما پنهان نمی کنم که من هم نمی دانم کدام شب از رمضان است، ولی بدانید هرکس که ماه رمضان را درک کند و سالم باشد، باید روزه بگیرد و بخشی از شب را نماز گزارد و بر نمازهای واجب خود مواظبت بیشتر کند و به نماز جمعه حاضر شود و بامداد عید فطر در نماز عید شرکت کند؛ [در این صورت] همانا شب قدر را درک، و جایزه پروردگار را دریافت کرده است. (۲)

۶. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: روزه دار تا هنگامی که از مسلمانی غیبت نکنند، در حال عبادت است؛ هرچند در بستر خود خوابیده باشد. همچنین

۱- فضائل، ص ۱۳۸، ذیل شماره ۱۴۸ و نیز در وسائل الشیعه، به نقل از روضه الواعظین آمده است.

۲- ثواب الاعمال، ص ۸۹، ذیل شماره سوم «فضائل شهر رمضان».

ص: ۲۳۳

فرمود: هر کس برای خشنودی خداوند، یک روز، روزه مستحب بگیرد، آمرزش الهی برای او واجب می شود. (۱)

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس یک روز در گرما روزه بگیرد و تشنه شود، خداوند هزار فرشته بر او می گمارد که بر چهره اش دست کشند و به او تا هنگام افطار بشارت و مژده دهند. (۲) و خداوند متعال می فرماید: چه خوش است بوی دهان تو و روح تو! ای فرشتگان من، گواه باشید که او را آمرزیدم.

۸. امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام فرمود: روزه ماه رمضان و [روزه] سه روز از هر ماه، وسوسه سینه ها را می زداید. هر کس سه روز از هر ماه روزه بگیرد، چنان است که تمام سال را روزه گرفته باشد؛ چنان که خداوند می فرماید: هر کس کار پسندیده ای انجام دهد، ده برابر آن برای اوست.

۹. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر چیز را زکاتی است و زکات بدن، روزه است. (۳)

۱۰. امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام فرمود: چه بسیار روزه گیری که از روزه خود بهره ای جز تشنگی ندارد و چه بسیار نمازگزاری که از آن بهره ای جز رنج برای او نیست. (۴)

۱- هر دو روایت به نقل از: ثواب الاعمال و امالی الصدوق ۲ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۷؛ از: ثواب الاعمال، ص ۲۴۷، ج ۹۶ بحارالانوار آمده است.

۲- ثواب الاعمال و امالی الصدوق ۲ بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۴۷

۳- گفتار حضرت امیر ۷ در صفحه ۹۷ فضائل الاشهر الثلاثه صدوق و گفتار رسول خدا ۹۱ در صفحه ۷۲ محاسن برقی آمده است.

۴- ذیل شماره ۱۳۸ کلمات قصار امیر المؤمنان ۷، در صفحه ۱۴۴ نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، چاپ ۱۳۲۸ شمسی آمده است.

ص: ۲۳۴

۱۱. امام صادق به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد! چون روزه می‌گیری، گوش و چشم و زبان و گوشت و پوست و خون و موی تو روزه بدارد و روزی که روزه می‌گیری، چون روزی که روزه نمی‌گیری نباشد. (۱) و فرموده است: همانا روزه گیر شما در باغ‌های بهشت می‌خرامد و فرشتگان تا هنگام افطار برای او دعا می‌کنند.

و ایشان همچنین فرمودند: پاداش روزه گشودن تو در خانه برادر مسلمان، هفتاد برابر یا نود برابر بیشتر از پاداش روزه تو است.

۱۲. حضرت در کلامی دیگر فرمود: خداوند را در هر شب از ماه رمضان، گروهی آزاد کرده و رسته از آتش است؛ غیر از کسی که با مواد مست کننده افطار کند. و چون شب آخر رمضان فرا می‌رسد، به اندازه همه کسانی که در طول ماه آمرزیده است، می‌آمرزد. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز مانده از شعبان، به بلال امر فرمود که ندا دهد تا مردم جمع شوند. چون مردم جمع شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله به منبر رفت و پس از حمد و ثنای خداوند، فرمود: ای مردم! این ماه که شما را فرا رسیده، برترین ماه هاست و در آن شبی قرار دارد که بهتر از هزار ماه است. در این ماه، درهای دوزخ بسته و درهای بهشت گشوده می‌شود. هر کس این ماه را دریابد و چنان رفتار نکند که آمرزیده شود، خدایش از رحمت خود دور بدارد. و هر کس امکان خدمت به پدر و مادر برایش فراهم شود و چنان رفتار نکند که آمرزیده شود، از رحمت خدا دور بادا و

۱- دو روایت نظیر این، از کتاب فقه الرضا و نوادر در صفحه ۲۹۲ جلد ۹۶ بحارالانوار آمده است.

۲- هر دو در امالی صدوق و ثواب الاعمال و امالی شیخ طوسی و به نقل از آنها در صفحات ۳۶۲ و ۳۱۳ همان جلد بحارالانوار آمده است.



ص: ۲۳۵

هرکس که نام من نزد او برده شود و بر من درود نفرستد، آمرزیده نشود و از رحمت خدا دور باد. (۱)

۱۳. امام باقر علیه السلام به جابر فرمود: ای جابر! هرکس به ماه رمضان درآید و روزش را روزه گیرد، پاره ای از شب را به عبادت سپری کند، عورت و زبانش را از گناه نگاه دارد، چشمش را از نگاه ناروا فرو هشته دارد و خویشتن را از آزارسانی به دیگران بازدارد، همانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده از گناه درآید. راوی در ادامه گوید که عرض کردم: فدایت شوم، چه نیکو حدیثی! امام علیه السلام فرمود: و چه شرط دشواری! (۲)

## نمونه های رفتاری

### اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله

۲. روزه و حرام خواری

### ۱. عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. عبادت پیامبر صلی الله علیه و آله

«پاره ای از شب، گاهی نصف، گاهی ثلث و گاهی دو ثلث شب را به عبادت می پرداخت. با اینکه تمام روزش خصوصاً در اوقات توقف در مدینه در تلاش بود، از وقت عبادتش نمی کاست. او آرامش کامل خویش را در عبادت و رازونیا با حق می یافت. عبادتش به منظور طمع بهشت و یا ترس از جهنم نبود؛ عاشقانه و سپاس گزارانه بود. روزی یکی از همسرانش گفت: تو دیگر چرا آن همه عبادت می کنی؟ تو که آمرزیده ای! جواب داد: آیا یک بنده سپاس گزار نباشم؟!»

۱- ثواب الاعمال، ص ۹۰؛ شیخ طوسی، تهذیب، ج ۱، ص ۴۰۶.

۲- محمدبن علی ابن بابویه، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه: صادق حسن زاده، ص ۱۵۵.

ص: ۲۳۶

بسیار روزه می گرفت. علاوه بر ماه رمضان و قسمتی از شعبان، یک روز در میان روزه می گرفت. دهه آخر ماه رمضان بسترش به کلی جمع می شد و در مسجد معتکف می گشت و یکسره به عبادت می پرداخت، ولی به دیگران می گفت کافی است در هر ماه سه روز روزه بگیرید. می گفت به اندازه طاقت عبادت کنید؛ بیش از ظرفیت خود بر خود تحمیل نکنید که اثر معکوس دارد. با رهبانیت و انزوا و گوشه گیری و ترک اهل و عیال مخالف بود. بعضی از اصحاب که چنین تصمیمی گرفته بودند، مورد انکار و ملامت قرار گرفتند. می فرمود: بدن شما، زن و فرزند شما و یاران شما، همه حقوقی بر شما دارند و می باید آنها را رعایت کنید.

در حال انفراد، عبادت را طول می داد؛ گاهی در حال تهجد ساعت ها سرگرم بود؛ اما در جماعت به اختصار می کوشید. رعایت حال اضعف مأمومین را لازم می شمرد و به آن توصیه می کرد» (۱).

## ۲. روزه و حرام خواری

### ۲. روزه و حرام خواری

«زنی آمد خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که روزه داشت. رسول اکرم شیر یا چیز دیگری به او تعارف کرد و فرمود: بگیر و بخور. گفت: یا رسول الله! روزه دارم. فرمود: نه، روزه نداری؛ بگیر و بخور. گفت: نه، یا رسول الله، روزه دارم! باز رسول اکرم اصرار کرد که بخور. گفت:

نه، روزه دارم، واقعاً روزه دارم! (چون به حساب خودش واقعاً روزه

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۲۵۹.

ص: ۲۳۷

داشت، ولی روزه ظاهری مثل روزه‌های ما). فرمود: تو چگونه روزه داری، حال آنکه گوشت برادر یا خواهر مؤمنت را یک ساعت پیش خوردی (غیبت کردی)؟ می‌خواهی الآن به خودت ارائه دهم که تو گوشت خورده‌ای؟ قبی کن! یکدفعه قبی کرد و لخته‌های گوشت از دهانش بیرون آمد. انسان روزه بگیرد و غیبت کند؟! یعنی دهان جسم خودش را از غذای حلال ببندد و دهان روح خود را برای غذای حرام باز کند». (۱)

## آموزه‌ها

### اشاره

آموزه‌ها

زیر فصل‌ها

۱. فلسفه روزه

۲. علامت قبولی روزه

۳. فلسفه روزه از دیدگاه شهید مطهری

۴. انسان‌سازی

### ۱. فلسفه روزه

۱. فلسفه روزه

اگر گفته شود چرا خلاق امر شده اند به گرفتن روزه، در جواب گفته می‌شود به پنج دلیل:

الف) آنکه درد گرسنگی و تشنگی را بیابند و درک کنند.

ب) آنکه با درک درد مزبور استدلال کنند بر فقر و نیاز در آخرت؛ یعنی آن را دلیل قرار دهند بر احتیاجشان در آخرت.

ج) آنکه بدین وسیله، روزه دار، خاشع و ذلیل و خاکسار و در ضمن، صاحب اجر و عارف و صابر گردد بر آنچه از ناحیه گرسنگی و تشنگی به وی متوجه می‌گردد. در نتیجه مستحق ثواب می‌شود؛ مضافاً به اینکه روزه شخص را از شهوات و میول نفسانی حفظ و نگهداری می‌کند.

د) روزه در دنیا برای روزه داران، واعظ و راضی کننده ایشان است بر ادای تکالیف و در آخرت دلیل و راهنماست.

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۳، ص ۱۰۹.

ص: ۲۳۸

ه) بدین وسیله روزه دار سختی گرسنگی و تشنگی بر اهل فقر و مسکنت را در دنیا لمس می کند و این باعث می شود که حقوق مالی و طلب فقرا را پردازد. (۱)

## ۲. علامت قبولی روزه

۲. علامت قبولی روزه

اگر ما ماه رمضان را تمام کردیم، شب های احیایی را گذرانندیم، روزه های متوالی گرفتیم و بعد از ماه رمضان احساس کردیم که بر شهواتمان بیش از گذشته مسلط هستیم، بر عصبانیت خود، بر چشم خود، بر زبان خود، بر اعضا و جوارحمان، و بالاخره بر نفس خودمان بیشتر مسلط هستیم و می توانیم نفس اماره را کنترل کنیم، نشانه قبولی روزه ماست.

## ۳. فلسفه روزه از دیدگاه شهید مطهری

۳. فلسفه روزه از دیدگاه شهید مطهری

«یک فلسفه روزه این است که انسان را از نازپروردگی خارج می کند. شما روزهای اولی که روزه می گیرید، چون ابتدای آن است که می خواهید از قانون نازپروردگی خارج بشوید، خیلی بی حال می شوید، ضعف شما را می گیرد، ولی روزهای آخر ماه می بینید با روزهایی که روزه نگرفته اید هیچ فرقی نکرده اید...»

این حماقت است که کسی بگوید روزه از نیروی کار می کاهد.

ثانیاً مگر بشر فقط باید کار بکند؟ مگر بشر یک ماشین است که حداکثر استحصال را باید از این ماشین کرد؟ مگر حیوان بارکش است؟

۱- علل الشرائع، ترجمه: محمدجواد ذهنی تهرانی، ج ۱، ص ۸۵۵.

ص: ۲۳۹

مگر بشر دل ندارد؟ مگر بشر روح ندارد؟ مگر بشر احتیاج به تقوا ندارد؟ آیا بشر فقط احتیاج به یک چیز دارد و آن کار است؟ دیگر احتیاج به آدمیت ندارد؟ احتیاج به اینکه طبیعت سرکش را رام کند ندارد؟ احتیاج به اینکه شهوات خودش را بشکند ندارد؟ احتیاج به اینکه اراده عقلانی و انسانی خودش را تقویت کند ندارد؟ همه چیز را باید از دریچه کار بینیم و کار فقط؟! بروید از ادارات راهنمایی و شهربانی پرسید که در ماه رمضان آمار جرم و جنایت چقدر کاهش پیدا می کند. ببینید در ماه رمضان چاقو کشی، آدم کشی، خرابکاری، قماربازی چقدر کمتر می شود و در مقابل، اعمال انسانی چقدر مضاعف می شود، انسانیت چقدر بالا می رود، احسان چقدر بیشتر می شود، صله ارحام چقدر زیاد می شود! اینها را هم باید در نظر بگیریم؛ فقط نگوییم نیروی کار» (۱).

#### ۴. انسان سازی

##### ۴. انسان سازی

اساساً برنامه ماه مبارک رمضان برنامه انسان سازی است که انسان های معیوب در این ماه، خود را تبدیل به انسان های سالم؛ و انسان های سالم، خود را تبدیل به انسان های کامل کنند. برنامه ماه مبارک رمضان برنامه تزکیه نفس است؛ برنامه اصلاح معایب و رفع نواقص است؛ برنامه تسلط عقل و ایمان و اراده بر شهوات نفسانی است؛ برنامه دعاست؛ برنامه پرستش حق است؛ برنامه پرواز به سوی خداست؛ برنامه ترقی دادن روح است؛ برنامه رقاء دادن روح است. اگر بنا باشد

۱- علل الشرائع، ترجمه: محمدجواد ذهنی تهرانی، ج ۲۱، ص ۶۸.

ص: ۲۴۰

که ماه مبارک بیاید و انسان سی روز گرسنگی و تشنگی و بی خوابی بکشد و مثلاً شب‌ها تا دیروقت بیدار باشد و به این مجلس و آن مجلس برود، و بعد هم عید فطر بیاید و با روز آخر شعبان یک ذره هم فرق نکرده باشد، چنین روزه‌ای برای انسان اثر ندارد. اسلام که نمی‌خواهد مردم بی جهت دهانشان را ببندند؛ بلکه با روزه گرفتن قرار است که انسان‌ها اصلاح شوند. چرا در روایات ما آمده است که بسیاری از روزه‌داران هستند که حظ و بهره آنها از روزه جز گرسنگی چیزی نیست؟ بستن دهان از غذای حلال برای این است که انسان در آن سی روز تمرین کند که زبان خود را از گفتار حرام ببندد، غیبت نکند، دروغ نگوید، فحش ندهد» (۱).

### منابع دیگر

#### منابع دیگر

احدی میرکلایی، مهدی، سیره ماه رمضان و روزه داران، قم، محمد وفایی، ۱۳۷۹.

اسحاقی، حسین، ارمغانی برای مهمانان ماه خدا، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.

شفیعی، محمد، صفای باطن در پرتو رمضان، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۱.

صافی، لطف‌الله، ماه مبارک رمضان، قم، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام، ۱۳۷۸.

صدرالسادات دزفولی، سید کاظم، اهمیت روزه و امتیازات ماه مبارک رمضان از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۷۱.

۱- علل الشرائع، ترجمه: محمدجواد ذهنی تهرانی، ج ۲۳، ص ۱۰۹.

ص: ۲۴۱

فلاحی، صفر، ضیافت الهی، زائر، ۱۳۸۶.

محمدی ری شهری، محمد، مراقبات ماه رمضان، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۴.

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ضیافت نور، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰.





ص: ۲۴۳

رهایی

اشاره

رهایی

امام علی علیه السلام: «لَمْ يُدْرِكِ النَّجَاةَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِالْحَقِّ؛ كَسَى كَهْ بِه حَقِّ عَمَلِ نَكُنْد، هِرْگَز رَهَائِي وَ نَجَاتِ نَمِي يَابَد.» (۱)

رهایی و نجات، از بحث‌های مهم جامعه انسانی است که از جنبه‌های مختلف می‌توان آن را بررسی کرد.

در دنیای امروز، مکتب‌های زیادی ادعای نجات و رهایی انسان را دارند. این مکتب‌ها با تفاسیر مختلف از جهان و انسان، برای رهایی انسان برنامه عرضه می‌کنند و معتقدند که در سایه این برنامه‌ها بشر می‌تواند به سعادت برسد و از مشکلات دنیا و آخرت نجات یابد.

برای مثال، آیین بودا، انسان را موجودی گرفتار رنج می‌داند و معتقد است که سراسر زندگی او رنج است؛ از تولد تا دوران جوانی و پیری، از ازدواج تا مرگ، از غم و غصه تا فرح و شادی، همه و همه، تجلی رنج است. در این دیدگاه، رنج نوعی بیماری است که بر انسان عارض شده و این مکتب، مدعی است که با شناسایی ریشه و علت این رنج هم‌زاد

ص: ۲۴۴

آدمی، می تواند انسان را از آن رهایی بخشد. رهایی، هدف غایی مکتب بودایی است.

اما اسلام، به عنوان آخرین دین الهی، با بیان تفسیری حقیقی از جهان و انسان و عرضه برنامه زندگی، می کوشد انسان را به سعادت حقیقی برساند. آنچه در این مقام مورد نظر است، بررسی مسئله رهایی از دیدگاه مکتب اهل بیت علیهم السلام با نگاه اخلاقی تربیتی است.

در ابتدا لازم است با طرح چند پرسش، دورنمایی از موضوع ترسیم شود.

۱. رهایی به چه معناست؟

۲. عوامل رهایی در روایات، چیست؟

۳. قرآن کریم درباره رهایی، به چه نکاتی اشاره دارد؟

۴. علمای اخلاق، مبحث رهایی را چگونه مطرح کرده اند؟

## ۱. مفهوم رهایی

۱. مفهوم رهایی

اهل لغت، واژه «رهایی» را برگردان واژه «نجات» می دانند که به معنای خلاص شدن و رها شدن از هر حادثه ای است. (۱) این رها شدن ممکن است از مشکلات و بلاهای دنیایی، مانند رهایی از سیل و طوفان و ستم بیدادگران باشد؛ یا رهایی از مشکلات روحی و روانی؛ و یا حتی رها شدن از مشکلات جسمی باشد. مهم ترین مصداق رهایی، رهایی انسان از عذاب الهی است که در قرآن و سنت به این مصداق آخرتی، توجه ویژه ای شده است.

۱- نک: التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص ۴۶.

ص: ۲۴۵

این بحث، شبیه بحث رستگاری است، اما با آن تفاوت دارد. رستگاری برگردان واژه «فلاح» یا «فوز» است، اما رهایی برگردان واژه نجات است. شاید بتوان گفت که یکی از آثار یا مصداق های نجات و رهایی، رستگاری است. رستگاری، والاتر است. در ضمن، نجات و رهایی درباره امور دنیایی و آخرتی به کار می رود، اما رستگاری ناظر بر آخرت است.

## ۲. عوامل رهایی از دیدگاه روایات

### اشاره

#### ۲. عوامل رهایی از دیدگاه روایات

در روایات، عوامل متعددی برای رهایی بیان شده است که هر یک از آنها سهم بسزایی در رهایی و نجات انسان دارد. بعضی از این عوامل به حوزه تفکر و ایمان، بعضی به حوزه اخلاق فردی، و بعضی به حوزه اخلاق اجتماعی انسان برمی گردد.

از مجموع روایات به دست می آید که رهایی و نجات انسان، تک عاملی نیست؛ بلکه مجموعه ای از عوامل باید جمع شود تا انسان بتواند به سلامت به سرمنزل مقصود برسد. این دیدگاه پیش فرض هایی دارد؛ از جمله اینکه انسان، خالقی مهربان دارد و سعادت حقیقی انسان در پیروی از دستوره های آن خالق مهربان است؛ زندگی حقیقی در جهانی دیگر است؛ و زندگی این دنیا، ارتباط مستقیم با زندگی آخرت دارد. بنابراین، یکی از پیش فرض های مهم، داشتن هدفی روشن و امیدآفرین در زندگی است؛ هدفی که به زندگی معنا ببخشد.

با این مقدمه، از دیدگاه روایات، عوامل مهم رهایی انسان را می توان به سه دسته مهم تقسیم کرد. الف) عوامل زیربنایی؛ ب) عوامل اخلاق فردی؛ ج) عوامل اخلاق اجتماعی.

ص: ۲۴۶

**الف) عوامل زیربنایی نجات و رهایی****اشاره**

الف) عوامل زیربنایی نجات و رهایی

زیر فصل ها

یک دین

دو علم و دانش

سه ایمان

چهار پیروی از حق

پنج طاعت

شش پناه بردن به پروردگار

هفت تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام

**یک دین**

یک دین

دین، به معنای راه و روش درست زندگی، از عوامل مهم و اولیه رهایی و نجات انسان است. انسان در سایه دین، هدفی برای خود ترسیم می‌کند و برای رسیدن به آن می‌کوشد. پس نخستین قدم در راه سعادت و رهایی، انتخاب دین است، اما عقل آدمی حکم می‌کند که انسان در انتخاب این مسئله مهم، دقت کافی داشته باشد. او باید دینی را برگزیند که حقیقی باشد و خاستگاه حقیقی داشته باشد؛ دینی که خاستگاه آن الهی و وحیانی باشد، به تمام ابعاد وجودی انسان توجه کند، و برای زندگی فردی و اجتماعی او برنامه داشته باشد. در سخنی از امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم: «من لا دین له، لا نجاه له؛ هر کس، دین نداشته باشد، رهایی و نجاتی برای او نیست»<sup>(۱)</sup>.

**دو علم و دانش**

## دو علم و دانش

توجه اسلام به علم و دانش، بسیار جدی است و پیروان خود را به پیروی از دانش و خرد سفارش می‌کند.

امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرماید: «ثَرَوَةُ الْعِلْمِ تُنْجِي وَ تَبْقَى؛ ثروت علم، [انسان را] رهایی می‌بخشد و باقی نگه می‌دارد».<sup>(۲)</sup>

گویی انسان برای سعادت و رهایی، به ثروت و دارایی نیاز دارد و یکی از آن دارایی‌ها، دانش است. انسان جاهل، راهی برای نجات و

---

۱- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۳۶۳، ح ۸۷۶۱.

۲- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۳، ص ۳۵۱، ح ۴۷۰۶.

ص: ۲۴۷

رهایی ندارد. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود: «کسی که علم، او را هدایت نکند، جهل، او را گمراه می سازد» (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله به یکی از اصحابش می فرماید: «ای ابن مسعود، هرگاه خواستی کاری کنی، از روی دانش و خرد باشد و از کار بدون تدبر و دانش بپرهیز...» (۲).

امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «زِيَادَةُ الْعَقْلِ تُنْجِي؛ زیادی عقل، مایه رهایی و نجات انسان است» (۳).

### سه ایمان

سه ایمان

امیر مؤمنان در سخنی کوتاه، اما زیبا و پرمعنا می فرماید: «الایمانُ نَجَاةٌ؛ ایمان، نجات است» (۴). حضرت نمی فرماید ایمان سبب نجات است، بلکه می فرماید ایمان (حقیقت ایمان) خود نجات است. بنابراین، نجات و رهایی، یعنی ایمان. ایمان به خدا، وحی و قیامت، عین رهایی و نجات است.

### چهار پیروی از حق

چهار پیروی از حق

علم و دانش که از عوامل نجات و رهایی برشمرده شده، به دلیل آن است که روشنی بخش است و در پرتو روشنایی دانش، حق آشکار می شود، اما این مقدار برای رهایی و نجات انسان کافی نیست، بلکه پس

۱- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۲۴۶، ح ۸۱۹۲.

۲- مکارم الاخلاق، ص ۴۵۸.

۳- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۱۱۲، ح ۵۴۸۴.

۴- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۸۵.

ص: ۲۴۸

از شناخت حق، پیروی لازم است. پیروی از حق است که برای انسان، رهایی به ارمغان می آورد.

حضرت امیر، علی علیه السلام می فرماید: «کسی که به حق عمل نکند، هرگز رهایی و نجات نمی یابد.» (۱) و «کسی که حق، او را نجات ندهد، [حتماً] باطل، او را به هلاکت می رساند.» (۲)

### پنج طاعت

#### پنج طاعت

طاعت و فرمان برداری، در مقابل معصیت و نافرمانی است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام یکی از عوامل نجات و رهایی انسان را طاعت و بندگی می داند و می فرماید: «الطاعة تُنجي، المعصية تُردى؛ فرمان برداری، [عامل] نجات و رهایی انسان است، [اما] نافرمانی، [عامل] هلاکت و نابودی.» (۳)

البته خداوند در آیه ۵۹ سوره نساء این طاعت و بندگی را توضیح می دهد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر خدا و اولو الامر [اوصیای پیامبر] را اطاعت کنید و هر گاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آنها داوری بطلبید] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید! این [کار] برای شما بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است.

۱- غررالحکم، ح ۷۴۳۰.

۲- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۲۴۶، ح ۸۱۹۱.

۳- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۳۳، ح ۸۸.



ص: ۲۴۹

**نشش پناه بردن به پروردگار**

نشش پناه بردن به پروردگار

رسول خدا صلی الله علیه و آله راه نجات و رهایی انسان را توسل و پناه بردن به خدا معرفی می کند و می فرماید: «کسی نجات و خلاصی پیدا نمی کند، مگر آنکه از روی صدق و اخلاص، متوسل و پناهنده به پروردگار متعال گردد».<sup>(۱)</sup>

امیر مؤمنان، علی علیه السلام نیز می فرماید: «مَنْ اعْتَصَمَ بِاللهِ نَجَّاهُ؛ هر کس به خدا متوسل شود و به او چنگ زند، خداوند او را رهایی بخشد».<sup>(۲)</sup>

**هفت تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام**

هفت تمسک به قرآن و اهل بیت علیهم السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی متواتر فرمود: «من در حالی شما را ترک می کنم که دو چیز گران بها در میان شما به جا می گذارم: کتاب خدا (قرآن) و عترتم (اهل بیت)؛ تا زمانی که به این دو تمسک جویند، هرگز گمراه نمی شوید».<sup>(۳)</sup> و همچنین فرمود: «مثل و جایگاه اهل بیت من، مانند مثل و جایگاه کشتی نوح است. هر کس سوار این کشتی شود، نجات یابد و هر کس تخلف کند و سوار کشتی اهل بیت نشود، غرق و هلاک خواهد شد».<sup>(۴)</sup>

**(ب) عوامل فردی****اشاره**

(ب) عوامل فردی

در روایات، در کنار عوامل اساسی و زیربنایی یادشده، به برخی خلق و خویهای فردی و اجتماعی نیز اشاره شده است که در مقام عامل نجات و

۱- مصباح الشریعه، ترجمه: حسن مصطفوی، ص ۱۱۴.

۲- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۱۷۱، ح ۷۸۲۶.

۳- محمد حسینی همدانی نجفی، درخشان پرتوی از اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۵.

۴- محمد حسینی همدانی نجفی، درخشان پرتوی از اصول کافی، ج ۲، ص ۲۳۵.

ص: ۲۵۰

رهايي انسان، نقش آفريني مي کنند. از جمله خلق و خواهی فردی عبارتند از:

### یک سه خصلت رهایی بخش

یک سه خصلت رهایی بخش

در روایات، سه خلق و خو، عامل خلاصی و رهایی معرفی شده است که عبارتند از: ترس از خدا در نهان و آشکار؛ میانه روی در توانگری و تهیدستی؛ و حق گویی در خشم و خشنودی. (۱)

در برخی روایات به جای حق گویی در خشم و خشنودی، عدالت ورزی در خشم و خشنودی بیان شده است. (۲)

### دو سکوت

دو سکوت

یکی از عواملی که انسان را به وادی هلاک و نابودی نزدیک می کند، زبان است؛ چنان که ضرب المثل شده است: «زبان سرخ، سر سبز می دهد بر باد».

آفت های مختلفی برای زبان در کتاب و سنت معرفی شده است که معمولاً همه از پرحرفی سرچشمه می گیرد و راه چاره آنها همان است که روایات به آن تصریح کرده اند. صمت و سکوت، از عوامل مهم نجات و رهایی انسان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ صَمَّتْ نَجَى؛ هر کس سکوت را برگزید، رهایی یافت». (۳)

۱- مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۲۶۵۶.

۲- دفاع از تشیع (ترجمه الفصول المختاره للمفید)، ص ۶۳۸.

۳- شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ۹، ص ۱۴۰، ح ۲۶۴).

ص: ۲۵۱

در ترجمه و توضیح این روایت نوشته اند: «هر که خاموش شد، برست. آورده اند که عافیت ده است؛ نه در خاموشی، الا از ذکر خدای تعالی و یکی در جدایی جستن است از مردم، خاصه از آنکه سفیه و نادان باشد.

و حکیمان گفته اند که خاموشی، سرای سلامت است و اصل ایمان است و تاج مؤمن است و زینت مردمان است و حصن بی نگهبان است و عبادت بی رنج است و راحت کرام الکااتبین است و رضای خدای تعالی. و از بلاها برستن است و هیبت است اگر پادشاهیش نبود. خاموشی، عیب ها بپوشاند و کس را از عذر خواستن بی نیاز کند و در آخرت حسابش سهل گرداند و از آتش برهاند و به بهشت برساند.» (۱) خوب است که این سخن امام صادق علیه السلام همیشه به خاطر بسپاریم که فرمود: «بنده مؤمن تا زمانی که ساکت باشد، پیوسته نامش به عنوان انسان نیکوکار ثبت می شود و هرگاه سخن گفت (می تواند) نیکوکار یا گناهکار ثبت شود.» (۲)

### سه صبر و تقوا

سه صبر و تقوا

صبر و تقوا، از دیگر عوامل مهم نجات و رهایی معرفی شده است. امیر مؤمنان درباره تقوا تعبیر رسایی دارد و می فرماید: «إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ... نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ...؛ پرهیزکاری، مایه نجات و رهایی انسان از هر هلاکتی است.» (۳)

۱- شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ۹، ص ۱۴۰، ح ۲۶۴.

۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۶۴.

۳- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالكلم، ج ۲، ص ۵۹۷، ح ۳۶۲۶.

ص: ۲۵۲

صبر و مقاومت، به ویژه صبر بر بلاها و مصیبت‌ها نیز از عوامل مهم نجات و رهایی معرفی شده است. امیر مؤمنان، علی علیه السلام، فرمودند: «من لم بنجحه الصبر، أهلكه الجزع؛ کسی که صبر، او را نجات نبخشد، جزع، بی قراری و ناشکیبایی، او را هلاک گرداند».<sup>(۱)</sup>

### چهار نماز شب

چهار نماز شب

امام صادق علیه السلام، هنگامی که از عوامل رهایی انسان، سخن می‌گفت، فرمود: «الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ؛ نماز شب هنگامی که مردم خوابند».<sup>(۲)</sup>

### ج) عوامل اجتماعی

ج) عوامل اجتماعی

از رفتارهای اجتماعی که عامل رهایی انسان معرفی شده‌اند، می‌توان به دو عامل مهم اشاره کرد: توجه به مردم، به ویژه فقرا و انفاق در راه خدا؛ خوش اخلاقی.

«به عنوان تواتر منقول است از حضرت سید المرسلین و ائمه صادقین صلوات الله علیهم که عمده افعالی که سبب نجات است، طعام دادن است به همه کس [مخصوصاً] فقرا و مساکین و به غرباء و به همه کس سلام کردن...».<sup>(۳)</sup>

در روایتی از امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام، می‌خوانیم: «بیشترین چیزی که مردم را به بهشت می‌برد، تقوا و خوش خلقی است و بهترین نعمتی که به انسان داده شده، اخلاق نیکوست و بهترین توشه

۱- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۲۴۷، ح ۸۱۹۵.

۲- لوامع صاحبقرانی، مشهور به: شرح فقیه، ج ۶، ص ۷۵.

۳- لوامع صاحبقرانی، مشهور به: شرح فقیه، ج ۶، ص ۷۵.

ص: ۲۵۳

آخرت، تقوا است و بهترین سخنان، گفتاری است که با کردار همراه باشد» (۱).

### ۳. رهایی در قرآن کریم

#### اشاره

۳. رهایی در قرآن کریم

روشن شد که رهایی به معنای خلاص شدن است. اولین پرسشی که به ذهن می رسد این است که رهایی و خلاصی از چه چیزی؟ متعلق این رهایی چیست؟ انسان باید گرفتار چیزی باشد تا رهایی و خلاصی معنا پیدا کند. با بررسی واژه نجات و مشتقات آن که بیش از نود بار در قرآن کریم استفاده شده است، می توان گفت که مسئله رهایی و خلاص شدن در دو حوزه مصداق پیدا می کند: در زندگی دنیوی و در زندگی آخرت. به بیان دیگر، قرآن به همه مصداق های رهایی توجه دارد. در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می شود.

#### الف) مصداق های رهایی در قرآن کریم

#### اشاره

الف) مصداق های رهایی در قرآن کریم

زیر فصل ها

یک رهایی از ستم

دو رهایی از حوادث طبیعی

سه رهایی از غم و اندوه

چهار رهایی از جهنم

#### یک رهایی از ستم

یک رهایی از ستم

خداوند آنجا که داستان بنی اسرائیل و آل فرعون را نقل می کند، وضعیت بنی اسرائیل را چنین به تصویر می کشد که این قوم زیر شکنجه های سخت قرار داشتند. فرعونیان، پسران آنان را سر می بریدند و زن هایشان را زنده نگه می داشتند و... خداوند رحمت

خویش را شامل آنها می سازد و با هدایت حضرت موسی علیه السلام، آنان را از ستم فرعون رهایی می بخشد:

۱- إرشاد القلوب، ترجمه: علی سلگی نهاوندی، ج ۱، ص ۴۹۹.

ص: ۲۵۴

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبُّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ. (بقره: ۴۹)

و [نیز به یاد آورید] آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم؛ که همواره شما را به بدترین صورت آزار می دادند؛ پسران شما را سر می بریدند و زنان شما را [برای کنیزی] زنده نگه می داشتند و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود.

### دو رهایی از حوادث طبیعی

دو رهایی از حوادث طبیعی

«وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا- إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّيْنَاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا؛ و چون در دریا به شما صدمه ای برسد، هر کس را جز او می خوانید ناپدید [و فراموش] می گردد، و چون [خدا] شما را به سوی خشکی رها کند، روی گردان می شوید و انسان همواره ناسپاس است». (اسراء: ۶۷)

مهم ترین نعمت خدا به انسان، نعمت وجود و حیات است. انسان ها گاهی به این نعمت توجه ندارند، اما وقتی به واسطه حوادثی در معرض مرگ قرار می گیرند، متوجه این نعمت می شوند. خداوند در قرآن کریم، این حالت انسانی را هنگام سفر دریایی به تصویر می کشد که انسان کشتی شکسته و گرفتار آب خروشان دریا، خود را در آستانه هلاکت می بیند؛ اما در همان حالت، امید به نجات دارد. بنابراین، خدا را برای نجات خود می خواهد. خداوند هم گاهی چنین انسان های مضطرب را از بلا رهایی می بخشد.

ص: ۲۵۵

**سه رهایی از غم و اندوه**

سه رهایی از غم و اندوه

بعضی از غم‌ها چنان سخت است که گویی انسان را در درون خود به بند می‌کشد و رهایی از این نوع زندان، آرزوی انسان می‌شود. در قرآن کریم، خداوند حکیم قادر، عامل رهایی انسان از انواع تاریکی‌ها و غم و اندوه‌ها معرفی شده است.

«قُلِ اللَّهُ يُجِيبُكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ؛ بگو خداوند، شما را از اینها و از هر مشکل و ناراحتی نجات می‌دهد؛ باز هم شما برای او شریک قرار می‌دهید (و راه کفر می‌پوید.)». (انعام: ۶۴)

**چهار رهایی از جهنم**

چهار رهایی از جهنم

مهم‌ترین رهایی، رهایی انسان از عذاب جهنم است. خداوند حکیم می‌فرماید: «آنگاه کسانی را که پرهیزکار بوده‌اند، می‌رهانیم و ستمگران را که به زانو درافتاده‌اند، در دوزخ وامی‌گذاریم.» (مریم: ۷۲)

دانستن عوامل نجات و رهایی از این نظر مهم است که انسان با تمسک به آنها، می‌تواند خود را از انواع بلاها و رنج‌ها برهاند.

**(ب) مهم‌ترین عوامل رهایی از دیدگاه قرآن کریم****اشاره**

(ب) مهم‌ترین عوامل رهایی از دیدگاه قرآن کریم

عوامل رهایی را باید در عقیده و رفتار آدمی جست‌وجو کرد. خداوند در قرآن کریم به طور روشن به این عوامل اشاره می‌کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. (صف: ۱۰ و ۱۱)



ص: ۲۵۶

ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک رهایی می بخشد؟! به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما (از هر چیز) بهتر است اگر بدانید!

با توجه به این آیه مهم ترین عوامل نجات و رهایی انسان، عبارتند از:

### یک ایمان به خدا و رسول صلی الله علیه و آله

یک ایمان به خدا و رسول صلی الله علیه و آله

خداوند در این آیه، خطاب به مؤمنان می فرماید: آیا می خواهید راه رهایی را به شما نشان دهم؟ شما ای اهل ایمان، به خدا و رسول او ایمان بیاورید.

شبهه آیه ای که می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا. (نساء: ۱۳۶)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبرش، و کتابی که بر او نازل کرده، و کتاب های [آسمانی] که پیش از این فرستاده است، ایمان [واقعی] بیاورید. کسی که خدا و فرشتگان او و کتاب ها و پیامبرانش و روز واپسین را انکار کند، در گمراهی دور و درازی افتاده است.

پس شرط اول نجات و رهایی نهایی، ایمان به خدا، ایمان به پیامبران، ایمان به کتاب های آسمانی و ایمان به غیب است.

ص: ۲۵۷

**دو جهاد در راه خدا**

دو جهاد در راه خدا

ایمان به خدا، پیامبر و قیامت، باید در رفتار و کردار انسان تجلی یابد. یکی از مهم ترین تجلی های آن، جهاد در راه خداست. انسان مؤمن که خواستار نجات است، باید با جان و مال خود از دین خدا دفاع کند.

**سه تقوا**

سه تقوا

خداوند در آیات دیگر، وقتی از نجات و رهایی اهل ایمان سخن می گوید، به تقوا اشاره می کند:

«وَأُنَجِّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ؛ و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، رهانیدیم». (نمل: ۵۳)

«وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ و خداوند، کسانی را که تقوا پیشه کردند با رستگاری رهایی می بخشد؛ هیچ بدی به آنان نمی رسد و هرگز غمگین نخواهند شد». (زمر: ۶۱)

**چهار دعا**

چهار دعا

خدا را خالصانه و با دل پاک خواندن، عامل جلب رحمت الهی است. در آیه ۲۲ سوره یونس، خداوند چنین معرفی شده است:

او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد. زمانی که در کشتی قرار می گیرید و بادهای موافق، آنان را [به سوی مقصد] حرکت می دهد و خوشحال می شوند، ناگهان طوفان شدیدی می وزد و امواج از هر سو به سراغ آنها می آید و گمان می کنند هلاک خواهند شد. در آن هنگام، خدا را از روی

ص: ۲۵۸

اخلاص می خوانند که اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاس گزاران خواهیم بود.

خداوند به این دعای پاک دلانه و مخلصانه پاسخ می دهد و انسان را از مشکلات رهایی می بخشد. هرچند عده ای بعد از نجات و رهایی، ناسپاسی می کنند.

#### ۴. عوامل رهایی بخش در کتاب های اخلاق

##### اشاره

۴. عوامل رهایی بخش در کتاب های اخلاق

هدف علمای اخلاق از طرح مباحث مختلف اخلاقی، رهایی و نجات انسان از خلق و خوهای پست و بی ارزش، و نشان دادن راه آراسته شدن به خلق و خوهای زیبا و متعالی است.

در این میان، ابوحامد محمد غزالی طوسی، صاحب کتاب کیمیای سعادت، بخشی از این کتاب را به «منجیات» یعنی «عوامل رهایی انسان» اختصاص داده است. نویسنده، کتاب را به چهار رکن، تقسیم کرده است: رکن اول: عبادات؛ رکن دوم: معاملات؛ رکن سوم: مهلکات (عوامل هلاک کننده انسان)؛ و رکن چهارم: منجیات یا عوامل رهایی بخش آدمی.

وی در بحث عوامل رهایی بخش و به تعبیر او منجیات، به ده اصل یا عامل مهم رهایی اشاره می کند:

##### الف) توبه

الف) توبه

نویسنده در توضیح این عامل می نویسد: «بدان که توبه، بازگشتن با خدای تعالی است. اول قدم مریدان است و بدایت راه سالکان و هیچ آدمی را از این چاره نیست... بدان که خدای تعالی، همه مؤمنان را و همه

ص: ۲۵۹

خلق را به توبه [امر] فرموده است و گفته: «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۱)...» (۲).

### ب) صبر و شکر

ب) صبر و شکر

«بدان که توبه بی صبر، راست نیاید. بلکه گزاردن هیچ طاعت و بگذاشتن هیچ معصیت، بی صبر راست نیاید؛ و برای این بود که رسول صلی الله علیه و آله را پرسیدند که ایمان چیست؟ گفت: صبر. و در خبری دیگر، گفت که صبر یک نیمه ایمان است و به سبب بزرگی صبر است که خدای تعالی در قرآن زیادت از هفتاد جای، صبر را یاد کرده است، تا امامت اندر راه دین با صبر حوالت کرد و گفت: وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۳). و مزدی بی نهایت و بی حساب با صبر حوالت کرد و گفت: إِنَّمَا يُوفِّي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (۴). و صابران را وعده داد بدان که او با ایشان است و گفت: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۵). و صلوات و رحمت و هدایت، هر سه، هیچ کس را جمع نکرد، مگر صابران را؛ گفت: أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ (۶)...» (۷).

سپس درباره شکر می نویسد: «بدان که شکر مقامی بزرگ است و

۱- نور: ۳۱.

۲- ابو حامد محمد غزالی طوسی، کیمیای سعادت، به کوشش: حسین خدیو جم، ج ۲، ص ۳۱۸.

۳- سجده: ۲۴.

۴- زمر: ۱۰.

۵- بقره: ۱۵۳.

۶- بقره: ۱۵۷.

۷- کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۲۴۳.

ص: ۲۶۰

درجه ای بلند و هرکس، به حقیقت آن نرسد و برای این گفت: وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (۱)، (۲)

### ج) خوف و رجا

ج) خوف و رجا

«بدان که خوف و رجا همچون دو جناحند. سالک راه را که به همه مقام های محمود که رسد، به قوت می رسد» (۳)

### د) فقر و زهد

د) فقر و زهد

«بدان که مدار راه دین، بر چهار اصل است که در عنوان مسلمانی گفته ایم: نفس تو، حق تعالی و دنیا و آخرت. و از این چهار، دو جُستنی است و دو جُستنی. جُستن از نفس خود برای جُستن حق تعالی و جُستن از دنیا، برای جُستن آخرت. پس تو را روی از نفس خود به حق تعالی می باید آورد و روی از دنیا به آخرت می باید آورد و صبر و خوف و توبه، همه مقدمات این است و دوستی دنیا از مهلکات است... و دشمنی وی و بریدن از وی از منجیات است... و عبارت از این فقر و زهد است...» (۴)

### ه) نیت و صدق و اخلاص

ه) نیت و صدق و اخلاص

«بدان که اهل بصیرت را مکشوف شده است که خلق همه هلاک شده اند، اَلَّا عابِدَان؛ و عابِدَان همه هلاک شده اند، اَلَّا عالمان؛ و عالمان

۱- سبأ: ۱۳.

۲- کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳- کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۲۵۶.

۴- کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۴۱۹.

ص: ۲۶۱

هلاک شده اند، آلا عاملان؛ و عاملان هلاک شده اند، آلا مخلصان؛ و مخلصان بر خطر عظیمند. پس بی اخلاص، همه رنج ها ضایع است و اخلاص و صدق، جز در نیت نباشد». (۱)

### و) محاسبه و مراقبت

و) محاسبه و مراقبت

«بدان که خدای تعالی می گوید: روز قیامت ترازوها راست بنهیم و بر هیچ کس ظلم نکنیم و هر که مثقال یک حبه خیر کرده است یا شرّ، بیاوریم و در ترازو نهیم و حساب خلائق را مکافات کنیم و ما کفایتیم: وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا. (۲) پس چون این وعده بداد، خلق را بفرمود تا در این جهان در حساب خویش نظر کنند و گفت: وَ لَتُنظُرَنَّ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. (۳) و در خبر است که عاقل آن بود که وی را چهار ساعت بود: ساعتی بود که حساب خویش بکند و ساعتی که با حق تعالی مناجات کند و ساعتی که تدبیر معاش خویش کند و ساعتی که بدانچه وی را از دنیا مباح بکرده اند، برآساید...». (۴)

### ز) تفکر

ز) تفکر

«بدان که رسول صلی الله علیه و آله گفته است: تفکر ساعه خیر من عباده سنه، یک ساعت تفکر، بهتر از یک سال عبادت است و در قرآن جای های بسیار به تفکر و تدبر و نظر و اعتبار، [امر] فرموده است...». (۵)

۱- کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۴۵۳.

۲- انبیاء: ۴۷.

۳- حشر: ۱۸.

۴- کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۴۸۳.

۵- کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۵۰۳.

ص: ۲۶۲

تفکر درباره کارهای خداوند حکیم و تفکر درباره افعال و کارهای خود؛ یعنی پیش از انجام دادن هر کاری، درباره سرانجام آن تدبیر کنیم؛ اگر مایه هدایت بود انجام دهیم و اگر مایه گمراهی بود، از آن پرهیزیم.

شهید مطهری فرموده است: قرآن کریم سه موضوع برای تفکر مفید و سودمند ارائه می دهد:

۱. طبیعت؛ ۲. تاریخ؛ ۳. ضمیر انسان... از نظر قرآن، سراسر خلقت، آیات الهی و علایم و نشانه هایی برای کشف حقیقت است. قرآن از جهان خارج انسان به «آفاق» و از جهان درون انسان به «انفس» تعبیر می کند. (۱)

### ح) توحید و توکل

ح) توحید و توکل

«بدان که توکل از جمله مقامات مقربان است... خدای تعالی، همه را به توکل [امر] فرمود و آن شرط ایمان کرد و گفت: وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲) و گفت: خدای تعالی متوکلان را دوست دارد: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۳) و گفت: هر که به وی توکل کند، وی بسنده است: وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ (۴)». (۵)

### ط) محبت و شوق و رضا

ط) محبت و شوق و رضا

«بدان که دوستی خدای تعالی، عالی ترین مقامات است. بلکه مقصود همه مقامات این است... در خبر است که ملک الموت چون جان خلیل علیه السلام

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲، ص ۷۲.

۲- مائده: ۲۳.

۳- آل عمران: ۱۵۹.

۴- طلاق: ۳.

۵- کیمیای سعادت، ص ۵۲۷.

ص: ۲۶۳

می برگرفت، گفت: هرگز دیدی که خلیل، جان خلیل را بستاند؟ وحی آمد به وی که هرگز دیدی که خلیل دیدار خلیل را کاره بُود؟ گفت: اکنون جان برگیر که رضا دادم. و در دعای رسول صلی الله علیه و آله است که گفت: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ أَحَبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يَقْرُبُنِي إِلَى حُبِّكَ وَ اجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ. گفت: بارخدا یا مرا روزی کن دوستی خویش و دوستی دوستان خویش و دوستی هر چیزی که مرا به دوستی تو نزدیک گرداند و دوستی خود بر من دوست تر گردان از آب سرد بر تشنه...» (۱).

### ی یاد کردن مرگ

ی یاد کردن مرگ

«بدان که هر که بشناخت که آخر کار وی به همه حال، مرگ است و قرارگاه وی گور است و موکل وی منکر و نکیر است و موعد وی قیامت است و مورد وی بهشت است یا دوزخ است، نعوذ بالله هیچ اندیشه وی را مهم تر از اندیشه مرگ نبود و هیچ تدبیر او را غالب تر از تدبیر زاد مرگ نبود اگر عاقل بود. چنان که رسول صلی الله علیه و آله گفت: أَلَكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعَدَ الْمَوْتِ...» (۲).

### کلبانگ حدیث

کلبانگ حدیث

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ، ثَلَاثٌ دَرَجَاتٌ، وَ ثَلَاثٌ كَفَّارَاتٌ، وَ ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ، وَ

۱- کیمیای سعادت، ص ۵۷۰.

۲- کیمیای سعادت، ص ۶۱۳.



ص: ۲۶۴

ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ: ..... اما الْمُنْجِيَاتُ: فَخَوْفُ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَكَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَالسُّخْطِ. (۱)

ای علی! سه چیز، درجه است و سه چیز کفاره و سه هلاکت کننده و سه نجات بخش: ... و آن نجات بخش ها عبارتند از: ترس از خدا در آشکار و نهان، میانه روی در توانگری و تهی دستی، و حق گویی در خشم و خشنودی.

۲. امام علی علیه السلام: «لَنْ يُدْرِكَ النَّجَاةَ مَنْ لَمْ يَعْمَلْ بِالْحَقِّ؛ كَسَى كَهْ بِه حَقِّ عَمَلٍ نَكَنْد، هَرْكَزِ نَجَاتٍ نَمِي يَابِد».

۳. امام علی علیه السلام: «مَنْ لَا دِينَ لَهُ لَا نَجَاةَ لَهُ؛ كَسَى كَه دِينَ نَدَارِد، هِيچ رَاهِ نَجَاتِي نَدَارِد» (۲).

۴. امام علی علیه السلام: «مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ؛ هَرْكَسِ رَا شَكِييَايِي نَرْهَانِد، نَاشَكِييِي نَابُودِ كَنْد» (۳).

۵. امام صادق علیه السلام: «إِنِّي لَأَرْجُو النَّجَاةَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ لِمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا مِنْهُمْ؛ إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةً: صَاحِبِ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، وَصَاحِبِ هَوَى، وَفَاسِقِ الْمُعَلِّينِ؛ مَنْ بَرَى كَسَانِي أَرْيَنِ أَمْتِ كَه حَقِّ (مَقَام) مَا رَا بَشَنَاسَنْدِ أَمِيدِ رَسْتَنِ دَارِم، مَكْرَ بَرَى سَهِ نَفْر: دَوْلْتَمَرِدِ سْتَمَكْر، كَسَى كَه پيروِ هَوَايِ نَفْسِ خُودِ اسْتِ وَ كَسَى كَه آشكارا گناه می کند» (۴).

امام علی علیه السلام: «إِذَا صَعِدَتْ رُوحُ الْمُؤْمِنِ إِلَى السَّمَاءِ تَعَجَّبَتِ الْمَلَائِكَةُ وَقَالَتْ:

۱- مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۲۵، ح ۲۶۵۶.

۲- غررالحکم، ح ۸۷۶۱.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۸۹.

۴- الخصال، ص ۱۱۹، ح ۱۰۷.

ص: ۲۶۵

عَجَبًا! كَيْفَ نَجَا مِنْ دَارٍ فَسَدَ فِيهَا خَيْرُهَا؟!؛ آنگاه که روح مؤمن به آسمان بالا رود، فرشتگان تعجب کنند و گویند: شگفتا! چگونه از سرایی که نیکان ما در آن تباہ شدند، نجات یافت؟! (۱).

الإمامُ زَيْنُ العابدِينَ عليه السلام لَمَّا سَمِعَ قَوْلَ الحَسَنِ البَصْرِيِّ: لَيْسَ العَجَبُ مِمَّنْ هَلَكَ كَيْفَ هَلَكَ، و إنما العَجَبُ مِمَّنْ نَجَا كَيْفَ نَجَا: أنا أقول: لَيْسَ العَجَبُ مِمَّنْ نَجَا كَيْفَ نَجَا، و اما العَجَبُ مِمَّنْ هَلَكَ كَيْفَ هَلَكَ مَعَ سَعَةِ رَحْمَةِ اللَّهِ؟! (۲).

امام زین العابدین علیه السلام چون شنید که حسن بصری می گوید: اگر کسی هلاک شود جای تعجب ندارد که چرا هلاک شده است، بلکه اگر کسی نجات یابد تعجب دارد که چگونه نجات یافته است فرموده: اما من می گویم اگر کسی نجات یابد جای تعجب ندارد که چگونه نجات یافته است، بلکه اگر کسی هلاک شود جای تعجب دارد که با وجود رحمت گسترده خداوند چگونه به هلاکت درافتاده است؟!»

## نمونه های رفتاری

### اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. دو رکن اساسی رهایی

۲. محبت به کافر

۳. رهایی از فقر

۴. رهایی در گرو عمل صالح و اطاعت از خداوند

۵. ترحم به حیوانات

### ۱. دو رکن اساسی رهایی

۱. دو رکن اساسی رهایی

«رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه ای که در اواخر عمر شریفشان برای مسلمین ایراد فرمودند، این نکته را گوشزد فرمودند که برای نجات و رستگاری، دو عامل و دو رکن اساسی وجود دارد: عمل و رحمت. قسمتی از آن خطبه این است:

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۳، ح ۱۷.

ص: ۲۶۶

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ أَحَدٍ نَسَبٌ وَلَا أَمْرٌ يُؤْتِيهِ بِهِ خَيْرًا أَوْ يَصْرِفُ عَنْهُ شَرًّا إِلَّا الْعَمَلُ، أَلَا لَا يَدْعِينَّ مُدَّعٍ وَلَا يَتَمَنَّيَنَّ مُتَمَنَّ. وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ لَا يُنْجِي إِلَّا عَمَلٌ مَعَ رَحْمَةٍ، وَلَا كَوْعَصِيَّتُ لَهْوِيَّتُ. اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغْتَ؟

ای مردم! بین خدا و هیچ کس رابطه خویشاوندی نیست و هیچ رابطه دیگری هم که موجب جلب منفعت یا دفع ضرر شود وجود ندارد جز عمل. بنگرید! هیچ کس ادعای گزاف نکند! هیچ کس آرزوی خام در دل نپرورد! قسم به خدایی که مرا به راستی برانگیخت، چیزی جز عمل توأم با رحمت خدا سبب رستگاری نمی گردد؛ من خودم هم اگر گناه می کردم، سقوط کرده بودم.

آنگاه فرمود: خدایا آیا تبلیغ کردم؟

رمز مغفرت خواهی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سایر انبیا و ائمه معصومان علیهم السلام نیز در همان عمومیت و شمول اصل مغفرت است و در حقیقت می توان گفت که هر کس مقرب تر است، از این اصل بیشتر استفاده می کند و به طور کلی هر کس قربش بیشتر است، از اسماء حسناى الهی و صفات کمال او بیشتر از دیگران استضاءه می نماید» (۱).

## ۲. محبت به کافر

۲. محبت به کافر

«حضرت صادق در راه سفر، کسی را در کنار جاده و در زیر سایه یا کنار درختی دیدند که خودش را به یک وضعی انداخته که معلوم است که ناراحت است و حالش حال عادی نیست. به کسی که همراهش بود

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص ۲۵۸.

ص: ۲۶۷

فرمودند: برویم این طرف، گویا این مرد گرفتاری دارد. هیچ صدایش هم در نمی‌آمد که از کسی استمداد کند.

رفتند و مردی را دیدند که از لباسش شناخته می‌شد که مسلمان نیست و غیرمسلمان است. طیلسانی داشت و... (لباس‌های مخصوصی می‌پوشیدند که از آن لباس شناخته می‌شدند). معلوم شد که بیچاره در این بیابان، تنها و تشنه و گرسنه گرفتار شده است. حضرت فوراً دستور دادند [که به او آب و غذا بدهند] و خلاصه نجاتش دادند. آن شخصی که همراه حضرت بود گفت: آخر این کافر است، مگر ما به کافر هم می‌توانیم محبت کنیم؟! فرمودند: بله، صَرف محبت که فقط خیری به این آدم می‌رسد، اینکه دیگر به جایی ضرر نمی‌زند. آیا اگر به این محبت کنید، به مسلمین دشمنی کرده‌اید؟ نه. در این گونه موارد باید هم محبت کرد». (۱)

### ۳. رهایی از فقر

۳. رهایی از فقر

«به گذشته پر مشقت خویش می‌اندیشید؛ به یادش می‌افتاد که چه روزهای تلخ و پرمراتی را پشت سر گذاشته؛ روزهایی که حتی قادر نبود قوت روزانه زن و کودکان معصومش را فراهم نماید. با خود فکر می‌کرد که چگونه یک جمله کوتاه، فقط یک جمله؛ که در سه نوبت پرده گوشش را نواخت، به روحش نیرو داد و مسیر زندگانی اش را عوض کرد و او و خانواده اش را از فقر و نکبتی که گرفتار آن بودند، نجات داد.

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۷۵۴.

ص: ۲۶۸

او یکی از صحابه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. فقر و تنگدستی بر او چیره شده بود. در یک روز که حس کرد دیگر کارد به استخوانش رسیده، با مشورت و پیشنهاد زنش تصمیم گرفت برود و وضع خود را برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله شرح دهد و از آن حضرت استمداد مالی کند.

با همین نیت رفت، ولی قبل از آنکه حاجت خود را بگوید، این جمله از زبان رسول اکرم صلی الله علیه و آله به گوشش خورد: «هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می کنیم، ولی اگر کسی بی نیازی بورزد و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی نیاز می کند.» آن روز چیزی نگفت و به خانه خویش برگشت. باز با هیولای مهیب فقر که همچنان بر خانه اش سایه افکنده بود روبه رو شد. ناچار روز دیگر به همان نیت به مجلس رسول اکرم صلی الله علیه و آله حاضر شد. آن روز هم همان جمله را از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنید: «هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می کنیم، ولی اگر کسی بی نیازی بورزد خداوند او را بی نیاز می کند.» این دفعه نیز بدون اینکه حاجت خود را بگوید به خانه خویش برگشت. و چون خود را همچنان در چنگال فقر، ضعیف و بیچاره و ناتوان می دید، برای سومین بار به همان نیت به مجلس رسول اکرم صلی الله علیه و آله رفت. باز هم لب های رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حرکت آمد و با همان آهنگ که به دل قوت و به روح اطمینان می بخشید همان جمله را تکرار کرد.

این بار که آن جمله را شنید، اطمینان بیشتری در قلب خود احساس کرد. حس کرد که کلید مشکل خویش را در همین جمله یافته است. وقتی که خارج شد، با قدم های مطمئن تری راه می رفت. با خود فکر می کرد که دیگر هرگز به دنبال کمک و مساعدت بندگان نخواهم رفت. به خدا تکیه می کنم و از نیرو و استعدادی که در وجود خودم به ودیعت

ص: ۲۶۹

گذاشته شده استفاده می‌کنم و از او می‌خواهم که مرا در کاری که [در] پیش می‌گیرم موفق گرداند و مرا بی‌نیاز سازد.

با خودش فکر کرد که از من چه کاری ساخته است؟ به نظرش رسید عجالتاً این قدر از او ساخته هست که برود به صحرا و هیزمی جمع کند و بیاورد و بفروشد.

رفت و تیشه ای عاریه کرد و به صحرا رفت، هیزمی جمع کرد و فروخت. لذت حاصل دسترنج خویش را چشید. روزهای دیگر به این کار ادامه داد، تا تدریجاً توانست از همین پول برای خود تیشه و حیوان و سایر لوازم کار را بخرد. باز هم به کار خود ادامه داد تا صاحب سرمایه و غلامانی شد.

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله به او رسید و تبسم کنان فرمود: «نگفتم، هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌دهیم، ولی اگر بی‌نیازی بوزد خداوند او را بی‌نیاز می‌کند».<sup>(۱)</sup>

#### ۴. رهایی در گروه عمل صالح و اطاعت از خداوند

۴. رهایی در گروه عمل صالح و اطاعت از خداوند

«در زمانی که علی بن موسی الرضا علیه السلام از طرف مأمون به خراسان احضار شده و اجباراً با شرایط خاصی ولایتعهدی مأمون را پذیرفته بود، «زیدالنار» برادر امام نیز در خراسان بود. زید به واسطه داعیه ای که داشت و انقلابی که در مدینه برپا کرده بود، مورد خشم و غضب مأمون قرار گرفته بود، اما مأمون که آن ایام سیاستش اقتضا می‌کرد حرمت و حشمت امام رضا را حفظ کند، به خاطر امام از قتل یا حبس زید النار صرف نظر کرد.

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۸، ص ۱۹۷.

ص: ۲۷۰

روزی در یک مجلس عام، عده زیادی شرکت داشتند و امام رضا علیه السلام برای آنها صحبت می کرد. از آن سو، زید عده ای از اهل مجلس را متوجه خود کرده بود و برای آنها در فضیلت سادات و اولاد پیغمبر و اینکه آنان وضع استثنایی دارند، داد سخن می داد و مرتب می گفت: «ما خانواده چنین، ما خانواده چنان.» امام متوجه گفتار زید شد. ناگهان نگاه تند و فریاد «یا زید!» امام، زید و همه اهل مجلس را متوجه کرد.

فرمود: «ای زید! حرف های بقال های کوفه باورت آمده و مرتب تحویل مردم می دهی. اینها چه چیز است که به مردم می گویی؟! آنکه شنیده ای خداوند ذریه فاطمه را از آتش جهنم مصون داشته است، مقصود فرزندان بلافضل فاطمه، یعنی حسن و حسین و دو خواهر ایشان است. اگر مطلب این طور است که تو می گویی و اولاد فاطمه وضع استثنایی دارند و به هر حال آنها اهل نجات و سعادتند، پس تو نزد خدا از پدرت موسی بن جعفر گرامی تری؛ زیرا او در دنیا امر خدا را اطاعت کرد، قائم اللیل و صائم النهار بود، و تو امر خدا را عصیان می کنی، و به قول تو هر دو، مثل هم، اهل نجات و سعادت هستید. پس بُرد با تو است؛ زیرا موسی بن جعفر عمل کرد و سعادت مند شد و تو عمل نکرده و رنج نبرده، گنج بُردی. علی بن الحسین زین العابدین می گفت: «نیکوکار ما اهل بیت پیغمبر دو برابر اجر دارد و بدکار ما دو برابر عذاب همان طور که قرآن درباره زنان پیغمبر تصریح کرده است زیرا آن کس از خاندان ما که نیکوکاری می کند، در حقیقت دو کار کرده: یکی اینکه مانند دیگران کار نیکی کرده، دیگر اینکه حیثیت و احترام پیغمبر را حفظ کرده است. آن کس هم که گناه می کند دو گناه مرتکب شده: یکی اینکه مانند دیگران کار بدی کرده، دیگر اینکه آبرو و حیثیت پیغمبر را از بین برده است.»



ص: ۲۷۱

آنگاه امام رو کرد به حسن بن موسای و شاء بغدادی که از اهل عراق بود و در آن وقت در جلسه حضور داشت و فرمود: [که می فرماید:]

مردم عراق این آیه قرآن را: «أَنْتَ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ أَنْتَ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»، چگونه قرائت می کنند؟

یا بن رسول الله! بعضی طبق معمول «انه عملٌ غیر صالح» (۱) قرائت می کنند، اما بعضی دیگر که باور نمی کنند خداوند پسر پیغمبری را مشمول قهر و غضب خود قرار دهد، آیه را «انه عملٌ غیر صالح» (۲) قرائت می کنند و می گویند او در واقع از نسل نوح نبود. خداوند به او گفت: ای نوح! او از نسل تو نیست، اگر از نسل تو می بود من به خاطر تو او را نجات می دادم».

امام فرمود: «ابدا این طور نیست! او فرزند حقیقی نوح و از نسل نوح بود. چون بدکار شد و امر خدا را عصیان کرد، پیوند معنوی اش با نوح بریده شد. به نوح گفته شد این فرزند تو ناصالح است، از این رو، نمی تواند در ردیف صالحان قرار گیرد. موضوع خانواده ما نیز چنین است. اساس کار، پیوند معنوی و صلاح عمل و اطاعت امر خداست. هر کس خدا را اطاعت کند از ما اهل بیت علیهم السلام است؛ گو اینکه هیچ گونه نسبت و رابطه نسلی و جسمانی با ما نداشته باشد؛ و هر کس گنهکار باشد از ما نیست؛ گو اینکه از اولاد حقیقی و صحیح النسب زهرا علیها السلام باشد. همین خود تو که با ما هیچ گونه نسبتی نداری، اگر نیکوکار و مطیع امر حق باشی از ما هستی» (۳).

۱- یعنی این فرزند تو فرزندی است ناصالح.

۲- یعنی او فرزند آدم بدی است، فرزند تو نیست.

۳- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۸، ص ۴۱۵.

ص: ۲۷۲

**۵. ترجم به حیوانات**

۵. ترجم به حیوانات

«در حدیث است که مردی در بیابان می گذشت. سگی را دید که از شدت تشنگی زبانش را به خاک های نمناک می مالد. در آنجا چاه آبی بود. حُفَّ خودش را یعنی کفش خودش را به دستار یا شالی بست، فرستاد داخل چاه و از آن آب کشید و بعد ظاهراً با دست خودش به این حیوان آب داد و او را سیراب کرد و از مرگ نجات داد. وحی رسید به پیغمبر زمانش که خدا کار این انسان را شکر کرد؛ یعنی قدر این کار را دانست (یعنی این کار نزد خدا قدر دارد): شَكَرَ اللَّهُ لَهُ وَ ادْخَلَهُ الْجَنَّةَ؛ خدا قدر کار این شخص را شناخت؛ یعنی عملاً شناخت؛ به این معنی که به او پاداش داد، [و] او را به بهشت برد. همین حدیث است که سعدی در بوستان آورده:

یکی در بیابان سگی تشنه یافت

برون از رمق در حیاتش نیافت

سعدی می گوید «کله دلو کرد»، ولی حدیث می گوید کفش خودش را دلو کرد.

کله دلو کرد آن پسندیده کیش

چو جبل اندر آن بست دستار خویش

به خدمت میان بست و بازو گشاد

سگ ناتوان را دمی آب داد

خبر داد پیغمبر از حال مرد

که داور گناهان او عفو کرد»(۱)

**آموزه ها****اشاره**

آموزه ها

زیر فصل ها

۱. نجات و رهایی، تابع سنت های الهی

۲. سنت الهی

۳. نمونه هایی از سنت های الهی

۴. سرمایه الهی و رهایی

### ۱. نجات و رهایی، تابع سنت های الهی

۱. نجات و رهایی، تابع سنت های الهی

خداوند حکیم همان گونه که در طبیعت سنت ها و قوانینی قرار داده است؛ یعنی طبیعت تابع قانون علت و معلول است، زندگی فردی و اجتماعی

---

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۳۰۸.

ص: ۲۷۳

انسان هم تابع قوانین و سنت های خاصی است. خداوند در قرآن کریم، قانونی بودن و سنت داشتن آفرینش را به طور کلی گوشزد می کند و برخی از سنن مخصوص را نیز معرفی می کند. خداوند درباره نیکبختی و بدبختی جامعه ها می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خداوند وضع هیچ ملتی را عوض نمی کند تا خودشان تغییری در خود ایجاد کنند». (رعد: ۱۱)

## ۲. سنت الهی

۲. سنت الهی

آنچه در اصطلاح فلسفه، «نظام جهان» و «قانون اسباب» خوانده می شود، در زبان دین «سنت الهی» نامیده می شود. در قرآن کریم در چند جا آمده است: «هرگز در سنت خدا تغییری نخواهی یافت.» (۱) به این معنا که کار خدا شیوه مخصوص و فرمول ثابتی دارد و تغییرپذیر نیست.

در سوره فاطر، این مضمون بارها با تأکید یاد شده است: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا؛ هرگز در سنت خدا تبدیلی نمی یابی (یعنی سنت الهی تبدیل به سنت دیگری نمی شود)». (فاطر: ۴۳)

## ۳. نمونه هایی از سنت های الهی

۳. نمونه هایی از سنت های الهی

گفته شد که قرآن کریم از نظام های تغییرناپذیر به «سنت الهی» تعبیر می کند و می فرماید:

«سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا؛ سنت الهی تغییرپذیر نیست؛ سنت الهی قابل برگرداندن نیست». (احزاب: ۶۳)

در ادامه به نمونه هایی از این سنت های تغییرناپذیر اشاره می شود:

۱- نك: احزاب: ۶۲؛ فتح: ۲۳.

ص: ۲۷۴

عاقبت با متقیان و پاکان است و زمین از آن صالحان است:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». (انبیاء: ۶۵)

«إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». (اعراف: ۱۲۸)

تا مردمی با ابتکار خودشان در اوضاع و احوال خود تغییری ندهند، خداوند اوضاع و احوال عمومی آنها را عوض نمی کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». (رعد: ۱۱)

حاکمیت بر مردم متناسب با روحیه و افکار و اخلاق و شایستگی آنهاست: «وَكَذَلِكَ نُؤَلِّيُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا». (انعام: ۱۲۹)

پیدایش طبقه ای مترف در میان قومی و فسق و فجور و شهوت رانی و تن پروری آنها، به هلاکت آن قوم می انجامد:

«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَوْمًا أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا». (اسرا: ۱۶)

مردمی که به ایمان مجهز باشند و شایسته عمل کنند، در میدان تنازع بقاء، گوی سبقت را خواهند ربود و خلافت زمین در اختیار آنها قرار خواهد گرفت: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ الْيُسْرَىٰ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ». (نور: ۵۵)

عاقبت و نهایت ستم و بیدادگری، ویرانی و تباهی و نابودی است: «وَتِلْكَ الْقَرْيَاتُ الَّتِي أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا». (کهف: ۵۹)

#### ۴. سرمایه الهی و رهایی

۴. سرمایه الهی و رهایی

توجه به سرمایه خدادادی، عامل مهمی در نجات و رهایی انسان است. یکی از بزرگ ترین سرمایه های انسان، قدرت تفکر و تعقل اوست. این

ص: ۲۷۵

سرمایه در نشان دادن راه رهایی، جایگاه خاصی دارد. بنابراین، لازم است برای رهایی خود و جامعه، از این سرمایه الهی استفاده کرد.

### منابع دیگر

### منابع دیگر

حاج محمدحسینی، مهدی، رهایی از ترس: ترس، غم، امید، ایمنی به استناد آیات قرآن، قم، فقه، ۱۳۹۱.

سروی، فاطمه، نجات در قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶.

فاضل، سید حسن، راهنمایی درمان با قرآن، قم، آینه دانش، ۱۳۹۱.

قاضی، فاطمه، رهایی از پرتگاه گناهان کبیره، همراه داستان های عبرت آموز، ساوه، ما دوتا، ۱۳۸۹.

مصلح، حسن، رهایی، شیراز، غزل واره، ۱۳۹۱.

معبودی عامی، علی، راه نجات، ابهر، سی برگ، ۱۳۹۰.



ص: ۲۷۷

**روزی****اشاره**

روزی

«إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ؛ خداوند روزی دهنده و صاحب قوت و قدرت است!». (ذاریات: ۵۸)

انسان مؤمن باید به این حقیقت توجه کند و به آن ایمان آورد که یگانه روزی رسان جهان هستی، الله است.

لقمان حکیم، رزاقیت یگانه عالم را به فرزند خود چنین تفهیم می کند:

ای فرزندانم، کسانی که یقین آنها ناقص و نیت آنها در طلب روزی ضعیف است، باید عبرت گیرند؛ [زیرا] خداوند متعال بشر را در سه حالت قرار داده و رزق او را هم عطا کرده است و او در هیچ یک از آنها کسبی نکرد و چاره جویی ننموده است، ولی در حالت چهارم به او روزی عطا می کند. اما نخستین مرحله انسان، هنگامی است که [او] در رحم مادر قرار دارد. خداوند او را در آن جای آرام روزی می دهد و سرما و گرما هم او را اذیت نمی کند. بعد از این، [در مرحله دوم] او را از رحم مادر بیرون می آورد و روزی او را در شیر مادر قرار



ص: ۲۷۶

می دهد. شیر مادر هم او را کفایت می کند و با همان بزرگ می گردد؛ بدون اینکه از خود نیرویی داشته باشد. بعد از آن، از شیر گرفته می شود (مرحله سوم)؛ روزی او را پدرش از کسب خود می دهد و با رأفت و محبت به او خدمت می کند. آنها توانایی ندارند که اندکی از کودک خود غفلت کنند و حتی حاضرند جان خود را هم فدای او کنند. اما هنگامی که فرزند بزرگ شد و عقل او رشد پیدا کرد، خود به طرف کسب و کار و زندگی می رود و در اینجا شك [و] شبهه هایی برای او ایجاد می گردد و شیطان او را وسوسه می کند تا به خداوند بدگمان گردد. او در این هنگام حتی به زن و فرزندان خود هم توجه نمی کند و به آنها سخت گیری می نماید و می ترسد روزی اش تنگ گردد و اموالش از دست برود و به آینده اطمینان پیدا نمی کند و نسبت به آینده مضطرب می شود. ای فرزند من، این چنین بنده ای، بد می باشد. (۱)

در روایات از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیه السلام مطالب فراوانی درباره رزق و روزی به چشم می خورد که آگاهی از آنها می تواند زمینه ساز افزایش معرفت و سپس افزایش ایمان و عمل گردد. در این مقام، این پرسش ها مطرح است:

۱. رزق و روزی چیست؟

۲. عوامل جذب روزی کدام است؟

۳. عوامل کاهش روزی کدام است؟

۱- ایمان و کفر (ترجمه بحارالانوار، ج ۶۴، کتاب الایمان و الکفر)، ترجمه: عزیزالله عطاردی قوچانی، ج ۲، ص ۱۴۱.

ص: ۲۷۹

## ۱. مفهوم روزی

## ۱. مفهوم روزی

خداوند متعال که روزی دهنده همه آفریده های جهان است، متصف به صفت رزاق است. او کسی است که اولاً، مخلوقات را آفریده است؛ ثانیاً روزی آنها را فراهم کرده است؛ و ثالثاً، آن روزی را در اختیار مخلوقات گذاشته است.

رزق و روزی، دو نوع است: روزی های ظاهری که مخصوص بدن هاست، مانند انواع خوراکی ها که در اصطلاح آن را قوت گویند؛ و روزی های باطنی که مخصوص قلب ها و نفوس است، مانند معارف و علوم. خداوند متعال فرموده است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا؛ روزی انسان از ناحیه حضرت حق نوشته و مقدر شده است و به آنها می رسد و...» (۱).

بعضی از پژوهشگران در معنای رزق نوشته اند که انعام و بخشش مخصوص به مقتضای حال طرف و مطابق احتیاج اوست تا زندگی اش ادامه یابد و این روزی، یک جریان دائمی است. بنابراین، روزی با احسان و انعام و اعطا و حظ و نصیب و انفاق، فرق دارد؛ زیرا احسان، مطلق بخشش خوبی ها است و این می تواند با هر نوع کاری محقق شود. همچنین قیدی که در رزق و روزی به کار می رود، قید برای ادامه حیات است که این موضوع در بحث انعام و انفاق و اعطا لحاظ نمی شود. حتی با نصیب و حظ هم متفاوت است؛ زیرا در نصیب و حظ قطع آنها ممکن است، به خلاف روزی که دائمی است. (۲)

۱- نک: لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۱۵.

۲- نک: التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۴، ص ۱۱۵.

ص: ۲۸۰

صاحب کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم می نویسد: رزق حقیقی، آن عطا و بخشش جاری و ساری است که فقط به صفت حلال متصف می شود؛ به خلاف غذا، نصیب، عطا و بخشش که اینها، ممکن است متصف به صفت حلال و حرام شوند.

رزق می تواند در مادیات باشد؛ چنان که خداوند فرمود: «كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا...»؛ و می تواند در معنویات باشد؛ مانند: «أَوْ مَيَاتُوا لِيَرْزُقَهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا...»، «يَلْ أٰخِيَاءَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ...»، «لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ». در بعضی از کاربردها هم ممکن است اعم باشد؛ یعنی مصداق آن می تواند روزی های مادی و معنوی باشد؛ مانند «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...» یا «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ». پس روزی هر کس و هر چیزی متناسب با حال خود اوست.

بنابراین، رزق و روزی در مرحله دوم قرار دارد؛ یعنی بعد از وجود و ایجاد موجودات. با این بیان، روزی در حقیقت، آن چیزی است که سبب حیات و تکمیل موجودات و نفوس می شود. خداوند متعال، اولاً اشیاء را چه جسمانی و چه روحانی آفرید. سپس براساس اقتضای خلقت آنها، بر ایشان، روزی مقدر کرد که نوعی هدایت تکوینی به سوی کمال وجود و هدایت در مسیر تکامل است. با این توضیحات، رزق و روزی مخصوص خداست و صفت روزی دهنده یا رازق از صفات خداوند متعال است و آن در حقیقت، مرحله بسط رحمانیت، و یک مرتبه از مراتب هدایت است.

بنابراین، اگر رزق و روزی به غیر خدا نسبت داده شود، به یک اعتبار دیگر بوده و نوعی مجاز گویی است. (۱)

۱- نک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۱۶.

ص: ۲۸۱

علامه طباطبایی رحمه الله درباره رزق می نویسد:

رزق عبارت است از هر چیزی که مایه دوام حیات مخلوقات زنده است و چون هستی این مخلوقات از فیض خدای تعالی است، چیزی هم که هستی آنها بستگی به آن دارد نیز از ناحیه اوست و همان طور که خدای تعالی در ایجاد مخلوقات، شریکی نداشته، در روزی دادن به آنها و هر چیز دیگری که نیازمند به آنهاست نیز شریکی ندارد. (۱)

با این بیان، می توان ویژگی های رزق و روزی را چنین برشمرد:

۱. واژه رزق و روزی درباره موجودات زنده به کار می رود؛
  ۲. رزق و روزی، حقیقتی است که مایه دوام حیات موجود زنده می شود؛
  ۳. رزق و روزی به معنای غذا، طعام، قوت روزانه و ضروریات زندگی هم گفته می شود؛
  ۴. رزق به معنای، چیزی است که مایه بقای موجودات زنده می شود و به همه آنها می رسد. به تعبیر دیگر، رزق موجودات زنده، تضمین شده است؛
  ۵. تضمین رزق و روزی با تلاش برای کسب آن منافاتی ندارد؛
  ۶. روزی دهنده حقیقی خداست. خداوند همان گونه که در خالقیت یگانه است در رزاقیت و روزی دهنده بودن هم یگانه است.
  ۷. روزی چون از ناحیه خداست، پاک و حلال است. بنابراین مال حرام، روزی نامیده نمی شود.
- این سخن که روزی هر کسی از ناحیه خداوند حکیم تضمین شده است، با اقدام برای طلب روزی منافاتی ندارد. کار کردن برای طلب

ص: ۲۸۲

روزی، واجب و لازم است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم که فرمود: «چند گروه از امت من دعایشان مستجاب نمی شود:

۱. کسی که در حق پدر و مادرش نفرین کند.

۲. کسی که در حق بدهکاری نفرین کند که مالش را برده و وی شاهدی بر او نگرفته است.

۳. مردی که در حق زنش نفرین کند؛ با اینکه خدا اختیار طلاق را به وی داده است.

۴. مردی که در خانه بنشیند و از خدا روزی بخواهد و به دنبالش نرود. خداوند عزوجل می فرماید: «بنده من، مگر راه تحصیل رزق و مسافرت در زمین را به رویت نگشوده ام که با بدن سالم به دنبال روزی روی و با اطاعت دستور، در پیشگاه من معذور باشی و بارِ دوش کسالت نباشی و آنگاه (که در طلب می رفتی) اگر می خواستم روزی ات می دادم؛ وگرنه بر تو تنگ می گرفتم، اما تو معذور بودی».

۵. مردی که خدایش مال فراوان دهد و او همه را خرج کند، سپس رو به دعا آورد و گوید: خدایا روزی ام ده؛ خطاب شود: مگر رزق فراوانت ندادم. چرا به دستور من رعایت اقتصاد نکردی و از اسراف نهیت کرده بودم، خودداری نکردی؟! [\(۱\)](#)

## ۲. عوامل جذب و افزایش روزی

### اشاره

۲. عوامل جذب و افزایش روزی

با دقت در روایات، عوامل متعددی برای جذب و افزایش روزی می توان یافت. این عوامل به نیت و اخلاق و منش انسان مربوط می شود و آنجا

۱- تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، ص ۵۵۹.

ص: ۲۸۳

که مربوط به اخلاق است، با اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی انسان سروکار دارد. بنابراین، عوامل جذب و افزایش روزی را می توان چنین بیان کرد:

### الف) ویژگی های اخلاقی و رفتار فردی

#### اشاره

الف) ویژگی های اخلاقی و رفتار فردی

زیر فصل ها

یک نیت

دو اهل کار بودن

سه تدبیر

چهار تقوا و توکل

پنج صداقت و راستگویی

شش نماز شب

هفت دعا

#### یک نیت

یک نیت

اندیشه و نیت، با رفتار و کردار آدمی، رابطه مستقیم دارد؛ انسان آن گونه عمل می کند که می اندیشد و نیت می کند.

نیت خوب از نعمت های الهی است و آثاری به دنبال دارد. با نیت خوب می توان به نتایج خوبی دست یافت. در روایتی از امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام می خوانیم: «مَا أَعْطَى اللَّهُ سَيِّبِحَانَهُ الْعَبْدَ شَيْئاً مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ خَلْقِهِ وَحُسْنِ نِيَّتِهِ؛ خداوند سبحان، چیزی از خوبی های دنیا و آخرت را به بنده ای نبخشید مگر به دلیل خوش اخلاقی و خوش نیتی (نیت خوب)

او»، (۱)

آن حضرت در روایتی دیگر، وسعت رزق آدمی را مربوط به حسن نیت و خوش اخلاقی او می‌داند. (۲)

البته برای داشتن نیت خوب، باید از بدگمانی دوری کرد. حضرت امیر علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ حَسَنَ ظَنَّهُ حَسَنَتْ نِيَّتُهُ؛ هر کس گمانش خوب شود، نیت او نیکو گردد». (۳)

- ۱- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۶، ح ۹۶۷۰.
- ۲- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۶، ح ۱۰۱۴۱.
- ۳- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۶، ح ۱۳۶۰۵.

ص: ۲۸۴

**دو اهل کار بودن**

## دو اهل کار بودن

کار و فعالیت، شعار انسان مؤمن است. یکی از مهم ترین عوامل جذب و افزایش روزی، اهل کار بودن است. انسان مؤمن برای به دست آوردن روزی، حاضر است حتی به مسافرت برود و هجرت کند.

اهل کار بودن و دوری کردن از تنبلی، عامل مهم جذب روزی است. بر این اساس، سحرخیز بودن از ویژگی های انسان مؤمن است و در روایات، این ویژگی به عنوان عامل جلب روزی معرفی شده است.

در تحف العقول آمده است: «بین سپیده دم و طلوع آفتاب، به دنبال روزی روید که از گردش روی زمین در تحصیل رزق مفیدتر است. این ساعتی است که خدای عزوجل، روزی ها را میان بندگان قسمت فرماید» (۱).

در روایات، با تعبیرهای مختلف، تلاش در راه کسب روزی تشویق شده است؛ برای مثال گفته شده: «شخصی که در پی رزق و روزی رود تا خانواده اش را اداره کند، پاداشش از رزمنده در حال جهاد بیشتر است.» به طور کلی، امامان معصوم علیهم السلام کسانی که برای طلب رزق و روزی به دنبال کار نمی روند، نکوهش کرده اند؛ از جمله امام باقر علیه السلام فرمود:

من در باطن خود، کینه ای احساس می کنم به کسی که کار و فعالیت برایش دشوار است و به پشت در خانه می خوابد و می گوید: خدایا روزی مرا برسان، و در طلب روزی نمی رود و به کلی کار را کنار گذاشته است و از آنچه خداوند به بشر

۱- تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، ص ۱۶۱.



ص: ۲۸۵

ارزانی داشته، بهره نمی‌گیرد. در حالی که مورچگان، از لانه خویش برای طلب روزی بیرون می‌آیند. (۱)

### سه تدبیر

سه تدبیر

انسانی که اهل فکر و تأمل و آینده‌نگری است و به اصطلاح روایات، در زندگی تدبیر دارد، در طلب رزق و روزی موفق است. امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «قَوْمُ الْعَيْشِ حُسْنُ التَّقْدِيرِ وَ مَلَائِكَةُ حُسْنِ التَّدْبِيرِ؛ برپا بودن زندگی، در سایه اندازه‌گیری خوب و مناسب است که ملائک و معیار آن، تدبیر خوب و مناسب است». (۲)

### چهار تقوا و توکل

چهار تقوا و توکل

انسان اهل تقوا و توکل، کسی است که می‌کوشد حدود الهی را رعایت کند و در کنار تلاش و کوشش، خود را به خدا می‌سپارد و به او تکیه می‌کند. او همه چیز را در دست خدا می‌بیند. خداوند حکیم در آیات ۲ و ۳ سوره طلاق به آثار تقوا و توکل، به زیبایی اشاره می‌کند و می‌فرماید: «و هر کس از خدا پروا کند (تقوای الهی پیشه کند)، خدا برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند، او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام می‌رساند. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است».

۱- من لا یحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر غفاری و دیگران، ج ۶، ص ۳۲۶.

۲- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ح ۶۸۰۷.

ص: ۲۸۶

**پنج صداقت و راستگویی**

## پنج صداقت و راستگویی

راستگویی سبب وسعت رزق و روزی می شود؛ چنان که فرموده اند: «صحت و خوبی عمل و راستگویی، سبب توسعه رزق می شود»<sup>(۱)</sup>.

**شش نماز شب**

## شش نماز شب

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، وظایف خاص خود را داشت؛ از جمله، نماز شب که بر ایشان واجب بوده است. برای مسلمانان و برای اهل ایمان، نماز شب واجب نیست، ولی یک سفارش اکید است. امام صادق علیه السلام فرمود: «بزرگی مؤمن، [در] نماز شب است و سرافرازی او، [در] درخواست نکردن از مردم است»<sup>(۲)</sup>. آن امام همام، در حدیثی دیگر به آثار نماز شب اشاره می کند و می فرماید: «نماز شب، رخسارها را سپید [و] بوی انسان را نیکو کند و روزی آورد»<sup>(۳)</sup>.

**هفت دعا**

## هفت دعا

در احادیث، دعا سلاح مؤمن معرفی شده است. روایت است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا سلاحی را به شما نشان دهم که از دشمنان نجاتتان می دهد و روزی تان را زیاد می کند؟ عرض کردند: آری. فرمود: شب و روز پروردگارتان را بخوانید و دعا کنید؛ زیرا سلاح مؤمنان دعاست»<sup>(۴)</sup>.

۱- نک: ارشادالقلوب، ترجمه: هدایت الله مسترحمی، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: صادق حسن زاده، ص ۱۰۷.

۳- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: صادق حسن زاده، ص ۱۰۷.

۴- اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، ج ۴، ص ۲۱۴.

ص: ۲۸۷

البته شایسته تر است به روشی دعا کنیم که امامان معصوم علیهم السلام دعا می کردند؛ از جمله امام سجاد، حضرت علی بن الحسین علیه السلام چنین دعا می کرد:

بارخدایا، از تو معیشت خوبی را خواستارم که در همه حوایجم از آن نیرو گیرم و بدان در دوران زندگی این جهان برای آخرتم وسیله سازم، بی آنکه مرا بدان به خوش گذرانی بیجا واداری تا سرکشی کنم یا بر من آن قدر تنگ بگیری که بدبخت شوم، از رزق حلالیت به من بده... به من درباره روزی، آنچه را عطا کن که وسیله بی نیازی از شرار خلقت گردد و تا آنجا به زندگی من رسا باشد که به رضوانت برسم و به تو پناهم. (۱)

امام صادق علیه السلام برای طلب روزی می فرمود:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُوزِقَنِي الْعَمَلَ بِمَا عَلَّمْتَنِي مِنْ مَعْرِفَةِ حَقِّكَ وَأَنْ تَبْسُطَ عَلَيَّ مَا حَظَرْتَ مِنْ رِزْقِكَ. (۲)

از تو می خواهم به حق کسی که حق تو بر وی بزرگ است، اینکه بر محمد و آلش درود فرستی و عمل به آنچه از معرفت حق خودت که مرا آموختی، روزی کنی و روزی ات را بر من توسعه دهی.

۱- اصول کافی، ترجمه: کمره ای، ج ۶، ص ۲۵۷.

۲- آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز (ترجمه: عده الداعی)، ص ۲۳۱.

ص: ۲۸۸

**ب) ویژگی های اجتماعی****اشاره**

ب) ویژگی های اجتماعی

در روایات، از رفتارها و تعامل های اجتماعی فراوانی نام برده شده که عامل جلب و افزایش روزی است. آگاهی از سنت ها و قوانین الهی و به کارگیری آنها، می تواند انسان مؤمن را به اهداف خود و اهداف الهی نزدیک سازد. مهم ترین ویژگی های اخلاق اجتماعی مورد نظر عبارتند از:

**یک خوش اخلاقی**

یک خوش اخلاقی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان اهمیت خوش اخلاقی فرمود: «الاسلام حُسن الخلق». اما خوش اخلاقی چیست؟ انسان خوش اخلاق چه ویژگی هایی دارد که سبب می شود رزق و روزی او افزایش می یابد.

بعضی از ویژگی هایی که برای اهل بهشت ذکر شده است، مصداق انسان خوش اخلاق را مشخص می کند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «اهل بهشت، چهار نشانه دارند: سیمای گشاده، زبان نرم، قلب مهربان و دست بخشنده».<sup>(۱)</sup>

شخصی از آن حضرت درباره حد و اندازه خوش اخلاقی پرسید، حضرت فرمود: «به نرمی و مهربانی برخورد کنی، پاکیزه سخن بگویی و با چهره خوب و گشاده برادرت را ملاقات کنی».<sup>(۲)</sup>

به هر حال خوش اخلاقی، هم در دنیا و هم در آخرت آثاری دارد که از جمله آنها افزایش رزق و روزی است؛ چنان که امام صادق علیه السلام

۱- علی مشکینی، المواعظ العددیه، ص ۲۳۰.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص ۱۷۰.

فرمود: «حَسَنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ خوش اخلاقی، روزی را افزایش می دهد».<sup>(۱)</sup>

خوش اخلاقی از منزل آغاز می شود و اخلاق خوب مؤمن در درجه اول، متوجه خانواده، یعنی زن و فرزند و پدر و مادر می شود، سپس دیگران. در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «صَلَةُ الرَّحِمِ وَ حُسْنُ الْجَوَارِ يُعْمَرَانِ الدِّيَارَ وَ يَزِيدَانِ فِي الْأَعْمَارِ؛ صله رحم (ارتباط با خویشاوندان) و همسایه خوب بودن (خوش اخلاقی با همسایه) شهرها را آباد و عمرها را زیاد می کند».<sup>(۲)</sup>

بر اساس این حدیث، صله رحم و همسایه خوب بودن را می توان از مصداق های خوش اخلاقی برشمرد. جالب است بدانیم، یکی از عوامل مؤثر در خوش اخلاقی انسان، ارتباط داشتن با مردم و صله رحم است و این نشان می دهد که بعضی از رفتارها، تأثیر متقابل دارند. امام صادق علیه السلام با اشاره به این نکته و همچنین توسعه رزق فرمود: «صله رحم و ارتباط با خویشاوندان، سبب خوش اخلاقی و مبارک شدن است و باعث پاکیزگی روح، افزایش رزق و روزی و تأخیر در مرگ می شود».<sup>(۳)</sup> همچنین فرمود: «خداوند به وسیله صله رحم و نیکی به پدر و مادر، عمر را طولانی کند و بر رزق و روزی بیفزاید».<sup>(۴)</sup>

## دو انفاق و صدقه

دو انفاق و صدقه

از ویژگی های انسان مؤمن توجه به مردم است. در بسیاری از آیات قرآن

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۵، ح ۷۷.

۲- میرزا حبیب الله هاشمی خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۴۲.

۳- میرزا حبیب الله هاشمی خویی، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۴۲.

۴- علی بن حسن طبرسی، مشکاه الانوار، ترجمه: عبدالله محمدی و مهدی هوشمند، ص ۳۳۱.

ص: ۲۹۰

کریم، وقتی ویژگی های انسان مؤمن و پرهیزکار را برمی شمارد، در کنار نماز به انفاق هم اشاره دارد؛ یعنی انسان مؤمن همان گونه که اهل نماز است، اهل توجه به خلق خدا نیز هست. برای نمونه، در ابتدای سوره بقره درباره اهل تقوا می فرماید: «آنان کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم، انفاق می کنند» (۱).

در قرآن کریم، این ویژگی ها با فعل مضارع بیان شده است. اهل لغت و ادب می گویند فعل مضارع، دلالت بر استمرار دارد. بنابراین، معنای آیه این است که انسان های مؤمن و متقی، همیشه اهل نماز و انفاق هستند. بر این اساس، امامان معصوم علیهم السلام پیروان خود را به انفاق و صدقه دادن تشویق و آثاری برای آن ذکر می کردند؛ از جمله نزول رزق و روزی. امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: «بیماران را با صدقه مداوا کنید و بلا را با دعا دفع کنید و نزول رزق (و روزی) را به وسیله صدقه بطلبید؛ زیرا صدقه رزق را از میان دو فک هفتصد شیطان که همگی مانع وصول آنند، رها می سازد و هیچ چیز بر شیطان، سنگین تر از صدقه بر مؤمن نیست و صدقه پیش از آنکه در دست بنده قرار گیرد، در دست خدای تبارک و تعالی قرار می گیرد» (۲).

### سه ازدواج

سه ازدواج

ازدواج سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است و سفارش فراوان به آن شده است. برای ازدواج آثاری بیان شده است، مانند: حفظ دین، پاکی و پاکیزگی، دوستی خدا، خوب شدن اخلاق و رفتار... و افزایش روزی.

۱- بقره: ۳.

۲- من لا یحضره الفقیه، ترجمه: علی اکبر غفاری و دیگران، ج ۲، ص ۳۷۴، ح ۱۷۳۰.

ص: ۲۹۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِتَّخِذُوا الْاَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقَ لَكُمْ؛ زن بگیرید؛ زیرا ازدواج کردن، روزی شما را بیشتر می کند» (۱).

آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید: «إِلْتَمِسُوا الرِّزْقَ بِالنِّكَاحِ؛ روزی را با ازدواج طلب کنید» (۲).

### چهار امانت داری

#### چهار امانت داری

یکی از رفتارهای اجتماعی که عامل جذب روزی معرفی شده، امانت داری است. در مقابل، خیانت، عامل فقر و تهیدستی معرفی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «الْأَمَانَةُ تَجْرُّ الرِّزْقَ؛ امانت [داری] روزی را جلب می کند».

هست امانت که شبان روزی

می کشد سوی خویشتن روزی (۳)

### ۳. عوامل کاهش روزی

#### اشاره

#### ۳. عوامل کاهش روزی

فقدان عواملی که به عنوان عامل جذب و افزایش روزی معرفی شد و رعایت نکردن آنها موجب کاهش روزی می شود. بنابراین، اگر کسی اهل کار نباشد، در زندگی تدبیر نکند، با فامیل قطع رابطه کند و با مردم بد اخلاق باشد، سبب کاهش رزق و روزی خود شده است. در ادامه، برخی عوامل کاهش روزی را که در روایات به آنها اشاره شده است، معرفی می کنیم.

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ح ۷۸۱۲.

۲- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۴۱، ص ۴۸۱.

۳- شرح فارسی شهاب الاخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ۹)، ص ۲۱.

ص: ۲۹۲

**الف) دروغ گفتن**

الف) دروغ گفتن

امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی گاهی دروغی می گوید و باعث می شود که از روزی مقدرش محروم گردد. گفتم چگونه از روزی محروم می شود؟ فرمود: اثر دروغ گفتن، موفق نشدن به نماز شب است و چون از نافله شب محروم ماند از روزی مقدر بی نصیب گردد» (۱).

**ب) حیا و شرم**

ب) حیا و شرم

امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام، می فرماید: «الحياء يمنع الرزق؛ حیا و شرم، مانع روزی می شود» (۲).

در روایات، حیا و شرم دو قسم است: حیا و شرمی که برخاسته از عقل آدمی است و حیا و شرمی که به دلیل بی خردی یا کم خردی و حماقت آدمی است. آنچه مانع رزق و روزی است، حیا و شرم احمقانه است. انسان مؤمن، نباید از کار حلال، حیا و شرم کند. ممکن است انسان به علت بعضی توهم ها، دنبال برخی از کارهای حلال نرود؛ فقط به این بهانه که این کار در شأن او نیست. بنابراین، شرم و حیای بیجا ممکن است انسان را از روزی محروم سازد.

**ج) رعایت نکردن میانه روی**

ج) رعایت نکردن میانه روی

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «بر شما باد... به میانه روی در حال توانگری و فقر» (۳). حضرت در کلام دیگری، فلسفه این سفارش را توضیح می دهد

۱- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه: علی اکبر غفاری، ص ۲۹.

۲- شرح آقا جمال خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۷۱، ح ۲۷۴.

۳- الحیاه، ترجمه: احمد آرام، ج ۳، ص ۲۷۵.



ص: ۲۹۳

و مى فرمايد: «هر كس ميانه روى (و صرفه جويى) را به خوبى رعايت نكند، اسراف، او را هلاك خواهد كرد». (۱)

### د) حرام خوارى

د) حرام خوارى

در روايات، حرام خوارى، يكي از عواملى معرفى شده است كه روزى را از بين مى برد كسب و كار حرام، ممكن است باعث افزايش سرمايه و روزى شود، اما چنين روشى، رزق و روزى حلال را از زندگى انسان بيرون مى برد. امام صادق عليه السلام فرمود: «حرام خوارى زياد، روزى را از بين مى برد». (۲)

### ه) گناه

ه) گناه

در فرهنگ اسلام، گناه، مخالفت كردن با دستورهاي الهى است. هرگاه انسان مسلمان، امر يا نهى الهى را نادیده بگیرد و خلاف آن عمل كند، مرتكب گناه مى شود. در مكتب قرآن و اهل بيت عليهم السلام، گناه آثار دنيوى و اخروى دارد. يكي از آثار مطلق گناه، قطع يا كاهش رزق و روزى است. البته بايد توجه داشت كه روزى، منحصر به نان و نمك نيست، بلكه شامل روزى هاي معنوى هم مى شود. بنا بر اين، گناه مى تواند هم در رزق و روزى مادى انسان اثر بگذارد و هم در رزق و روزى معنوى او. امام باقر عليه السلام فرمود: «بنده گناه مى كند و به سبب آن، روزى از او گرفته مى شود». (۳)

۱- الحياه، ترجمه: احمد آرام، ج ۳، ص ۲۷۵.

۲- تحف العقول، ص ۳۷۲.

۳- الكافي، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۸.

#### ۴. عوامل تهی دستی و افزایش روزی در کلام علی علیه السلام

۴. عوامل تهی دستی و افزایش روزی در کلام علی علیه السلام

امیر مؤمنان، حضرت علی علیه السلام، در یک روایت، عوامل متعدد تهی دستی و عوامل متعدد افزایش رزق و روزی را برمی شمارد. چون این حدیث، حدیث جامعی است، به صورت مستقل بیان می شود:

پاک نکردن تار عنکبوت از خانه، بول کردن در حمام، غذا خوردن در حال جنابت، خلال کردن با چوب گز، ایستاده شانه زدن، بیرون نبردن خاکروبه از منزل، سوگند دروغ، زنا، حرص ورزیدن، به خواب رفتن بین نماز مغرب و عشاء، به خواب رفتن قبل از طلوع آفتاب، عادت به دروغگویی، زیاد گوش دادن به غنا، رد کردن فقیری که در شب ذکر خدا می گوید، عقل معیشتی نداشتن، و بریدن از فامیل تهیدستی آورد.

سپس علی علیه السلام فرمود: آیا آگاه کنم شما را به آنچه رزق را فراوان می کند؟ گفتند: بلی، ای امیر مؤمنان. فرمود: جمع کردن میان دو نماز، خواندن تعقیب بعد از نماز صبح و عشاء، رفت و آمد خویشاوندی، رفتن [جارو کردن] آستانه خانه، همراهی کردن با برادر دینی، شتاب کردن در طلب رزق، آموزش خواستن از خداوند، امانت داری، سخن گفتن به حق، جواب گفتن به صدای مؤذن، سخن نگفتن در مستراح، حرص نورزیدن، سپاس گزاری از صاحب نعمت، دوری جستن از قسم دروغ، وضو گرفتن قبل از غذا، و خوردن آنچه از سفره بیرون می افتد روزی را زیاد می کند، و هر کس در روز سی مرتبه خدا را تسبیح گوید، خدای عزوجل هفتاد نوع بلا را از او برگرداند، که آسان ترین آن تهیدستی است. (۱)

۱- علی بن حسن طبرسی، مشکاه الأنوار، ترجمه: عبدالله محمدی و مهدی هوشمند، ص ۲۵۱. (با دخل و تصرف)

ص: ۲۹۵

## کتابنگ حدیث

## اشاره

کتابنگ حدیث

زیر فصل ها

روزی رسان

گشایش و تنگی در روزی

حکمت تنگی و گشایش روزی

تضمین روزی برای جوینده آن

تشویق به اعتدال در طلب روزی

توکل به خدا در طلب روزی

عوامل فزاینده روزی

عوامل از بین برنده روزی بر

طلب حلال

ثمره کسب روزی حلال

## روزی رسان

روزی رسان

۱. بحار الانوار: فی الوحی القَدِیمِ: یا بَنَ آدَمَ، خَلَقْتُكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ فَلَمْ أَعِ بِخَلْقِكَ أَوْ يُعِينِنِي رَغِيفٌ أَسْوَفُهُ إِلَيْكَ فِي حِينِهِ؟! (۱)

بحار الأنوار: در وحی گذشته [به انبیای پیشین] آمده است: ای آدمی زاده! من تو را از خاک و سپس از نطفه بیافریدم و در آفرینش تو ناتوان نماندم. آیا رساندن به موقع قرصه نانی به تو، مرا درمانده می سازد؟

امام علی علیه السلام: «إِنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ: رِزْقٌ تَطْلُبُهُ، وَ رِزْقٌ يَطْلُبُكَ، فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ؛ روزی دو گونه است: یک روزی که تو در پی آنی و روزی دیگر که آن در پی توست و اگر تو سراغش نروی، او خود نزد تو آید». (۲)

### کشایش و تنگی در روزی

کشایش و تنگی در روزی

۱. امام علی علیه السلام:

إِنَّ الأَمْرَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الأَرْضِ كَقَطْرَاتِ المَطَرِ إِلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا قُسِمَ لَهَا مِنْ زِيَادَةٍ أَوْ نُقْصَانٍ، فَإِنْ رَأَى أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ غَفِيرَةً فِي أَهْلِ، أَوْ مَالٍ، أَوْ نَفْسٍ، فَلَا تُكُونَنَّ لَهُ فِتْنَةً. (۳)

فرمان [الهی به آنچه مقدر است] همچون قطره های باران، از آسمان به زمین فرود می آید، [و] به هر کس کم و بیش، آنچه سهم اوست می رسد. پس، اگر یکی از شما در خانواده یا مال

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱، ح ۱۲.

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۳.

ص: ۲۹۶

یا جان و توان برادرش، اندکی فزونی دید، این نباید مایه فتنه (فساد) او شود.

۲. امام علی علیه السلام: «لا- يَمْلِكُ إِمْسَاكَ الْأَرْزَاقِ وَإِدْرَارَهَا إِلَّا الرَّزَاقُ؛ اختیار کم و زیاد شدن روزی ها جز در دست روزی رسان نیست» (۱).

### حکمت تنگی و گشایش روزی

حکمت تنگی و گشایش روزی

۱. امام علی علیه السلام:

وَقَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَقَلَّلَهَا، وَقَسَمَهَا عَلَى الضُّيْقِ وَالسَّعَةِ، فَعَدَلَ فِيهَا لِيَتَلَى مَنْ أَرَادَ، بِمَيْسُورِهَا وَمَعْسُورِهَا، وَيَخْتَبِرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَالصَّبْرَ مِنْ غَيْرِهَا وَفَقِيرِهَا. (۲)

روزی ها را مقدر فرمود و آنگاه، آنها را زیاد و کم و به تنگی و فراخی عادلانه تقسیم کرد، تا هر کس را بخواهد به وسعت روزی و یا تنگی آن بیازماید و از این طریق، سپاس گزاری و شکیبایی توانگر و تهیدست را به آزمایش گذارد.

۲. امام علی علیه السلام درباره آیه: «وَاغْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ؛ بدانید که دارایی ها و فرزندان شما مایه آزمایش است» (۳) فرمود: «و معنی ذلك أنه يختبرهم بالأموال والأولاد ليتبين السخاط لِرِزْقِهِ، و الراضية بقسمه؛ امام علی علیه السلام: «یعنی خداوند به وسیله دارایی ها و فرزندان، مردم را می آزماید تا معلوم شود چه کسی از روزی خود ناخشنود است و چه کسی به قسمت خویش خشنود» (۴).

۱- غررالحکم، ح ۱۰۸۳۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

۳- الأنفال: ۲۸.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۹۳.

ص: ۲۹۷

۳. امام علی علیه السلام: «لو جَزَتْ الْأَرْزَاقُ بِالْأَلْبَابِ وَالْعُقُولِ، لَمْ تَعِشِ الْبِهَائِمُ وَالْحَمَقَى؛ اگر روزی ها به سبب بهره مندی از عقل و خرد می رسید، دیگر بهایم و احمق ها زنده نمی ماندند».(۱)

۴. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَسَخَّ أَرْزَاقَ الْحَمَقَى لِيَعْتَبِرَ الْعُقَلَاءُ وَيَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ يُنَالُ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَلَا حِيلَةٍ؛ خدای تعالی روزی احمقان را فراخ گردانید تا خردمندان درس عبرت بگیرند و بدانند که دنیا نه با تلاش و کوشش به دست می آید و نه با زرنگی و تدبیر».(۲)

### تضمین روزی برای جوینده آن

تضمین روزی برای جوینده آن

۱. امام علی علیه السلام: «أَطْلُبُوا الرِّزْقَ فَإِنَّهُ مَضمونٌ لِطَالِبِهِ؛ روزی را بجوید؛ زیرا روزی برای جوینده آن ضمانت شده است».(۳)
  ۲. الإمامُ الصِّادِقُ عليه السلام لَمَّا قَالَ لَهُ أَبُو عُبَيْدَةَ: ادْعُ اللَّهَ لِي أَنْ لَا- يَجْعَلَ رِزْقِي عَلَى أَيْدِي الْعِبَادِ: أَيْبَى اللَّهُ عَلَيْكَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَجْعَلَ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ، وَ لَكِنْ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَكَ عَلَى أَيْدِي خِيَارِ خَلْقِهِ، فَإِنَّهُ مِنَ السَّعَادَةِ.(۴)
- امام صادق علیه السلام وقتی ابو عبیده به ایشان عرض کرد: دعا کن که خداوند روزی مرا در دست بندگانش قرار ندهد فرمود: خداوند چنین کاری نمی کند. او روزی بندگان را در دست یکدیگر قرار داده است؛ اما از خدا بخواه که روزی ات را در دست بندگان خوش قرار دهد، که این از خوشبختی است.

۱- غررالحکم، ح ۷۶۰۷.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۴، ح ۶۳.

۳- الإرشاد، ج ۱، ص ۳۰۳.

۴- تحف العقول، ح ۳۶۱.

ص: ۲۹۸

**تشویق به اعتدال در طلب روزی**

تشویق به اعتدال در طلب روزی

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :

ألا- وإنَّ الرُّوحَ الأَمینَ نَفَثَ فی رُوعِی أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ رِزْقَهَا، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَجْمِلُوا فی الطَّلَبِ، وَ لَا یَحْمِلُ أَحَدُکُمْ اسْتِبْطَاءَ شَیْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ یَطْلُبَهُ بِغَیْرِ حِلِّهِ، فَإِنَّهُ لَا یُدْرَکُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ. (۱)

همانا روح الامین در دلم چنین افکند که هیچ کس نمیرد تا روزی اش را به طور کامل دریافت کند؛ پس، از خدا بترسید و در طلب روزی آرام باشید و دیر رسیدن روزی، شما را وادار نکند که آن را از راه غیر حلال بجوید؛ زیرا آنچه نزد خداست، جز با طاعت او به دست نمی آید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «إِنَّ الرِّزْقَ لَا یَجْرُهُ حِرْصٌ حَرِیصٍ وَ لَا یَصْرِفُهُ كَرَاهِيَةٌ كَارِهٍ؛ نَه حِرْصُ زدن حریص، روزی را به سوی او می کشاند و نه ناخوش داشتن کسی، آن را از او باز می دارد». (۲)

امام علی علیه السلام : «الدنیا دُولٌ فَاطْلُبْ حَظَّكَ مِنْهَا بِأَجْمَلِ الطَّلَبِ؛ دنیا [نوبتی است و] دست به دست می گردد؛ پس، به آرامی تمام در طلب روزی، بهره خود را از آن بطلب». (۳)

امام علی علیه السلام : «كَمْ مِنْ مُتَعَبٍ نَفْسَهُ مُقْتَرٌّ عَلَيْهِ، وَ مُقْتَصِدٍ فِي الطَّلَبِ قَدْ سَاعَدَتْهُ الْمَقَادِيرُ؛ بسا انسان هایی که [در طلب روزی،] خود را به رنج می افکنند، اما در سختی و تنگدستی به سر می برند و بسا کسانی که در طلب روزی میانه روی می کنند و دست تقدیر، آنان را یاری می رساند».

۱- الکافی، ج ۲، ص ۷۴، ح ۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۶۸، ح ۷.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۶، ح ۳۲.

ص: ۲۹۹

**توکل به خدا در طلب روزی**

توکل به خدا در طلب روزی

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «لو أنکم تتوکلون علی الله حقّ توکلہ لرزقکم كما یرزق الطیر، تغدو خماسا و تزوح بطانا؛ اگر شما چنان که باید و شاید به خدا توکل کنید، همچنان که پرنده را روزی می دهد، شما را نیز روزی خواهد داد. پرنده‌گان گرسنه می روند و سیر برمی گردند» (۱).

۲. امام صادق علیه السلام: «أبی الله عزوجل إلا أن يجعل أرزاق المؤمنین من حیث لا یحتسبون؛ خداوند عزوجل جز این نخواسته است که روزی های مؤمنان را از جایی رساند که گمانش را هم نمی برند» (۲).

۳. امام صادق علیه السلام: «إن الله عزوجل جعل أرزاق المؤمنین من حیث لا یحتسبون، و ذلك أن العبد إذا لم یعرف وجه رزقه کثر دُعاؤه؛ خداوند عزوجل روزی مؤمنان را از جایی می رساند که فکرش را هم نمی کنند؛ علتش هم این است که وقتی مؤمن نداند روزی اش از کجا خواهد رسید، زیاد دعا می کند» (۳).

**عوامل فزاینده روزی**

عوامل فزاینده روزی

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «من أنعم الله تعالى علیه نعمة فلیحمد الله تعالى، و من استبطأ (علیه) الرزق فلیستغفر الله؛ هر کسی که خداوند تعالی به او نعمتی ارزانی دارد، باید خدای تعالی را حمد و سپاس گوید و هر کس روزی اش به تأخیر افتد، از خداوند آمرزش بخواهد» (۴).

۱- کنز العمال، ح ۵۶۸۴.

۲- الکافی، ج ۵، ص ۸۳، ح ۱.

۳- الکافی، ج ۵، ص ۸۴، ح ۴.

۴- عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۶، ح ۱۷۱.



ص: ۳۰۰

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ اسْتَبَطَّ الرَّزْقَ فَلْيُكْثِرْ مِنَ التَّكْبِيرِ، وَ مَنْ كَثَرَ هَمُّهُ وَ غَمُّهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الاسْتِغْفَارِ؛ کسی که در روزی خود تأخیر و تنگی بیند، باید زیاد تکبیر بگوید و کسی که اندوهش زیاد شود، بسیار استغفار کند» (۱).

۳. امام علی علیه السلام در سفارش هایش به کمیل فرمود: «إِذَا أَبْطَأَتِ الْأَرْزَاقُ عَلَيْكَ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ يُوسِّعْ عَلَيْكَ فِيهَا؛ هر گاه در روزی تو تأخیر و تنگی پدید آمد، استغفار کن تا روزی را بر تو فراخ گرداند» (۲).

۴. امام باقر علیه السلام فرمود:

الْأَرْزَاقُ مَوْظُوفَةٌ مَقْسُومَةٌ، وَ لِلَّهِ فَضْلٌ يُقَسِّمُهُ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ: «وَ اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» ثُمَّ قَالَ: وَ ذِكْرُ اللَّهِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ أَبْلَغُ فِي طَلَبِ الرَّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ (۳).

روزی ها معین و تقسیم شده است، و خدای را زیادتی است که آن را از طلوع فجر تا طلوع خورشید تقسیم می کند و این فرموده اوست که «از خدا فضل او را بخواهید». امام سپس فرمود: ذکر خدا بعد از طلوع فجر در تحصیل روزی، مؤثرتر است از سفر کردن و کوشیدن.

۵. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ قَسَمَ الْأَرْزَاقَ بَيْنَ عِبَادِهِ وَ أَفْضَلَ فَضْلًا كَبِيرًا لَمْ يُقَسِّمُهُ بَيْنَ أَحَدٍ، قَالَ اللَّهُ: «وَ اسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»؛ (۴) خداوند، روزی ها را میان

۱- کنز العمال، ح ۹۳۲۵.

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۷۰، ح ۱.

۳- بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۳۲۳، ح ۱۱.

۴- النساء: ۳۲.

ص: ۳۰۱

بندگان خود تقسیم کرد و مقدار فراوانی را زیاد آورد که میان هیچ کس تقسیم نکرد. خداوند فرموده است: «و از خدا زیادی اش را بخواهید» (۱).

۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «الرِّزْقُ أَسْرَعُ إِلَى مَنْ يُطْعِمُ الطَّعَامَ، مِنَ السَّكِينِ فِي السَّنَامِ؛ روزی کسی که اطعام می کند، سریع تر از فرو رفتن کارد در کوهان شتر، به سویش می آید» (۲).

۷. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الْبِرَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ نیکی، روزی را زیاد می کند» (۳).

۸. امام صادق علیه السلام: «حُسْنُ الْخُلُقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ خوش خویی، روزی را زیاد می کند» (۴).

### عوامل از بین برنده روزی بر

عوامل از بین برنده روزی بر

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ حَبَسَ عَنْ أَحِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئًا مِنْ حَقِّ حَرَمِ اللَّهِ عَلَيْهِ بَرَكَهَ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ؛ هر کس حقی از حقوق برادر مسلمان خود را از او دریغ کند و بازدارد، خداوند برکت روزی را بر او حرام گرداند مگر آنکه توبه کند» (۵).

۲. امام باقر علیه السلام: «إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَزْوِي عَنْهُ الرِّزْقُ؛ بنده گناه می کند و به سبب آن روزی از او گرفته می شود» (۶).

۱- بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۴۷، ح ۵.

۲- بحار الانوار، ج ۴، ص ۳۶۲، ح ۱۷.

۳- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۱، ح ۸۴.

۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶، ح ۷۷.

۵- أمالی صدوق، ص ۵۱۶، ح ۷۰۷.

۶- الکافی، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۸.

ص: ۳۰۲

۳. امام صادق علیه السلام: «كَثْرَةُ السُّحْتِ يَمَحِقُ الرِّزْقَ؛ حرام خواری زیاد، روزی را می برد». (۱)

### طلبِ حلال

طلبِ حلال

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعُهُ أَجْزَاءُ فِي طَلْبِ الْحَلَالِ؛ عبادت ده جزء دارد، که نه جزء آن طلب [روزی] حلال است». (۲)

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «طَلْبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ طلب [درآمد] حلال، بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است». (۳)

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «طَلْبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ؛ طلب روزی حلال، بعد از فرایض، واجب است».

۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «طَلْبُ الْحَلَالِ جِهَادٌ؛ طلب [درآمد] حلال، جهاد است». (۴)

۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَ كَانَ عَيْشُهُ كَفَافًا؛ خوشا به حال کسی که تسلیم [رضای خدا] باشد و زندگی اش به قدر کفاف». (۵)

### ثمره کسب روزی حلال

ثمره کسب روزی حلال

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ؛ هر کس از دسترنج خود بخورد، مانند برق جهنده از صراط بگذرد». (۶)

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ، نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ»

۱- الکافی، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۹، ح ۳۷.

۳- جامع الأخبار، ص ۳۸۹، ح ۱۰۷۹.

۴- کنز العمال، ح ۹۲۰۵.

۵- الکافی، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۲.

۶- جامع الأخبار، ص ۳۹۰، ح ۱۰۸۵.

ص: ۳۰۳

أبدا؛ هر کس از دسترنج خود بخورد، خداوند با نظر رحمت به او بنگرد و هرگز عذابش نکند» (۱).

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ حَلَالًا، فَتِيحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ؛ هر کس از دسترنج حلال خود بخورد، درهای بهشت به رویش گشوده شود و او از هر در که خواهد وارد شود» (۲).

۴. بحار الأنوار عن المفضل بن عمر: اسْتَعِينُوا بِبَعْضِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ، فَإِنِّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: اسْتَعِينُوا بِبَعْضِ هَذِهِ عَلَى هَذِهِ، وَ لَا تُكُونُوا كَأَنَّ عَلَى النَّاسِ (۳).

بحار الأنوار به نقل از مفضل بن عمر از قسمتی از دنیا برای آخرت کمک بگیرید؛ زیرا شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: از قسمتی از دنیا برای آخرت کمک بگیرید، و سربار مردم نباشید.

## نمونه های رفتاری

### اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. روزی حلال

۲. رحمت را از بندگان مؤمن دروغ مدار

۳. بروید دنبال کار

۴. آدمم تو را موعظه کنم

۵. نماز شب و افزایش روزی

۶. خداوند، شما را روزی خواهد داد

### ۱. روزی حلال

۱. روزی حلال

معمر بن خالد، از امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که گفت: شنیدم از آن حضرت که می فرمود: امام محمد باقر علیه السلام به سوی مردی نظر فرمود که می گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ؛ خداوند! از تو روزی حلال مسئلت می

کنم»، پس حضرت باقر علیه السلام فرمود: قوت و روزی پیغمبران را خواستی؛ بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقًا وَاسِعًا طَيِّبًا مِنْ رِزْقِكَ؛ خداوندا! به درستی که من از تو روزی فراخ پاکیزه را، مسئلت می‌کنم». (۴)

۱- جامع الأخبار، ص ۳۹۰، ح ۱۰۸۷.

۲- جامع الأخبار، ص ۳۹۰، ح ۱۰۸۶.

۳- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۸۱، ح ۱.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، تحفه الأولیاء (ترجمه اصول کافی)، ج ۴، ص ۴۹۱.

ص: ۳۰۴

احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدای تو گردم! خدای عزوجل را بخوان و دعا کن که حلال را روزی من گرداند. حضرت فرمود: آیا می دانی حلال چیست؟ عرض کردم: به درستی که آنچه در نزد ماست و به آن اعتقاد داریم، کسب طیب و پاکیزه است. فرمود: حضرت علی بن الحسین علیهما السلام می فرمود: حلال، قوت برگزیدگان است. بعد از آن فرمود: بگو: «أَسْأَلُكَ مِنْ رِزْقِكَ الْوَاسِعِ؛ خدایا روزی ات را که وسعت داده شده مسئلت می کنم».(۱)

## ۲. رحمتت را از بندگان مؤمنت دریغ مدار

۲. رحمتت را از بندگان مؤمنت دریغ مدار

نقل شده است سلیمان در کنار ساحل دریایی نشسته بود؛ ناگاه چشمش به مورچه ای افتاد که دانه ای گندم را با خود به طرف آب می برد. لحظه ای بعد قورباغه ای را دید که سر از آب بیرون آورد و آن مورچه را با دانه اش در دهان خود فرو برد. ساعتی بعد همان قورباغه، مورچه را به سطح آب آورد و از دهان خود بیرون انداخت. سلیمان که مبهوت این صحنه شده بود، از مورچه علت ماجرا را پرسید. مورچه در پاسخ گفت: در قعر دریایی که مشاهده می کنی، تخته سنگی بزرگ قرار دارد. در میان شکاف آن، کرمی نابینا زندگی می کند که قادر نیست برای تأمین غذای خود از آنجا خارج شود. خداوند، مرا مأمور ساخت که روزی او را تا آنجا حمل کنم و این قورباغه نیز به کمک من آمد تا در میان دهانش از آسیب آب در امان باشم. سلیمان از او پرسید: آیا او تسبیح خداوند را هم می گفت؟ مورچه پاسخ داد: بلی، او پیوسته می گفت: «یا مَنْ لَا يَنْسَانِي فِي

۱- محمد بن یعقوب کلینی، تحفه الأولیاء (ترجمه اصول کافی)، ج ۴، ص ۴۹۱.

ص: ۳۰۵

جوف هذه اللبجه برزقك، لا تنس عبادك المؤمنين برحمتك؛ ای کسی که مرا با روزی ات در اعماق این دریا فراموش نمی کنی، رحمت را از بندگان مؤمن دروغ مدار و آنها را به فراموشی مسپار». (۱)

### ۳. بروید دنبال کار

۳. بروید دنبال کار

وقتی آیه: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ هر کس از خدا بترسد، خداوند برای او راه رهایی قرار می دهد و از جایی که گمان نمی برد، به او روزی می رساند» نازل شد، گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله دکان های خود را بستند و به عبادت پرداختند و گفتند: روزی ما خواهد رسید. چون پیغمبر صلی الله علیه و آله این خبر را شنید، ایشان را نزد خود خواست و فرمود: چه چیز شما را بر این کار واداشت؟ گفتند: ای رسول خدا! خدا رساندن روزی ما را کفالت کرد و از این رو به عبادت پرداختیم. فرمود: هر کس چنین کند دعایش مستجاب نخواهد شد، بروید دنبال کار (و طلب روزی حلال). (۲)

### ۴. آمدم تو را موعظه کنم

۴. آمدم تو را موعظه کنم

عبدالله بن حجاج از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: محمد بن منکدر بارها گفت من خیال نمی کردم که علی بن الحسین علیه السلام فرزندی از خود به یادگار گذاشته باشد که از خودش بهتر باشد. چون فرزندش محمد بن علی را دیدم، رفتم تا او را موعظه ای کنم، ولی او مرا موعظه کرد.

۱- دعوات راوندی، ص ۱۱۵.

۲- الحیاه، ترجمه: احمد آرام، ج ۳، ص ۲۷۲.

ص: ۳۰۶

دوستانش از او پرسیدند: به چه چیز تو را موعظه کرد؟ گفت: روزی که هوا بسیار گرم بود به اطراف مدینه رفتم و به ابوجعفر محمد بن علی که مردی تنومند بود، برخوردم. دیدم که او به کمک غلامان سیاهش در مزرعه کار می‌کند. در دل با خود گفتم: سبحان الله! مرد محترمی از محترمین قریش در این ساعت روز و با چنین حالتی به دنبال دنیا برخاسته است! جا دارد او را موعظه ای کنم و حتما این کار را خواهم کرد.

نزدیکش رفتم و سلام کردم. ایشان در حالی که عرق از سر و رویش می ریخت، با حالتی که بیانگر بی‌مهری بود جواب سلامم را داد. عرض کردم: خدا تو را اصلاح کند، آیا این درست است که مردی محترم از شیوخ قریش، در این ساعت و با این حالت در طلب دنیا باشد؟ و آیا اگر در همین حال اجلت فرا رسد، فکر می‌کنی که در چه حالی از دنیا رفته باشی؟ فرمود: اگر مرگ من در این ساعت برسد، در حالی رسیده که مشغول طاعت خدای عزوجل هستم و خود و عیالم را از تو و از مردم، بی‌نیاز می‌کنم، ترس من تنها از این است که مرگم در حالی برسد که مشغول گناهی از گناهان باشم. گفتم: بله، خدا رحمت کند! تو درست گفتی. من آمدم که تو را موعظه کنم؛ تو مرا موعظه کردی. (۱)

### ۵. نماز شب و افزایش روزی

۵. نماز شب و افزایش روزی

... محمد نوفلی گوید از امام معصوم علیه السلام شنیدم: که فرمود گاهی بنده نیمه شب برای اقامه نماز از خواب برمی‌خیزد، ولی خواب بر او چیره می‌آید و او را به راست و چپ می‌اندازد و چانه اش بر روی سینه اش

۱- ترجمه المیزان، ج ۱۰، ص ۲۶۵. (با دخل و تصرف)



ص: ۳۰۷

می افتد. پس خداوند پاک و منزّه به درهای آسمان فرمان می دهد که گشوده شوند، سپس به فرشتگان می فرماید: به بنده ام بنگرید که برای تقرب به من، چگونه خویشتن را در کاری که بر او واجب نساخته ام، به رنج می افکند! درحالی که به سه چیز از سوی من امید بسته است: گناهی که بر او ببخشایم، یا توبه ای که دوباره به او ارزانی کنم و یا روزی ای که بر آن بیفزایم؛ پس فرشتگانم را گواه می گیرم که بی تردید این سه چیز برای او فراهم آورم. (۱)

### ۶. خداوند، شما را روزی خواهد داد

۶. خداوند، شما را روزی خواهد داد

خالد بن نجیح از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود:

«با هر يك از اصحابتان (شیعیان) دیدار کردید، به وی سلام برسانید و به آنان بگویید: فلانی فرزند فلانی، [امام صادق علیه السلام] به شما سلام می رساند. و به آن ها بگویید: بر شما باد به تقوای الهی و به آنچه به وسیله آن بر آنچه نزد خداست، راه یافته می شود. به خدا سوگند! من به شما فرمان نمی دهم مگر به آنچه خودمان را به آن فرمان می دهیم. پس بر شما باد به تلاش و کوشش. هنگامی که نماز صبح را به جا آوردید و بازگشتید، پس صبح زود [در نخستین زمان روز] به دنبال طلب روزی روید و [رزق] حلال را بجویید؛ زیرا خداوند، شما را روزی خواهد داد و شما را بر آن یاری و کمک خواهد کرد». (۲)

۱- ثواب الاعمال، ترجمه: صادق حسن زاده، ص ۱۰۹. (با دخل و تصرف)

۲- منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ج ۲۲، ص ۸۱.

ص: ۳۰۸

## آموزه ها

## اشاره

آموزه ها

زیر فصل ها

۱. استغفار روزی آور است ۲. اثر دعا در طلب روزی

۳. میانه روی و تثبیت روزی

۴. زیارت امام حسین علیه السلام و افزایش روزی

۵. ناسپاسی و از دست دادن روزی

۶. ضرورت رعایت تقوا، در بهره گیری از رزق الهی

۷. شکر خدا هنگام استفاده از رزق

۸. انفاق از روزی

۹. روزی رسان خداست

۱۰. وسعت رزق و ناسپاسی انسان

۱۱. پایداری رزق و نعمت های آخرتی

## ۱. استغفار روزی آور است ۲. اثر دعا در طلب روزی

۱. استغفار روزی آور است ۲. اثر دعا در طلب روزی

امام صادق علیه السلام فرمود: برای طلب روزی از خدا بگویید: «یا الله یا الله یا الله أسألك بحق من حقه عليك عظیم ان تصلى على محمد و آل محمد و ان ترزقنى العمل بما علمتى من معرفه حَقِّكَ و ان تبسط على ما خطرت من رزقك؛ از تو می خواهم به حق کسی که حق تو بر وی بزرگ است که بر محمد و آلش درود فرستی و عمل به آنچه را از معرفت حق خودت به من آموختی، روزی ام کنی و روزی ات را بر من توسعه دهی» (۱).

حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» فرمود: حسنه و خوبی آخرت، یعنی

رضایت و خشنودی خدا و بهشت؛ و حسنه و خوبی دنیا، یعنی توسعه و گشایش در زندگی و رزق و روزی و حسن خلق. (۲)

### ۳. میانه روی و تثبیت روزی

۳. میانه روی و تثبیت روزی

پیامبر صلی الله علیه و آله: «هیچ کس با میانه روی گرفتار فقر نشد». (۳)

### ۴. زیارت امام حسین علیه السلام و افزایش روزی

۴. زیارت امام حسین علیه السلام و افزایش روزی

«...کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت نماید، خدا حوایج او را روا خواهد

۱- ابن فهد حلی، آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز (ترجمه: محمدحسین نائیجی نوری، عده الداعی).

۲- نک: معانی الاخبار، ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۳- الحیاه، ج ۳، ص ۲۷۴.

ص: ۳۰۹

کرد و امور مهم دنیوی وی را کفایت می نماید. زیارت امام حسین علیه السلام رزق و روزی انسان را جلب می کند؛ آنچه را که در راه زیارت مصرف کرده باشد ذخیره آخرت می نماید، [و] گناه پنجاه ساله انسان را می آمرزد.

وی در حالی به سوی اهل و عیال خود بازمی گردد که گناه و خطیئه او از نامه عملش محو می شود. اگر در مسافرت بمیرد، ملائکه نازل می شوند و جنازه اش را غسل می دهند و دری از بهشت به روی او باز خواهد شد. روح و ریحان بهشت نصیب او می شود تا آن روزی که محشور گردد. اگر به سلامت باز گردد، در رزق و روزی به روی وی باز خواهد شد. در عوض هر یک درهمی که در راه زیارت امام حسین علیه السلام مصرف کند، مبلغ ده هزار درهم برایش داده می شود و آنها ذخیره وی قرار داده می شوند. هنگامی که محشور شود به او گفته می شود: در عوض هر یک درهم، ده هزار درهم به تو عطا شده است. خدای مهربان نظر مرحمت به تو افکنده و این پول ها را برایت ذخیره نموده است» (۱).

### ۵. ناسپاسی و از دست دادن روزی

۵. ناسپاسی و از دست دادن روزی

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی اش از هر سو فراوان می رسید، پس [ساکنانش] نعمت های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند». (نحل: ۱۱۲)

۱- محمدباقر مجلسی، زندگانی حضرت امام حسین ۷ (ترجمه جلد ۴۵ بحارالانوار).

ص: ۳۱۰

**۶. ضرورت رعایت تقوا، در بهره گیری از رزق الهی**

۶. ضرورت رعایت تقوا، در بهره گیری از رزق الهی

«وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ؛ و از آنچه خداوند روزی شما کرده، حلال و پاکیزه را بخورید، و از خدا پروا دارید».  
(مائده: ۸۸)

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛... و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون شدنی قرار می دهد و از جایی که حسابش را نمی کند، به او روزی می رساند».  
(طلاق: ۲ و ۳)

**۷. شکر خدا هنگام استفاده از رزق**

۷. شکر خدا هنگام استفاده از رزق

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمت های پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم، بخورید و خدا را شکر کنید».  
(بقره: ۱۷۲)

**۸. انفاق از روزی**

۸. انفاق از روزی

«وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنُ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ و از آنچه روزی شما کرده ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: پروردگارا، چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟»  
(منافقون: ۱۰)

**۹. روزی رسان خداست**

۹. روزی رسان خداست

«نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ؛ ما شما و آنان را روزی می رسانیم».  
(انعام: ۱۵۱)

**۱۰. وسعت رزق و ناسپاسی انسان**

۱۰. وسعت رزق و ناسپاسی انسان

«وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ نُنزِّلُ بَقْدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ

ص: ۳۱۱

بِعِبَادِهِ خَيْرٌ بَصِيرٌ؛ و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ گرداند، مسلماً در زمین سر به عصیان برمی دارند، لیکن آنچه را بخواهد به اندازه ای [که مصلحت است] فرو می فرستد. به راستی که او به [حال] بندگانش آگاه بیناست». (شوری: ۲۷)

### ۱۱. پایداری رزق و نعمت های آخرتی

۱۱. پایداری رزق و نعمت های آخرتی

«وَلَا تُمَدَّنْ عَيْنِكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى؛ و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، چشم مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است». (طه: ۱۳۱)

### منابع دیگر

#### منابع دیگر

ایلداری، یوسف، رزق و روزی حلال و حرام در زندگی، تهران، ۱۳۸۵.

جمالی، قربان، تدبیر معیشت از دیدگاه آیات و روایات، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۵.

زاهدی، طاهر، عوامل افزایش رزق و روزی، قم، انتشارات جامعه القرآن الکریم، ۱۳۸۷.

شریفی اشکوری، مرتضی، عوامل فقر و رزق و روزی، تهران، آوینا، ۱۳۸۵.

قاسمی، محمدعلی، روزی حلال، قم، نورالزهراء علیها السلام، ۱۳۸۸.

متین، علی، رزق و روزی از دیدگاه قرآن و حدیث، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰.

مهدوی، سید ابوالحسن، رزق مادی و معنوی، اصفهان، نسیم رحمت، ۱۳۹۰.



ص: ۳۱۳

## ریاست طلبی

## اشاره

ریاست طلبی

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای پرهیزکاران پیشوا قرار ده!». (فرقان: ۷۴)

در سوره فرقان، بندگان خداوند رحمان معرفی می شوند و ویژگی های آنها نام برده می شود: بندگان خدای رحمان کسانی هستند که روی زمین بی تکبر راه می روند و هرگاه جاهلان، آنان را مخاطب قرار می دهند و سخنان نابخردانه گویند، با ملایمت و سلامت نفس پاسخ دهند. عباد الرحمن، اهل شب زنده داری و دعا و توجه به خدا هستند. آنان از خدا می خواهند که عذاب جهنم را از آنها دور سازد. آنها اهل انفاق و بخشش هستند و در این کار حد اعتدال و میانه را رعایت می کنند. آنها اهل شرک نیستند، یعنی در کنار خداوند سبحان، معبود دیگری ندارند تا او را بخوانند. پاکدامن هستند... آرزوی ریاست و امامت در دل می پروراند، اما ریاست و امامتی که رنگ و بوی خدایی داشته باشد. آنها چنین دعا می کنند: «وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» بارالها، ما را



ص: ۳۱۴

پیشوای پرهیزکاران گردان». بله، آنها آرزو دارند که مدیریت جامعه را بر عهده گیرند؛ مدیریت، ریاست و امامتی که یک ارزش است. آنها انسان‌های بلندهمتی هستند. نه تنها خود اهل تقوایند، بلکه آرزو دارند چنان گوی سبقت را ببرند که الگویی برای اهل تقوا شوند. آنها دوست دارند دیگران را هم به راه تقوا رهنمون شوند.

با این بیان، روشن می‌شود که درخواست چنین ریاستی، نه تنها بد نیست، بلکه از دعا‌های خوب و موردپسند خداست. این نوع ریاست و به تعبیر قرآن کریم امامت، برای هر کسی امکان پذیر نیست.

خداوند متعال به حضرت داود علیه السلام فرمود: «خداوند، امامت دانشمندی را که قلبش دوستدار شهوت هاست، بر اهل تقوا حرام کرده است».<sup>(۱)</sup>

بعضی از مفسران، مانند علامه طباطبایی رحمه الله در تبیین این دعا (واجعلنا للمتقین اماماً) می‌نویسد: «یعنی ما را توفیق ده تا در راه انجام خیرات و به دست آوردن رحمت، از یکدیگر سبقت بگیریم. در نتیجه، دیگران که دوستدار تقوایند، از ما یاد بگیرند و ما را پیروی کنند...».<sup>(۲)</sup>

در کنار این برداشت از ریاست و امامت، برداشت دیگری نیز در قرآن و روایات دیده می‌شود؛ درست در نقطه مقابل این معنا، در قرآن کریم می‌خوانیم: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» [آری،] این سرای آخرت را [تنها] برای کسانی قرار می‌دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است!». (قصص: ۸۳)

۱- نک: تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۴.

۲- ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۳۳۹.

ص: ۳۱۵

بر اساس این آیه نورانی، بهشت از آن کسانی است که حتی اراده و نیت برتری جویی را در دل نپرورانند. در روایات هم آمده است: «ریاست مایه نابودی است» (۱).

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «حب ریاست را از عوامل نافرمانی انسان در برابر حضرت حق تبارک و تعالی معرفی کرده است» (۲).

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «حب مقام و شهرت، در دل انسان ترسانِ بیمناک از خدا، جای نمی گیرد» (۳).

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که ریاست طلبی دو نوع است و باید تبیین شود که کدام نوع ریاست طلبی خوب، و کدام نوع آن بد و زشت و عامل هلاکت انسان است.

برای روشن شدن بحث ریاست، چند پرسش را می توان مطرح کرد:

۱. اقسام ریاست کدام است؟

۲. ریاست طلبی، چه آثار منفی دارد؟

۳. راه درمان ریاست طلبی ناپسند چیست؟

۴. آفات ریاست چیست؟ (به هر حال، افرادی به عنوان جلودار، مدیر و یا رئیس یک مجموعه قرار می گیرند. آیا این جایگاه، آفاتی دارد؟ آن آفات چیست که فرد مؤمن و اهل تقوا باید به آن توجه کند؟).

## ۱. اقسام ریاست

۱. اقسام ریاست

بسیاری از کارها و فعالیت های انسان ها، از نظر ظاهر، تفاوتی با هم ندارند. برای مثال، کسی که مدرسه ای می سازد، مسجدی بنا می کند،

۱- غررالحکم، ص ۲۲۳.

۲- الخصال، ص ۳۳۰، ح ۲۷.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۶۹، ح ۷.

ص: ۳۱۶

جامعه ای را راهبری می کند و...، از نظر ظاهر هیچ تفاوتی بین آنها دیده نمی شود و همه این کارها، پسندیده است؛ به تعبیر دقیق، دارای حسن فعلی است. اما همه این کارها، باطنی دارد که متوجه کننده کار است و آن، نیت و انگیزه انجام دادن کار است. در بیشتر موارد، تفاوت کارها در همین باطن انگیزه و نیت کارهاست. توجه به همین نکته، تفاوت اصلی انواع ریاست را روشن می سازد. و گرنه ریاست، امامت، راهبری و هر تعبیر دیگر، حقیقت موضوع را عوض نمی کند. کسی که رئیس یا امام می شود و دیگران از او پیروی می کنند، جلودار دیگران است و این، یک حقیقت واحد است. اما آنچه ریاست، امامت و راهبری را دو قسم می کند، نیت ها و جهت هاست: با چه هدفی ریاست می کند؟ آیا برای خداست؟ در جهت خداست؟ یا برای هوای نفس و در جهت طاغوت است؟

از دیدگاه قرآن و مکتب اهل بیت علیهم السلام، ریاست، راهبری و ولایت، از دو قسم خارج نیست: یا ریاست و ولایت الهی است، و یا ریاست و ولایت طاغوتی است.

ریاست و ولایت الهی، بندگان خدا را به سوی عدالت، تقوا، خوبی ها و نور، هدایت کند: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ».

بر خلاف ریاست الهی، ریاست و ولایت طاغوتی، بندگان را به سمت ستم و گناه، زشتی ها و بدی ها و به سمت تاریکی ها می کشاند. ریاست طاغوتی، هدفش هوای نفس و دنیاست و ریشه آن، به دوستی دنیا و به تعبیر روایات، حبّ دنیا برمی گردد. روشن است که «حبّ دنیا رأس کل خطیئه؛ دوستی دنیا، ریشه همه خطاهاست».<sup>(۱)</sup>

ص: ۳۱۷

پس ریاست و راهبری اگر به نیت الهی و در سرزمین تقوا و براساس تقوا باشد، مطلوب و زیباست و اگر به نیت طاغوت باشد و در سرزمین حبّ دنیا و بر اساس هوا و هوس باشد، نامطلوب و زشت است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نیت مؤمن، بهتر از عمل اوست و نیت کافر، بدتر از عملش است و هر کس طبق نیتش کار می کند».

مرحوم مجلسی در تفسیر این روایت، دوازده قول از دانشمندان حدیث نقل می کند و سپس، تحقیقی لطیف و تفصیلی عمیق از خود بیان می فرماید که به واسطه اهمیت مقام و از این نظر که نیت، رکن و پایه همه اعمال است، مختصری از کلامش را در اینجا ذکر می کنیم:

تصحیح نیت از مشکل ترین اعمال انسان است؛ زیرا نیت، تابع حالت نفسانی است و قبول و رد و درجات کمالش، مربوط به همان حالت نفسانی می باشد و تصحیح نیت جز با بیرون ساختن محبت دنیا به وسیله ریاضات شاقه و تفکرات صحیحه ممکن نگردد؛ زیرا دل، سلطان و فرمانروای بدن است و همه اعضا و جوارح، محکوم فرمان او می باشند و در یک دل، دو محبت متناقض جمع نشود؛ چنان که خدای تعالی فرماید: «ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ؛ خدا در اندرون هیچ کس دو دل قرار نداده»؛ و چون دنیا و آخرت، دو مطلوب مخالف و متناقض یکدیگرند، محبت آن دو در یک دل جمع نشود. از این رو، کسی که محبت دنیا در دلش جایگزین شده و آخرت را فراموش کرده است، همیشه فکر و خیال و اعضا و جوارحش متوجه دنیا است و هر عملی که انجام می دهد نتیجه غایی و مقصود حقیقی اش دنیاست؛ اگرچه به دروغ دم از خدا

ص: ۳۱۸

و آخرت زند. از این رو، در عبادات و طاعاتش هم اعمالی را انتخاب می کند که بدان ها وعده بسیاری مال داده شده و به طاعتی که موجب تقرب و محبت خداست، اعتنایی ندارد.

و نیز کسی که حب جاه و شهرت بر دلش مستولی گشته، در همه اعمال و رفتارش، از آن منظور و هدف پیروی می کند.... (۱).

بنابراین، آن ریاستی که به حب دنیا می انجامد، ریاست نکوهیده است که مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز آن را تأیید نمی کند. بر این اساس، تعریف ائمه اطهار علیهم السلام از ریاست طلبی نکوهیده، در خور توجه است. سفیان بن خالد می گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای سفیان! از ریاست پرهیز؛ زیرا هر کس جویای ریاست شد، هلاک گشت. عرض کردم: فدایت شوم، پس همه ما هلاک شدیم؛ زیرا هیچ یک از ما نیست جر آنکه دوست دارد اسمش بُرده شود و مردم به او روی آورند و از او پیروی کنند. حضرت فرمود: درست متوجه نشدی؛ بلکه ریاست طلبی به این معناست که کسی را غیر از حجت [خدا] عَلم کنی و هر چه می گوید تصدیق نمایی و مردم را به عقیده او فرا خوانی» (۲).

علمای اخلاق نیز به این نکته مهم توجه داشته اند. در کتاب معراج السعاده، آنجا که صفات و اخلاق زشت را برمی شمارد، از محبت جاه، شهرت، بزرگی و ریاست نیز نام می برد و حقیقت جاه و ریاست طلبی را چنین معنا می کند: «تسخیر قلوب مردم و مالک شدن دل های ایشان است؛ همچنان که در مالداري، تسخیر اعیان درهم و دنیا و... امثال اینهاست... محبت جاه، بالاتر و بیشتر از محبت مال است...»

۱- اصول کافی، ترجمه: سید جواد مصطفوی، ج ۳، ص ۱۳۳.

۲- معانی الاخبار، ص ۱۸۰، ح ۱.

ص: ۳۱۹

حب جاه و شهرت، از مهلکات عظیم و طالب آن، طالب آفات دنیویه و اخرویه است و کسی که اسم او مشهور و آوازه او بلند شد، کم می شود که دنیا و آخرت او سالم بماند؛ مگر کسی که خداوند عالم، به حکمت کامله خود، [او را] به جهت نشر احکام دین برگزیده باشد... و از این است که اخبار و آیات در مذمت آن بی شمار وارد گردیده. خداوند عالم می فرماید: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا. يَعْنِي أَنْ خَانَهُ آخِرَتِ رَا كَه وَصْفِ أَنْ رَا شَنِيدَه اِي، قَرَار دَادَه اِيْم اَز بَرَايِ أَنْآنِ كَه نَمِي خَوَاهَنْد دَر دُنْيَا بَزْرُكِي وَ بَرْتَرِي رَا دَر زَمِينِ وَ نَه فَسَادِ وَ تَبَاهْكَارِي رَا»؛<sup>(۱)</sup> و ديگر مي فرمايد: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ».<sup>(۲)</sup>

خلاصه مضمون آنکه هر که طالب باشد زندگانی دنیا را و آرایش و زینت آن را، که از آن جمله جاه و منصب است، به ایشان در دنیا پاداش سعی های ایشان می رسانیم، ولی در آخرت برای ایشان فقط آتش است.

و از آفتاب فلک سروری و والی ولایت پیغمبری وی است که: دوستی جاه و مال، نفاق را در دل می رویاند، چنان که آب، گیاه را می رویاند.

و هم از آن سرور، منقول است که اگر دو گرگ درنده را در جایگاه گوسفندان رها کرده باشند، آن قدر که دوستی مال و جاه در این مرد مسلمان فساد می کند، آن دو گرگ، گوسفندان را فاسد نمی کنند.

از زمان آدم تا این دم، حب جاه سبب بیشتر عداوت ها و مخالفت ها

۱- قصص: ۸۳.

۲- هود: ۱۵ و ۱۶.

ص: ۳۲۰

با انبیا دین و اوصیای الهی بوده است. نمرود مردود، به همین جهت آتش برای سوختن ابراهیم خلیل افروخت و فرعون ملعون به این سبب خانمان سلطانی خود را سوزاند.

حب جاه است که شداد بدنهاد را به ساختن ارم ذات العمامد، [وا] داشت و لعن ابد و عذاب مخلد، بر او گماشت.

یثرب به باد رفت به تعمیر ملک شام

بطحا خراب شد به تمنای ملک ری. (۱)

## ۲. آثار ریاست طلبی

### اشاره

۲. آثار ریاست طلبی

باید توجه داشت که دوستی ریاست و دوستی جاه در روایات نکوهش شده است. ریاست طلبی یک صفت نفسانی است و آثار منفی و مفسد فراوانی مانند ریا، نفاق، نابودی دین، دروغ گویی و... را به دنبال دارد.

### الف) نفاق و ریا

الف) نفاق و ریا

حب جاه و مقام و ریاست طلبی، به طور معمول انسان را به سوی نفاق می کشاند. ملا احمد نراقی در تبیین این موضوع می نویسد:

و از جمله مفسد این صفت خبیثه آن است که هر کسی که بر دل او حب جاه و برتری مستولی شد، همگی همت بر مراعات جانب خلق مقصور و از ملاحظه رضای خالق دور می گردد. پیوسته از روی ریا اعمال و افعال خود را در نظر مردمان جلوه می دهد و همیشه منافقانه، دوستی خود را با ایشان ظاهر می سازد و روز و شب متوجه این است که چه کاری کند که منزلت او در نزد مشتی ارادل افزایش و صبح و شام در فکر

۱- معراج السعاده، صص ۴۲۷ ۴۲۹ (با اندکی تصرف).

ص: ۳۲۱

اینکه چه سخن گوید که مرتبه او در پیش چندی اوباش زاید گردد و دورویی را، شعار و نفاق را شیوه خود می سازد و به انواع معاصی و محرمات می پردازد و به این سبب بود که اکابر علما و اعظام اتقیا، از جاه و ریاست گریزان بودند. چنان که آدمی از شیر درنده و مار گزنده می گریزد... (۱).

### (ب) نابودی دین و دیانت

(ب) نابودی دین و دیانت

یکی از آثار بسیار خطرناک دوستی مال و منصب، وارد شدن آسیب و زیان شدید به دین انسان مؤمن است. در روایات، تعبیر گویایی برای این موضوع به کار رفته و بر انسان عاقل، لازم است که در تعبیر اهل بیت علیهم السلام تأمل کند.

امام صادق علیه السلام آنگاه که می خواهد خطر این حب و دوستی نابجا را به تصویر بکشد، می فرماید: «فساد دو گرگ در یک گله بدون چوپان، یکی در جلو و دیگری در عقب آن، کمتر است از فساد دوستی و جاه طلبی در دین شخص مسلمان» (۲).

در این مثال، انسان مسلمان و دین او به گله ای تشبیه شده است که شبانی ندارد و هدف حمله گرگ قرار می گیرد. گرگ وحشی و درنده که به گله حمله می کند، حرص نابودی دارد. وقتی به گوسفندی حمله می کند، او را می درد و سراغ گوسفندی دیگر می رود. در این فرض که دو گرگ از دو جهت به گله ای حمله می کنند که فریادرس ندارد، تا تمام گله را نابود نکنند، آرام نمی گیرند. حب ریاست نیز سیری ندارد و فقط

۱- معراج السعاده، ص ۴۲۹.

۲- الحیاه، ج ۴، ص ۵۵.



ص: ۳۲۲

در صدد نابودی است و تا صاحب خود را نابود نسازد، آرام نمی‌گیرد. اما حب ریاست، یک تفاوت با گرگ بیابان دارد و آن این است که حب ریاست، چون در جان آدمی است، اول به خود آدمی آسیب می‌رساند و سپس دیگران را هلاک می‌کند. امام صادق علیه السلام در روایتی شیعیان را از رؤسا و ریاست طلبان بر حذر می‌دارد؛ زیرا ریاست طلبان دو ویژگی دارند: «هَلْکَ و اَهْلَکَ؟ هلاک می‌شوند و پیروانشان را هلاک می‌کنند» (۱).

بر همین اساس، امامان معصوم علیهم السلام، پیروی و دنباله روی از افراد را نیز نهی می‌کنند. ایشان در پاسخ شیعیان که چنین چیزی را امکان پذیر نمی‌دانند و معتقدند به هر حال در جامعه باید از کسی پیروی کرد، توضیح می‌دهند که مقصود آن است که کسی را بدون حجت جلودار خود قرار ندهند و هر سخن وی را تصدیق نکنند (۲).

امام حسن عسگری علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: عوام ما (شیعیانی که فقیه و مجتهد نیستند)، هر گاه از علما و دانشمندان خود فسق و فجور آشکار و گناه شدید و حرص بر دنیا و حرام خواری دیدند، اگر از این گونه افراد تقلید کنند و پیرو آنها باشند، مانند قوم یهود خواهند شد که خداوند در قرآن کریم، آنها را به دلیل پیروی از علمای فاسق نکوهش کرده است. سپس حضرت، این کلام مشهور را بیان فرمود: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِئًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ مَخَالِفًا عَلَيَّ هَوَاهُ مَطِيعًا لِمَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يَقْلُدُوهُ.» و در ادامه می‌فرماید که «این ویژگی‌ها در بعضی از فقهای شیعه یافت می‌شود، نه در همه آنها...» (۳).

۱- خویی، منهاج البراعه فی نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۷۳.

۲- خویی، منهاج البراعه فی نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۷۳.

۳- خویی، منهاج البراعه فی نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۷۳.

ص: ۳۲۳

هرچند این حدیث درباره دانشمندان است، در حقیقت، بحث پیروی از افرادی است که به عنوان رئیس جامعه مطرح می شوند. بنابراین، در یک نگاه عام، بحث ریاست و پیروی از رؤسای خوب و بد در آن مطرح شده است. به عبارت دیگر، ائمه علیهم السلام وظیفه شیعه را در دوران غیبت مشخص کرده اند.

### ج) دوری از رحمت خدا

ج) دوری از رحمت خدا

در کتاب اصول کافی، یک باب به بحث ریاست طلبی اختصاص یافته است. در آن باب، حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده که حضرت فرمود: «ملعون است کسی که ریاست را به خود بندد. ملعون است کسی که به آن همت گمارد، و ملعون است کسی که به فکر آن باشد» (۱).

بنابراین، ریاست در همه مراحل نفی می شود؛ یعنی انسان مؤمن نباید در فکر ریاست باشد؛ نباید به آن همت گمارد و برای رسیدن به آن نقشه بکشد؛ و نباید در جایگاه ریاست قرار گیرد.

### د) کذب و دروغ

د) کذب و دروغ

در روایات، دوستان ریاست نکوهش شده اند. چنین افرادی به طور معمول، برای جلب نظر دیگران دروغ می گویند؛ چنان که در روایات، دروغ از آثار حب ریاست بیان شده است. کسی که با داشتن حب ریاست، به ریاست هم برسد، حتماً به دروغ گرفتار می شود. محمد بن مسلم می گوید: «شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: گمان نکنی که من خوبان و بدان شما را نمی شناسم. به خدا که بدان شما کسی است که دوست

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۶.

ص: ۳۲۴

دارد پشت سرش راه روند و به ناچار باید دروغ پردازد یا ناتوان در رأی باشد»<sup>(۱)</sup>.

باید توجه داشت که کذب و دروغ، کلید همه بدی‌ها معرفی شده است؛ چنان که در روایتی از امام حسن عسگری آمده است: «همه خباثت و زشتی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده که کلید آن دروغ است»<sup>(۲)</sup>.

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند عزوجل برای بدی‌ها قفل‌هایی قرار داد و کلید همه آن قفل‌ها، شراب است و بدتر از شراب، دروغ است»<sup>(۳)</sup>.

مرحوم مجلسی در توضیح بحث ریاست می‌نویسد:

ریاست، بد و خوب دارد. ریاست خوب آن است که خدای تعالی به پیغمبران و اوصیا علیه السلام داده و نیز مانند قاضی و امام جماعت و تدریس و وعظ و هر منصب شرعی که مقصود، رئیس دلسوزی برای مردم و جلوگیری از فساد و منکرات باشد و این ریاست، واجب کفایی و گاهی واجب عینی است؛ و ریاست مذموم و ناپسند، آن است که شخص رئیس از منصبش سوءاستفاده کند و مقصودش به دست آوردن اغراض پست دنیا باشد و این اخبار بر وجوه مذمومه و ناپسند آن حمل شود یا بر اینکه کسی نفس ریاست را دوست داشته باشد و جاه طلب باشد و غرض شرعی مستحسنی از آن نداشته باشد<sup>(۴)</sup>.

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۷.

۲- منهاج البراعه فی نهج البلاغه، ج ۶، ص ۷۷.

۳- منهاج البراعه فی نهج البلاغه، ج ۶، ص ۷۷.

۴- اصول کافی، ج ۳، ص ۴۰۷.

ص: ۳۲۵

به هر حال، باید توجه داشت که آثار منفی حب ریاست و ریاست طلبی، در مواردی که گفته شد، منحصر نمی شود؛ زیرا براساس این تحلیل که دروغ که سرچشمه همه بدی هاست، شرّ و بدی ریاست طلبی می تواند تا جایی برسد که انسان را در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیهم السلام قرار دهد و حتی به کشتن امام معصوم علیه السلام بینجامد. نمونه بارز آن را می توان در صحنه کربلا دید که بسیاری از سران لشکر یزید، به دلیل ریاست طلبی و امید به ریاست، در مقابل امام حسین علیه السلام قرار گرفتند.

داستان عمر سعد و وعده ریاست ری مشهور است. این وعده چنان آتشی در دل عمر سعد برافروخت که او را به هلاکت ابدی کشاند.

### ۳. راه درمان ریاست طلبی

#### اشاره

۳. راه درمان ریاست طلبی

مرحوم ملا احمد نراقی صاحب کتاب معراج السعاده، دو راه برای درمان مرض حب جاه و ریاست معرفی می کند.

#### راه اول: راه علمی

راه اول: راه علمی

ایشان در این مرحله، انسان را به تفکر دعوت می کند؛ تفکر در اینکه حکومت و فرمانروایی و سلطنت، ویژه ذات پاک حضرت حق تعالی است. او در ادامه می نویسد:

پس تفکر کن در نهایت فایده جاه و ریاست و ثمره اقتدار و شهرت، در صورتی که از همه آفات خالی باشد، تا هنگام مردن است و به واسطه مرگ، همه ریاست ها زایل و همه منصب ها منقطع می گردد و خود، ظاهر است که جاه و ریاستی که در

ص: ۳۲۶

اندک زمانی به باد فنا رود، عاقل به آن خرسند نمی‌گردد... مشهور است که اسکندر ذوالقرنین در هنگام رحیل، وصیت کرد تا دو دست او را از تابوت بیرون گذارند تا عالمیان، معاینه (بالعیان و روشن) ببینند که با آن همه ملک و مال، با دستان تھی از کوچگاه دنیا به منزلگاه آخرت رفت... روزی هارون الرشید، بهلول عاقل دیوانه نما را در رهگذاری دید که بر اسب نی، سوار شده و با کودکان بازی می‌کرد. هارون پیش رفته، سلام کرد و التماس پندی نمود. بهلول گفت: ایها الامیر هذه قصورهم و هذه قبورهم (ای امیر، این کاخ‌های آنهاست و آن هم قبرهای آنها)...» (۱).

### راه دوم: راه عملی

راه دوم: راه عملی

«اما معالجه عملی حب جاه آن است که گمنامی و گوشه نشینی را اختیار کنی و از مواضعی که در آنجا مشهور [هستی]، و اهالی آن در صدد احترام تو هستند، مسافرت کنی و مواضعی که در آنجا گمنام باشی، مسکن نمایی...» (۲).

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر المیزان، بحثی در خصوص اخلاق دارد و در آنجا قاعده‌ای کلی برای اصلاح نفس بیان می‌کند که در جای خود تأمل برانگیز و مفید است. این قاعده کلی، در درمان حب جاه و مقام و ریاست طلبی هم می‌تواند استفاده شود. ایشان می‌نویسد:

باید دانست که اصلاح اخلاق و خوی‌های نفس و تحصیل

۱- معراج السعاده، ص ۴۳۲.

۲- معراج السعاده، ص ۴۳۸.

ص: ۳۲۷

ملکات فاضله، در دو طرف علم و عمل و پاک کردن دل از خوی های زشت، تنها و تنها یک راه دارد؛ آن هم عبارت است از تکرار عمل صالح و مداومت بر آن؛ البته عملی که مناسب با آن خوی پسندیده است، باید آن عمل را آن قدر تکرار کند و در موارد جزئی که پیش می آید، آن را انجام دهد تا رفته رفته اثرش در نفس، روی هم قرار گیرد و در صفحه دل نقش ببندد؛ نقشی که به این زودی ها زایل نشود و یا اصلاً زوال نپذیرد... (۱).

ایشان برای استفاده از این قاعده کلی، چند راه معرفی می کند:

راه اول: راهی است که فلاسفه پیموده اند و یا در کتاب های اخلاق قدیم، اخلاق یونان و غیره یافت می شود و آن این است که انسان فواید دنیایی فضایل و زیان های آن را در نظر بیاورد و جایگاهی را که در جامعه و مردم کسب می کند، در نظر گیرد. این راه می تواند برای آغاز و انسان های تازه کار، مناسب باشد، اما راه قرآنی نیست.

راه دوم: راه عموم پیامبران است که توجه پیدا کردن به فواید و زیان های اخروی و بهشت و جهنم است. این راه در قرآن کریم هم آمده و برای انسان های متوسط، راه خوبی است.

راه سوم: این راه، مخصوص قرآن کریم است و ایشان در توضیح این راه می نویسند:

در این میان، طریقه سوم هست که مخصوص به قرآن کریم است و در هیچ یک از کتب آسمانی که تاکنون به ما رسیده، یافت نمی شود و نیز از هیچ یک از تعالیم انبیای گذشته علیهم السلام

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵۳۳.

ص: ۳۲۸

نقل نشده و نیز در هیچ یک از مکاتب فلاسفه و حکمای الهی دیده نشده و آن عبارت از این است که انسان‌ها را از نظر اوصاف و طرز تفکر، طوری تربیت کرده که دیگر محل و موضوعی برای رذایل اخلاقی باقی نگذاشته و به عبارت دیگر، اوصاف رذیله و خوی‌های ناستوده را از طریق رفع از بین برده نه دفع؛ یعنی اجازه نداده که رذایل در آنها راه یابد تا در صدد برطرف کردنش برآیند. بلکه دل‌ها را آن‌چنان با علوم و معارف خوب پر کرده که دیگر جایی برای رذایل باقی نگذاشته است.

توضیح اینکه هر عملی که انسان برای غیر خدا انجام دهد، الا و لابد منظوری از آن عمل در نظر دارد؛ یا برای این می‌کند که در آن عزتی سراغ دارد و می‌خواهد آن را به دست آورد و یا به خاطر ترس از نیرویی، آن را انجام می‌دهد تا از شر آن نیرو محفوظ بماند. قرآن کریم، هم عزت را منحصر در خدای سبحان کرده و فرموده است: «إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ عزت همه اش از خداست» (۱) و هم نیرو را منحصر به او کرده و فرموده است: «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ نیرو همه اش از خداست» (۲) و معلوم است کسی که به این دین و به این معارف ایمان دارد، دیگر در دلش جایی برای ریا و ترس از غیر خدا و امید به غیر خدا و تمایل و اعتماد به غیر خدا باقی نمی‌ماند... [این] طریقه سوم که راه قرآن است، براساس توحید خالص و کامل بنا شده؛

۱- یونس: ۶۵.

۲- بقره: ۱۶۵.

ص: ۳۲۹

توصیه ای که تنها و تنها در اسلام دیده می شود و خاص اسلام است که بر آورنده اش بهترین صلوات و درودها باد... (۱).

با این بیان، می توان نتیجه گرفت که مؤثرترین راه برای درمان همه بیماری های اخلاقی یا کسب فضایل اخلاقی، روش دعوت به ایمان دوباره به خداست: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ (۲)**. انسان اگر به راستی درک کند که غیرخدا هیچ است، همه ملک و خلق (و نیز انسان) آفریده خداست، ملک خداست، عبد خداست، وجودش از خودش نیست و همه چیز از آن خداست، و این فهم و ایمان خود را تکرار کند و بر آن مداومت ورزد، ریشه حب ریاست، بلکه ریشه حب دنیا و آنچه در آن است، خشک خواهد شد.

#### ۴. آفات ریاست

۴. آفات ریاست

جامعه انسانی بدون رئیس و بدون رهبر نمی شود. در دیدگاه شیعه، ریاست حقیقی که ولایت الهی است، ذاتاً از آن خداست. و بعد از خدا، این ریاست الهی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سپس به صاحبان امر، یعنی امامان معصوم علیهم السلام بخشیده شده است. بنابراین، بر هر مسلمانی است که فقط از این افراد اطاعت و پیروی کند: **«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»**.

پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان او چون معصوم هستند، از آفات ریاست به دورند؛ هرچند امام پرهیزکاران، علی علیه السلام وقتی مردم انبار به احترام آن حضرت به دنبال مرکب حضرت حرکت می کردند، آنها را از این کار

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵۴۰.

۲- نساء: ۱۳۶.



ص: ۳۳۰

بازداشت و فرمود: آیا نمی دانید که پیاده رفتن همراه سواره، مایه فساد، و آن فساد مایه خواری پیاده است؟ باز گردید. (۱)

اما در جامعه، فقط معصوم علیهم السلام حکومت و ریاست نمی کند؛ افراد دیگری از مؤمنان و مسلمانان حاکم می شوند و ریاست می کنند. بر فرض که ریاست براساس عدل و تقوا باشد، باز باید بدانند که در معرض خطر بزرگی هستند.

در روایات برای ریاست آفاتی برشمرده شده که توجه به آنها، برای هر مدیری لازم و ضروری است. این آفات عبارتند از:

فخرفروشی، کیفر دادن زبردستان با اندک خطایی، نادانی، نداشتن سعه صدر و عقل و بردباری و... که روایات آن در گلبانگ حدیث همین نوشتار ذکر شده است.

### گلبانگ حدیث

#### اشاره

گلبانگ حدیث

زیر فصل ها

نکوهش ریاست

خطر ریاست طلبی

ریاست طلبی نکوهیده

آفت ریاست

ابزار ریاست

#### نکوهش ریاست

نکوهش ریاست

۱. امام علی علیه السلام: «الرئاسه عَطْبٌ؛ ریاست [مایه] نابودی است». (۲)

۲. امام باقر علیه السلام: «لَا تَطْلُبَنَّ أَنْ تَكُونَ رَأْسًا فَتَكُونَ ذَنْبًا؛ در پی سرکرده بودن مباش، که دنباله رو می شوی». (۳)

۳. امام صادق علیه السلام: «كُنْ ذَنْبًا وَلَا تَكُنْ رَأْسًا؛ دنباله رو باش و سرکرده مباش». (۴)

۴. امام صادق علیه السلام :

۱- رهاورد خرد (ترجمه تحف العقول)، ص ۲۰۵.

۲- غررالحکم، ح ۲۲۳.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۳۳۸، ح ۱.

۴- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۲۶، ح ۹۵.

ص: ۳۳۱

فیما ناجی الله تعالی به موسی علیه السلام : ... لا تَغْبِطَنَّ أَحَدًا بِرِضَى النَّاسِ عَنْهُ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ رَاضٍ عَنْهُ، وَ لَا تَغْبِطَنَّ مَخْلُوقًا بِطَاعَةِ النَّاسِ لَهُ فَإِنَّ طَاعَةَ النَّاسِ لَهُ وَ اتِّبَاعَهُمْ إِيَّاهُ عَلَى غَيْرِ الْحَقِّ هَلَاكٌ لَهُ وَ لِمَنْ اتَّبَعَهُ. (۱)

از نجوای خداوند متعال با موسی علیه السلام این بود: به حال کسی که مردم از او خوشنودند غبطه مخور، تا آنکه بدانی خدا هم از او خوشنود است و به حال کسی که مردم فرمانش را می برند نیز غبطه مخور؛ زیرا طاعت و پیروی ناحق مردم از او، باعث هلاکت او و پیروانش باشد.

### خطر ریاست طلبی

#### خطر ریاست طلبی

۱. امام باقر علیه السلام : «ما ذُئِبَانِ ضَارِيَانِ فِي غَنَمٍ لَيْسَ لَهَا رَاعٍ، هَذَا فِي أَوْلَاهَا وَ هَذَا فِي آخِرِهَا، بِأَسْرَعٍ فِيهَا مِنْ حُبِّ الْمَالِ وَ الشَّرَفِ فِي دِينِ الْمُؤْمِنِ؛ مال دوستی و جاه طلبی، به دین مؤمن زودتر خسارت می زند تا حمله دو گرگ درنده به گله ای بی شبان؛ که یکی از جلوی گله حمله آورد و دیگری از پشت آن». (۲)

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «أول ما عُصِيَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِسِتِّ خِصَالٍ: حُبُّ الدُّنْيَا، وَ حُبُّ الرِّئَاسَةِ، وَ حُبُّ الطَّعَامِ، وَ حُبُّ النِّسَاءِ، وَ حُبُّ النُّوْمِ، وَ حُبُّ الرَّاحَةِ؛ نخستین بار خداوند متعال به شش خصلت نافرمانی شد: دنیادوستی، ریاست طلبی، شکم پرستی، زن بارگی، علاقه مفرط به خواب و آسایش طلبی». (۳)

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَمَثَلَ لَهُ الرَّجَالُ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ؛ هر

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۳۵، ح ۲۱.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۳.

۳- الخصال، ص ۳۳۰، ح ۲۷.

ص: ۳۳۲

کس دوست داشته باشد که مردم در برابرش به تعظیم بایستند، جایگاهش در دوزخ است».(۱)

۴. امام علی علیه السلام: «آفَةُ الْعُلَمَاءِ حُبُّ الرِّئَاسَةِ؛ آفَتِ دَانِشْمَنْدَانِ، رِیَاسَتِ طَلَبِیِ اسْت.».(۲)

۵. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ شِرَارَكُمْ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُوْطَأَ عَقْبُهُ، إِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ كَذَابٍ أَوْ عَاجِزِ الرَّأْيِ؛ بدترین شما کسی است که دوست دارد پشت سرش راه روند. چنین کسی ناچار، یا دروغ پرداز است یا سست رأی».(۳)

۶. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ حُبَّ الشَّرِّفِ وَ الذِّكْرِ لَا يَكُونَانِ فِي قَلْبِ الخَائِفِ الرَّاهِبِ؛ حب مقام و شهرت، در دل ترسانِ بیمناک [از خدا] نباشد».(۴)

۷. امام صادق علیه السلام: «إِيَّاكُمْ وَ هُوَلاءِ الرُّؤَسَاءِ الذِّينَ يَتْرَأُسُونَ، فَوَ اللّهِ مَا خَفَقَتِ النُّعَالُ خَلْفَ رَجُلٍ إِلَّا هَلَكَكَ وَ أَهْلَكَ؛ از این سران ریاست پیشه بپرهیزید؛ زیرا به خدا سوگند که کفش‌ها در پی مردی به صدا درنیاید، مگر آنکه او هلاک شود و دیگران (پیروانش) را نیز به هلاکت اندازد».(۵)

۸. امام صادق علیه السلام: «مَنْ طَلَبَ الرِّئَاسَةَ هَلَكَكَ؛ هر کس جویای ریاست باشد، نابود شود».(۶)

۹. امام صادق علیه السلام: «مَنْ أَرَادَ الرِّئَاسَةَ هَلَكَكَ؛ هر کس ریاست خواهد، هلاک شود».(۷)

۱- مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۶۶، ح ۷۰.

۲- غررالحکم، ح ۳۹۳۰.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۲۹۹، ح ۸.

۴- الکافی، ج ۲، ص ۶۹، ح ۷.

۵- الکافی، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۳.

۶- الکافی، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۲.

۷- الکافی، ج ۲، ص ۲۹۹، ح ۷.

ص: ۳۳۳

## ریاست طلبی نکوهیده

ریاست طلبی نکوهیده

۱. عن سفيان بن خالد: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا سفيان إياك و الرئاسه، فما طلبها أحد إلا هلك. فقلت له: جعلت فداك قد هلكنا؛ إذ ليس أحد منا إلا وهو يحب أن يذكر و يقصد و يؤخذ عنه. فقال: ليس حيث تذهب إليه، إنما ذلك أن تنصب رجلاً دون الحجة فتصدقه في كل ما قال و تدعو الناس إلى قوله. (۱)

به نقل از سفیان بن خالد، امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای سفیان! از ریاست بپرهیز؛ زیرا هر کس جویای ریاست شد، هلاک گشت. عرض کردم: فدایت شوم! پس همه ما هلاک شدیم؛ زیرا هیچ یک از ما نیست جز آنکه دوست دارد اسمش برده شود و مردم به او روی آورند و از او استفاده کنند. حضرت فرمود: درست متوجه نشدی، بلکه ریاست طلبی به این معناست که کسی را غیر از حجت [خدا] عَلم کنی و هر چه می گوید تصدیق کنی و مردم را به عقیده او فراخوانی.

۲. عن أبي حمزة الثمالي: قال لي أبو عبد الله عليه السلام: إياك و الرئاسه، و إياك أن تطأ أعقاب الرجال. قلت: جعلت فداك اما الرئاسه فقد عرفتها، و اما أن أطأ أعقاب الرجال فما ثلثا ما في يدي إلا مما وطئت أعقاب الرجال؟! فقال لي: ليس حيث تذهب، إياك أن تنصب رجلاً دون الحجة فتصدقه في كل ما قال. (۲)

به نقل از ابو حمزه ثمالی: امام صادق علیه السلام: ای سفيان! از ریاست بپرهیز و از راه افتادن پشت سر شخصیت ها خودداری کن. عرض کردم: فدایت شوم، [نکوهیده بودن] ریاست را دانستم اما دو سوم آنچه [از اخبار و احادیث] در دست دارم، از همین راه افتادن دنبال رجال و شخصیت هاست. حضرت فرمود:

۱- معانی الأخبار، ص ۱۸۰، ح ۱.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۲۹۸، ح ۵.

ص: ۳۳۴

درست متوجه نشدی، بلکه مقصود این است که مبدا کسی را غیر از حجت [خدا] عَلم کنی و هرچه می گوید تصدیق کنی.

### آفت ریاست

آفت ریاست

۱. امام علی علیه السلام: «آفَةُ الرَّئِاسَةِ الْفَخْرُ؛ آفت ریاست، فخر فروشی است».(۱)

۲. امام صادق علیه السلام: «لَا يَطْمَعَنَّ الْمُعَاقِبُ عَلَى الذَّنْبِ الصَّغِيرِ فِي الشُّوْذِ؛ کسی که مردم را به اندک گناهی کیفر دهد، نباید به سروری چشم داشته باشد».(۲)

۳. امام صادق علیه السلام: «خَمْسٌ هُنَّ كَمَا أَقُولُ: لَيْسَتْ لِخَيْلٍ رَاحَةٌ، وَ لَا لِحَسُودٍ لَذَّةٌ، وَ لَا لِأَمْلُوكٍ وَفَاءٌ، وَ لَا لِكَذَّابٍ مُرُوءَةٌ، وَ لَا يَسُودُ سَيْفِيَّةٌ؛ شما را از پنج واقعت آگاه می سازم: بخیل را آسایش نباشد، و حسود را خوشی، و شاهان را وفاداری، و دروغگو را مردانگی، و نادان را ریاست و سروری».(۳)

### ابزار ریاست

ابزار ریاست

۱. امام علی علیه السلام: «آلَةُ الرَّئِاسَةِ سَعَةُ الصَّدْرِ؛ سعه صدر ابزار ریاست است».(۴)

۲. امام علی علیه السلام: «مَنْ جَادَ سَادَ، وَ مَنْ كَثَرَ مَالَهُ رَأَسَ؛ بخشنده آقایی کند، و ثروتمند ریاست».(۵)

۳. امام علی علیه السلام: «مَنْ أَحَبَّ رِفْعَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ فَلْيَمِمْتْ فِي الدُّنْيَا الرِّفْعَةَ؛

۱- غررالحکم، ح ۳۹۵۰.

۲- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۷۲، ح ۲.

۳- الخصال، ص ۲۷۱، ح ۱۰.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶.

۵- تحف العقول، ح ۹۶.

ص: ۳۳۵

هرکس دوست دارد در دنیا و آخرت بلندمرتبه باشد، باید بلندمرتگی را در دنیا دشمن دارد» (۱).

۴. امام علی علیه السلام: «مَنْ بَدَلَ مَعْرُوفَهُ اسْتَحَقَّ الرَّئِيسَةَ؛ هرکس نیکی کند، سزاوار ریاست است».

## نمونه های رفتاری

### اشاره

نمونه های رفتاری

زیر فصل ها

۱. حب ریاست ابن داود و شهادت امام باقر علیه السلام

### ۱. حب ریاست ابن داود و شهادت امام باقر علیه السلام

۱. حب ریاست ابن داود و شهادت امام باقر علیه السلام

حب ریاست ابن داود، قاضی القضاة زمان معتصم عباسی، جریان معروفی است که مرحوم بحرانی در تفسیر البرهان آن را نقل می کند. (۲)

زرقان می گوید: روزی ابن داود از مجلس معتصم برگشت. درحالی که بسیار پریشان و غمناک بود! از او پرسیدم: چرا این قدر ناراحتی؟ چه اتفاقی افتاده است؟ گفت: دوست داشتم بیست سال پیش مرده بودم. گفتم: چرا؟ گفت: به دلیل جریانی است که مربوط به اباجعفر بن محمد بن علی بن موسی است و نزد معتصم اتفاق افتاده است. در جلسه معتصم بودم؛ دزدی را آوردند که به سرقت خود اقرار کرد. معتصم از تطهیر او به وسیله حد پرسید. جمعی از فقها را در مجلس جمع کرد. محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) را هم احضار کرد و پرسید که دست او از کجا باید قطع شود؟ من گفتم از میچ دست. خلیفه گفت: دلیل تو چیست؟ گفتم: زیرا دست عبارت است از انگشتان و کف تا میچ؛ به دلیل سخن خداوند در آیه تیمم که فرمود: پس بر خاکی پاک تیمم کنید و صورت و دست هایتان را مسح کنید. اما عده ای گفتند باید

۱- غررالحکم، ح ۸۸۶۸.

۲- فی قوله تعالى: وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا (مائده: ۳۸).

ص: ۳۳۶

تا آرنج قطع شود. خلیفه گفت: دلیل شما چیست؟ گفتند: به دلیل آیه وضو که حد دست را تا آرنج بیان کرده است. ابن داود در ادامه می گوید: معتصم مسئله را از جوان بیست و پنج ساله، یعنی محمد بن علی علیه السلام پرسید. حضرت فرمود: اینها جواب دادند! معتصم گفت: من از شما نظر می خواهم. حضرت فرمود: هر دو اشتباه قضاوت کردند؛ به دلیل آیه: ان المساجد لله...؛ محل های سجده از آن خداست» و کسی نباید در آنها تعرض کند و حد را مشخص کرد. معتصم جواب حضرت را پسندید... .

ابن داود با اینکه می دانست هر کس در خون امام باقر علیه السلام شریک شود، هلاک خواهد شد، معتصم را برای ترور آن حضرت تحریک کرد. در نهایت، معتصم لعنه الله علیه آن بزرگوار را مسموم کرد و به شهادت رساند. (۱)

## آموزه ها

آموزه ها

۱. ریاست طلبی علاوه بر گمراهی خود انسان، گمراهی دیگران را نیز به دنبال دارد. امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَهُؤُلَاءِ الرُّؤَسَاءِ الَّذِينَ يَتَرَأْسُونَ فَوَ اللَّهُ مَا خَفَقَتِ النَّعْيَالُ خَلْفَ رَجُلٍ إِلَّا هَلَكَكَ وَأَهْلَكَ؛ از گرد این ریاست مداران که بر کرده مردم سوار می شوند، دور شوید؛ به خدا سوگند، صدای نعلین پشت سر هیچ کس طنین نیفکند جز اینکه پیشرو و مشایعت کننده هر دو هلاک شوند». (۲)

۱- البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۹۷.

۲- منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه (خوئی)، ج ۱۳، ص ۲۷۴.



ص: ۳۳۷

۲. در روایات، فکر کردن به ریاست، اهتمام به آن و کوشش برای رسیدن به آن، نکوهش شده است.

۳. بهترین راه مداوای ریاست طلبی، توجه به توحید و پناه بردن به خداوند متعال است؛ زیرا همه عزت‌ها و قدرت‌ها از آن خداست.

۴. انسان مؤمن، در پی ریاست نمی‌رود، اما امامت اهل تقوا را در دل دارد و اگر خدا این موهبت را به او داد، بر اساس تقوا، راهبری جامعه را بر عهده می‌گیرد.

### منابع دیگر

### منابع دیگر

تیزرو طولی، فیروز، اصول مدیریت اسلامی، (مدیر موفق از دیدگاه اسلام)، تالش، ۱۳۸۴.

محمدخانلو، ناصر، ویژگی‌های مدیر موفق، تهران، پژوهش، ۱۳۸۵.

نراقی، احمد بن محمد مهدی، حب شهرت و ریاست و راه‌های درمان آن، به کوشش: عبدالوهاب محصل، قم، محصل، ۱۳۸۱.



ص: ۳۳۹

## کتاب نامه

کتاب نامه

ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیاء التراث.

ابن بابویه قمی (شیخ صدوق) ابوجعفر محمد بن علی بن حسین، عیون اخبار الرضا، تحقیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بی تا.

، الامالی، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.

، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ ه.ق.

، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، نگاه آشنا، ۱۳۸۷.

، ثواب الأعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ ه.ش.

، علل الشرایع، بیروت، داراحیاء التراث.

، معانی الاخبار، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۸۹.

، من لا یحضر الفقیه، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.

ابن شعبه حرانی، محمد حسن بن علی بن حسین، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله ، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.

ص: ۳۴۰

ابن فهد حلی، احمد بن محمد، آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز، ترجمه: محمد حسین نائیجی نوری، آیت اشراق، ۱۳۸۷.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۴ ه. ش.

ابن ورام، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورام)، بیروت، دارالتعارف و دارصعب.

انصاری، مرتضی، المکاسب، قم، احسن الحدیث، ۱۳۷۹.

برقی، احمد بن محمد، المحاسن، بی جا، بی تا.

بغدادی، محمد بن نعمان، ارشاد، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۹ ه. ق.

بندرریگی، محمد، المنجد (عربی فارسی)، تهران، ایران، بی تا.

پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲ ه. ش.

تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق: میر سید جلال الدین المحدث، جامعه طهران، ۱۳۶۰ ه. ش.

حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تحقیق: الشیخ عبدالرحیم الربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۲ ه. ق.

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق: محمدباقر المحمودی، قم، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۳۸۵.

داوریناه، ابوالفضل، انوار العرفان فی تفسیر القرآن، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۸۰.

دیلمی، حسن ابی الحسن، ارشاد القلوب، قم، شریف الرضی، ۱۳۶۸.

ری شهری، محمد، مراقبات شهر رمضان، قم، مؤسسه دارالحدیث، مرکز للطباعه و النشر، ۱۳۸۴.

ص: ۳۴۱

زمانی وجدانی، مصطفی، داستان‌ها و پندها، تهران، پیام عدالت، ۱۳۷۷.

سید قطب، فی ظلال القرآن، تهران، مرکز نشر انقلاب، ۱۳۶۲.

سیوطی، جلال الدین، درالمنثور، قم، مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ه.ق.

شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، الامالی، قم، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ه.ق.

الصحیفه السجادیه الجامعه (ادعیه ماثوره عن الامام زین العابدین علیه السلام)، قم، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ ه.ق.

طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۷۱ ه.ق.

طبرسی، ابوالفضل علی بن ابی نصر رضی الدین، مشکاه الانوار، بیروت، مؤسسه النور للمطبوعات، چاپ دوم، بی تا.

طبرسی، فضل بن حسن بن فضل، مجمع البیان، بی تا، بی جا، ۱۰۶۱ ه.ق.

، تفسیر جوامع الجامع، تصحیح: ابوالقاسم گرجی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۳۶۷.

طبرسی، نصر الحسن بن الفضل بن الحسن، مکارم الاخلاق، تحقیق: علاء آل جعفر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ه.ق.

طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ه.ق.

عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، قم، مطبعه علمیه، بی تا.

غزالی، محمد بن محمد، کیمیای سعادت، تهران، پیمان، ۱۳۸۲.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، محجه البيضاء، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۲.

ص: ۳۴۲

قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ه. ق.

قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ه. ش.

قشیری نیشابوری، حسین مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، دارالحدیث، قاهره، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ ه. ق.

قضاعی، محمد بن سلامه، ترجمه و شرح فارسی شهاب الاخبار، تصحیح: محمدتقی دانش پژوه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.

قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر القمی، تحقیق: السید طیب الموسوی الجزائری، قم، مؤسسه دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ه. ق.

قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، بیروت، دارالمرتضی، ۱۴ ه. ق.

کاشانی، فتح الله بن سُکر الله، منهج الصادقین، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامی.

کلینی رازی، جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.

، الروضه من الکافی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۶.

لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۷۶.

متقی هندی، علاء الدین متقی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.

مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ه. ق.

ص: ۳۴۳

مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۲.

محمدی ری شهری، محمد، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.

مشکینی اردبیلی، علی، مواعظ العددیه، تعلیق: علی احمدی میانجی، بی جا، بی تا.

مصباح الشریعه، (منسوب به امام جعفر علیه السلام)، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ ه. ق.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۸ ه. ش.

معلوف، لوس، المنجد، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۶۵.

مفید، محمد بن محمد، دفاع از تشیع (ترجمه: الفصول)، ترجمه: آقا جمال خوانساری، تصحیح: صادق حسن زاده، قم، انصاریان، ۱۳۹۰.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

موسوی همدانی، سید محمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.

نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، سازمان انتشارات جاویدان.

نیشابوری، محمد بن الفتال، روضه الواعظین، تحقیق: غلامحسین مجیدی، مجتبی فرجی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۱.

هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب قم، چاپ دوم، ۱۳۸۳.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر



بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

